

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (١٠) تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (١١) قرآن کریم سوره الصفّ

سایت های شمه ای از قرآن و سنت

1-www.booksasgari.ir

2-www.i-g-s.blogfa.com

3-www.shamme-goran-sonnat.blokfa.com

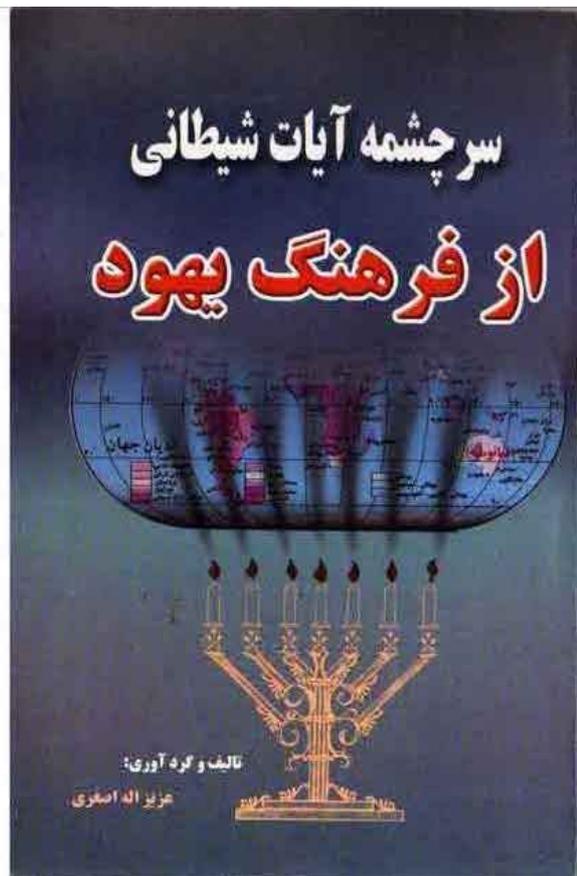
سایت های فارسی

1\_ عزیزاله اصغری

2\_ شمه ای از قرآن و سنت

3\_ عزیزاله اصغری تبریزی

ها ن قرآن حاصل رنج خلیل اله است  
زحمت عمر محمد که جیب اله است  
خون یحیی و حسین راه کلیم اله است  
نور و آگاهی دوران قرآن می آید



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اینجانب مؤلف: عزیزاله اصغری به ناشرین ایران  
وتمامی ناشرین جهان اجازه میدهم که عین کتاب  
های اینجانب را ترجمه و چاپ و انتشار نمایند در این  
صورت از هیچ ناشر حقّ تألیف: نمیخواهم زیرا که  
حقّ تألیف: اینجانب بر عهده خداوند خلاق جهان  
هستی و ربّ العالمین و منّان میباشد؛ انشالله تعالی

# سرچشہ آیات شیطانی از فرهنگ یهود

تألیف وگرد آوری:

عزیز الہ اصغری

**جلد اول**

**۱**

این کتاب به گنجینه کتاب و کتابخانه اسناد ملی  
جمهوری اسلامی ایران گذاشته شده است!!!

@ نام کتاب: سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

@ تألیف و گرد آوری: عزیزاله اصغری

@ ناشر: مؤلف

@ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

@ نوبت چاپ: چاپ اول

@ قیمت: ۴۵۰۰ تومان

@ شابک ۹۷۸۹۶۴۰۴۰۲۴۸۱

X ۹۶۴۰۶۴۲۲۴

تهران - ایران

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	آغاز سخن
۶	اشعار توحیدی
۸	پیشگفتار
۱۱	<b>فصل اول: خدایان دوازده گانه یهودیت</b>
۱۳	خداوند یَهُوَه صَبَا یوت
۱۳	خداوند هَلِوِیاه
۱۴	خداوند الواهی
۱۵	داود خداوند اسرائیل است
۱۵	سموئیل خداوند اسرائیل است
۱۶	خداوند؛ خدایان
۱۸	خدایان زیاد هستند
۱۸	تمامی قوم بنی اسرائیل خداوند هستند
۱۹	خداوند یکی است
۱۹	خداوند زائیده است
۲۰	خداوند هنوز زائیده نشده است
۲۰	سلیمان هم خداوند است
۲۱	نکاتی از مؤلف: درباره خدایان یهودیت
۲۳	<b>فصل دوم: عملکرد خدایان کتاب تورات فعلی</b>
۲۵	خداوند آدم را مانند خود آفریده
۲۶	خداوند به اطراف لشگر آدو زده است
۲۶	خداوند هم میخوابد و هم نمیخوابد
۲۷	پسران خداوند از دختران انسان زن اختیار کرده است
۲۷	خداوند شوهر زنان و هم پسران است
۲۸	دوزن زناکار بخداوند خیانت کرده است
۳۴	اسرائیل از خدای خود زنا کرده است
۳۵	خداوند هم طلاق داده؛ و هم از طلاق نفرت دارد
۳۵	خداوند مثل شیر به بنی اسرائیل حمله خواهد کرد

۳۶	خداوند هم دیده میشود؛ و هم دیده نمیشود
۳۶	خداوند به ارا به آتشین سوار میشود
۴۱	خداوند از کارهایش پشیمان میشود
۴۲	خداوند به ابر تیز رو سوار میشود
۴۳	انسان خدا را گول زده است
۴۳	خداوند از مرافی بیخبر
۴۳	یعقوب با خدا کشتی گرفته است
۴۴	خداوند گفت: شما خس خواهید زانید
۴۴	خداوند موسی را بفرعون خدا ساخته است
۴۴	خداوند گفت: هر کسی در روز شنبه کار کند باید کشته شود
۴۵	خداوند خوردن خون و گوشت غیریهودی را به اسرائیل حلال فرماید
۴۶	خداوند مهمان ابراهیم میشود
۴۸	خداوند علام و نزد یک است
۵۰	نکاتی از مؤلف: درباره عملکرد خداوند کتاب تورات فعلی
۵۲	خداوند یهودیت در کتاب تلمود
۵۴	روح خداوند بر روی آب پرواز میکند
۵۴	مکان خداوند در آسمان هفتم است
۵۴	خداوند نماز میخوانند
۵۴	خداوند مغلوب میشود
۵۴	خداوند جهان را از روی نقشه کتاب تورات فعلی آفریده است
۵۴	فرشتگان دعا و نمازها را تاج کرده بر سر خداوند میگذارند
۵۴	خداوند آتش سوزنده است
۵۵	انسان بسوی الوهیت بالا میرود
۵۵	نکاتی از مؤلف: در باره کتاب تورات و غیره ۰۰۰ نوشته شده است
۵۷	<b>فصل سوم: خلقت آدم</b>
۶۱	خداوند آدم را بصورت خود آفریده
۶۲	پسر آدم برادرش را گشت
۶۴	پسران خداوند از دختران آدم زن اختیار کرده
۶۴	نوح با خدا راه میرفت
۶۴	نکاتی از مؤلف: درباره خلقت آدم
۶۵	خلقت آدم در کتاب تلمود
۶۷	<b>فصل چهارم: پیدایش نوح</b>
۶۹	طوفان نوح

۷۱	کشتی نوح در کوه‌های آرارات ساکن شد
۷۳	پسران نوح
۷۵	<b>فصل پنجم: زندگی ابراهیم</b>
۷۷	ساره زن ابراهیم زن فرعون هم شد
۸۱	هاجر زن ابراهیم شد
۸۲	فرشته خداوند بر هاجر نازل شد
۸۴	خداوند نزد ابراهیم آمده و مهمان او شد
۸۶	ویران کردن شهر لوط سدوم
۸۷	دو دختر لوط با پدرش زنا کرده دو پسر زنا زاده بد نیا آورده اند
۸۸	ساره زن ابراهیم زن ابی ملک هم شد
۸۹	ساره خواهر واقعی ابراهیم بوده که زن او شده است
۹۴	ابراهیم مردان ختنه شده را ببهشت خواهد فرستاد
۹۴	نکاتی از مؤلف: درباره زندگی ابراهیم
۹۹	<b>فصل ششم: در باره زندگی اسماعیل فرزند ابراهیم</b>
۱۰۱	قیدار پسر دوّم اسماعیل جدّ محمد پیامبر اسلام است
۱۰۳ - ۱۰۷	<b>فصل هفتم: درباره زندگی اسحاق</b>
۱۰۶	خداوند بر اسحاق ظاهر شد
۱۰۶	اسحاق گفت: زنم خواهر من است
۱۰۶	<b>فصل هشتم: درباره زندگی یعقوب</b>
۱۱۱	یعقوب با خدا کشتی گرفته و پیروز شد
۱۱۳	اسرائیل پدر و پسر بیک دختر در آمده اند
۱۱۳	خداوند شوهر پسران است
۱۱۵	خداوند قصد قتل موسی را داشت
۱۱۶	پسران یعقوب بخاطر زنا یک شهر را ویران و اهلس را قتل عام کردند
۱۱۸	یعقوب شاخهایی مثل گاو وحشی دارد
۱۱۹	پسر یعقوب بستر پدر خود را بی عصمت ساخت
۱۱۹	خداوند از مکان خود بیرون می آید
۱۲۰	یعقوب خداوند را نخواند
۱۲۱	خداوند یعقوب را به لعنت و دشنام تسلیم کرد
۱۲۴	اسرائیل نیگونی را ترک کرده است
۱۲۴	اسرائیل بُت ساخته و خدای خود را فراموش کرد
۱۲۴	اسرائیل از خدای خود زنا نمود

۱۲۶	خداوند اسرائیل را ترک کرده
۱۲۶	سامره گوساله زرین را ساخت
۱۲۷	بنی اسرائیل به بُت قربانی میکردند
۱۲۷	بنی اسرائیل بُت پرست ومرتد شدند
۱۲۸	خداوند ظلم را دوست میدارد
۱۲۹	نکاتی از فصل قبل: درباره یعقوب
۱۳۱	<b>فصل نهم: زندگی داود</b>
۱۳۳	داود خداوند است
۱۳۴	داود در حضور خداوند رقص کرد
۱۳۶	داود داخل حضور خداوند شد و نشست و گفتگو کرد
۱۳۸	مادر داود در گناه آبستن گردید
۱۴۰	داود زناى محصنه کرد و پسر زنا زاده بد نیا آورده است
۱۴۰	داود دستور داد بخاطریک زن یک مؤمن را بقتل برسانند
۱۴۳	پدر و مادر سلیمان زنا کار بودند
۱۴۳	لشگر داود بنی عمّون را با ارّه و تیشه و غیره قتل عام کردند
۱۴۴	پسر داود با خواهر خود زناى عنفی کرده است
۱۴۵	پسر داود برادرش را بقتل رسانید
۱۴۹	داود از ترس پسرش فرار کرد
۱۵۱	جنگ داود با پسرش بیست هزار کشته داشت
۱۵۳	خداوند در آسمان نشسته میخندد
۱۵۴	آرامگاه خداوند تا ابد صهیون است
۱۵۴	سلیمان هزار زن داشت
۱۵۴	زنان سلیمان دل او را بخدایان دیگر مایل کردند
۱۵۴	دل سلیمان و داود برای یهوه کامل نبود
۱۵۴	داود و سلیمان اوامر و فرایض خداوند را نگاه نداشتند
۱۵۵	سلیمان خدایان دیگر را عبادت و پرستش میکرد
۱۵۵	نکاتی از مؤلف: در فصل داود
۱۵۹	<b>فصل دهم: زندگی سلیمان</b>
۱۶۲	خداوند بسلیمان ظاهر شد
۱۶۳	سلیمان دختر فرعون را بزنی گرفت
۱۶۶	غزلهای سلیمان
۱۷۳	نکاتی از مؤلف: در فصل سلیمان
۱۷۵	<b>فصل یازدهم: عملکرد بنی اسرا ئیل</b>

- یهودا پسریعقوب باعروس خودزنا کرده دوپسر بچه زنا زاده بدنیا آورد ۱۷۷
- روحامه زن خداوند نیست ۱۷۹
- بنی اسرائیل شریعت خداود را فراموش کردند ۱۸۲
- روح زنا کاری در قلب بنی اسرائیل است ۱۸۳
- اسرائیل خالق خود را فراموش کرد ۱۸۵
- اسرائیل از خدای خود زنا کرده است ۱۸۵
- بنی اسرائیل خون و گوشت انسانهای غیر یهودی خواهند خورد ۱۸۶
- انبیاء اسرائیل مانند روباهان هستند ۱۸۷
- بنی اسرائیل بت پرست و مرتد بودند ۱۸۸
- بنی اسرائیل انبیاء خداوند را بقتل رسانیده اند ۱۸۹
- خداوند بکارهایش پشیمان میشود ۱۹۲
- هر کسی خداوند بنی اسرائیل را پرستش نماید باید کشته شود ۱۹۳
- تمام بنی اسرائیل زنا کار و خدایان دیگران را سجده کردند ۲۰۱-۱۹۶-۱۹۴
- بنی اسرائیل فرزندان خود را به بتها قربانی کردند ۲۰۵-۲۰۱-۱۹۶-۱۹۴
- همه بنی اسرائیل فتنه انگیز هستند ۱۹۷
- بنی اسرائیل به آفتاب سجده کردند ۱۹۷
- بنی اسرائیل خونریز و عروس و پدربزن و خواهر خود را بی عصمت کرد ۱۹۸
- یهودا پسریعقوب باعروس خود زنا کرده دوپسر زنا زاده بدنیا آورد ۲۰۶
- نکاتی از مؤلف: درباره عملکرد بنی اسرائیل ۲۰۶
- متن کتاب تورات را تحریف کردند ۲۰۹
- همه بنی اسرائیل پیامبر خواهند شد ۲۰۹
- نبوت از پیامبران گرفته شد و بدیوانگان عطاء گردید ۲۱۰
- عالم هستی بخاطر تورات آفریده شد ۲۱۰
- زن نمی تواند وظیفه قضات را انجام بدهد ۲۱۱
- فصل دوازدهم: درباره حکم زنا و دزدی و غیره از تورات** ۲۱۳
- هر کسی که بدار آویخته شود ملعون خداوند است ۲۱۵
- در کتاب تورات زنا کار باید سنگسار شود ۲۱۶
- گاو آدم کش باید سنگسار شود ۲۱۶
- یوشع را سنگسار کردند ۲۱۷
- هر کسی که روز شنبه کار کند باید کشته شود ۲۱۷
- جادوگر را سنگسار کنید ۲۱۸
- هر کسی که با حیوانی مقاربت کند باید کشته شود ۲۱۹
- بت زرین گوساله راهارون برادر موسی ساخت ۲۱۹

- ۲۲۱ اسرائیل نیگونی را ترک کرده است
- ۲۲۱ بُت زرّین گوساله را سامره ساخت است
- ۲۲۲ بُت زرّین گوساله را یربعام ساخته است
- ۲۲۲ نکاتی از مؤلف: درباره ساختن گوساله زرّین
- ۲۲۳ بنی اسرائیل فرزندان خدا هستند
- ۲۲۴ ربا خواری از همه گناهان سنگین تر است
- ۲۲۵ نکاتی از مؤلف: از کتاب تلمود در باره حکم ضدّ و نقیض
- ۲۲۷ فصل سیزدهم: درباره عیسی ابن مریم رسول الله
- ۲۲۹ در تورات فعلی خبر داده شده است دختر باکره ای حامله خواهد شد
- ۲۳۱ خداوند با پادشاه ماهی بازی میکند
- ۲۳۱ قسمتی از شیاطین از فرزندان آدم هستند که از نسل او متولد شدند
- ۲۳۱ حوا ۳۰ سال همسریکی از شیاطین بوده است که بر او فرزندان زائید
- ۲۳۱ نطفه غیریهودی مثل نطفه حیوانات است
- ۲۳۱ جهنّم جایگاه مسیحیان و مسلمانان است
- ۲۳۱ مسیح پیا مبر نیامده است
- ۲۳۲ در زمان مسیح یهودی دوهزار و هشتصد برده غلام خواهد داشت
- ۲۳۲ نوشته اند مریم بامردی بنام باندارزنا کرده و عیسی از آنها متولد شد
- ۲۳۲ عیسی مسیح و مادرش مریم را در آتش جهنّم میسوزانند
- ۲۳۲ سنگ افضل از غیر یهودی است
- ۲۳۳ یسو مسیح کافر است
- ۲۳۳ دزد از یهود حرام و از غیر یهود جائز است
- ۲۳۳ حیات زندگی دیگران مُلک یهود است
- ۲۲۳ غیر یهودی هر چند صالح و نیکوکار باشد باید او را کشت
- ۲۳۳ هرگاه یکی از غیر یهودی را بکشیم مثل اینکه در راه خدا قربانی کردیم
- ۳۲۴ زنا و لواط با غیر یهودی گناه و عقاب ندارد
- ۲۳۴ برای هر یهودی واجب است روزی سه بار مسیحیان را لعن کند
- دیگران حیواناتن؛ مانند مسیحیان و مسلمانان بودائیان؛ مُلک یهود
- ۲۳۶ بعد از آمدن مسیح انسان یک حبه انکور را با گاری یا با قایق حمل میکند
- ۲۳۶ بعد از آمدن مسیح یک دانه گندم به اندازه دو قلوه یک گاو خواهد بود
- ۲۳۶ بعد از آمدن مسیح زنان هر روز خواهند زائید و درختان هر روز میوه میدهد
- ۲۳۶ بعد از آمدن مسیح پلنگ شیر و خرس و کرگ علف خواهند خورد
- ۲۳۶ بعد از آمدن مسیح بچه گاوانسان واقعی و شیرو پلنگ با هم بازی میکند
- ۲۳۷ متن کتاب تورات را تحریف کردند

- ۲۳۷ آن کسیکه یهودی ظلم کند مثل این که بخداوند ظلم کرده است
- ۲۳۷ بعد از آمدن مسیح خداوند مانند رئیس دادگاه با اسرائیل جلوس میکند
- ۲۳۷ آتش جهنم بردانشمدان تورات اثری ندارد
- ۲۳۸ نکاتی از مؤلف: درباره مسیح
- ۲۳۹ فصل چهاردم: تطبیقی کتابهای رشدی با فرهنگ یهودیت
- ۲۴۱ نفی خداوند ودین دررمانهای سلمان رشدی ملعون
- ۲۴۱ جبرئیل فرشته انحراف جنسی چیدا کرده؛ وبفحشا وفساد کشیده میشود
- ۲۴۲ نفی خداوند ودین خداوند در فرهنگ فعلی یهودیت و صهیون نیزم
- ۲۴۲ آیات شیطانی از فرهنگ یهودیت سرچشمه گرفته است
- ۲۴۲ خداوند یهودیت هم از زنان وازپسران زن گرفته و خودهم زائیده است
- ۲۴۳ پسران خدا از دختران انسانها زن اختیار کرده است
- ۲۴۳ خداوند کتاب تورات فعلی همجنس باز است
- ۲۴۳ در آیات شیطانی ابراهیم را حرام زاده است
- ۲۴۳ رشدی ملعون بپیامبران دیگر هم توهین واهانت کرده است
- ۲۴۴ آیات شیطانی اسماعیل پسر ابراهیم را حرام زاده نوشته است
- ۲۴۴ کتاب تورات فعلی به انبیاء عظام تهمت و توهین واهانت افتراء نوشته
- ۲۴۴ سلیمان هزار زن داشت
- ۲۴۴ کتاب مقدس داود و سلیمان را بت پرست نوشته است
- ۲۴۴ در اسرائیل یک زن یهودی ملعون بپیامبر اسلام توهین واهانت کرده
- ۲۴۵ سلمان رشدی ملعون پسرزنا زاده و حرام زاده بدنیا آورده است
- ۲۴۶ ناشر کتاب آیات شیطانی یهود و صهیون نیست است
- ۲۴۶ در آغاز نگارش کتاب آیات شیطانی رشدی ملعون گارد محافظ داشت
- ۲۴۷ عالم غرب حاکمیت ارزش های خود را در معرض تهدید جدی دیده است
- ۲۴۸ مذهب علی الهی را یهودیان مذهب ساز بوجود آورده است
- ۲۴۸ تشکلات یهودیت و صهیون نیزم از اول تروریست بوده وهست
- ۲۴۹ طراحی ترور عمر ابن خطاب خلیفه دوم مسلمانان توسط یهودیت بوده
- ۲۴۹ یهودیان خون غیر یهودی را میخورند
- ۲۵۰ پیش از چاپ آیات شیطانی یک میلیون نیم مارک بر رشدی پیش پرداخت
- ۲۵۱ رشدی بر نوشتن آیات شیطانی سه میلیون مارک حق تالیف دریافت
- ۲۵۲ رشدی بزرگترین جایزه نقدی انگلستان را بمبلغ شصت و پنج هزار مارک
- ۲۵۲ آیات شیطانی نا مزد جایزه کتاب شده است
- ۲۵۳ بامستندات؛ مدارک ثابت شده؛ رشدی مزدور یهودیت؛ صهیون نیزم بود
- ۲۵۴ یهودیان گوشت و خون انسانهای غیر یهودی را میخورند

- ۲۵۴-۲۵۵ کشتار و قتل و غارت یهودیان صهیون نیزم در جهان
- ۲۵۴ یهودیان خون و گشت غیر یودی را خواهند خورد
- ۲۵۶ یهودیان در عید فصح از خون غیریهود نان فطیر درست کرده میخورند
- ۲۶۰ از تاریخ تمدن ویل دورانت؛ در باره بچه دزدی یهودیان در اورپا
- ۲۶۵ نکاتی از مؤلف: انتقاد از ویل دورانت
- ۲۶۶ قوم یهودیت یهودی زاده هستند؛ یعنی فرزندان فارص و زارح هستند
- ۲۶۷ پروتکل شماره ۴ یهودیت و صهیون نیزم
- ۲۶۸ پروتکل شماره ۱۳ یهودیت و صهیون نیزم
- ۲۶۸ پروتکل شماره ۱۴ یهودیت و صهیون نیزم
- ۲۶۸ پروتکل شماره ۱۷ یهودیت و صهیون نیزم
- ۲۶۹ کینه یهودیت و صهیون نیزم در کتاب تلمود از غیریهودی
- ۲۶۹ غیریهودی هر چند صالح و نیگوار باشد باید او را کشت
- ۲۶۹ تعدی کردن بناموس غیریهودی مانعی ندارد؛ زیرا مثل حیوانات هستند
- ۲۶۹ بریهود واجب است روزی سه مرتبه مسیحیان را لعن کند
- ۲۶۹ دیگران برای یهودیت حیوانات انسانی خلق شده؛ و ملک یهود است
- ۲۶۹ مسیحیان و مسلمانان و بودائیان و غیر حیوانات با شعور؛ ملک یهودند
- ۲۷۰ لواط با زن جایز است
- ۲۷۰ نکاتی از مؤلف: انتقاد از کتاب تلمود
- ۲۷۰ فساد اخلاقی در کشور اسرائیل
- ۲۷۱ یکی از تولید کنندگان بیماری ایدز یهودیت است
- ۲۷۳ یهودیان دختران ۴ تا ۹ ساله را برای تجارت جنس لطیف بفروش رسانیدند
- ۲۷۳ فساد اخلاقی گوناگون جهان در اختیار یهودیت صهیون نیزم است
- ۲۷۵ کشتار عجیب یهودیان پس از انقلاب روسیه
- ۲۷۷ کشت و کشتار یهودیت در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی
- ۲۷۸ کشت و کشتار و قتل و غارت یهود در گورنه؛ قبرس؛ بین النهرین و غیره
- ۲۷۸ قتل عام غیریهودی؛ بوسلیه یهودیان
- ۲۷۹ رومیان یهودیان را قتل عام کردند؛ و ببردگی فروختند
- ۲۷۹ یهودیان موافقت کردند که عیسی مسیح بن مریم را توقیف کنند
- ۲۷۹ حکم قتل عیسی مسیح رسول الله صادر شد
- ۲۸۰ مسیحیان از وحشت و قتل یهودیان از اورشلیم فرار کردند
- ۲۸۱ یهودیان استیفان را سنگسار کردند
- ۲۸۱ سرینی نام از اهالی سوریه خود را منجی موعود خواند
- ۲۸۲ مسیحای دیگری در صفحات جنوب عربستان ظهور کرد

- تلمود حاوی اهانت های شرم آور نسبت به عیسی مسیح و مریم عذراء ۲۸۳
- نکاتی از مؤلف: انتقاد از ویل دورانت زیرا که مغرضانه خیانت کرده است ۲۸۳
- ۲۸۵ جنگ یهودیان با ایمان و ایجاد ترورو وحشت در جهان
- ۲۸۵ یهودیان تخم نفاق و کینه را بین مردم جهان پراکنده میکنند
- ۲۸۶ یهودیان بمخالفان خود با نیروی ترور جواب میدهند
- ۲۸۷ حکومت دیکتاتوری فراماسون را یهودیت صهیون نیست تشکیل داد
- ۲۸۷ تروریست های یهودیت از کشور بشکورا پایتخت پایتخت منتقل شدند
- ۲۸۷ نکاتی از مؤلف: درباره کتاب اسرار آمیز سازمان مخفی یهودیت
- ۲۸۷ یهودیت مزدور شاهان و خانان و اشراف بودند؛ و قد ضعفا را خم میکردند
- ۲۸۷ یهودیت صهیون نیزم آریل شارون تروریست دواتی رامنجی خود دانند
- ۲۹۰ یهودیت؛ صهیون نیزم؛ ضد خدا و ضد دین خدا و ضد قاتل؛ انبیاء عظام بودند
- ۲۹۱ فرهنگ دینی یهودیت؛ کتابهای رشدی مانند یک فرهنگ و عقیده هستند
- ۲۹۲ فصل پانزدهم: از کتاب تاریخ؛ مذاهب یهود؛ نویسنده یهود
- ۲۹۳ بن گوریون؛ صهیون نیزم بی دین و بی خدا بوده است
- ۲۹۵ سرزمین جغرافی آینده اسرائیل از نیل تا فرات را تورات تعیین کرده شد
- ۲۹۵ یهودیان در سیاه ترین جهل و نادانی و ناسانی بسر میبرند
- ۲۹۶ تلمودیک رشته اتهامات رکیک و افتراعات علیه عیسی مسیح میگوید
- ۲۹۷ در سال ۱۹۸۰ م صدها نخرسه اناجیل در اورشلیم؛ یهودیان علناً سوزانیدند
- ۲۹۷ طبیعت غیر یهود؛ از حیوانات و از میمون بالاتر؛ و از انسان پائین تر هستند
- ۲۹۷ غیر یهود؛ مخلوقات شیطانی هستند؛ هیچ نیگونی نزد آنان یافته نمیشود
- ۲۹۷ تفاوت کیفی میان یهودیان؛ و غیر یهودیان از مرحله جننی وجود دارد
- ۲۹۷ زندگی غیر یهودی امری غیر ضروری است
- ۲۹۷ دنیا جز بخاطر گل روی یهودیان ساخته نشده است
- ۲۹۷ مطبوعات اسرائیل خونخوارترین تحریکات علیه اعراب منتشر میکند
- ۲۹۸ آثار یهودیت و قوم گرای و کینه در قبال تمامی غیر یهودیان بوده و هست
- ۲۹۸ یهودیان نژاد پرست چشم بسته استا لینی هستند؛ و از هرا جلی شریهود
- ۲۹۸ خدایان عجیب و غریب و معجون یهودان قبالی
- ۲۹۸ در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی خدایان گوناگون دارد
- ۲۹۸ یهودیان از خدا پرستی و یکتا پرستی محض و بسیار دور گشته است
- ۳۰۰ خدایان چند اقوم الواهی و خدای مذکور مؤثا الوهیت و مسعود و بانو
- ۳۰۰ شیطان موفق میشود بخدا و ندا الواهی نزدیک گردد؛ از او سوء استفاده کند
- ۳۰۰ در گوه سینا الواهی؛ حلول یافته در پیکر موسی بالهه شخیناه جفت شد
- ۳۰۰ الواهی؛ در امپراتوری شیطان قرار میگیرد؛ در بستر خود مخلوقات شیطانی

- فرشتگان الوهیت هافرئب شطٲان را باخود همراه مئسازند ۳۰۱
- فرشتگان در واقع جز زبان عبرئ نمئ فهمند ۳۰۱
- ئهودئان؛ شطٲانرا تکرئم مئکنند؛ از قربانئان در معبد برای اومئسوزاندند ۳۰۲
- فرئبکار و پول پرستی خاخمهائ ئهودئان ۳۰۳
- خاخمهائ ئهودئت همئشه زئرسائه پادشاهان و خانان و اشراف بودند ۳۰۴
- خاخمهائ بئئئ زنان را مئ برئدند ۳۰۵
- ئهودئان تاجر اصلی بردگان بودند ۳۰۶
- ئهودئان مجاز بودند کوء کان غیر ئهودئ را برای فروش بر بائند ۳۰۶
- ئهودئان قطعاً با شطٲان هم حاضر به اتحاد مئ باشند ۳۰۶
- ئهودئان پیامبر اسلام را مجنون و مشوکا توصئف مئکنند ۳۰۷
- بدستور کتاب مقدس؛ ئهودئان گوشت؛ خون غیر ئهودئ را خوهند خورد ۳۰۷
- نکاتئ از مؤلف: شطٲان کئست؟ آئات شطٲانئ کدام کتاب است؟ ۳۰۷
- خاتمه کتاب سرچشمه آئات شطٲانئ از فرهنگ ئهود جلد اول ۳۰۸

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قبل از همه این نوشتجات از قلم خود م!! به خداوند ازلی وابدی خلاق جهان هستی ربّ العالمین پناه میبرم؛ واز او آمرزش و بخشش را مسئلت مینمایم!!! و هر کسیکه میخواهد خدایان و یا خدای یهودیت بنی اسرائیل را ببیند و بشناسد و با چشم معمولی نگاه کند!!! باید به یهودیان بنی اسرائیل عتیق! و جدید نگاه کند و ببیند!!! زیرا که در منطق کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!!! خداوند مانند انسان است!!! و انسان هم مانند خداوند است!!! زیرا که هر دو جسم میباشند!!! و در کتاب تورات فعلی! همه یهودیان بنی اسرائیل فرزندان خداوند هستند! همه یهودیان بنی اسرائیل خداوند هستند!!! زیرا فرزندان حضرت اعلی میباشند!!! که در کتاب تورات فعلی خواهد خواند! یعنی هم خداوند جسم است! و هم انسان جسم است! و هم خداوند غذا میخورد! و هم انسان غذا میخورد! و هم خداوند ازدواج میکند! و هم انسان ازدواج میکند! و هم خداوند زاد و ولد دارد! و هم انسان زاد و ولد دارد! و خداوند کتاب تورات فعلی! هم از زنان برای خود زن گرفته!!! و هم از پسران و مردان برای خود زن گرفته است!!! بهمین جهت خداوند کتاب تورات فعلی همجنس باز است! زیرا که اگر زن بود! از زنان برای خود زن گرفته است! و اگر مرد بود! از مردان و پسران برای خود زن گرفته است!!! و خود خداوند تورات فعلی هم زائیده است!!! پسریچه هایی بدنیا آورده است! و بهمین جهت خداوند تورات فعلی هم مذکر است و هم مؤنث است! و هم همجنس باز است!!! هم بعضی از انسانها همجنس باز هستند! و پسران خداوند از دختران انسانها زن اختیار کرده اند!!! و در تورات فعلی خداوند! کارهای عجیب و غریبی کرده است! که خواهد خواند؟؟؟؟!!! و در تورات فعلی! ابراهیم پیغمبر خداوند با خواهرش ساره ازدواج کرده!!! که ساره خواهر واقعی ابراهیم بوده است! که در کتاب تورات اسحاق پیغمبر خداوند! از این برادر و خواهر بدنیا آمده است یعنی چه؟؟؟؟!!! و ابراهیم زن خود ساره را به فرعون مصر بزنی داده است! در حالیکه زن ابراهیم هم بوده است؟؟؟؟!!! آیا برای ابراهیم خلیل الله بُت شکن قهرمان توحید! این توهین و تهمت و افتراء و دروغ روا و شایسته میباشد؟؟؟؟!!! و در کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی!!! یعقوب با خداوند کشتی گرفته بر خداوند پیروز شده است! و یعقوب در همه جا حاضر و ناظر است! پسران یعقوب بخاطر یک زنا یک شهر را ویران کردند!!! و تمامی مردان و زنان و اطفال را کشتند و تمامی اموال آنان را غارت کردند! و شهر را آتش زدند و خراب نمودند

و پسریعقوب با مادرش زنا کرده!!! و یعقوب گناهکار و عصیانگر بوده! یعقوب! و  
 اجدادش خداوند را نخواندند!!! و یعقوب زنا کار بوده! و گناهان کبیره انجام میداد  
 و خداوند از جلال یعقوب نفرت داشت! و رئیس شریران اسرائیل بوده است!!!  
 و در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!!! پسریعقوب یعنی یهودا با  
 عروس خود بنام تامار زنا کرده! که او دو پسر بچه دوقلو و زنا زاده دنیا آورده  
 است!!! یکی بنام فارص زنا زاده!!! و دیگری بنام زارح زنا زاده!!!  
 و در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!!! پدر موسی و هارون بنام  
 عموام؛ با عمه خود بنام یوکابد از دواج کرده!!! موسی و هارون پیغمبران عظام  
 خداوند را دنیا آورده اند!!! و گوساله زرین که بُت بوده هارون برادر موسی  
 ساخته بود! هارون پیغمبر بزرگ خداوند خلاق جهان هستی بُت پرست بود!!!  
 و در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی! داود بُت پرستی کرد!!! عمداً  
 مؤمن اوریا را بقتل رسانید! و زنای محصنه را بجا آورد!!! و خدایان دیگران را  
 پرستش کرد!!! و با پسرش آبشالوم جنگ کرد!!! در این جنگ بیست هزار کشته  
 داشت!!! و آبشالوم بزنان پدرش تجاوز کرده است!!! و پسرداود بنام آمنون با  
 خواهرش بنام تامار زناای عنفی کرده بود! و مادر داود به او در گناه آبتن شد!  
 در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی! حکم حدّ زنا کرده سنگسار بود  
 و در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!!! لوط پیغمبر خداوند با دو  
 دختر خودش زناای محرمی کرده!!! هر دو دختر پسر بچه هایی بنام موآب و بنی  
 عمّی! زنا زاده دنیا آورده اند!!! و در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات  
 نوشته است! ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون باز دارد!!! و یهودیان  
 بنی اسرائیل گوشت و خون غیریهودی را میخورند و خواهند خورد!!! که بچه  
 های مسلمانان و مسیحیان را میربایند!!! و خونش را کشیده!!! و در عید فصیح با  
 خون آنان نان فطیر درست کرده! باشادی میخورند!!! و یهودیان حق دارند که  
 خون و گوشت غیریهودی را بخورند! و ناموس مال غیریهودی! بر یهودی حلال  
 و مباح است! و مقاربت کردن یهودیان با غیریهودی و با حیوانات گناهی ندارد!  
 یهودیان کلاسیک دختران و پسران خودش را در مقابل خدایان دیگران!!! و بُت  
 ها سرمیبریده قربانی میکردند زیرا که بُت پرست و خدا ناشناس بودند!!!  
 یهودیان در طول تاریخ عده زیادی پیغمبران خداوند را عمداً بقتل رسانیدند!!!  
 و عیسی مسیح رسول الله را بظاھر به صلیب کشیدند و کشتند!!! پیغمبر اسلام  
 محمد (ص) رسول الله را بوسیله یک زن یهودی با زهر ترور کردند! و بشهادت

رسانیده اند! در طول تاریخ این یهودیان اول جسم پیغمبران را ترور کردند!!! و بعد از زمانی شخصیت ها و فرهنگ دینی آنها را ترور کردند!!! مثل اول جسم عیسی مسیح رسول الله را ترور کردند و بصلیب کشیدند!!! بعد شخصیت و دین او را ترور کرده! دروغگویی! و حرام زادگی را برچسپ زده اند!!! و بمریم مقدس تهمت بیشرمانه بی عفتی برچسپ زده اند!!! که در کتاب تلمود نوشته اند **مریم بامردی بنام باتداریزنا کرده! و عیسی از آنها متولد شده است! لعنت خدا بر یهود!** و در اول اسلام جسم پیغمبر اسلام رسول الله را ترور و شهید کردند! بعد شخصیت و!!! دین او را دروغگویی و مجنون را برچسپ زده اند!!! چند سال پیش یک زن ملعون یهودی پوست در اسرائیل پخش کرده؛ که پیغمبر اسلام و قرآن را در زیر پای خوک لگدکوب کرده بود! یعنی پیغمبر اسلام و قرآن را زیر پای پدرش لگدکوب کرده بود!!! که اولین پایه گذار تروریستی در جهان یهودیت بوده و هست! عده زیادی پیغمبران خداوند خلاق جهان هستی را!!! تنها یهودیان ترور کردند!!! که در اول اسلام خلیفه دوم مسلمانان عمر ابن خطاب را یهودیان با دست فیروز ابولولو ترور کردند!!! که از اول بنای یهودیت صهیون نیست ترور یستی را ایجاد کردند! که شاهد به عرایض؛ اکثر پیغمبران و انبیاء عظام خداوند را ترور کردند و بقتل رسانیده اند!!! کشتار انبیاء خداوند هم در تورات خودشان و هم در انجیل؛ و هم در قرآن کریم نوشته شده و موجود است!! که در این کتاب های سرچشمه آیات شیطانی خواهید خواند!!!

کسانی که خداوند ازلی و ابدی خلاق جهان هستی و رب العالمین را ترور دینی و شخصیتی مینمایند!!! و انبیاء عظام خداوند را که به اصطلاح اجداد خودشان میباشند؟! ترور شخصیت دینی کرده اند چه انتظار باید داشته باشیم؟! جز اینکه تروریست دولتی و ترویست پروری را در جهان امروز بنمایش گذارند!!! و گذاشته اند! همه جهان و جهانیان را امروز ترور کردند و میکنند! که باروشهای ترورهای گوناگون مانند! فساد! ربا خواری! و جنگ و کشت و کشتار! و زنا کاری و بی بند باری! و مواد مخدر! متلاشی خانوادها! ورزشهای حرفه گوناگون!!! و همجنس بازی! و از همه مهمتر فساد اخلاقی! ترور دینی و مذهبی! و از هم پاشیدگی خانوادها! و فساد کشیدن گوناگون جهان و جهانیان را بعمل میآورند!!! و یکی از ترویست های معلوم ملعون!!! یهودیت صهیون نیزم سلمان رشدی ملعون میباشد! که با دست این ملعون تمامی شخصیت های پیغمبران و انبیاء عظام! خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین؛ عتیق و جدید را بنام آیات شیطانی

ترورشخصیت کرده اند!!! و مخصوصاً بتروورشخصیت آخرین پیغمبر خداوند  
 محمد(ص) رسول الله و یارانش اقدام کرده که ترور کنند!!! ولی این ملعون خودش  
 و اربابانش یهودیت صهیون نیست را ترور کرده!!! و رسوا نموده است!!! که  
 همه جهانیان میدانند!!! ای یهودیان صهیون نیزم شما نیز خوب بدانید خداوند  
 و دین خداوند! و انبیاء خداوند هرگز ترورشخصیت نخواهند شد! بلکه شما خودتان  
 بی آبرو!!! و رسوا! و بی دین! و بی همه چیزی اخلاقی! و ادیانی! و بی غیرت!!! و  
 بی ناموس خواهید شد! که تمامی اهل جهان میدانند که شما یهودیان صهیون  
 نیزم چقدر بی غیرت! و بی ناموس! و بی آبرو! و زناکار! و فساد اخلاقی! و جنایتکار  
 و خون آشام هستید! زیرا که خداوند ازلی و ابدی و انبیاء عظام!!! و قدیسین! دین  
 حقیقی خداوند خلاق جهان هستی! شما را رسوا و رسواتر کرده است! و باز هم  
 رسواتر خواهید شد!!! زیرا که بشما هشدار میدهم رسوائی آخرت! روز قیامت! و  
 عذاب آتش جهنم را! که خوار و ذلیل کننده ترمیباشد!!! عملکرد این تروریستی  
 بی دینی و بی غیرتی و بی ناموسی و بی بند باری! اول بخود یهودیان صهیون  
 نیزم بی غیرت و بی ناموس بازگشت کرده است!!! که در اسرائیل دختران و زنان  
 صهیون نیزم در کنار خیابانها! و پارکها!!! و در کنار دریا!!! و کنار هتل ها باشورت  
 و پیراهن رکابی سکسی! بدون ملاحظه از همه مردان و زنان! فساد اخلاقی! و بی  
 بند باری! و فاحشه گری را بطور آشکارا انجام میدهند!!!  
 ای اهل جهان آگاه و هوشیار باشید! اینها میخواهند همه جهان و جهانیان را این  
 طور مانند خودشان!!! بی غیرت و بی ناموس و بی بند بار و رسوا و رسواتر نمایند!!!  
**عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد**

تألیف و نگارش این کتاب سرچشمه آیات شیطانی در پنج جلد پانزده سال  
 طول کشیده است؛ نویسنده: عزیزاله اصغری ۱۳۸۲ شمسی

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### آغاز سخن

بنام خداوند ازلی و ابدی؛ که پیش از او هیچ ذره مکانی و زمانی و موجود زنده و غیره نبود و وجود نداشت؛ فقط و تنها خداوند یکتا و ازلی و ابدی بوده وجود داشت؛ که تمامی موجودات؛ کوچک و بزرگ و آسمانها و زمین ها را!!! خداوند خلاق ازلی و ابدی از عدم و نیستی آفریده؛ و خلق کرده؛ و بوجود آورده است!!! خداوندی که در همه جا حاضر و ناظر و شاهد و دانا و بینا است!!! و بهیچ کسی! و بهیچ چیزی نیازی ندارد!!! و با چشم دیده نمیشود!!! و بمکان و زمان نیازمند نیست؛ و همه موجودات فانی شدنی است! جز ذات اقدس خداوند واحد و یکتا و تنها؛ که جاوید و همیشه باقی خواهد ماند!!! و هیچ کسی و هیچ چیزی شبیه او نیست؛ و خداوند شبیه هیچ کسی و هیچ چیزی نیست؛ و خداوند مانند و مثل ندارد که تک و تنها و یکتا است؛ و شبیه خداوند فقط ذات اقدس اوست؛ و او ولد کسی نیست؛ و نه از او ولد خواهد شد!!! و تمامی ملک آسمانها و زمین ها و تمامی موجودات در مالکیت دست قدرت اوست؛ و مالکیت تمامی انس و جن و ملائکه؛ فقط ملک و مال خداوند یکتا و ازلی و ابدی است!!! و جز قرآن کریم آسمانی که وحی منزل است!!! هیچ کتاب به اصطلاح آسمانی و زمینی چنین خدای صاحب اختیار کل؛ و قادر مطلق؛ رب العالمین را ندارد؛ و فقط قرآن کریم است که چنین خداوند واحد و یکتا را دارا میباشد؛ و تنها و فقط قرآن کریم کلام الله و کتاب آسمانی وحی منزل میباشد؛ و بس!!! که تنها چنین خداوند واحد و بیهمتا یکتا پرستی؛ قابل پرستش؛ و قابل قبول عقل سالم میباشد؛ فقط و بس!!!

که در فصل خدا شناسی شقاقت و کاملتر خواهیم نوشت؛ انشاء الله تعالی.

## اشعار توحیدی و یکتا پرستی

ازل نه زمان و نه مکان بودی تو بودی الهی  
 نه کون و مکان و نه کیان بودی تو بودی الهی  
 به کون و مکان و به زمان و به غذا و تو نیازی که نداری  
 از کلّ همه خلق انس و ملک و جنّ؛ بی نیاز هستی الهی  
 نه نوری و نه جسمی و نه روحی نه دیدنی تو  
 عقل عاجز و درک عاجز و فهم عاجز؛ و تو کجا بودی الهی  
 این راز یقین است ازلی بودی و هستی  
 پیش از تو که هیچ ذره مکانی که نبودی الهی  
 به این همه رازی که به جز تو کسی علم ندارد  
 جز حضرتت هیچ کس نتواند بداند تو کجا بودی الهی  
 در ذات تو هر کس که کند فکر سفیه است  
 قبل از همه از عالم امکان تو کجا بودی الهی  
 در ذات تو اسرار و معما چه کثیر است  
 تو واحد و بی کفی و بی مثل و مانند نداری که الهی  
 نه زاده شدی نه ولدی شأن تو باشد  
 هستی توی واجب الوجود هستی الهی  
 هیچ کس نتواند بشناسد قدر و شأن و جلالت  
 باید که بدانند همه جا حاضر و ناظر؛ که تو هستی الهی  
 آیات تو خیلی بزرگ خیلی عجیب خیلی کثیر است  
 جز رحمت تو بر کسی امید ندارند الهی  
 زنبور و مور سنگ و خاک چه پیچیده ای خلق است  
 در قطره خون؛ نطفه و آب و گل آیات ألوف هست الهی  
 هر خلقت و آیات تو را می نگرم، در نظر دیده عقلم  
 در کلّ خلائق و سماوات تو را می بینم الهی

از همه آیات تو؛ قرآن که آیات کبیر است  
 بر جنّ و انس و ملک و راه و امام است الهی  
 هان معنی الله؛ که حیران گذارنده خلق است  
 الحق همه ای عقل و درک فهم که حیران تو بود است الهی  
 هجده هزار عالم ز عدم که تو مهیا نمودی  
 در هر عالم آن یک صد و میلیون کیان است الهی  
 افلاک و زمین بهر که کرسی تو است؛ درنظر حقّ  
 هیچ ذره ای افلاک پوشیده و پنهان ز تو نیست ربّی الهی  
 روزی نخوری روزی دهی بر همه عالم  
 رزاق و وهاب و بخشنده و خلاق الهی  
 در پیش تو جبریل و نبیّ ین همه انسان غلامند  
 تو مالک عیسی و موسی و محمد؛ هم علی بودی الهی  
 تو اکبر الله؛ که هیچ کس نتوان وصف تو گردد  
 قاصر که زبان و بیان وصف کند؛ ذکرت الهی  
 مولا توی اعلی توی باقی شافع توی ربّی  
 که کلّ خلائق همه فانی و غلامند الهی  
 ابراهیم و نوح صادق علی را که ائمه تو نمودی  
 مالک ائمه توی؛ هم قادر مطلق توی ای ربّی الهی  
 تو مالک ملک به همه عالم امکان  
 تو مالک انس و ملک و جنّ و الهی  
 شاهد و شهید کلّ امامان و نبیّ ین  
 جز رحمت تو بر کسی امید ندارند الهی  
 ای اصغریا پیرو قرآن و سنت؛ که در راه نبیّ باش  
 وصیت تو؛ بر همه انسان این راه و روش است الهی

## پیشگفتار

وقتی که کتابهای سلمان رشدی ملعون را مطالعه کردم و باخبر شده ام!!! و حرف هایش برایم خیلی آشنا آمد!!! بعد از کمی تفکر و اندیشه متوجه شدم!!! که توهین و تهمت های این ملعون!!! به انبیاء و قدیسین خداوندتازگی ندارد!!! زیرا که سه هزار سال پیش این تهمت هارا به انبیاء عظام و قدیسین خداوند!!! در گذشته در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!!! و در کتاب تلمود دین یهودیت صهیون نیزم نوشته اند وجود دارد!!! که بنام کتابهای به اصطلاح آسمانی! در جهان یهودیت صهیون نیزم موجود میباشد!!! با کمی دقت برایم ثابت شده! که این ملعون!!! مزدور و نوکرو جیره خوار و دست نشانده ای یهودیت صهیون نیزم میباشد! که این گروه دشمن خداوند و دین خداوند! و پیغمبران و انبیاء پاک خداوند هستند! که کتاب آیات شیطانی این ملعون! که در آن بخود خداوند! و بدین خداوند! به انبیاء عظام و قدیسین و بملائکة خداوند! و پیامبر خاتم النبیین محمد رسول الله! و یارانش! توهین و تهمت و افتراء! فراوان روا داشته است! قلم این ملعون ثابت میکند! که تفکر و افکار توهین! اهانت آمیز را! از تفکر و اندیشه کفر آمیز فرهنگ ضد خداوند! و ضد دین خداوند! ضد پیغمبران! و انبیاء عظام خداوند از یهودیت صهیون نیست سرچشمه گرفته است!!! بهمین دلیل نام کتابم را بنام سرچشمه آیات شیطانی انتخاب کرده ام! که عین حقیقت است!!! درست است که این ملعون نوشته است که من رُمان نوشته ام! و یعنی کتاب آیات شیطانی حقیقت ندارد! ولی اینجانب مؤلف! با تاریخ دقیق! کتابهای به اصطلاح آسمانی موجود! جواب این ملعون و اربابانش یهودیت صهیون نیزم را خواهم داد!!! تا ثابت و روشن و شفاف بشود!!! که سلمان رشدی ملعون مزدور و نوکرو جیره خوار یهودیت صهیون نیزم بین المللی کفار میباشد! که میخواهند تنها پیغمبری که از تهمت و افتراء و اهانت شیطنت های یهودیت صهیون نیست!!! سالم و مصون مانده است!!! با رُمان رشدی ملعون لجن مال کنند!!! که خودشان لجن مال و رسوا و رسواترو بی آبرو تر شده و خواهند شد!!! انشاء الله تعالی .

بنابراین اول باید فرهنگ اصلی یهودیت را که از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی تحریف شده!!! و کتاب تلمود (آئین یهود) میباشد!!! که مورد سندیت و مدرک قرار بدهیم!!! تا نوشتجات ضد خداوند و ضد دین خداوند و ضد پیغمبران و انبیاء عظام خداوند و کلمات کفرآمیز را بدست آوریم!!! و آشکار و روشن و معلوم و ثابت بنمائیم!!! و بعد از آن کتابهای سلمان رشدی ملعون را با فرهنگ به اصطلاح دینی و آسمانی یهودیت صهیون نیست! تطبیق بنمائیم!!! که خواهیم دید چقدر بهم شبیه هستند! و مثل اینکه یک فرهنگ میباشد! زیرا که هم یهودیت بخداوند!!! و بدین خداوند! و انبیاء عظام! و قدیسین! و ملائکه!!! و هم بعالم بشریت توهین و تهمت و افتراء! فراوان روا داشتند!!! و هم کتاب مقدس عهد عتیق و هم کتاب تورات فعلی! خودشان این افتراءات را نوشته اند! و هم سلمان رشدی ملعون بخداوند! و بدین خداوند! و به انبیاء عظام! و قدیسین! و ملائکه خداوند!!! و هم بعالم بشریت و نسل انسان اهانت و تهمت و افتراء زیاد روا داشته و نوشته است! و هم یهودیت همه انسانها را حرام زاده نوشته اند! و هم سلمان رشدی ملعون همه انسانها را حرام زاده نوشته است!!! که این ملعون خودش حرام زاده است! و پسر تازه که بدنیا آورده است که آن هم حرامزاده و زنا زاده است!!! پس نخست باید فرهنگ یهودیت صهیون نیزم را از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی!!! به اصطلاح کتابهای آسمانی فارسی یهودیت صهیون نیست که را در انگلستان بفارسی ترجمه شده است! شروع مینمایم! تا حقایق اصلی دین و فرهنگ به اصطلاح آسمانی یهودیت صهیون نیزم بین المللی تبیین و آشکار و شفاف شود! که همه جهانیان بدانند و روشن شوند! که یهودیت صهیون نیزم بین المللی! ضد خداوند! و ضد دین خداوند! و ضد مخلوق خداوند! و ضد عالم انسان! انسانیت بودند و هستند! و قاتل انبیاء عظام خداوند هستند! که این قوم فاسد! و کفار! و مشرک!!! نباید ادعای مکتب توحیدی را بکنند!!! خودشان را یکتاپرست معرفی بنمایند!!! زیرا که در کتابهای دینی و به اصطلاح آسمانی ایشان یکتاپرستی وجود ندارد!!! که از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! به اصطلاح آسمانی شروع میکنم! خدایان دوازده گانه یهودیت صهیون نیست را!!! از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! شروع میکنیم و مینویسیم! تقاضا دارم با دقت توجه بفرمایید!!!

## فصل اوّل

خدایان دوازده گانه یهودیت صهیون نیزم از اصل

کتاب مقدس عهد عتیق!!!

و از اصل کتاب تورات تحریف شده فعلی!!! فارسی

## خدایان دوازده گانه یهودیت در کتاب تورات فعلی

- ۱- يَهُوه صَبَايوت اولين خدای يهوديت صهيون نيزم اسرائيل است! که در هزاران جای کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؛ نامش نوشته شده
- ۲- هَللویاه خداوند را حمد بگوئید: (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و ششم آیه ۱)  
وتمام قوم بگویند: آمین هَللویاه ۰ (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و ششم آیه ۴۸)
- هَللویاه خداوند را بتمام دل حمد خواهیم گفت: (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و یازدهم آیه ۱)
- هَللویاه؛ خوشا بحال کسیکه از خداوند میترسد؛ و در وصایای او بسیار رغبت دارند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و دوازدهم آیه ۱)
- هَللویاه! ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و سیزدهم آیه ۱)
- نذرهای خود را بخداوند ادا خواهیم کرد؛ بحضور تمامی قوم وی؛ در صحن های خانه خداوند؛ در اندرون توای اورشليم هَللویاه!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و شانزدهم آیه ۱۹)
- ای جمیع امتها خداوند را تسبیح بخوانید؛ ای تمامی قبایل او را حمد گوئید؛ زیرا که رحمت او بر ما عظیم است؛ و راستی و خداوند تا ابد الابد هَللویاه!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و هفدهم آیه ۲۱)
- هَللویاه نام خداوند را تسبیح بخوانید؛ ای بندگان خداوند را تسبیح بخوانید؛ ای شما که در خانه خداوند می ایستید؛ در صحن های خانه خدای ما؛ هَللویاه زیرا که خداوند نیکو است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و سی و پنجم آیه از ۴ تا ۱)
- خداوند را متبارک خوانید؛ ای خاندان هارون خداوند را متبارک خوانید؛ ای ترسندگان خداوند؛ خداوند را متبارک خوانید؛ خداوند از صهيون متبارک باد؛ که در اورشليم ساکن است هَللویاه!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزور صد و سی و پنجم آیه از ۲۰ و ۲۱)

**هَلْلُوِيَاہ! ای جان من خداوند را تسبیح بخوان؛ تا زنده هستم خداوند را حمد خواهم گفت:** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور؛ ص وچهل و ششم آیات ۱ و ۲) **هَلْلُوِيَاہ؛ زیرا که خدای ما را سرانیدن نیکو است؛ و دل پسند و تسبیح خواندن شایسته است؛ خداوند اورشلیم را بناء میکند!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور صد وچهل و هفتم آیه ۱)

**کلام خداوند را بیعقوب بیان کرده؛ و فرایض و داوریهای خویش را با اسرائیل با هیچ امتی چنین نکرده است؛ داوریهای او را ندانسته اند!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور صد وچهل و هفتم آیات ۹ و ۱۰ و ۲۰)

**هَلْلُوِيَاہ؛ خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید؛ در اعلیٰ علیین او را تسبیح بخواید** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور صد وچهل و هشتم آیه ۱) **و جلال او افق و زمین و آسمان؛ او شاخی برای قوم خود بر افراشته است؛ تا فخر باشد برای همه مقدسان او؛ یعنی برای بنی اسرائیل که قوم مقرب او میباشد** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور صد وچهل و هشتم آیه ۱۴)

**هَلْلُوِيَاہ؛ خداوند را سرود تازه بسرایید؛ و تسبیح او را در جماعت مقدسان! اسرائیل در آفریننده خود شادی کند؛ و پسران صهیون در پادشاه خویش وجد بنمایند نام او را با رقص تسبیح بخوانید!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور صد وچهل و نهم آیات ۱ و ۲)

**و داوری را که مکتوب بر ایشان اجراء دارند این کرامت است!!! برای همه مقدسان او هَلْلُوِيَاہ!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور صد وچهل و نهم؛ آیه ۹) **هَلْلُوِيَاہ خدای در قدس او تسبیح بخوانید؛ در فلک قوت او را تسبیح بخوانید!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزور صد و پنجاهم آیه ۱)

**هر که روح دارد خدا را تسبیح بخواند هَلْلُوِيَاہ!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور صد و پنجاهم؛ آیه ۶)

**۳- خداوند الواهی خدای دیگر یهودیت است؛ یعقوب و مذبحی در آنجا بناء نمود و آن را ایل الواهی اسرائیل نامید!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب سی و سوم آیه ۲۰)

نکاتی از مؤلف: وتلمود یک کتاب مهم یهودیان صهیون نیزم است! که دو قرن پیش از میلاد عیسی مسیح ابن مریم رسول الله شروع بنوشتن کردند!!! بعد از دو قرن میلاد عیسی مسیح رسول الله ابن مریم؛ تلمود را تمام کردند! که در آن کتاب بعیسی مسیح رسول الله ابن مریم؛ و بخود مریم مقدس اهانت و توهین و افتراء نوشته و رو داشتند!!! (تلمود یعنی آئین یهود که تلمود را از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی بالاتر و گرامی تر میدانند) که این کتاب در سال ۱۳۵۰ شمسی در آمریکا بزبان فارسی ترجمه شده است! که اینجانب آن را از آمریکا آورده ام!!! که در صفحه ۴۲ و ۶۵ تلمود کلمه الواهی را خدای خدایان نوشته اند!!! پس در این صورت الواهی یکی از خدایان یهودیت صهیون نیزم میباشد؛ و خدای خدایان است؟؟؟!!!

۴- داود خداوند بنی اسرائیل است؛ که همان یهوه میباشد؛ یوناتان بداد گفت: بیا بصحراء برویم و هر دوی ایشان بصحراء رفتند؛ و یوناتان بداد گفت: ای یهوه خدای اسرائیل؛ چون فردا یاروسوم پدر خود را مثل این وقت آزمودم (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب بیستم آیه ۱۲)

نکاتی از مؤلف: به موجب این آیه داود هم یکی از خدایان اسرائیل است.

۵- سموئیل هم خدای یهودیت بود؛ و سموئیل وفات نموده بود و جمیع اسرائیل بجهت اونوحه گری نموده؛ او را در شهرش رانه دفن کرده بودند؛ و شاول تمام اصحاب اجنه و فالگیران را از زمین بیرون کرده بود؛ و فلسطینیان جمع شده آمدند؛ در شونیم اردوزدند؛ شاول تمام اسرائیل را جمع کرده؛ در جلبوع اردوزدند؛ و چون شاول لشکر فلسطینیان را دید بترسید بسیار مضطرب شد؛ و شاول از خداوند سوال نمود؛ و خداوند او را جواب نداد؛ نه بخوابها و نه به اوریم و نه به انبیاء و شاول بخادمان خود گفت: زنی را که صاحب اجنه باشد برای من بطلبید تا نزد او رفته از او مسئلت بنمایم؛ خادمانش وی را گفتند: اینک زنی صاحب اجنه

در عین دور میباید؛ و شاول صورت خویش را تبدیل نموده لباس دیگری پوشید؛ و دونفر همراه خود برداشته رفت و شبانگاه نزد آن زن آمده گفت: تمنا اینکه بواسطه جن برای من فالگیری نمائی! و کسی را که بتوبی گویم: از برای من برآوری!!! آن زن وی را گفت: اینک آنچه شاول کردی میدانی؟! که چگونه اصحاب اجنه و فالگیران را از زمین منقطع نموده است؟! پس تو چرا برای جانم دام میگذاری؟! تا مرا بقتل برسانی؟! و شاول برای وی به یهوه قسم خورد؛ گفت: بحیات یهوه قسم از این امر بتوهیج بدی نخواهد رسید!!! آن زن گفت: از برایت چکسی را برآورم! او گفت: سموئیل را برای من برآور! و چون آن زن سموئیل را دید! با آواز بلند صدا زد!!! وزن شاول را خطاب کرده گفت: برای چه مرا فریب دادی؟ زیرا که تو شاول هستی! پادشاه وی را گفت: مترس چه دیدی؟! آن زن در جواب شاول گفت: **خدائی را می بینم که از زمین برمی آید!!!** او وی را گفت: صورت او چگونه است؟ زن گفت: مردی پیر برمی آید و بردائی ملبس است!!! پس شاول دانست که سموئیل است! **و روبرو زمین خم شده تعظیم کرد! و سموئیل گفت: چرا مرا بر آوردی مضطرب ساختی؟! (۱)** شاول گفت: در شدت تنگی هستم! چونکه فلسطینیان با من جنگ مینمایند! و خدا از من دور شده نه مرا بوسیله انبیاء و نه بخوابها دیگر جواب نمیدهد!!! **لهذا** تو را خواندم تا مرا اعلام نمائی که چه باید بکنم؟؟؟؟!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب بیست هشتم آیات از ۱ تا ۳)

۱- نکاتی از مؤلف: آیا واقعاً در یهودیت صهیون نیست! زنان صاحب اجنه پیدا میشوند که اجنه در اختیار داشته باشند؟! که مردگان را از جهان آخرت بیاورند؟! و از جهان آخرت خبر داشته باشد؟! حتی آنقدر قدرتی داشته باشد که خدای مرده را هم؟ از آخرت بیاورد؟! پس زن جادوگر خبر آخرت را میداند؟! پس چرا قبل آمدن سموئیل زن ارباب و صاحب اجنه شاول را نشناخت؟؟؟؟ آیا در کتاب به اصطلاح آسمانی این مطلب دروغ اندر دروغ درست میباشد؟؟!! کذب؟! دروغ عوام فریبی هم اندزه دارد؟؟؟؟!! قضاوت بر عهده خوانندگان گرامی میباشد!!!

۶- خدای یهودیت خدای دیگری هم دارد؛ و نزد خدای خود دعا کردم! و اعتراف نموده گفتم: ای خداوند! خدای عظیم و مهیب! که عهد رحمت را با محبان خویش! و آنانیکه فرایض تورا حفظ مینمایند نگاه میداری؟! (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب دانیال نبی باب نهم آیه ۴)

**خداوند! خدای ما! رحمت ها مغفرت ها است؛ هر چند بدو گناه ورزیده ایم!!!**  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دانیال نبی باب نهم آیه ۹)

پس الآن ای خداوند! خدای ما! قوم خود را بدست قوی؛ از زمین مصر بیرون آورده؛ اسمی برای خود پیدا کرده!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دانیال نبی باب نهم آیه ۱۵)

**اما خداوند! خدای لشگرهاست! و یادگار او یهوه است! اما تو بسوی خدای خود بازگشت نما!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب؛ دوازدهم آیه ۶)

**خداوند را حمد گویند: زیرا که نیکو است؛ رحمت او تا ابد الابد است؛ خدای؛ خدایان!!!**  
**را حمد گویند: زیرا که رحمت او تا ابد الابد است!!!** (از کتاب مقدس هند عتیق واز کتاب مزامیر؛ مزمور صد و ششم آیات از ۱ تا ۳)

بعوض ایامی که ما را مبتلا ساختی؛ و سالهای که بدی را دیده ایم؛ اعمال تو بر بندگان ظاهرشود! و کبریائی تو بر فرزندان ایشان؛ **جمال خداوند؛ خدای ما بر ما باد؛ و عمل دست های ما را بر ما استوار ساز؛ عمل دست های ما را استوار گردان**  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور؛ نود م آیه ۱۸)

پس غفله دل های خود را مختون سازید؛ و دیگر گردن کشی نمائید، **زیرا که یهوه خدای شما! خدای خدایان! رب الارباب و خدای عظیم و جبار و مهیب است که طرفداری ندارد!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثنیه باب دهم آیه ۱۷)

و ما از همه حیوانات صحراء که خداوند خدا ساخته بود هوشیار تر بود!!! و **بزن گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان نخورید!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سوم آیه ۱۴)

و آواز خداوند! خدا را شنیدند! که در هنگام وزیدن نسیم بهار در باغ میخرامید! و آدم و زنش خویشان را از حضور خداوند! خدا در میان درختان باغ پنهان کردند! **خداوند! خدا آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟! گفت: چون آوازت را در باغ شنیدم ترسان گشتم؛ زیرا که عریانم خود را پنهان کردم!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب سوم آیه ۹)

خداوند! خدا بمار گفت: چونکه این کار را کرده ای؛ از جمیع بهایم؛ و از همه حیوانات صحراء ملعون تر هستی بر شکمت راه خواهی رفت!!! و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر پیدایش باب سوم آیه ۱۴)

خداوند! خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت؛ و در بینی وی روح حیات دمید و آدم زنده شد؛ و خداوند! خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود؛ و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت؛ و خداوند! خدا هر درخت خوشنما و خوراک را در زمین رویانید؛ و درخت حیات را در وسط باغ و درخت نیک و بد را!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب دوم آیات ۷ تا ۹)

**نکاتی از مؤلف:** از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی ثابت میشود که خداوند! خدای دیگری هم دارد! یعنی چه؟! خدا در یک جا یهوه خداوند ازلی است! و در یک جا یهوه یادگار خداوند ازلی است! ماکه در این باره چیزی درک نکردیم فقط خداوند خلاق جهان هستی؛ رب العالمین ازلی و ابدی میداند

۷- در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی! خدایان زیاد هستند!! الان دانستیم که یهوه از جمیع خدایان بزرگتر است! خصوصاً در همان امری که بر ایشان تکبر میکرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب هجدهم آیه ۱۱)

زیرا میدانیم که خداوند بزرگ! و خداوند ما از جمیع خدایان برتر است!!! هر آنچه خود خداوند آن را کرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از مزامیر؛ مز مور صدوسی و پنجم آیه ۶)

تو را بتامی دل خود حمد خواهیم گفت: بحضور خدایان!!! تو را حمد خواهیم گفت: بسوی هیکل قدس تو عبادت خواهیم کرد؛ و نام تو را حمد خواهیم گفت:

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مز مور صدوسی و هشتم آیه ۱)

**نکاتی از مؤلف:** بموجب این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ خدایان فراوان و زیاد هستند!!!

**۸- در کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیرو از کتاب تواریخ ایام و در کتاب تورات فعلی! تمامی جماعت اسرائیل خداوند هستند!!! پس الآن در نظر تمامی اسرائیل که خداوند هستند!!! و بسمع خدای ما متوجه شده! تمامی اوامر یهوه خدای خود را بطلبید!!! تا زمین نیکورا بتصرف آورید!!! آن را بعد از خودتان بیسران خویش تا ابدالآباد به ارثیت وا گذارید!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب

اول تواریخ ایام باب بیست هشتم آیه ۸)

**من گفتم: که شما خدایانید! فرزندان حضرت اعلی!!! لیکن مثل آدمیان خواهید مرد! چون یکی از سروران خواهید افتاد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛

مزمور هشتاد و دوم مزمور آساف آیه ۷)

**نکاتی از مؤلف: بموجب این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیرو از کتاب تورات فعلی! تمامی نژاد بنی اسرائیل خداوند هستند!!! زیرا که فرزندان خداوند هستند!!! و بموجب این آیات کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! نژاد بنی اسرائیل خداوند هستند! زیرا که فرزندان حضرت اعلی بوده اند! و از او تولد یافته اند!!! پدرانشان چه کسی بود؟؟؟!!! یعنی شوهر خداوند چه کسی بود نمیدانم؟؟؟!!! ولی از خداوند تولد یافته اند!!! شاید خداوند بی شوهر بود؟؟؟!!! و نژاد های دیگر بنده و مخلوق آنها میباشند!!! زیرا که فرزندان آدم و حوا هستند!!!**

**۹- در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی! خداوند یکی است؛ که آن هم یهوه میباشد! خداوند بمسیح خویش گفت: یعنی به کوروش که دست راست تورا گرفتم! تا بحضور تو امتهارا مغلوب سازم! و کمرهای پادشاهان را بگشایم! تا درها را بحضور تو مفتوح نمایم! و دروازه ها دیگر بسته نشود! خداوند چنین میگوید: که پیش روی تو خواهم خرامید!!! و جاهای ناهموار را هموار خواهم ساخت و درهای برنجین را شکسته!!! پشت بندهای آهنین را خواهم برید!!! و گنج های ظلمت و خزاین مخفی را بتو خواهم بخشید!!! تا بدانیکه من یهوه که تورا به اسمت خواندم! خدای اسرائیل میباشم!!! بخاطر بنده خود یعقوب! و برگزیده خویش اسرائیل!!! هنگامیکه مرا شناختی تورا به اسمت خوانده ام! ملقب ساختم!!!**

من یهوه هستم! دیگری نیست! و غیر از من خدای نی! من کمرتورا بستم هنگامیکه مرا نشناختی! تا مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند!!! که سوای من احدی نیست من یهوه هستم دیگری نی! پدیدآورنده نور و آفریننده ظلمت!!! اصانع سلامتی و آفریننده بدی!!! من یهوه صانع همه این چیزها هستم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیاء نبی باب چهل و پنجم آیات از ۱ تا ۷)

۱۰ - خداوند در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب مزامیر؛ و در کتاب تورات فعلی زائیده است! او از خداوند است که بردشمنان خود مکافات میرساند! **قبل از آنکه درد زه بکشد زانید!!! پیش آنکه درد او را فرو گیرد!!! اولاد نرینه آورد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیاء؛ نبی باب شصت و ششم آیات از ۸ تا ۶)

**فرمان را اعلام میکنم که خداوند بمن گفته است: تو پسر من هستی!!! امروز تو را تولید کردم!!!** (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ یعنی مزمو رداود مزمو راول آیه ۸) خداوند او (داود) مرا خواهد خواند؛ که تو پدر من هستی! خدای من صخره نجات من! من نیز او را نخست زاده خود خواهم ساخت!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمو ر؛ هشتاد و نهم قصیده یتان از راحی؛ آیه ۳۶ و ۳۷)

**خداوند به افرایم گفت: من پدر اسرائیل هستم! و افرایم نخست زاده من است!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی؛ باب سی و یکم؛ آیه ۹) به فرعون بگو: خداوند چنین میگوید: اسرائیل پسر من نخست زاده من است!!! بتو میگویم: پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید؛ و اگر از رها کردنش ابانمائی!!! همانا پسر تو یعنی نخست زاده تورا می کشم!!! (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج؛ باب؛ چهارم؛ آیه ۲۳)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیاء نبی و از کتاب ارمیاء نبی و از کتاب مزامیر؛ و از کتاب تورات فعلی؛ به اصطلاح کتابهای آسمانی!!! یهودیت صهیون نیزم چنین معلوم میشود!!! خداوند بنی اسرائیل زائیده است!!! که زاییدنش و فرزندانش را از کتابهای خودشان شاهد آورده ایم!!! ولی شوهر خداوند و یا پدر بچه هایش؟! چه کسی بود معلوم نشده؟! و پیدا نکردیم؟؟؟!!! چه گونه باردار شده جفت گیری کرده برای مارو شن نشده است؟؟؟!!!

۱۱- خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب اشعیاء نبیّ هنوز نیامده است!!! زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسر بما بخشیده شد! و سلطنت بردوش او خواهد بود! و اسم او عجیب و مشیرو خدای قدیرو پدر سرمدی و سرور و سلامتی خوانده خواهد شد! سلطنت ترقی و سلامتی او بر کرسی داود!!! بر مملکت وی انتها نخواهد بود!!! تا آن را با انصاف و عدالت از الان تا ابد الابد ثابت و استوار نماید!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیاء نبیّ؛ باب؛ نهم آیات ۶ و ۷)

**نکاتی از مؤلف:** در آیات کتاب مقدس عهد عتیق!!! خداوند زائیده خواهد شد!!! که هنوز زائیده نشده! و نیامده است! خداوند کتاب مقدس عهد عتیق را چکسی خواهد زد! و کی خواهد آمد معلوم نیست؟! پس در این صورت خدای وجود ندارد زیرا که زائیده نشده است! خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! هم مذکر و هم مؤنث و هم همجنس باز است!!! که در جایش بشفاف و روشن خویم نوشت!!!

۱۲- سلیمان گفته است من از ازل بودم! گفته سلیمان! خداوند مرا مبدای طریق خود داشت! قبل از اعمال خویش از ازل! من از ازل برقرار بودم! از ابتدا پیش از بودن جهان! هنگامیکه لجه ها نبود من مولود شدم! و وقتی که چشمه های پراز آب وجود نداشت! قبل از آنکه کوهها برپا شود! پیش از آنها مولود گردیدم!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب امثال سلیمان نبیّ؛ باب؛ هشتم آیات از ۲۲ تا ۲۶)

**نکاتی از مؤلف:** از این کتاب مقدس عهد عتیق! دیگر نفهمیدم که آیا سلیمان خداوند ازلی است؟! یا مخلوق پسر داود؟! پس اگر سلیمان ازلی بوده باشد؟! همان خداوند ازلی و خالق جهان هستی است!!! که هنوز وفات نکرده است!!! زیرا که خداوند ازلی و ابدی باقی است!!! پس اگر ازلی نباشد؟! مخلوق ازلی است یعنی چه؟؟؟؟ این قدر فراوان ضدونقیض برای چه است؟؟؟؟ آیا در کتاب آسمانی هم باید این همه ضدونقیض بوده باشد برای چه است؟؟؟؟ و پس اگر چنین بوده باشد؟؟؟؟ پس خداوند هم اشتباه کار و فراموش کار می باشد یعنی چه؟! پس آیا خداوند فراموش کار میتواند چنین جهان و موجودات پیچیده را خلق کند اداره و مدبر نماید؟؟؟؟ و با این دوازه گانه خدایان کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؟؟؟؟ که کتابهای به اصطلاح آسمانی یهودیت صهیون نیزم خون خوار و جهان خوار میباشد!!! که ثابت میشود کتابهای مقدس عهد عتیق و تورات فعلی!!! تحریف شده از بین رفته است!!! زیرا که سرتاپا کذب و دروغ و تهمت و اهانت و رکیک و سگسی ضدونقیض و افتراء بهمه مقدسات خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین است و

میباشد؛ برای اینکه تا بحال ما نتوانستیم خداوند و مخلوق را از هم فصل و جدا بنمائیم! انتهاکه ما نتوانستیم و برای هیچکس و هیچگونه امکان شناخت فهم وجود ندارد! که نمیدانیم علماء! خاخامهای یهودیت آیا این کتاب را خواندند؟! و با خداوند و مخلوق چنین عوام فریبی مینمایند؟؟؟؟!!! و در یک جا خدا یکی است و در جای دیگر همه بنی اسرائیل خدا هستند! پس خدا و مخلوق کیست و چیست؟؟؟؟!!! که هیچ کسی نمیتواند در این کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!!! خداوند و مخلوق را از هم جدا نماید!!! و در فصل های دیگر هم تمامی ضد و نقیض های گوناگون این کتابهای به اصطلاح آسمانی را خواهیم نوشت!!! تا کاملاً روشنتر شود!!! که در این کتابهای به اصطلاح آسمانی خداوند و مخلوق چنین قاطی شده است! که جدا کردن برای هیچکسی امکان پذیر نیست!!! این یهودیت صهیون نیستی چقدر پررویی مینمایند؟! که ادعای یکتا پرستی میکنند؟؟؟؟!!! و یهودیان صهیون نیزم یهوه را خداوند اصلی و ازلی خودشان میدانند!!! در حالیکه در کتاب تورات فعلی! خداوند اصلی و ازلی دیگری است! و یهوه یادگار خداوند اصلی و ازلی میباشد! که در متن کتاب تورات فعلی! مطالعه فرموده اید! که نمیدانیم آیا خداوند اصلی و ازلی!!! که یهوه یادگار اوست چه شده است؟! آیا مُرده و یا فرار کرده و یا پنهان شده است؟؟؟؟!!! و یا ترور و یا زندانی و یا نابود شده است؟؟؟؟!!! که یهوه یادگار و یا جانشین آن خداوند قبلی و اصلی و ازلی شده است؟؟؟؟!!! که احوالات خدای قبلی و اصلی و ازلی کتاب تورات فعلی!!! برای ما معلوم و روشن نشده است!!! خلاصه در کتاب تورات فعلی!!! یهوه خداوند اصلی و ازلی نمیباشد! زیرا که یهوه یادگار خداوند قبلی و اصلی و ازلی میباشد! که سرگذشت خداوند قبلی و اصلی و ازلی در کتاب تورات فعلی؟! چه بوده است؟! برای مؤلف: معلوم و روشن نشده است؟؟؟؟!!! یهودیان صهیون نیزم یکتا پرستی را از کجای کتابها یشان در می آوردند ما نمیدانیم؟؟؟؟!!! و در طریقه یکتا پرستی را در فصل تطبیقی خدانشناسی بخوبی خواهیم نوشت! شاید این قوم لجوج خجالت کشیده و توبه نمایند!!! و به قرآن کریم وحی منزل ایمان بیاورند!!! در پیشگاه خداوند واحد و یکتا؛ خلاق جهان هستی؛ وجهاتیان روی سفید و رستگار شده باشند!!! انشاء الله تعالی رب العالمین .

## فصل دوم

صفات و عملکرد خدایان یهودیت صهیون نیزم از  
کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی

## عملکرد خدایان یهودیت در کتاب تورات فعلی

۱- خدا گفت: آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم! تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم ویر تمامی زمین و همه حشراتی که در زمین میخزند حکومت نمایند! پس خدا آدم را بصورت خود آفرید! اورا بصورت خدا آفرید! ایشان را نروماده آفرید!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب اول آیه ۲۶)

خدا گفت: همانا انسان مثل یکی از ما شده است!!! که عارف نیک و بد گردیده! اینک مبدا دست خود را دراز کند! و از درخت حیات نیز گرفته بخورد! و تا به ابد زنده بماند!!! پس خداوند! خدا اورا از باغ عدن بیرون کرد! تا کارزمینی را که از آن گرفته شده بود بکند! پس آدم را بیرون کرد! بطرف شرق باغ عدن گروییان را مسکن داد! و شمشیر آتشباری را که بر هر سوگردش میکرد خلق نمود!!! تا از درخت حیات را محافظت کند!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سوم آیات از ۲۲ تا آخر باب)

و ما از همه حیوانات صحراء که خداوند! خدا ساخته بود هوشیار تر بود!!! و بزنی گفت: آیا حقیقتاً خدا گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟! زن بمار گفت: از همه درختان باغ میخوریم؛ لکن از میوه درختی که در وسط باغ است!!! خدا گفت: از آن نخورید و آن را لمس مکنید که مبدا بمیرید!!! ما بزنی گفت: هر آینه نخواهید مرد!!! بلکه خدا میداند در روزی که از آن بخورید چشمان شما باز میشود!!! مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود!!! و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست! و بنظر خوشنما و درختی دلپذیر دانش افزا است!!! پس از میوه اش گرفته بخورد! و بشوهر خود نیز داد و او هم خورد!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب تورات سفر پیدایش باب سوم آیات از ۱ تا ۶)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! استفاده میشود؛ که خدا مانند آدم است! و آدم هم مانند خدا است!!! پس در این صورت خداهم جسم میشود! و هر جسمی هم بمکان و زمان نیازمند است! پس خدایکه جسم بوده باشد؟! قبل از خلقت جهان هستی و عالم امکان؟؟؟! این خدای جسمی کجا بود؟؟؟! و چطور زندگی میکرد؟؟؟! که جهان و مکان و زمان وجود نداشته است؟! یعنی چه؟؟؟! آیا موجود جسمی بدون مکان و زمان و هوا و زمین و آب و غذا میتواند زندگی کند؟؟؟! و ادامه حیات بنماید؟؟?!

۲- وحی کلام خداوند بر زمین خدراخ نازل میشود!!! و دمشق محل آن میباشد زیرا که نظر انسان و نظر تمامی اسباط اسرائیل بسوی خداوند است! و من گرداگرد خانه خود بضد لشگر آرد و خواهم زد!!! زیرا که حال بچشمان خود مشاهده نموده ام؛ ای دختر صهیون بسیار وجد بنما!!! و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده؛ اینک پادشاه تونزد تومی آید! او عادل و صاحب نجات و حلیم میباشد! **وبر الاغ و بر کره بچه الاغ سوار است!** و من اربه را از افرایم و اسب را از اورشلیم منقطع خواهم ساخت! و کماتی جنگی شکسته خواهد شد! و اوبا امتهای بسلامتی تکلم خواهد کرد!!! و سلطنت او از دریا و از نهر تا اقصای زمین خواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب زکریا نبی باب نهم؛ آیه از ۱ تا ۱۱)

۳- داود گفت: نام خدای خود را هرگز فراموش نکردیم؛ و دست خود را بخدای غیر بر نیفراشتیم؛ آیا خدا این را غورسی نخواهد کرد؟! زیرا که او خفایای قلب را میداند؛ هر آینه بخاطر تو تمامی روزگشته میشویم! و مثل گوسفندان ذبح شمرده میشویم!!! ای خداوند بیدار شو چرا خوابیده؟؟؟! برخیز و ما را تا به ابد دور مینداز! **چرا روی خود را پوشانیدی؟! و ذلت و تنگی ما را فراموش کردی؟؟?!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور؛ جهل و چهارم آیات از ۲۰ تا ۲۵)

**او نخواهد گذاشت که پای تولغزش خورد؛ او حافظ تو است نخواهد خوابید!!!** اینک او حافظ اسرائیل است نمی خوابد! و بخواب نمی رود!!! **خداوند حافظ تومی باشد؛ خداوند بدست راستت سایه تو است!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر مزمور؛ صد و بیست و یکم آیات از ۳ تا ۶)

**نکاتی از مؤلف: خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب مزامیرو کتاب تورات فعلی! هم میخوابد!! وهم نمیخوابد!!! که باز هم ضد و نقیض فراوان میباشد؟؟؟!! یعنی چه؟؟؟!!!**

۴- و واقع شده که چون آدمیان شروع کردند بزاید شدن بر روی زمین! و دختران برای ایشان متولد گردید!!! پسران خدا دختران آدمیان را دیدند!!! که نیکو منظرند! هر کدام خواستند زنان برای خویشان میگرفتند!!! و خداوند گفت: روح من در انسان دائماً دآوری خواهد کرد! زیرا که اونیز بشر است!!! لیکن ایام وی صد و بیست سال خواهد بود! و در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند! و بعد از هنگامیکه پسران خداوند دختران آدمیان در آمدند!!! و آنها برای ایشان اولادی زائیدند که ایشان جبارانی بودند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب ششم آیات از ۱ تا ۵)

**نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! برای ماروشن و معلوم نشد! که این پسران را خداوند خودش زائیده بود؟! و یا زنان خداوند زائیده اند؟! زیرا که خداوند خودش هم زائیده است!!! و زنان خداوند هم زائیده اند! که زنان خداوند هم از زنان بودند! وهم از پسران و مردان بودند! و یا اینکه زنان خداوند پسران را زائیده بود؟! برای ما مبهم میباشد! باید خوانندگان محترم خودشان معلوم و روشن فرمایند؟! و بموجب این آیات کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! جباران روی زمین از نسل خداوند هستند!!! زیرا که عروسهای خداوند جباران را زائیده بودند! که پدران! جباران! فرزندان خداوند بودند!!! که در متن کتاب تورات فعلی؛ خوانده اید!!!**

**نکاتی از مؤلف: از این نوشتجات قلم خود! توهین و تهمت و افتراء!!! بخداوند خلاق جهان هستی رب العالمین پناه میبریم و از او بخشش و مغفرت مسئلت مینایم!!!**

۵- ای عاقره که زائیده بسرا! ای که درد زه نکشیده!!! با آواز بلند ترثم نماو فریاد برآور! زیرا که خداوند میگوید: پسران زن بیکس! از پسران زن منکوحه زیاده اند! مترس زیرا که خجل خواهی شد! و مشوش مشوزیرا که رسوا خواهی

گردید؛ چونکه خجالت جوانی خویش را فراموش خواهی کرد!!! و عار بیوگی خود را دیگر بیاد نخواهی آورد!!! زیرا بدانکه آفریننده تو که اسمش یهوه صباوت است!!! شوهرتواست و قدوس اسرائیل که بخدای تمام جهان مسمی است! ولی تو میباشی! زیرا که خداوند تورا مثل زن مهجورو رنجیده دل خوانده است! و مانند زوجه جوانی که ترک شده باشد! خدای تو این را میگوید: زیرا که به اندک لحظه تورا ترک کردم! اما برحمت های عظیم تورا جمع خواهم نمود! و خداوند ولی تو میگوید: بجوشش غضبی خود را از تو برای لحظه پوشانیدم! اما بر احسانی جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب پنجاه و چهارم آیات از ۹ تا ۹)

کلام خداوند بر هوشع بن بنیری نازل شد! ببرادران خود لوعمی بگویند: و بخواهران خویش لو و حامه حاجه نمائید!!! با مادر خود حاجه نمائید!!! زیرا که او زن من نیست و من شوهر او نیستم!!! لهذا زناي خود را از پیش رویش!!! فاحشگی خویش را از میان پستانهایش رفع نماید!!! مبادا رخت او را کنده وی را برهنه نمایم و او را مثل روز ولادتش گردانیده! مانند بیابان و اگذارم! مثل زمین خشک گردانیده بتشنگی بکشم!!! و بر پسرانش رحمت نخواهم کرد!!! چونکه فرزندان زنا میباشند!!! زیرا که مادر ایشان زنا نموده و والده ایشان بیشتر میکرده است!!! که گفت: در عقب عاشقان خود که نان و آب و پشم و کتان و روغن و شربت بمن داده اند خواهم رفت!!! بنابراین راه تورا بخارها خواهم بست و گرد او دیوار بناء خواهم نمود! تا راههای خود را نیابد! و هر چند عاشقان خود را تعاقب نماید!!! به ایشان نخواهید رسید و هر چه ایشان را بطلبید نخواهید یافت!!! پس خواهد گفت: میروم نزد شوهر نخستین خود بر میگردم!!! زیرا که در آن وقت از اکنون مرا خوشتر میگذشت!!! اما اونمیدانست که من بودم که گندم و شیره روغن را به او میدادم! و نقره و طلای را که برای بعل صرف میکرد!؛ برایش می افزودم! پس من گندم خود را در فصلش و شیره خود را!!! در موسمش باز خواهم گرفت!!! و او پشم و کتان خود را که میبایست برهنگی او را بپوشاند بر خواهم داشت! و الآن

قباحت اورا بنظر عاشقانش منکشف خواهم ساخت!!! واحدی اورا از دست من نخواهد رهانید! و تمامی شادی او وعیدها و هلالها و سبتها! و جمیع مواسمش را موقوف خواهم ساخت! مؤها و انجیرهایش را که گفته بود! اینها اجرت من می باشد که عاشقانم بمن داده اند! ویران خواهم ساخت و آنها را جنگل خواهم گردانید!!! تا حیوانات صحراء آنها را بخورند!!! خداوند میگوید: که انتقام روزهای بعلم را از او خواهم کشید!!! که برای آنها بخور میسوزانید!!! و خویشتن را بگوشواره ها و زیورهای خود آرایش داده!!! از عقب عاشقان خود میرفت و مرا فراموش کرده بود! بنابراینکه اورا فریفته بیابان خواهم آورد! و سخنان دلا ویز به او خواهم گفت: و تاکستانهایش را از آنجا بوی خواهم داد!!! او و ادنی عخور را بدر وازه امید مبدل خواهم ساخت!!! و در آنجا مانند ایام جوانیش! و مثل روز بیرون آمدنش از زمین مصر خواهد سرانید!!! و خداوند میگوید: که در آن روز مرا!!! ایسی (یعنی شوهر من) خواهد خواند! و دیگر مرا بعلی نخواهد گفت: زیرا که نام های بعلم را از دهانش دور خواهم کرد! که بار دیگر بنامهای خود مذکور نشوند! و در آن روز بجهت ایشان با حیوانات صحراء و مرغان هوا و حشرات زمین!!! عهد خواهم بست! و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست! و ایشان را به امنیت خواهم خوابانید! و تورا تا به ابد نامزد خود خواهم ساخت! و تورا بعدالت و انصاف و رأفت و رحمانیت نامزد خود خواهم گردانید! و من چون تورا به امانت نامزد خود ساختم!!! آنگاه یهوه را خواهی شناخت!!! و خداوند می گوید: من خطاب خواهم کرد! آسمانها را خطاب خواهم کرد!!! و آنها زمین گندم و شیر و روغن را خطاب خواهند کرد! آنها یزرعیل را خطاب خواهند کرد! و او را برای خود در زمین خواهم گشت! و بر لور و حامه رحمت خواهم فرمود! و به لوعمی خواهم گفت: توقوم من هستی!!! و او جواب خواهد داد تو خدای میباشی!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب دوم)

۶- وکلام خداوند بر من نازل شد گفت: ای پسرانسان دو دختریک مادر بودند! وایشان در مصرزنا کرده! در جوانی خود زنا کار شدند! در آنجا سینه های ایشان را مالیدند!!! و پستانهای بکارت ایشان را افشردند! نامهای ایشان بزرگتر اهُوَلَه و خواهر او اهُوَلِيبه بوده اند! ایشان از آن من بوده اند! پسران و دختران زائیدند و اما نامهای ایشان اهُوَلَه سامره میباشد! و اهُوَلِيبه اورشلیم!!! اهُوَلَه از من رو تافته زنا نمود!!! او بر محبان خود یعنی بر آشوریان که مجاور او بودند عاشق گردید!!! کسانیکه به آسمانی جونی ملبس بودند! حاکمان و سرداران که همه ایشان جوانان دلپسند! و فارسان اسب سوارن بودند!!! و با ایشان یعنی بجمع برگزیدگان!!! بنی آشور فاحشگی خود را بذل نموده!!! و خود را از جمع بتهای آنانیکه برایشان عاشق میبودند نجس میساخت! و فاحشگی خود را که در مصر مینمود ترک نکرد!!! زیرا که ایشان در ایام جوانیش با او هم خواب میشدند!!! و پستانهای بکارت او را افشرده!!! زنا کاری خود را بروی میرختند!!! لَهذا من او را بدست عاشقانش یعنی بدست آشور که او برایشان عشق میورزید تسلیم نمودم که ایشان عورت او را منکشف ساخته!!! پسران و دخترانش را گرفتند! و او را بشمشیر کشتند! که در میان زنان عبرت گردید! و بر وی داوری نمودند! و چون خواهرش اهُوَلِيبه این را دید! عشقبازی خویش را از او زیادترا فاسدتر گردید! و بیشتر از زنا کاری خواهرش زنا نمود!!! و بر بنی آشور عاشق گردید! که جمیع ایشان حاکمان و سروران مجاور او بودند! و ملبس به آسمانی جونی!!! و فارسان اسب سوار و جوانان دلپسند بودند! و دیدم که او نیز نجس گردیده! و طریق هردوی ایشان یکی بوده است!!! پس زنا کاری خود را زیاد نمود!!! زیرا که صورتهای مردان که بر دیوارها نقش شده بود! یعنی تصویرهای گلدانیان را که بشنجرف کشیده شده بود دید! که کمرهای ایشان بکمر بندها بسته! و عمامه های رنگارنگ بر سرایشان پیچیده بود!!! و جمیع آنها مانند سرداران!!! و شبیه اهل بابل که مولد ایشان زمین گلدانیان است بودند!!! و چون چشم او بر آنها افتاد! عاشق ایشان گردید! و رسولان نزد ایشان بزمین گلدانیان فرستاد!

پسران بابل نزد وی!!! در بستر عشقبازی درآمده!!! او را از زنا کاری خود نجس ساختند! پس چون خود را از ایشان نجس یافت! طبع وی از ایشان متنفر گردید! و چونکه زنا کاری را آشکار کردید! و عورت خود را منکشف ساخت! جان من از او متنفر گردید!!! چنانکه جانم از خواهرش متنفر شده بود؛ اما او ایام جوانی خود را که در آنها! در زمین مصر زنا کرده بود بیاد آورده! باز زنا کاری خود را زیاد نمود! و بر معشوقه های ایشان عشق ورزیده! که گوشت ایشان مثل گوشت الاغان و نطفه ایشان چون نطفه اسبان میباشد!!! و قباحت جوانی خود را حینیکه!!! مصریان پستانهای را بخاطر سینه های! جوانیت افشردند بیاد آورده! بنابراین ای اهل یهود! خداوند یهوه میفرماید: اینک من عاشقانت را که جانت از ایشان متنفر شده است!!! بضد تو برانگیزانیده! ایشان را از هر طرف بر تو خواهم آورد! یعنی پسران بابل و همه گلدانیان را از فقود و شرع! وقوع و همه پسران آشور را همراه ایشان! که جمیع ایشان جوانان دلپسند و حاکمان و والیان و سرداران و نامداران هستند! و تمامی ایشان اسب سوارند و با اسلحه ها!!! و کالسکه ها! و گروه عظیمی بر تو خواهند آمد! و با مجنّ ها و سپرها و خودها! تورا احاطه خواهند نمود!!! و من داوری تورا به ایشان خواهم سپرد! تا تورا بر حسب احکام خود داوری نمایند!!! و من غیرت خود را بضد تو خواهم برانگیخت!!! تا با تو بغضب عمل!!! و بینی و گوشهای تورا خواهند برید و بقیه تو با شمشیر خواهند افتاد و پسران و دختران تورا خواهند گرفت!!! بقیه تو با آتش سوخته خواهد شد! و لباس تورا از تو کنده! زیورهای زیبای تورا خواهند برد!!! پس قباحت تو و زنا کاری تورا که از زمین مصر آورده! از تو نابود خواهد ساخت!!! و چشمان خود را بسوی ایشان بر نخواهی افراشت و دیگر مصر را بیاد نخواهی آورد!!! زیرا که خداوند یهوه چنین میگوید: اینک تورا بدست آنانیکه از ایشان نفرت داری!!! و بدست آنانیکه جانت از ایشان متنفر است! تسلیم خواهم نمود! و با تو از راه بغض رفتار نموده! تمامی حاصل تورا خواهند گرفت! و تورا عریان برهنه و خواهم گذاشت! تا آنکه برهنگی زنا کاری تو! و قباحت و فاحشه گری تو ظاهر شود! و این کارها

را بتو خواهم کرد! از این جهت که در عقب امتها زنا نموده!!! و خویشان را از بُت‌های ایشان نجس ساخته! و چونکه بطریق خواهر خود سلوک نموده! جام او را بدستت خواهم داد! و خداوند یهوه چنین میفرماید: جام عمیق و بزرگ خواهر خود را خواهی نوشیدی!!! و محلّ سخریه و استهزاء خواهی شد که متحمل آن نتوانی شد! و از مستی و حزن پُر خواهی شد! از جام حیرت و خرابی یعنی از جام خواهرت سامره! و آن را خواهی نوشید و تا ته خواهی آشامید! و خورده‌های آن را خواهی خائید و پستانهای خود را خواهی کند!!! زیرا که خداوند یهوه میگوید: که من این را گفته‌ام! بنابراین خداوند یهوه چنین میفرماید: چونکه مرا فراموش کردی و مرا پشت سر خود انداختی لهذا! تو نیز متحمل قباحت و زنا کاری خود خواهی شد!!! و خداوند مرا گفت: ای پسرانسان آیا بر اهل و آهولیه داوری خواهی نمود؟! بلکه ایشان را از رجاسات ایشان آگاه سازی! زیرا که زنا نموده اند! و دست ایشان خون آلود است! و بابت‌های خویش مرتکب زنا شده اند! و پسران خود را نیز که برای من زائیده بودند!!! بجهت آنها از آتش گذرانیدند تا سوخته شوند!!! و علاوه بر آن این راهم بمن کردند! که در همان روز مقدّس مرا بی عصمت کرده! سبت‌های مرا بی حرمت نمودند! زیرا که چون پسران خود را برای بُت‌های خویش ذبح نموده بودند!!! در همان روز بمقدّس من داخل شده آن را بی عصمت نمودند!!! و همان این عمل را در خانه من بجا آوردند!!! بلکه نزد مردانی که از دور آمدند! فرستادید که نزد ایشان قاصدی فرستاده شد!!! و چون ایشان رسیدند خویشان را برای ایشان غسل دادی!!! و سرمه بچشم‌انت کشیدی!!! و خود را بزیورهایت آرایش دادی!!! و بر بستر فاخری سفره پیش آن آماده بود نشسته!!! بخور و روغن مرا بر آن نهادی!!! و در آن آواز گروه عیاشان مسموع شده و همراه آن گروه عظیم صابیان از بیابان آورده شدند که دستبندها بردست‌ها و تاج‌های فاخر بر سر هر دوی آنها گذاشتند! من درباره آن زنیکه در زنا کاری فرسوده شده بود گفتم: آیا ایشان الآن با او زنا خواهند کرد؟! و او ایشان و با او درآمدند؟! بنهجیکه نزد فاحشه هادرمی آیند؟؟؟؟!!! و همچنان با آن دوزن قباحت پیشه یعنی اهل و آهولیه درآمدند؟! پس مردان عادل بر ایشان! قصاص زنان

وزنا کاری و خون ریزی را خواهند رسانید!!! زیرا که ایشان زانیه میباشند! و دست ایشان خون آلود است! زیرا که خداوند یهوه چنین میفرماید: من گروهی را بضد ایشان خواهم برانگیخت! و ایشان را مشوش ساخته بتاراج تسلیم خواهم نمود!!! و آن گروه ایشان را با سنگها سنگسار نموده!!! و با شمشیرهای خود پاره خواهند کرد! و پسران و دختران ایشان را کشته! خانه های ایشان را با آتش خواهند سوزانید!!! و قباحت را از زمین نابود خواهم ساخت!!! پس جمیع زنان متنبه خواهند شد!!! که مثل شما مرتکب قباحت نشوند؛ و سزای قباحت شما را بر شما خواهند رسانید! و متحمل کناهان بُتهای خویش خواهید شد! و خواهید دانست که من خداوند یهوه میباشم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی؛ تمامی باب بیست و سوم)

فقط بگناهانت اعتراف بنما که بر یهوه خدای خویش عاصی شدی! و راههای خود را زیر هر درخت سبز! برای بیگانگان منشعب ساختی! و خداوند میگوید: که شما آواز مرا نشنیدید! پس خداوند میگوید: ای پسران مرتد رجوع نمائید!!! زیرا که من شوهر شما هستم!!! و از شما یک نفر از شهری! و دو نفر از قبیله گرفته شما را بصهیون خواهم آورد! و بشما شبانان موافق دل خود خواهم داد!!! که شما را بمعرفت و حکمت خواهند چرانید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سوم آیات ۱۴ تا ۱۶)

و خداوند در ایام یوشیا پادشاه بمن گفت: آیاملاحظه کردی که اسرائیل مرتد چه کرده است؟! چگونه بفراز هر کوه بلند؟! و زیر هر درخت سبز رفته در آنجا زنا کرده است؟! و بعد از آنکه همه ای کارها را کرده بود؟! من گفتم: نزد من رجوع نما اما رجوع نکرد! و خواهر خائن او یهودا این را بدید! و من هم دیدم با آنکه اسرائیل مرتد زنا کرد! و از همه جهات او را بیرون کردم!!! و طلاق نامه بوی دادم!!! لکن خواهر خائن او یهودا نترسید! بلکه اونیز رفته مرتکب زنا شده!!! و واقع شد که

بسبب سهل انکاری اودر زنا کاریش! زمین ملوث گردید! و او با سنگها و چوبها زنا نمود!!! و نیز خداوند میگوید: با وجود این همه خواهر خائن او یهودا نزد من! با تمامی دل خود رجوع نگرد بلکه با ریاکاری! پس خداوند مرا گفت: اسرائیل مرتد خویشتن را از یهودای خائن عادلتر نموده است! لهذا برو این سخنان را بسوی شمال ندا کرده بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل مرتد رجونما!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب سوّم آیات از ۱۲ تا ۱۶)

خداوند میگوید: اینک ایام می آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه خواهم بست! نمثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم! در روزیکه ایشان را دستگیری نمودم! تا از زمین مصر بیرون آورم! زیرا که ایشان عهد مرا شکستند!!! و با آنکه خداوند میگوید: من شوهر ایشان بودم!!! اما خداوند میگوید: این است عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست! شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد!!! و آن را بردل ایشان خواهم نوشت!!! و من خدای ایشان خواهم بود! و ایشان قوم من خواهند بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب سی و یکم آیات از ۳۱ تا ۳۴)

نکاتی از مؤلف: این آیات کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! چنین استفاده میشود که خود اسرائیل زن خداوند بود! زیرا که خداوند طلاق نامه بوی داده است!!! و از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! ثابت میشود! که اسرائیل زنا کار و مرتد و بت پرست بوده است!!! و از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! استفاده میشود که خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! هم مذکر است و هم مؤنث است! زیرا که اگر مذکر بوده است! از زنان! و هم پسران و مردان برای خود زن گرفته بوده است!!! و خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و خداوند کتاب تورات فعلی! مؤنث میباشد! برای اینکه خودش زائیده است!!! و کسیکه میزاید باید شوهر داشته باشد! ولی اما شوهر خداوند را در کتاب مقدس و در کتاب تورات فعلی پیدا نکردیم! و یا اینکه نداشته است! که چگونه باردار شده؟! و زائیده برای ما معلوم و روشن نشده است؟! بخاطر این کار از دواج!!! و زاد و ولد!!! خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! راه جنس باز شناخته ایم!!! زیرا که اگر خداوند کتاب مقدس عهد عتیق

**!!! و کتاب تورات فعلی!!! مرد بوده باشد!!! همجنس باز است!!! برای اینکه از پسران و از مردان برای خود زن گرفته است!!! و شوهرایشان میباشد!!! و اگر خداوند کتاب مقدس! کتاب تورات فعلی! زن بوده باشد! باز هم همجنس باز است! زیرا که از زنان برای خود زن گرفته است!!! و این کتاب مقدس! و کتاب تورات فعلی! نشانگر آن است! که خداوند هم مذکر است! و هم مؤنث است! و هم همجنس باز میباشد! که این کلمات در متن کتاب مقدس! و هم در کتاب تورات فعلی! موجود میباشد که خوانده اید! شاید مردان و زنان شهوت ران! هوس باز همجنس باز! همجنس بازی را از خداوند کتاب مقدس و از کتاب تورات فعلی آموخته اند!!!**

**۷- اسرائیل از خدای کتاب مقدس عهد عتیق زنا کرده است! ای اسرائیل مثل قوم ها شادی و وجد منما زیرا که از خدای خود زنا نمودی!!! و در همه خرمن ها اجرت را دوست داشتی!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب نهم آیه ۱)

کیست برای من در آسمان؛ و غیر از تو هیچ چیزی را در زمین نمیخواهم؛ اگر چه جسد و دل من زائل گردد؛ لکن صخره دلم و حصه من خدا است؛ تا ابد آباد؛ زیرا آنانیکه از تو دورند هلاک خواهند شد؛ و آنانی را که از تو زنا میکنند نابود خواهی ساخت؛ اما مرا نیکوست که بخداوند تقرب جویم؛ پر خداوند یهوه توکل کرده ام تا همه کارهای تورا بیان کنم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمر هفتاد و سوم قصیده آساف؛ ایات از ۲۵ تا ۲۸)

**۸- خداوند چنین میگوید: طلاق نامه مادر شما که او را طلاق دادم کجاست؟! یا کیست از طلب کاران من که شما را به او فروختم؟! اینک شما بسبب گناهان خود فروخته شدید! و مادر شما بجهت تقصیرهای شما طلاق داده شد!!! چون آدم چرا کسی نبود؟! و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟؟؟؟ آیا دست من بهیچ وجه کوتاه شده؟! که نتواند نجات بدهد؟؟؟؟ یا در من قدرتی نیست که رهائی بدهم؟؟؟؟!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشغیا نبی باب پنجاهم آیات ۱ و ۲)

پس روحهای خود باحذر باشید! و زنهرا حدی بزوجه جوانی خود خیانت نورزد  
**!!! زیرا که یهوه خدای اسرائیل میگوید: که از طلاق نفرت دارم!!! و نیز از اینکه**  
**کسی ظلم را بلباس خود نپوشاند! قول یهوه صباوت این است! پس از روحهای**  
**خود باحذر بوده زنهرا خیانت نورزید!!!** (تاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ملاکی نبی باب  
 دوّم آیه ۱۶)

**نکاتی از مؤلف: خداوند کتاب مقدس عهد عتیق!!! خودش طلاق داده است!!!**  
**و خودش هم از طلاق نفرت دارد!!! باز هم ضدّ و نقیض فراوان میباشد!!!**

۹- امان از زمین مصر تا حال یهوه خدای تو هستم! و غیر از من خدای دیگری  
 را نمی شناسی و سوای من نجات دهنده نیست!!! من تورا در بیابان در زمین  
 بسیار خشک شناختم! چون چریدند سیر شدند! دل ایشان مغرور گردید! و از این  
 جهت مرا فرموش کردند!!! پس من برای ایشان مثل شیر خواهم بود! و مانند  
 پلنگ سر راه کمین خواهم نشست! و مثل خرسی که بچه هایش را از وی ربوده  
 باشد!!! برایشان حمله خواهم آورد!!! و پرده دل ایشان را خواهم درید! و مثل  
 شیرایشان را در آنجا خواهم خورد! و حیوانات صحراء ایشان را خواهند درید!!!  
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب سیزدهم آیات از ۹ تا ۴۹)

۱۰- خداوند بموسی گفت: این کار را نیز که گفته خواهم کرد! زیرا که در نظر من  
 فیضی یافته و تورا بنام می شناسم؛ عرض کرد مستدعی آنکه!!! جلال خود را  
 بمن بنمائی! گفت: من تمامی احسان خود را پیش روی تو میگذارم و نام یهوه  
 را پیش روی تو ندا میکنم! و رافت میکنم بر هر که رئوف هستم! و رحمت خواهم  
 کرد بر هر که رحیم هستم! و گفت: روی مرا نمیتوانی دید! زیرا که انسان نمیتواند  
 مرا ببیند و زنده بماند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی  
 و سوّم آیات از ۱۸ تا ۲۱)

چون موسی بحضور خداوند داخل میشد که با وی گفتگو کند!!! انقاب را برمی  
 داشت تا بیرون آمدن او!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب  
 سی و چهارم؛ آیه ۳۴)

خداوند اسرائیل را دیدند!!! وزیرپایه‌هایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف!!! مانند ذات آسمان در صفا! و بر سروران بنی اسرائیل دست خود را نگذارد!!! پس **خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند!!!** و خداوند بموسی گفت: نزد من بکوه بالا بیا و آنجا باش تا لوح‌های سنگی! و تورات و احکام را که نوشته‌ام! تا ایشان را تعلیم نمائی بتو بدهم! پس موسی با خادم خود یوشع برخاست!!! و موسی بکوه بالا آمد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر جروج باب بیست و چهارم آیات ۱۰ تا ۱۴)

**نکاتی از مؤلف:** از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! چنین استفاده میشود! که خداوند یکتا است! و انسان نمیتواند خداوند را ببیند که بخاطر داشته باشید! و اما هم خداوند دیده میشود! و هم دیده نمیشود!!! که از این ضدونقیض هادر کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!! فراوان وجود دارد!!! که همه جای کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! ضد و نقیض میباشد! و در اینجا خدا یکی است! ولی خداوندان دوازده گانه را چه کنیم؟؟؟!!!

۱۱- و در روز پنجم ماه چهارم سال سی ام! چون من در میان اسیران نزد نهر خابور بودم! واقع شد که آسمان گشوده گردید! و رویاهای خدارا دیدم!!! در پنجم آن ماه که سال پنجم اسیری یهوه یا کین پادشاه بود! کلام یهوه بر حزقیال بن بوزی کاهن نزد خابور! در زمین گلدانیان نازل شد دست خداوند در آنجا بر او بود! پس نگرستم و اینک باد شدیدی! از طرف شمال برمی آید! و ابر عظیمی و آتش جهنده و درخشندگی گرداگردش! و از میانش یعنی از میان آتش مثل منظر برنج تابان بوده! و از میانش شبیه چهار حیوان پدید آمد!!! و نمایش ایشان این بود که شبیه انسان بودند!!! و هر یکی از آنها چهار رو داشت!!! و هر یکی از آنها چهار بال داشت! و پایهای آنها پایهای مستقیم! و کف پای آنها مانند کف گوساله بود!!! و مثل منظر برنج صیقلی درخشان بود! و زیر بالها از چهار طرف آنها دست های انسان بود!!! و آن چهار رویها و بالهای خود را چنین داشتند! و بالهای آنها بیکدیگر پیوسته بود!!! و چون میرفتند! بلکه هر یک راه مستقیم می رفتند!!!

واما شباهت رویهای آنها این بود! که آنها روی انسان داشتند! و آن چهار روی شیربطرف راست داشتند! و آن چها روی گاو بطرف چپ داشتند!!! و آن چهار روی عقاب داشتند!!! و رویها و بالها آنها از طرف بالا از یکدیگر جدا بود!!! و دو بال هریک بهم دیگر پیوسته! و دو بال دیگر بدن آنها را میپوشانید! و هریکی از آنها براه مستقیم میرفتند!!! و بهر جائیکه روح میرفت آنها میرفتند!!! و در حین رفتند رو نمیتافتند!!! و امّا شباهت این حیوانات این بود! که صورت آنها مانند شعله های اخگرهای آتش افروخته شده!!! مثل صورت مشعل ها بود!!! و آن آتش در میان آن حیوانات گردش میکرد و درخشان میبود! و از میان آتش برق میجهید!!! و آن حیوانات مثل صورت برق میدویدند و بر میگشتند!!! و چون آن حیوانات را ملاحظه میکردم! اینک چرخ پهلوی آن حیوانات! برای هر روی هر کدام از آن چهار بر زمین بود! و صورت چرخها و صنعت آنها مثل منظر زبرجد بود!!! و آن چهار یک شباهت داشتند!!! و صورت و صنعت آنها مثل چرخ در میان چرخ بود!!! و چون آنها میرفتند بر چهار جانب خود میرفتند!!! و در حین رفتن بهیچ طرف میل نمیکردند! و فلکه های آنها بلند و مهیب بود!!! و فلکه های آن چهار از هر طرف از چشمها پُر بود! و چون آن حیوانات میرفتند! چرخها در پهلوی آنها میرفت و چون آن حیوانات از زمین بلند میشدند چرخها بلند میشد!!! و هر جائیکه روح میرفت آنها میرفتند! بهر جائیکه روح سیر میکرد! و چرخها پیش روی آنها بلند میشد! **زیراکه روح حیوانات در چرخها بود!** و چون آنها میرفتند اینها میرفت! و چون آنها می ایستاد! و چون آنها از زمین بلند میشدند! چرخها پیش روی آنها از زمین بلند میشدند!!! **زیراکه روح حیوانات در چرخها بود!!!** مثل منظر بلور مهیب بود! بالای سر آنها پهن شده بود! و بالهای آنها زیر فلکی بسوی یکدیگر مستقیم بود! و دو بال هریک از این طرف میپوشانید! و دو بال هر یک از آن طرف بدن های آنها را میپوشانید!!! **و چون میرفتند من صدای بالها را مانند! صدای آبهای بسیار مثل آواز حضرت اعلی!!! و صدای هنگامه را مثل صدای فوج شنیدم! زیرا که چون می ایستادند بالهای خویش را فرو میهشتند**

و چون در حین ایستادن بالهای خود را فرو می‌هشتند! صدایی از فلکی که بالای سر آنها بود مسموع میشدم! و بالای فلکی که بر سر آنها بود! شباهت تخت مثل صورت یاقوت کبود بود! و بر آن شباهت تخت شباهتی! مثل صورت انسان بر فوق آن بود! و از منظر کمر او بطرف بالا مثل منظر برج تابان! مانند نمایش آتش در اندرون آن و گرداگردش را دیدم!!! و از منظر کمر او بطرف پائین! مثل نمایش آتشی که از هر طرف درخشان بود دیدم!!! مانند نمایش قوس قزح که در روز باران در ابر می‌باشد! همچنین آن درخشندگی گرداگرد آن بود! این منظر شباهت جلال یهوه بود!!! و چون آن را دیدم بر روی خود در افتادم و آواز قائلی را شنیدم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی تمتعی باب اول)

که مرا گفت: ای پسرانسان بر پایهای خود بایست تا با تو سخن گویم: و چون این را بمن گفت: روح داخل من شده مرا بر پایهایم برپا نمود!!! و او را با من تکلم نمود شنیدم! که مرا گفت: ای پسرانسان من تورا نزد بنی اسرائیل میفرستم! یعنی نزد امت فتنه انگیزی که بمن فتنه انگیزتند اند! ایشان و پدران ایشان تا امروز بر من عصیان ورزیده اند! و پسران ایشان سخت رو و قسی القلب هستند!!! و من تورا نزد ایشان میفرستم؛ تا به ایشان بگوئی: خداوند یهوه چنین میفرماید: و ایشان خواه بشنوند و خواه نشنوند!!! زیرا که خاندان فتنه انگیز میباشند!!! خواهند دانست که در میان ایشان نبی هست!!! و اما تو ای پسرانسان از ایشان مترس و از سخنان ایشان بیم مکن! اگر چه خارها و شوکها با تو باشند! و در میان عقرب ها ساکن باشی!!! اما از سخنان ایشان مترس!!! و از روی های ایشان هراسان مشو! زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند! پس کلام مرا به ایشان بگو: خواه بشنوند و خواه نشنوند!!! چونکه فتنه انگیز هستند!!! و تو ای پسر انسان آنچه راکه من بتو میگویم: بشنو و مثل این خاندان!!! فتنه انگیز عاصی مشو! بلکه دهان خود را گشوده! آنچه راکه من بتو میدهم بخور! پس نگریستم

واینک دستی بسوی من دراز شد و در آن طوماری بود! و آن را پیش من بگشود!  
**ا**که روی و پشتش هردو نوشته بود! و نوحه و ماتم و وای بر آن مکتوب بود!!!  
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبیّ تمامی باب دوم)

پس مرا گفّت: ای پسرانسان آنچه راکه میابی بخور! این طومار را بخور و رفته  
 با خاندان اسرائیل متکلم شو! آنگاه دهان خود را گشودم!!! و آن طومار را بمن  
 خورانید! و مرا گفّت: ای پسرانسان شکم خود را بخوران و احشای خویش را از  
 این طوماری که من بتو میدهم پُر کن!!! پس آن را خوردم و در دهانم مثل عسل  
 شیرین بود!!! و مرا گفّت: ای پسرانسان بیا بنزد خاندان اسرائیل رفته! کلام مرا  
 برای ایشان بیان کن! زیرا که نزد غامض زبان و ثقیل لسان فرستاده نشدی!  
 بلکه نزد خاندان اسرائیل! نه نزد قوم های بسیار غامض زبان و ثقیل لسان! که  
 سخنان ایشان را نتوانی فهمید!!! یقیناً اگر تو را نزد آنها میفرستادم بتو گوش  
 می گرفتند! اما خاندان اسرائیل نمیخواهند تورا بشنوند! زیرا که نمیخواهند مرا  
 بشنوند! چونکه تمامی خاندان اسرائیل سخت پیشانی و قسی القلب هستند! هان  
 من روی تورا در مقابل ایشان سخت خواهم ساخت!!! و پیشانی تورا در مقابل  
 پیشانی ایشان سخت خواهیم گردانید!!! بلکه پیشانی تورا مثل الماس از سنگ  
 خارا سخت تر گردانیدم! پس از ایشان مترس و از ایشان هراسان مباش! زیرا که  
 خاندان فتنه انگیز میباشند! و مرا گفّت: ای پسرانسان تمام کلام مرا که بتو میگویم  
 در دل خود جای بده!!! و بگوشهای خود استماع نما!!! و بیا بنزد اسیرانی که  
 از پسران قوم تو میباشند رفته! ایشان را خطاب کن خواه بشنوند و خواه نشنوند  
 به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: آنگاه روح مرا برداشت! و از عقب  
 صدای گلبانگ عظیمی شنیدم! که جلال یهوه از مقام او متبارک باد!!! و صدای  
 بالهای آن حیوانات راکه بهم دیگر بر میخورند، و صدای چرخه راکه پیش روی  
 آنها بود! و صدای گلبانگ عظیمی را شنیدم! آنگاه روح مرا برداشت و برد و با

تلخی در حرارت روح خود رفتم! و دست خداوند بر من سنگین میبود!!! پس بتلّ  
 آیبب نزد اسیرانی که نزد نهر خابور ساکن بودند رسیدم! و در مکانی که ایشان  
 نشسته بودند در آنجا در میان ایشان هفت روز متحیر نشستم!!! و بعد از انقضای  
 هفت روز واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شد! گفت: ای پسر انسان تورا  
 برای خاندان اسرائیل دیده بان ساختم! پس کلام مرا از دهان من بشنو؛ و ایشان  
 را از جانب من تهدید کن! و حینیکه من بمرّد شریر گفته باشم! که الیته خواهی  
 مُرد! اگر تو او را تهدید نکنی!!! و سخن نگوئی تا آن شریر را از طریق زشت او  
 تهدید نموده! او را زنده سازی! آنگاه آن شریر در گناهش خواهد مُرد! اما خون او  
 را از دست تو خواهم طلبید! لیکن اگر تو مرد شریر را تهدید کنی و او از شرارت  
 خود و طریق بد خویش بازگشت نکند! او در گناه خود مُرد! اما توجان خود را  
 نجات داده! و اگر مرد عادل از عدالت خود برگردد و گناه ورزد! و من سنگی مصادم  
 پیش وی بنهم تا بمیرد!!! چونکه تو او را تهدید بنمودی او در گناه خود خواهد  
 مُرد! و عدالتی که بعمل آورده بود! بیاد آورده نخواهد شد! لیکن خون او را از تو  
 خواهم طلبید! و اگر تو مرد عادل را تهدید کنی که آن مرد عادل گناه نکند! و از  
 خطاء نورزد الیته زنده ماند! چونکه تهدید را پذیرفته است! و توجان خود را  
 نجات داده! و دست خداوند در آنجا بر من نهاده شد!!! و او مرا گفت: برخیز و بهامون  
 بیرون شو که در آنجا با تو سخن خواهم گفت: پس برخاسته بهامون بیرون  
 رفتم! و اینک جلال خداوند مثل جلالی که نزد نهر خابور دیده بودم! در آنجا برپا  
 شد!!! و بروی خود در افتادم! و روح داخل من شده مرا برپایه‌ایم برپا داشت؛ و او  
 مرا خطاب کرده گفت: برو و خویشان را در خانه خود ببند! و اما تو ای پسر انسان  
 اینک بندها بر تو خواهند نهاد! و تورا به آنها خواهند بست اما در میان ایشان  
 بیرون مرو! و من زبان تورا بکامت خواهم چسبانید! تا گنگ شده برای ایشان  
 ناصح نباشی! زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند!!! اما وقتیکه من باتو  
 تکلم بنمایم آنگاه دهان تورا خواهم گشود! و به ایشان خواهی گفت: خداوند  
 یهوه چنین میفرماید: آنگاه آنکه شنوا باشد بشنود و آنکه ابا نماید ابا کند!!!  
 زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال  
 نبیّ تمامی باب سوم)

نکاتی از مؤلف: کتاب حزقیال نبیّ چهل و هشت باب میباشد!!! از خوانندگان محترم تقاضا میشود که تا بقیه باب هارا خودشان!!! از کتاب مقدس عهد عتیق بخوانند و نتیجه گیری نمایند!!! تا اینجا که ما نوشتیم سه مطلب بدست ما آمده است! یکی اینکه خداوند به اربه سوار شده که اربه از آتش است! و حیوانات عجیب و غریب بالدار آن اربه را بجای میبرد!!! دوّم اینکه خداوند تمامی بنی اسرائیل را فتنه انگیز و شرور و عصیانگر خوانده است!!! سوّم اینکه خداوند طومارش را به حزقیال نبیّ خورا نیده و بنزد بنی اسرائیل فرستاده!!!

نکاتی از مؤلف: خوانندگان گرامی باید خودشان درباره این کتاب به اصطلاح آسمانی قضاوت نمایند!!! که آیا این کتاب میتواند کتاب آسمانی وحی منزل خداوند بوده باشد؟؟؟؟!!!

۱۲- و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است! و هر تصوّر از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است! و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود! و در دل خود محزون گشت!!! و خداوند گفت: انسان را که آفریده ام از روی زمین محو سازم!!! انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را چونکه متأسف شدم از ساختن ایشان!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب ششم آیات از ۵ تا ۸)

و چون خداوند برای ایشان داوران برمی انگیزد خداوند با داور میبود! و ایشان را در تمام ایام آن داوران دست دشمنان ایشان نجات میداد! زیرا که خداوند بخاطر ناله که ایشان از دست ظالمان و ستم کنندگان خود بر میآورد!!! پشیمان میشد!!! و واقع میشد چون داوروفات که ایشان بر میگشتند!!! و از پدران خود بیشتر فتنه انگیز شده! خدایان غیر را پیروی میکردند! و آنها را عبادت نموده و سجده میکردند!!! و از اعمال بد و راههای سرکشی خود؛ چیزی باقی نمیگذاشتند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر داوران باب دوم آیه ۱۹)

کلام خداوند برسموئیل نازل شده گفت: **پشیمان شدم که شاول را پادشاه ساختم!!!** زیرا که از پیروی من برگشته کلام مرا بجا نیاورده است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب پانزدهم آیه ۱۰)

وسموئیل برای دیدن شاول تا روزوفاتش دیگر نیامد! اما سموئیل برای شاول ماتم میگرفت!!! **و خداوند پشیمان شده بود!!!** که شاول را بر اسرائیل پادشاه ساخته بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب پانزدهم آیه ۳۵)

**و چون فرشته دست خود را بر اورشلیم دراز کرد تا آن را هلاک سازد!!!** خداوند از آن بلا پشیمان شد!!! **بفرشته که قوم را که هلاک میساخت گفت:** کافی است حال دست خود را بازدار! **و فرشته خداوند نزد خرمنگاه ارونه یبوسی بود!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب بیست چهارم آیه ۱۶)

**خداوند گفت:** چون غضب من به اتمام رسیده باشد؛ **و حدت خشم خویش را بر ایشان ریخته باشم!** آنگاه پشیمان خواهم شد!!! **و چون حدت خشم خویش را بر ایشان به اتمام رسانیده باشم!!!** آنگاه خواهند دانست که من یهوه این را در غیرت گفته ام!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب پنجم آیه ۱۳)

**نکاتی از مؤلف:** از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! و از کتاب حزقیال نبی و از کتابهای اول و دوم سموئیل! چنین استفاده میشود! که خداوند این کتابها به اصطلاح آسمانی! کارهایی را ندانسته انجام میدهد! بعد پشیمان میشود!!! **و چنین استفاده میشود که خداوند این کتابها به اصطلاح آسمانی! علم غیب را نمیداند!** بدین جهت از نتیجه کارهایش پشیمان میشود!!!

۱۳- **خداوند بر ابرتیزرو سوار شده است!** اینک خداوند بر ابرتیزرو سوار شده! بمصر میآید! **و بت های مصر از حضور وی خواهند لرزید!** و دل های مصریان در اندرون ایشان گداخته شد! **و مصریان را بر مصریان خواهم برانگیخت!!!** برادر با برادر و همسایه با همسایه خویش!!! **و شهر با شهر و کشور با کشور!!!** جنگ خواهند نمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب نوزدهم آیات ۱ تا ۳)

۱۴- انسان خداوند را گول زده است!!! شما از ایام پدران خود از فرایض من تجاوز نموده آنها را نگاه نداشته اید!!! اما یهوه صباوت میگوید: بسوی من بازگشت نمائید! و من بسوی شما بازگشت خواهم کرد!!! اما شما میگوئید: بچه چیز بازگشت نمائیم؟! آیا انسان خدا را گول زند؟! اما شما مرا گول زده اید!!! و می گوئید: درچه چیزتورا گول زده ایم؟! در عَشْرها و هدايا! شما سخت ملعون شده اید زیرا که شما یعنی تمامی این امت مرا گول زده اید!!! تمامی عَشْرهارا بخانه من بیاورید! تادرخانه من خوراک باشد! و یهوه صباوت میگوید: مرا به این طور امتحان نمائید؟! که آیا روزنه های آسمان را برای شما نخواهیم گشاد؟! و چنان برکتی بر شما نخواهیم ریخت که گنجایشی برای آن نخواهد بود؟؟؟!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ملاکی نبی باب سوم آیات از ۷ تا ۱)

۱۵- از تخم های افعی بچه برمی آورند! و پرده عنکبوت میبافند!!! هرکسی از تخم های ایشان بخورد میمیرد! و چون آن شکسته گردد افعی بیرون می آید!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب پنجاه و نهم آیات ۵ و ۶)

۱۶- یعقوب با خداوند کشتی گرفت و نصرت یافت! و یعقوب تنها ماند و مردی با وی تا طلوع فجر کشتی می گرفت!!! و چون او دید که بروی غلبه نمی یابد!!! کف ران یعقوب را لمس کرد! و کف ران یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد!!! پس گفت: مرا رها کن زیرا که فجر میشکافد!!! گفت: تا مرا برکت ندهی تورا رها نمیکنم! بوی گفت: نام تو چیست؟ گفت: یعقوب؛ گفت: از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود!!! بلکه اسرائیل! زیرا که با خدا وبا انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی یعقوب از او سؤال کرده؟ گفت: مرا از نام خود آگاه ساز؟ گفت: چرا اسم مرا میپرسی؟؟ و او را در آنجا برکت داد! و یعقوب آن مکان را فنونیل نامیده گفت: زیرا که خدا را رو برودیدم و جانم رستگار شد!!! و چون از فنونیل گذشت آفتاب بروی طلوع کرد! و بر ران خود می لنگید! از این سبب بنی اسرائیل تا امروز عرقا لئساعرا که کف ران است نمیخورند! زیرا که کف ران یعقوب را در عرقا لئساعلمس کرد!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و دوم آیات از ۲۴ تا ۳۲)

نکاتی از مؤلف: یعقوب با خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و با کتاب تورات فعلی! کشتی گرفته! و بخداوند نصرت یافت و پیروز شد!!! و خداوند کتاب مقدس مرد قابل رؤیت است! یعنی با چشم معمولی دیده میشود! که در مقابل بنده خود یعقوب در کشتی شکست خورده است! خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! در چند جا دیده میشود! و در چند جا دیده نمیشود!!! باز هم ضد و نقیض های فراوان در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی! که خداوند مانند یعقوب یک انسان و جسم و یک مرد است!!! که دارای زن!!! از زنان و از پسران و از مردان است!!! و خودش هم پسران زیادی زائیده است!!! پس در این صورت! هم مذکر است! و هم مؤنث میباشد!!! دلیلش را قبلاً خوانده اید!!!

۱۷- خداوند میگوید: که الان برمیخیزم و حال خود را برمی افرازم!!! و اکنون متعال خواهم گردید!!! و شما از گناه حامله شده خس خواهید زائید! و نفس شما آتشی است که شما را خواهد سوزانید! و قوم ها مثل آهک سوخته! و مانند خار های قطع شده که از آتش مشتعل گردیده خواهند شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیاى نبی سی و سوم آیه ۱۱)

نکاتی از مؤلف: خوانندگان محترم باید خودشان این آیه را معنی و تفسیر کنند! که یعنی چه؟؟؟؟!!! یعنی خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی چه میگوید؟؟؟؟!!!

۱۸- خداوند بموسی گفت: ببین تورا بر فرعون خدا ساخته ام! و برادرت هارون نبی تو خواهد بود! و هر آنچه بتوامر بنمایم!!! تو آن را بگو: و برادرت آن را به فرعون بازگوید: تا بنی اسرائیل را از زمین خود رهائی بدهد!!! (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب هفتم آیات از ۳ تا ۱۳)

۱۹- و خداوند موسی را خطاب کرد گفت: و توبنی اسرائیل را مخاطب ساخته بگو: البتّه سبت های مرا نگاه دارید! زیرا که این در میان من و شما! در نسل های شما آیتی خواهد بود!!! تا بدانید که من یهوه هستم که شما را تقدیس می کنم! پس سبت را نگاه دارید زیرا که برای شما مقدّس است!!! هر کسی که آن را بی حرمت کند هر آینه کشته شود!!! و هر کسی که در آن کار کند آن شخص از میان قوم خود منقطع شود! شش روز کار کرده شود و در روز هفتم سبت آرام و مقدّس خداوند است!!! هر کسی که در روز سبت کار کند هر آینه کشته شود!!! (روز سبت؛ یعنی روز شنبه) پس بنی اسرائیل سبت را نگاه ندارد! نسل بعد نسل سبت رابه عهد ابدی ندارند! این در میان من و بنی اسرائیل آیتی ابدی است!!! زیرا که در شش روز خداوند آسمان و زمین را ساخت؛ و در روز هفتم آرام فرمود استراحت یافت!!! و چون گفتگورا باموسی در کوه سینا پایان برد! دولوح شهادت یعنی دولوح سنگی مرقوم با انگشت خدارا بوی داد!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و یکم آیات از ۱۲ تا ۱۸)

نکاتی از مؤلف: روز سبت یعنی روز شنبه که هر کسی که در آن روز کار علم و اقتصادی و پخت پذی!!! خلاصه جز عبادت هر کاری را انجام بدهد باید کشته شود! یعنی سر بریده و ذبح شود!!! زیرا که فقط دستور خود خداوند کتاب مقدّس عهد عتیق و دستور خداوند کتاب تورات فعلی! میباشد! که در متن این کتابها مطالعه فرموده اید!!!

۲۰- و اما توای پسرانسان؛ خداوند یهوه چنین میفرماید: که بهرجنس مرغان و بهیمة حیوانات صحراء را بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح بنمایم! فراهم آید! قربانی عظیمی بر کوه های اسرائیل تا گوشت بخورید و خون بنوشید!!! گوشت جباران را خواهید خورد!!! و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید!!! از قوچ ها و بره ها و گاو ها که همه آنها از پرواری های باشان میباشد! و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم! پیه خواهید خورد تا سیر شوید! و خون خواهید نوشید تا مست شوید!!! و خداوند یهوه میگوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و یکم آیات از ۱۲ تا ۱۸)

نکاتی از مؤلف: خداوند کتاب مقدس عهد عتیق؛ خداوند تورات فعلی؛ خوردن گوشت غیریهودی و بنی اسرائیل را؛ و نوشیدن خون انسانهای غیریهودی را؛ برای قوم یهود و بنی اسرائیل را نه تنها حلال و مباح میدانند؛ و بلکه دستور و بشارت هم میدهد و سفارش هم میکند!!! و بنی اسرائیل را هم بخون خوری و خون آشامی؛ غیریهودی را سوق میدهد؛ و امر هم میفرماید؛ که تا بحال یهودیت صهیون نیست ها خون غیریهودی؛ را با فطیر درست کردند و خوردند!!! که به امر خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و خداوند کتاب تورات فعلی؛ عمل کردند؛ و چنین خون خوری و خون آشامی را انجام داده اند؛ که در لابلای کتابهای تاریخ موجود میباشد و پُر است!!! که در جایش با مستند بخوبی عید فصیح را خواهیم نوشت!!! و جنایتکاری؛ و خون آشامی ملت یهودیت را ثابت خواهیم کرد!!!

۲۱- خداوند در بلوطستان ممری بروی (ابراهیم) ظاهر شد؛ و او در گرمای روز بدرخیمه نشسته بود!!! ناگاه چشمان خود را بلند کرده دید که اینک سه نفر مرد در مقابل او ایستاده اند؛ و چون ایشان را دید از درخیمه به استقبال ایشان شتافت؛ و رو بر زمین نهاد و گفت: ای مولی اکنون اگر منظور تو شدم از نزد بنده خود مگذر؛ اندکی آبی بیاورند تا پای خود را شسته در زیر درخت بیارم؛ و لقمه نانی بیاورم تا دلهای خود را تقویت دهید؛ و پس از آن روانه شوید؛ زیرا که برای همین شما را بر بنده خود گذری افتاده است؛ گفتند: آنچه را گفتی بکن؛ پس ابراهیم بخیمه نزد ساره!!! شتافت و گفت: سه گیل از آرد میده به زودی حاضر کن؛ آن را خمیر کرده کرده ها بساز؛ و ابراهیم بسوی رمه شتافت!!! و گوساله نازک گرفته به غلام خود داد تا بزودی آن را طبخ نماید!!! پس کره و شیرو گوساله را که ساخته بود؛ گرفته پیش روی ایشان گذاشت!!! و خود در مقابل ایشان زیر درخت ایستاد تا خوردند؛ بوی گفتند: زوجه ات ساره کجاست؟ گفت: اینک در خیمه است؛ گفت: البته موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت!!! و زوجه ات را پسری خواهد شد؛ و ساره بدرخیمه که در عقب او بود شنید؛ و ابراهیم و ساره پیرو سالخورده بودند؛ و عادت زنان از ساره منقطع شده بود؛ پس ساره در دل خود بخندید؛ و گفت: آیا بعد از فرسودگیم مرآشادی خواهد بود؟؛ و آقام نیز پیر شده است؟؛ و خداوند به ابراهیم گفت: ساره برای چه خندید؟؛ و گفت: آیا فی الحقیقت خواهم زائید؟؛ و حال آنکه پیر هستم؛ گفت: مگر هیچ امری نزد خدا مشکل است؟!؛

وقت موعود موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت و ساره را پسری خواهد شد؛ آنگاه ساره انکار کرده گفت: نخندیدم چونکه ترسیده! گفت: نئی بلکه خندیدی پس آن مردان از آنجا برخاسته متوجه سدوم شدند!!! و ابراهیم ایشان را مشایعت نمود؛ و خداوند گفت: آیا آنچه من میکنم از ابراهیم مخفی بدارم؟؟؟؟!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب هجدهم آیات از ۱ تا ۸)

و به این متمرّدین یعنی بخاندان اسرائیل بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: ای خاندان اسرائیل از تمامی رجاسات خویش باز ایستید!!! زیرا که شما اجنبیان نامختون دل! و نامختون گوشت را داخل ساختید!!! تا در مقدس من بوده خانه مرا ملوث سازند! و چون شما غذای من یعنی پیه و خون را گذرانید!!! ایشان علاوه بر همه رجاسات عهد مرا شکستید! و شما ودیعت اقداس مرا نگاه نداشتید! بلکه کسانی را بجهت خویشتن تعیین نمودید! تا ودیعت مرا در مقدس من نگاه دارند خداوند یهوه چنین میفرماید: هیچ شخص غریب نامختون دل!!! و نامختون گوشت! از همه غریبانی که در میان بنی اسرائیل باشند!!! بمقدس من داخل نخواهند شد!!! بلکه آن لاویان نیز که در حین آواره شدن!!!! بنی اسرائیل از من دوری ورزیده! از عقب بتها خویش آواره گردیدند! متحمل گناه خود خواهند شد! زیرا که خادمان مقدس من و مستحفظان دروازه های خانه و ملازمان خانه هستند!!! و ایشان قربانی های سوختنی و ذبایح قوم را ذبح مینمایند!!! و بحضور ایشان برای خدمت ایشان می ایستند!!! و از این جهت که بحضور بتهای خویش ایشان را خدمت نمودند! و برای خاندان اسرائیل سنگ مصادم گناه شدند! بنابراین خداوند یهوه میگوید: دست خود را بصدّ ایشان برافروشم که متحمل گناه خود خواهند شد! و بمن نزدیک نخواهند آمد!!! و بکهانّت من نخواهند پرداخت! و بهیچ چیز مقدس من در قدس الاقداس نزدیک نخواهند آمد! بلکه خجالت و رجاسات خود

را که بعمل آوردند! متحمل خواهند شد!!! لیکن ایشان را بجهت تمامی خدمت خانه! و برای هرکاری که در آن کرده میشود!!! مستحفظان و دیعت آن خواهم ساخت!!! لیکن لاویان گهنه از بنی صادوق؛ که درحینیکه بنی اسرائیل از من آواره شدند! و دیعت مرانگه داشتند؛ خداوند یهوه میگوید: که ایشان بجهت من نزدیک خواهند آمد! و بحضور من ایستاده! پیه و خون را برای من خواهند گذرانید!!! و ایشان بمقدس من داخل خواهند شد؛ و بجهت خدمت من بخوان من نزد یک خواهند آمد؛ و دیعت مرانگه خواهند داشت!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب حزقیال نبی باب چهل و چهارم آیات از ۱ تا ۱۷)

**نکاتی از مؤلف:** از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! ثابت میشود که بخداوند غذا و طعامهای دیگری مانند خون!!! و پیه!!! و گوشت تقدیم میکنند! و میخورد!!! و خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی مانند یک انسان معمولی به غذا و طعام غیره نیازمند است!!! اصلاً خداوند این کتابهای فعلی! یک انسان است!!! زیرا که آدم را بصورت خود آفریده است!!! بهمین جهت خداوند کتاب مقدس و کتاب تورات فعلی! از زنان و پسران مردان برای خود زن گرفته است! و خودش هم پسران زیادی زائیده است! پس در این صورت خدای این کتابها هم مذکر و هم مؤنث و هم جسم! گوشت! خون میباشد!

۲۲- خداوند یهوه میگوید: آیا من خدای نزدیک و خدای درونی نیستم؟ و خداوند میگوید: آیا کسی خویشتن را در جای میتواند پنهان کند؟! که من او را نبینم مگر من آسمان و زمین را مملوتمی سازم؟! کلام خداوند این است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیا نبی باب بیست و سوم آیه ۲۴)

آنانیکه در پی خباثت میروند نزدیک می آیند! و از شریعت تو دور میباشند!!! ای خداوند تو نزدیک هستی؛ و جمیع او امرتو راست است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از مزامیر؛ مزمور؛ صد و نوزدهم آیه ۱۵۱)

سخنان تکبرآمیز دیگر میگوید: و غرور از دهان شما صادر نشود!!! زیرا که یهوه خدای علام است! و با او اعمال سنجیده میشود! کمان جباران را شکسته است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از اول سموئیل باب دوم آیه ۴)

از حضور تو بجا بگریزم؟ اگر به آسمان صعود کنم تو آنجا هستی! واگرد راهویه  
بستر بگسترانم تو آنجا هستی! واگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن  
شوم! در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود! و دست راست تو مرا خواهد  
گرفت!!! (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و سی و نهم آیات از ۸ تا ۱۰)

و آواز خداوند! خدارا شنیدند! که در هنگام وزیدن نسیم بهار در باغ میخرامید!!!  
و آدم و زنش خویشان را از حضور خداوند! خدا در میان درختان باغ پنهان کردند!  
و خداوند! خدا! آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟! گفت: چون آواز تورا در باغ  
شنیدم ترسان گشتم! که عریانم پس خود را پنهان کردم!!! (کتاب مقدس عهد عتیق  
و کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سوم آیات از ۸ تا ۱۲)

چون بخانه خدا بروی پای خود را نگاه دار!!! زیرا که تقرب جستن بجهت  
استماع! از گذرانیدن قربانیهای احمقان بهتر است!!! چونکه ایشان میدانند که  
عمل بد میکنند! با دهان خود تعجیل منما! و دلت برای گفتن سخن بحضور خدا  
نشتابد! زیرا که خدا در آسمان است! و تو بر زمین هستی! پس سخنان کم باشد  
زیرا که خواب از کثرت مشقت پیدا میشود! و آواز احمق از کثرت سخنان!!!  
(کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب جا معه سلیمان؛ باب؛ چنم؛ آیات از ۱ تا ۴)

اسرائیل نیکویی را ترک کرده است!!! پس دشمن او را تعاقب خواهند نمود!!!  
ایشان پادشاهان نصب نمودند! اما نه از جانب من!!! سروران تعیین کردند اما  
ایشان را نشناختم!!! از نقره و طلای خویش بُتهای برای خود ساختند تا منقطع  
بشوند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب هشتم آیات از ۳ تا ۵)

بگناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم! گفتم: عصیان خود  
را نزد خداوند اقرار میکنم! پس تو آلائش گناهم را عفو کردی سلاه! از این رو هر  
مقدسی در وقت اجابت نزد تو دعا خواهد کرد؛ و وقتی که ابرهای بسیار بسیلان  
آید هرگز بدو نخواهد رسید! تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد  
مرا بسرودهای نجات احاطه خواهی نمود سلاه! **تورا حکمت خواهم آموخت**  
**!!! و براهیکه باید رفت ارشاد خواهم نمود!!! و تورا بچشم خود برتست نصیحت**  
**خواهم فرمود! مثل اسب و قاطر بی فهم مباشید! که آنها را برای بستن بدنه**  
**!!! لگام زینت میدهند!!! و الا نزدیک تو نخواهند آمد!!!** (کتاب مقدس عهد عتیق و از  
کتاب مزامیر؛ مزمور؛ سی و دوم قصیده داود آیات از ۵ تا ۹)

نکاتی از مؤلف: هر کسی که کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی را هر چه قدر بیشتر مطالعه بنماید ضدونقیض های بسیار متوجه میشود! که برای یک انسان آگاه و خداشناس! حقیقت جو روشنتر و ثابت میشود! که این کتاب از جانب خداوند متعال خلاق جهان هستی نمیباشد! زیرا که حرفهای ضدونقیض گوناگون! و حرفهای زننده و رکیک و سگسی و کفر و شرک گمراهی در این کتابها فراوان و بسیار بچشم میخورد!!! مثلاً خداوند همه جاهست!!! و از همه چیز خبیر و آگاه است! و در یک جا از هیچ چیزی خبری ندارد! و اشتباه کار هم هست! و در یک جا بهمه بندگان خود علم و حکمت میآموزد! و در یک جا انسانها بخداوند علم و حکمت یاد میدهند! و جایی دیگر خدا را گول میزنند!!! و خداوند غذا و خون پیه غیره را میخورد!!! و از زنان و پسران و مردان زن اختیار میکند!!! و خدا هم خودش میزاید! پس در این صورت خداهم مذکرو هم مؤنث و جسم مانند انسان و یا خود انسان میباشد! و خون و پیه و گوشت غیر را میخورد!!! و به ارابه و ابر سوار میشود! و هم دیده میشود! و هم دیده نمیشود!!! و خسته میشود و استراحت میکند و جان دارد راه میرود و زائیده میشود! و در یکجا خدا هنوز زائیده نشده است! یعنی زائیده خواهد شد! پس اگر خدا هنوز زائیده نشده باشد! در این صورت خدای وجود ندارد! زیرا که هنوز زائیده نشده است!!! خدا را چه کسی و یا چه چیزی خواهد زائید معلوم و روشن نیست؟! و اگر هم خدا بوده باشد مانند یک انسان است! بیشتر از انسان قدرت علم تفکری ندارد!!! و در یکجا هم همه خدا هستند! و در یکجا هم همه بنی اسرائیل خدا هستند! پس در این صورت مخلوق وجود ندارد زیرا که همه خدا هستند! و در یکجا مثل داود که خدا بوده مُرده است! و سموئیل هم خدا بوده مُرده است!!! و در این کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب

تورات فعلی! به ضدونقیض های بسیار و متعددی برمیخوریم!!! که اصلاً بیک انسان آگاه و یکتا پرست بهیچ گونه قابل قبول نیست! که خداوند خلاق جهان هستی چنین صفاتی! و خصوصیتی داشته باشد!!! که همه این نوشتجات ضدونقیض در کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! وجود دارد! که جاهای دقیقش را نوشته ام که خوانندگان محترم میتوانند خودشان!!! به اصل کتاب مقدس عهد عتیق و به کتاب تورات فعلی! فارسی!!! که در انگلستان ترجمه و چاپ شده است!!! مراجعه فرمایند و بخوانند! تا به ایشان ثابت شود که اینجانب یک کلمه کم و زیاد نکرده ام! اگر یک کلمه کم و زیاد نوشته باشم! بخیانت بزرگ مرتکب شده ام!!! بناش نوشته شود تا جواب گو بوده باشم!!! که حتماً در نوشته هایمان اصلاً کم و زیادی!!! بدون مدارک و مرجع وجود ندارد!!! و روحاً خیلی ناراحت هستم! که در این کتابها بخداوند متعال!!! انبیاء عظام او این قدر اهانت و توهین و تهمت دروغ نوشته شده است!!! که در این کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی! این طور خدایان متعدد! و صفات گوناگون برای خداوند خلاق هستی وجود دارد!!! و با همه نقایص فراوان باز هم عالم یهودیت صهیون نیزم! چه ادعای پررویی مینمایند!!! چطور ادعای یکتا پرستی میکنند که جای خیلی تعجب است! زیرا که یا از کتابشان بی اطلاع هستند! و یا خیلی پررویی و عوام فریبی مینمایند!!! که مکتب خودشان را مکتب یکتا پرستی اعلام می نمایند! و ادعای دین توحیدی میکنند! که خدای واحدی را پرستش مینمایند!!! که بسیار بسیار پررویی می خواهد و دارند! زیرا که در کتاب به اصطلاح آسمانی که کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی میباشد! خدای یکتا و یکتا پرستی وجود ندارد!!! که قبلاً دلایلش را که خدایان متعددی!!! صفات گوناگون خدایان را!!! از متن کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! نوشته ایم! و باز هم قضاوت را به عهده خود خوانندگان گرامی و امید داریم! بسیار دقت فرمایند!!!

## خداوند یهودیت در فرهنگ کتاب تلمود (یعنی آئین یهود)

- ۱- اعتقاد به وحدانیت خداوند؛ و تفهیم و تعلیم این ((او)) تعالی تجسم پذیر نیست بهم آمیخته است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۲)
- همچنانکه ذات قدوس متبارک میبیند؛ خود دیده نمیشود (کتاب تلمود ص ۳۲)
- علی رغم تاکیدیکه شده است؛ که خداوند بری از جسم دانسته شود!!! (از کتاب تلمود ص ۳۳)
- معدالک نمیتوانیم قائل شویم؛ که گویندگان آن اعتقاد بر این داشته اند که خداوند وجودی مادی جسمانی است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۳)
- اصل تجسم ناپذیر بودن خداوند و قدوسیّت او پیوسته مورد تأکید قرار می گرفت!!! (از کتاب تلمود ص ۵۱)
- حضور خداوند در دنیا است؛ بدون آنکه جسمانیّتی برای او قائل گردند!!! (از کتاب تلمود ص ۶۳)

نکاتی از مؤلف: از جملات کتاب تلمود چنین استفاده میشود!!! که خداوند یهودیت مادی و جسمانی نیست و دیده نمیشود! و حضور خداوند در دنیا است! و خداوند در آخرت وجودی ندارد!!! و در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی! اصلاً روز قیامت و آخرت بعد از مرگ زنده شدن وجود ندارد!!! اصلاً روز قیامت و آخرت و حساب و کتاب و نتیجه اعمال و بهشت و جهنم در کار نیست!!!

۲- وجود خدا وحدانیت و نداشتن جسم! و ماده حضور در همه جا و قدرت مطلق علم نامتناهی! ابدیت و عدالت و رحمت! قدوسیّت! کمال نامی بیرون از حد و بیان ( از کتاب تلمود ص ۲۴ و ص ۲۹ و ص ۳۲ و ص ۴۵ و ص ۶۳ و ص ۸۱ و ص ۱۰۲ و ص ۱۰۴ و ص ۱۱۱ و ص ۱۱۲ و ص ۱۳۱ و ص ۱۵۰ و ص ۱۵۶ و ص ۱۹۹ و ص ۲۲۱ و ص ۲۸۹ و ص ۳۰۰)

- ۳- بمنظور مبارزه با دو اعتقاد؛ و مسلک متداول در آن زمان!!! و وحدانیت خداوند مورد تأکید قرار گرفته است. (از کتاب تلمود ص ۳۰ و ص ۳۱ و ص ۳۲ و ص ۴۷ و ص ۵۰ و ص ۸۰ و ص ۹۷ و ص ۱۰۹ و ص ۱۲۸)

- ۴- خداوند؛ خدا (ص ۳۱)؛ خداوند؛ خدا زمین و آسمان را ساخت (ص ۴۲)؛  
 در روزی که خداوند! خدا! زمین و آسمان را بساخت!!! (ص ۵۹)؛  
 یکی از دانشمندان یهود این درخواست را بنمازهای روزانه خود میافزود؛ ای  
 خداوند؛ خدای ما؛ و اراده تو بر این تعلق گیرد صلح و صفا را در میان ملازمان  
 بارگاه خود؛ در آسمان و در بین ملازمان بارگاهت در زمین (دانشمندان) برقرار  
 سازی!!! (ص ۷۴)
- بشنوای اسرائیل خداوند! خدای ما! خدای یکتاست (از کتاب تلمود ص ۸۰ و ص  
 ۸۳ و ص ۸۲ و ص ۸۵ و ص ۹۵ و ص ۱۰۱ و ص ۱۰۲ و ص ۱۰۵ و ص ۱۰۶ و ص  
 ۱۰۷ و ص ۱۱۷ و ص ۱۲۳ و ص ۱۳۸ و ص ۱۵۷ و ص ۱۷۰ و ص ۱۷۳ و ص ۳۲۰)
- نکاتی از مؤلف: از این مطالب کتاب تلمود استفاده و ثابت میشود! که خداوند  
 یهودیت صهیون نیزم خدای دیگری هم دارد! که در کتاب مقدس عهد عتیق و  
 در کتاب تورات فعلی! خداوند! خدای! دیگر هم دارد! که یکی از خداوند دوازده  
 گانه این کتابهای به اصطلاح آسمانی میباشد!!!
- ۵- خداوند به مطالعه تورات می پردازد!!! (از کتاب تلمود ص ۳۳ و ص ۵۶)  
 نکاتی از مؤلف: حتماً خداوند کتاب تورات را نمیداند که مطالعه میکند!!!
- ۶- این کلام تورات است! که خداوند همه چیز را میداند! یعنی خداوند عالم  
 الغیب است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۸ و ص ۴۰)
- ۷- خداوند میگوید: من سازنده صلح و سلامتی! و آفریننده بدی هستم (ص ۵۵)
- ۸- خداوند تاریکی را مخفی گاه خود! خیمه گرداگرد خویش را قرارداد (ص ۵۷)
- ۹- روح خداوند بر روی آبها پرواز میکند!!! (از کتاب تلمود ص ۵۸)
- ۱۰- خداوند گفته است! افسوس بحال فرزندانم! که بخاطر گناهان آنها خانه ام  
 را ویران کردم! و معبدم را سوزاند م!!! و ایشان را در میان ملت ها تبعید و  
 پراکنده ساختم!!! (از کتاب تلمود ص ۶۷)

- ۱۱- مکان خداوند در آسمان هفتم جای دارد! (از کتاب تلمود ص ۳۳ و ص ۳۴ و ص ۴۵ و ص ۶۳ و ص ۶۵ و ص ۶۶ و ص ۸۸ و ص ۱۰۲ و ص ۳۸۹)
- ۱۲- درباره خداوند گفته شده است او بخود دعا میکند (از کتاب تلمود ص ۴۴)
- ۱۳- خداوند نماز میخواند!!! (از کتاب تلمود ص ۳۳ و ص ۴۴)
- ۱۴- خداوند مغلوب میگردد!!! (از کتاب تلمود ص ۴۴)
- ۱۵- خداوند پیروز میشود!!! (از کتاب تلمود ص ۴۵)
- ۱۶- خداوند جهان را از روی نقشه تورات آفریده است (از کتاب تلمود ص ۵۴)
- نکاتی از مؤلف: مهندس و طراح نقشه تورات چکسی بود معلوم نیست؟؟؟
- ۱۷- فرشتگان که مأمور دعا و نماز است! کلیه دعا و نمازهایی را که در تمامی کنیسه ها خوانده شده است! جمع میکنند و از آنها تاجهایی میسازند!!! و آن تاجها را بر سر ذات قدوس متبارک می نهد!!! (از کتاب تلمود ص ۷۰)
- ۱۸- بهمین گونه خداوند با انبیاء اسرائیل بدون پرده! و آشکارا متکلم میشود!!! (از کتاب تلمود ص ۱۴۰)
- ۱۹- زیرا که خداوند! خدای تو!!! آتش سوزنده!!! و خدای غیور است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۸۶)
- ۲۰- و انسانیت را بسوی الوهیت بالا میبرد!!! (از کتاب تلمود ص ۵۱)
- نکته که در ادبیات تلمود! بسیار بدان اهمیت میدهد! عقیده بحضور الهی! در سراسر جهان و نزدیکی او به انسان! عبارت ذیل بخوبی نشان میدهد! که علمای یهود چگونه! در ترکیب این دو جنبه الوهیت موافق شدند!!! (تلمود ص ۶۲)
- ۲۱- و شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد!!! (از کتاب تلمود ص ۸۳)

نکاتی از مؤلف: از این دو جمله تلمود معلوم میشود! که علمای! خاخامهای یهودیت بدرجه خدای رسیده اند! و در تورات هم همه بنی اسرائیل خدا هستند! بیست و دو قرن پیش علمای! و خاخامهای یهودیت صهیون نیزم متوجه شده اند!!! که کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! را نمیتواند به عنوان! کتاب آسمانی بجهانیان تورات موسی معرفی بنمایند! زیرا که قبل از آن کتاب موسی که تورات میباشد تحریف شد!!! از بین رفته بود به این خاطر علمای یهودیت خواستند!!! که فرهنگ و مکتب جدید بوجود آورند!!! که مکتب یکتا پرستی بوده باشد!!! اما نتوانستند خرابتر هم کردند!!!

دو قرن قبل از میلاد عیسی مسیح رسول الله ابن مریم مقدس شروع کردند بنگارش کتابی بنام تلمود (یعنی آئین یهود) این کتاب چهار قرن طول کشید!!! حتی در کتاب تلمود به عیسی مسیح رسول الله ابن مریم مقدس!!! توهین و تهمت و افتراء زدند! و مادرگرمی عیسی مسیح را بی نصیب از تهمت و توهین افتراء نگذاشتند!!! در حالیکه قرآن کریم مسلمانان مریم مقدس را پاک و خانم هر دو جهان معرفی مینماید! که در قرآن کریم تنها زنی است! که خانم هر دو جهان معرفی شده است! به آن خانم مقدس هر دو جهان تهمت و اهانت و افتراء را زده اند و روا داشتند!!! برای اینکه بخودشان مکتب و فرهنگ آسمانی و یکتا پرستی درست کنند نشد! و مکمل اصل آیات شیطانی تلمود را پرشته تحریر و نگارش در آورده اند! که چنین شد!!! زیرا که پایه! اساس قابل قبولی توحیدی و یکتا پرستی نداشتند! و خدایان تلمود با خدایان کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! چندان فرقی ندارد! که ما با مدرک خود کتاب تلمود نوشته ایم!!! با نوشتن کتاب تلمود یعنی دین و آئین یهودیت صهیون نیست! ثابت کردند که خود یهویان صهیون نیزم! کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی را قبول نداشتند! زیرا که اگر کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی را قابل قبول داشتند! چه لزومی داشت؟! اصل آیات شیطانی تلمود را؟! در مدت چهار قرن بنویسند؟! و کتاب مقدس ایشان را قانع نمیکرد! که اصل آیات شیطانی را نوشته اند

که تا برای خودشان مکتب و فرهنگ آبرومند درست کنند که نشد! رسوا و رسواتر هم شده اند!!! زیرا که در خود تلمود ضدّ و نقیض های فراوان بچشم میخورد و حرفهای رسوا کننده و زننده و شرک و کفرورکیک و سکسی اهانت و افتراء و تهمت بسیار وجود دارد!!! و بخداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین و به انبیاء عظام و به پیغمبران و رسولان حقیقی خداوند!!! در آن کتاب نوشته اند و نسبت دادند! که در فصل های آینده خواهیم نوشت و توضیح مفصل خواهیم داد!!!

بنظر اینجانب تورات موسی را یهودیت تحریف نکردند! زیرا که یهودیان سه هزار قرن پیش خدا پرست خالص و کامل بودند!!! که نمیتوانستند! بخدای خود شان! و به انبیاء عظامی که اجداد و پدران خودشان میباشند! این طورهانت و توهین و افتراء بنویسند و رسوا بنمایند! بلکه بنظر ما بت پرستان آن زمان که تورات موسی را از بین بردند و نابود کردند! و نتوانستند قوم یهود یکتا پرست را کاملاً از بین ببرند! این کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی را! بعوض کتاب آسمانی موسی را تحریف کردند و نوشتند!!! تا نسل یهودیان یکتا پرست را گمراه و منحرف بنمایند که کردند! و حالا می بینیم که بعوض تورات موسی چنین کتابهای سرتا پا ضدّ و نقیض را بدست ایشان داده اند! و چون ایشان هم دست خالی بودند قبول کردند! زیرا تورات موسی را ندیده بودند! که ایشان را قانع کردند!!! و بهمه چیزی دین و توحیدی موسی توهین و اهانت و افتراء کذب و تهمت و بی غیرتی و سکسی را روا داشتند! که امروز یهودیت صهیون نیزم بی فرهنگ الهی موسی شده اند!!! نمیتواند گم شده خودشان را! که تورات موسی میباشد پیدا کنند! زیرا که از بین رفته و نابود شده است! و از روی لجاجت حسد و جهل و نادانی هم! بقرآن کریم که وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین میباشد! ایمان نمی آورند! تا خداوند واحد و یکتا و بیهمتا را پیدا کرده پرستش بکنند! و یکتا پرست بشوند! و از چند خدایی و بی خدایی و شرک و کفر و گمراهی نجات پیدا کنند! که راه حقیقت خداوند ازلی و ابدی و خلاق جهان هستی ربّ العالمین رهنمایان بوده باشد!!! انشاء الله تعالی.

## فصل سوم

آدم و خلقت آدم در کتاب مقدس عهد عتیق  
و از کتاب تورات تحریف شده فعلی

## خلقت آدم در تورات تحریف شده فعلی

۱- و خدا گفت: آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم! تا بر ماهیان در دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین!!! و همه حشراتی که بر زمین میخزند حکومت بنماید! پس خدا آدم را بصورت خود آفرید!!! او را بصورت خدا آفرید ایشان را نروماده آفرید! و خدا ایشان را برکت داد! و خدا برایشان گفت: بارو رو کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط بنمائید!!! و بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان! و همه حیواناتی که بر زمین میخزند حکومت کنید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورت فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب اول آیات از ۲۶ تا ۲۹)

خداوند! خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت! و در بینی وی روح حیات دمید! و آدم زنده شد؛ خداوند! خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود!!! و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت! و خداوند! خدا هر درخت خوشنما و خوشخوراک را از زمین رویانید! و درخت حیات را در وسط باغ! و درخت معرفت نیک و بد را و نهر از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند! و از آنجا منقسم گشته چهار شعبه شد! نام اول فیشون است!!! که تمام زمین حویله را که در آنجا طلاست احاطه میکند! و طلای آن زمین نیکوست! و در آنجا مروارید و سنگ جزع است! و نام نهر دوم جیحون که تمام زمین گوش را احاطه میکند! و نام نهر سوم حدّاقل که بطرف شرقی آشور جاریست! و نهر چهارم فرات!!! پس خداوند! خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت بنماید! و خداوند! خدا آدم را امر فرمود گفت: از همه درختان باغ بی ممانعت بخور!!! اما درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری! زیرا که روزی که از آن بخوری هر آینه خواهی مُرد! و خداوند! گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم! و خداوند! خدا هر حیوان صحراء و هر پرنده آسمان را از زمین سرشت!!! و نژد آدم آورد تا ببیند!!! که چه نام خواهد نهاد آنچه آدم هر ذی حیات را خواند! همان نام او شد!!! پس آدم همه بهایم و پرندگان آسمان! و همه حیوانات صحراء را نام نهاد! لیکن برای آدم معاونی وی یافت نشد!!! و خداوند! خدا

**خوابی گران بروی مستولی گردانید تا بخفت!ویکی از دنده هایش را گرفت!و گوشت جایش را پرکرد!خداوند!خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بناء کرد!ووی را بنزد آدم آورد!وآدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوانهایم!و گوشتی از گوشتم از این سبب نساء نامیده شود!زیرا که از انسان گرفته ش!از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده!بازن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود!وآدم و زنش هر دو برهنه بودند و خجلت نداشتند!!!** (از کتاب قدس عهد

عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب دوم آیات از ۷ تا ۲۵)

و ما از همه حیوانات صحراء که خداوند!خدا ساخته بود هوشیار تر بود!و بزنی گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته که از همه درختان باغ نخورید؟!زن بمار گفت: از میوه درختان باغ میخوریم!لکن از میوه درختی که در وسط باغ است!خدا گفت: از آن مخورید و آن را لمس مکنید که مبادا بمیرید!ما بزنی گفت: هر آینه نخواهید مُرد!بلکه خدا میداند در روزی که از آن بخورید چشمان شما باز میشود!و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود!!! و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست!!! و بنظر خوشنما دانش افزاست!!! پس از میوه اش گرفته بخورد!و بشوهر خود داد و او هم خورد!آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد!!! و فهمیدند که عریانند!پس برگهای انجیر را بهم دوخته سترهای برای خویشان ساختند! و آواز خداوند!خدا را شنیدند که هنگام وزیدن نسیم بهار در باغ میخرامید!!! و آدم و زنش خویشان را! از حضور خداوند!خدا در میان باغ پنهان کردند!و خداوند!!! خدا آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟ گفت: آواز تورا در باغ شنیدم ترسان گشتم!!! زیرا که عریانم پس خود را پنهان کردم!!! گفت: که تورا آگاهانید که عریانی؟! آیا از آن درختی که تورا قدغن کردم که از آن نخوری خوردی؟! آدم گفت: این زنی که قرین من ساختی!وی از میوه درخت بمن داد که خوردم!!!

پس خداوند! خدا بزن گفت: این چه کاری است که کردی؟! زن گفت: مار مرا اغوا نمود که خوردم!!! پس خداوند! خدا بمار گفت: چونکه این کار را کردی از جمیع بهایم! و از همه حیوانات صحراء ملعون تر هستی! بر شکمت راه خواهی رفت! و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد!!! و عداوت در میان تو وزن!!! و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم! او سرتورا خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید! و بزن گفت: آلم و حمل تورا بسیار افزون گردانم! و بالآلم فرزندان را خواهی زانید! و اشتیاق تو بشوهرت خواهد بود!!! و او بر تو حکمرانی خواهد کرد! و به آدم گفت: چونکه سخن زوجه ات را شنیدی و از آن خوردی که امر فرموده گفتم: از آن نخوری پس بسبب تو زمین ملعون شده! و تمام ایام عمرت از آن بارنج خواهی خورد!!! و خار و خس نیز برایت خواهد رویانید! و سبزه های صحراء را خواهی خورد! و بعرق پیشانیات نان خواهی خورد! تا حینیکه بخاک راجع گردی! که از آن گرفته شدی زیرا که تو از خاک هستی!!! و بخاک خواهی برگشت! و آدم زن خود را حوا نام نهاد زیرا که او مادر جمیع زندگان است! و خداوند! خدا رختهای برای آدم و زنش از پوست بساخت و وایشان را پوشانید! و خداوند! خدا گفت: همانا انسان مثل یکی از ماشده است! که عارف نیک و بد گردیده!!! اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد! و تا ابد زنده بماند! پس خداوند! خدا او را از باغ عدن بیرون کرد!!! تا کارزمینی را که از آن گرفته شده بود بکند!!! پس خداوند! خدا آدم را بیرون کرد و بطرف شرقی باغ عدن کروبیان را مسکن داد! و شمشیر آتشباری را که بهر سو گردش میکرد خلق نمود! تا از طریق درخت حیات را محافظت کند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب سوم)

و آدم زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده قائن را زانید!!! و گفت: مردی از یهوه حاصل نمودم؛ و بار دیگر برادر او هابیل را زانید؛ و هابیل گله دار بود؛ قائن کارکن زمین بود؛ و بعد از مرور ایام واقع شد!!! که قائن از محصول زمین برای خداوند آورد؛ و هابیل نیز از نخست زادگان گله خویش؛ و پیه آنها هدیه آورد،

و خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت؛ اما قائن و هدیه او را منظور نداشت!!! پس خشم قائن بشدت افروخته شده! سر خود را بزیر افکند!!! آنگاه خداوند به قائن گفت: چرا خشمناک شدی؟! و چرا سر خود را بزیر افکندی؟! اگر نیکویی می کردی آیا قبول نمیشدی؟! و اگر نیکویی نکردی گناه برادر تو در کمین است! و اشتیاق تو را دارد!!! تو بروی مسلط میشوی! و قائن با برادر خود هابیل سخن گفت: و واقع شد چون در صحراء بودند! قائن بر برادر خود برخاسته او را کشت پس خداوند به قائن گفت: برادرت هابیل کجا است؟! گفت: نمیدانم مگر پاسبان برادرم هستم؛ گفت: چه کردی خون برادرت از زمین نزد من فریاد برمی آورد؟ و اکنون تو ملعون هستی زمین دهان خود را باز کرد!!! تا خون برادرت را از دستت فروبرد! هرگاه کار زمین کنی همانا قوت خود را دیگر بتو نمیدهد! و پریشان و آواره در جهان خواهی بود!!! قائن بخداوند گفت: عقوبتم از تحمل زیاد است! اینک مرا امروز بر روی زمین مطرود ساختی! و از روی تو پنهان خواهم بود! و پریشان و آواره در جهان خواهم بود! و واقع میشود هر کسی مرا یابد خواهد کشت! خداوند بوی گفت: پس هر کسی قائن را بکشد! هفت چندان انتقام گرفته بشود! و خداوند به قائن نشانی داد! که هر کسی او را یابد وی را نکشد! پس قائن از حضور خداوند بیرون رفت!!! و در زمین نود بطرف شرقی عدن ساکن شد!!! و قائن زوجه خود را شناخت پس حامله شد! و خونخوار را زانید! و شهر بناء میکرد! و آن شهر را به اسم پسر خود خونخوار نام نهاد! و برای خونخوار عیراد متولد شد؛ و عیراد مَحویائیل را آورد؛ مَحویائیل متوشائیل را آورد؛ لَمک دوزن برای خود گرفت؛ یکی را عاده نام بود؛ و دیگری را ظله؛ و عاده یابال را زانید؛ وی پدر خیمه نشینان!!! و صاحبان مواشی بود؛ و نام برادرش یوبال بود؛ وی پدر همه نوازندگان بربط و نی بود!!! و وظله تو بَل قائن را زانید؛ که صانع هر آلت مس و آهن بود؛ و خواهر یوبال قائن نَعْمه بود؛ و لَمک بزنان خود گفت: ای عاده وظله قول مرا بشنوید؛ ای زنان لَمک سخن مرا گوش گیرید؛ زیرا که مردی را کستم

بسبب جراحت خود؛ و جوانی را بسبب ضرب خویش؛ اگر برای قائن هفت چندان انتقام گرفته بشود!!! هرآینه برای لَمک هفتاد چندان!!! پس آدم بار دیگر زن خود را شناخت و او پسری بزاد و او را شیث نام نهاد!!! زیرا که گفت: خدا تسلی دیگری بمن قرارداد! بعوض هابیل که قائن او را کشت!!! و برای شیث نیز پسری متولد شد؛ و او را انوش نامید؛ در آن وقت بخواندن اسم یَهُوه شروع کردند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب چهارم)

اینست کتاب پیدایش آدم؛ در روزیکه خدا آدم را آفرید بشبیه خدا او را ساخت! نروماده ایشان را آفرید؛ و ایشان را برکت داد؛ و ایشان را آدم نام نهاد؛ در روز آفرینش ایشان؛ و آدم صد و سی سال بزیست؛ پس پسری بشبیه و بصورت خود آورد و او را شیث نامید؛ و ایام آدم بعد از آوردن شیث هشت صد و تود سال بود که؛ پسران و دختران آورد؛ پس تمام ایام آدم که زیست نهصد و سی سال بود که مُرد!!! و شیث صد و پنج سال بزیست و انوش را آورد؛ و شیث بعد از آوردن انوش هشت صد و هفت سال بزیست؛ پسران و دختران آورد؛ و جمله ایام شیث نهصد و دوازده سال بود که مُرد؛ و انوش نود سال بزیست و قینان را آورد؛ و انوش بعد از آوردن قینان هشتصد و پانزده سال زندگانی کرد و پسران و دختران آورد؛ پس ایام انوش هفصد و پنج سال بود که مُرد؛ و قینان هفتاد سال بزیست مهلائیل را آورد؛ و قینان بعد از آوردن مهلائیل هشتصد و چهل سال زندگانی کرد؛ پسران و دختران آورد؛ و تمامی ایام قینان نهصد و ده سال بوده مُرد، مهلائیل شصت و پنج سال بزیست و یارد را آورد؛ و مهلائیل بعد از آوردن یارد هشتصد و سی سال زندگانی کرد؛ پسران و دختران آورد؛ پس همه ایام مهلائیل هشتصد و نود و پنج سال بود که مُرد؛ و یارد صد و شصت و دو سال بزیست و خنوخ را آورد؛ و یارد بعد از آوردن خنوخ هشتصد سال زندگانی کرد؛ و پسران و دختران آورد؛ و تمامی ایام یارد نهصد و شصت و دو سال بود که مرد؛ و خنوخ شصت و پنج سال بزیست؛ و متوشالِح را آورد؛ و خنوخ بعد از آوردن متوشالِح سیصد سال با خدا راه میرفت!!! و پسران و دختران آورد؛ و همه ایام خنوخ سیصد و شصت و پنج سال بود؛ و خنوخ با خدا راه میرفت و نایاب شد زیرا خدا او را برگرفت!

وَمَتَوْشَالِحِ صَدِّ وَهَشْتَادِ وَهَفْتِ سَالِ بְزִיסַת!!! وُلְמַךְ رָא אֹרֵד؛ وَمَتَوْشَالِحِ بְעֵדֵי אֹרֵדֵן לְמַךְ הֶפְתֵּי וְהֶשְׁתָּאֵד וְדוֹסָלֵי זִנְדָּגָנִי כִרְדָּהּ؛ וּפְסֵרָאֵן וּדְחֻתְרָאֵן אֹרֵדָהּ؛ פֶּסַחַת אֵיָאֵם מְתוֹשָׁלַחַת נְהֵסֵד וְשִׁשִּׁתַּת וְנֵה סָלֵי בּוֹדָהּ כִּהּ מְרָדָהּ؛ וּלְמַךְ סַדּוֹ וְהֶשְׁתָּאֵד וְדוֹסָלֵי בְזִיסַת וּפְסֵרָאֵן אֹרֵדָהּ؛ וּוֵי רָא נֹחַ נָאֵם נְהָאֵהָהּ קִפְתָּהּ: אֵיָאֵם מָרָא תְּסַלֵי חֹוָהֵד דָּאֵד; אֵזֵא עֵמָלֵי מָאֵ וְאֵזֵמְחֵנַת דִּסְתֵּהָיֵי מָא; אֵזֵרְמִינֵי כִּהּ חֻדָּוֵנֵי אָן רָא מְלֵעוֹן כִּרְדָּהּ; וּלְמַךְ בְּעֵדֵי אֹרֵדֵן נֹחַ פָּא נְסֵד נֹוֵד וּפֶנֶחַ סָלֵי זִנְדָּגָנִי כִרְדָּהּ; וּפְסֵרָאֵן וּדְחֻתְרָאֵן אֹרֵדָהּ; פֶּסַחַת אֵיָאֵם לְמַךְ הֶפְתֵּי וְהֶשְׁתָּאֵד וְהֶפְתָּאֵד סָלֵי בּוֹדָהּ כִּהּ מְרָדָהּ!!! וְנֹחַ פָּא נְסֵד סָלֵהָ בּוֹדָהּ פֶּסַחַת נֹחַ סָאֵם וְחָאֵם וְיָפֻתְ רָא אֹרֵדָהּ!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب پنجم)

و واقع شد که چون آدمیان شروع کردند بزیاد شدن؛ بر روی زمین؛ و دختران برای ایشان متولد گردیدند؛ پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکو منظرند! و از هر کدام خواستند!!! زنان برای خویشان میگرفتند! خداوند گفت: روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد! زیرا که او نیز بشر است! لیکن ایام وی صدو بیست سال خواهد بود! و در آن ایام مردان تنومند در روی زمین بودند!!! و بعد از هنگامی که پسران خدا!!! بر دختران آمیان درآمدند!!! و آنها برای ایشان اولاد زائیدند! که ایشان جبارانی بودند که در زمان سلف مردان نامور شدند! و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است! و هر تصور از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است! و خداوند پیشمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود!!! و در دل خود محزون گشت!!! و خداوند گفت: انسان را آفریده ام از روی زمین محو سازم انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را! چونکه متأسف شدم از ساختن ایشان!!! اما نوح در نظر خداوند التفات یافت این است پیدایش نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل!!! و نوح با خدا راه میرفت!!! و نوح سه پسر آورد و سام و حام و یافث!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات سفر پیدایش باب ششم آیات از ۱ تا ۱۰)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! چنین استفاده میشود؛ که خداوند آدم را بصورت خدا آفریده! پس در این صورت خداهم جسم و مانند آدم است! آدم هم بصورت خدا است! پس خداوند! خدا کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؛ ماده جسم میشود!!! زیرا که مانند آدم است! و پسران خداهم که زائیده شده وجود دارد! و جسم و انسان بودن خدا را ثابت میکند! خداوند این کتابها جسم است! و آیا ما توانستیم بدانیم؟! که پسران را! خود خداوند زائیده است! بلی خداوند پسران خدا را! خود زائیده بود! که این زاد و ولد برای ما معلوم شده است! که پسران را! خداوند خودش زائیده است!!! زیرا که خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و خداوند کتاب تورات فعلی!!! خودش گفته است! پسران را من خودم زائیدم! انسانهایی که در این دنیا زندگی میکنند؟! آیا از نژاد نسل خداوند هستند؟! و یا از نژاد بشر هستند؟! این مطلب نژادی هم برای ما روشن و معلوم نشده است؟؟؟ ولی این مسئله پیش میآید بشر امروز که هستند! هم از نژاد و نسل خداوند هستند! و هم نژاد و نسل بشر!!! برای اینکه اولاً خود خداوند مانند آدم بوده است!!! دوماً پسران خداوند از نسل انسان!!! زن اختیار کرده اند!!! که برای پسران خدا! پسران و دختران زائیده اند! پس در این صورت انسان امروزی از دو نژاد تشکیل شده است!!! یکی از نژاد خداوند!!! و دیگری از نژاد انسان است! پس بشر امروز نوادگان و ذریه خداوند هستند!!! و بخاطر این بوده که خداوند از کارهایش پشیمان؛ متأسف شده است!!! و خداوند به آدم گفت: از این درخت نخورید زیرا که خواهید مُرد! و ما هم گفت: اگر از این درخت بخورید چشمان شما باز خواهد شد!!! در این مسئله حرف خدا دروغ از آب درآمد؟؟؟؟ و حرف ما راست شد؟؟؟؟!!! و برای چه خداوند نمیدانست؟؟؟!!! و ما میدانست؟؟؟؟!!! این همه تهمت و اهانت و دروغ برای خداوند!!! و به انبیاء عظام او برای چیست؟؟؟؟!!! و این همه ضدّ و نقیض برای چیست؟؟؟؟!!! نازل کننده قرآن وحی منزل خداوند خلاق ربّ العالمین فرمود: شیطان آدم را اغوا و فریب داد!!! برای چه تورات فعلی نوشته است؟! ما آدم را فریب داد؟! حتماً شیطان معبود و رهبر و دوست گرامی نویسنده تورات فعلی میباشد!!! که خواسته آبروی شیطان را ببرد! شاهد بعراضم که تورات فعلی نوشته است! یهودیان بشیطان هم هفت گاو قربانی کرده اند! با این نکات ثابت شده است که شیطان هم معبود یهودیان بین المللی و یهودیت صهیون نیزم حاضر میباشد!!!

## خلقت آدم در کتاب تلمود و در آئین یهود

خداوند! خدا آدم را از خاک زمین بسرشت آفرید!!! (از کتاب تلمود ص ۱۰۷) انسان عزیز است؛ زیرا که بصورت خدا آفریده شده است!!! محبت بیشتری که نسبت به او شده این است؛ که بخود او نیز معلوم گشته است؛ که بصورت خدا خلق شده است!!! زیرا که گفته شده است؛ چونکه خداوند انسان را بصورت خود ساخته است!!! (از کتاب تلمود ص ۴۷)

اوپدري است بخشنده و مهربان!!! که خانواده زمینی خود را دوست دارد!!! و خواستار خوشبختی و سعادت ایشان است؛ اگرچه او بخاطر عظمت بی پایان؛ و کمال مطلقش بالضرورة از مخلوقات خود جدا و دور است!!! مع هذا یک رابطه محکم و مطمئن بین وی و آفریدگانش همواره برقرار است؛ زیرا که او انسان را بصورت خود آفریده است!!! این عقیده واصل بینهایت فهم بشر!!! را از سایر موجودات زنده ممتاز ساخته! و انسانیّت را بسوی الوهیت بالا میبرد!!! هر چند که حد فاصل بین خداوند! انسان هرگز از میان برداشته نخواهد شد!!! (کتاب تلمود ص ۵۱) این اصل که انسان شبیه خدا آفرید شده است!!! اساس تعلیمات دانشمندان یهود درباره وجود انسانی است!!! از این لحاظ بر همه مخلوقات جهان فضیلت دارد و خود نشان میدهد! عالی ترین نقطه در کار آفرینش است! انسان محبوب است! زیرا که در شبیه خدا آفریده شده است!!! محبت بیشتری این بود که بخود او اطلاع داده شد! که شبیه خدا آفریده شده است!!! زیرا که خدا انسان را بصورت خود ساخته است!!! و توهین و بی حرمتی بیک انسان! در واقع توهین و بی حرمتی بخداوند است!!! (از کتاب تلمود ص ۸۷ و ص ۹۷ و ص ۱۱۷ و ص ۲۳۳ و ص ۲۶۰ و ص ۳۳۳ و ص ۳۹۰)

## فصل چهارم

پیدایش نوح در کتاب مقدس عهد عتیق  
و در کتاب تورات تحریف شده فعلی

## پیدایش نوح در کتاب تورات تحریف شده فعلی

اما نوح در نظر خداوند التفتات یافت؛ این است پیدایش نوح؛ نوح مرد عادل بود و در عصر خود کامل؛ **ونوح با خدا راه میرفت!** ونوح سه پسر آورد سام و حام و یافت؛ وزمین نیز بنظر خدا فاسد گردیده! وزمین از ظلم پر شده بود! و خداوند زمین را دید که اینک فاسد شده است! زیرا که تمامی بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده بودند! و خدا بنوح گفت: انتهای تمامی بشر بحضور رسیده است!!! زیرا که زمین بسبب ایشان پراز ظلم شده است!!! و اینک من ایشان را باز زمین هلاک خواهم کرد!!! پس برای خود کشتی از چوب کوفربساز! و حجرات در کشتی بناء کن و درون و بیرونش را بقیر ببند!!! و آن را بدین ترکیب بساز؛ که طول کشتی سیصد ذراع باشد؛ و عرضش پنجاه ذراع؛ و ارتفاع آن سی ذراع!!! و روشنی برای کشتی بساز؛ و آن را بذراع از بالا تمام کن؛ و در کشتی را در جنب آن بگذار؛ و طبقات تحتانی و وسطی و فوقانی بساز؛ زیرا که اینک من طوفان آب را بر زمین می آورم تا هر ذی جسدی را که روح حیات در آن باشد! از زیر آسمان هلاک بگردانم! و هر چه بر زمین است خواهد مرد! لکن عهد خود را با تو استوار میسازم و بکشتی در خواهی آمد!!! تو و پسرانت و زوجه ات و ازواج پسرانت با تو!!! و از جمیع حیوانات از هر ذی جسدی جفتی از همه بکشتی در خواهی آورد؛ تا با خویشتن زنده نگاه داری نروماده باشند؛ از پرندگان باجناس آنها؛ و از بهایم باجناس آنها؛ و از همه حشرات زمین باجناس آنها؛ دو؛ دو؛ و تو در آیند؛ تا زنده نگاه داری؛ از آذوقه که خورده میشود بگیری؛ و نزد خود ذخیره بنما؛ تا برای تو و آنها خوراک باشد؛ پس نوح چنین کرد؛ و بهر چه خداوند او را امر فرموده بود عمل نمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش بقاب ششم)



و خداوند نوح را وهمه حیوانات و همه بهایمی را که با وی بودند؛ در کشتی بیاد آورد و خدا بادی بر زمین وزانید و آب ساکن گردید؛ و چشمه های لجه و روزنه های آسمان بسته شد؛ و باران از آسمان باز ایستاد!!! و آب رفته رفته از روی زمین برگشت!!! بعد از انقضای صد و پنجاه روز آب کم شد؛ و روز هفدهم از ماه هفتم کشتی بر کوه های آرات قرار گرفت؛ و تا ماه دهم آب رفته رفته کمتر میشد؛ و در روز اول از ماه دهم؛ قله های کوهها ظاهر گردید؛ و واقع شد بعد از چهل روز که نوح دریچه کشتی را که ساخته بود باز کرد؛ و زاغ رارها کرد او بیرون رفته در تردد میبود؛ تا از زمین خشک شد؛ پس کبوتر را از نزد خود رها کرد؛ و تا ببیند که آیا از روی زمین آب کم شده است؛ اما کبوتر نسیبی برای کف پای خود نیافت؛ زیرا که آب در زمین بود!!! نزد وی بکشتی برگشت پس دست خود را دراز کرد؛ و آن را گرفته نزد خود بکشتی در آورد!!! و هفت روز دیگر نیز درنگ کرده باز کبوتر را رها کرد؛ و در وقت عصر کبوتر نزد وی برگشت؛ و اینک **برگ زیتون تازه در منقار وی بوده است!!!** پس نوح دانست که آب از روی زمین کم شده است؛ و هفت روز دیگر نیز توقف نموده کبوتر رها را کرد!!! و او دیگر نزد وی برگشت!!! و در سال ششصد و یکم در روز اول از ماه اول آب از روی زمین خشک شد؛ پس نوح پوشش را برداشته نگریست؛ و اینک روی زمین خشک بود؛ و در روز بیست و هفتم از ماه دوم زمین خشک شده؛ آنگاه خدا او را مخاطب ساخته گفت: از کشتی بیرون شو؛ تو و زوجه ات و پسرانت و ازواج پسرانت با تو؛ و همه حیوانات را که نزد خود داری هر ذی جسدی را از پرندگان و بهایم؛ و کل حشرات خزنده بر زمین با خود بیرون آور؛ تا بر زمین منتشر شده؛ در جهان با رور و کثیر شوند؛ پس نوح و پسران او و زنش؛ و زنان پسرانش با وی بیرون آمدند!!! و همه حیوانات و همه حشرات و همه پرندگان؛ و هر چه بر زمین حرکت میکند؛ با جناس آنها از کشتی بدر شدند؛ و نوح مذبحی برای خداوند بناء کرد؛ و از هر بهیمه پاک و از هر پرنده پاک گرفته قربانیهای سوختنی بر مذبح گذرانید؛

**و خداوند بوی خوش را بونید! خداوند در دل خود گفت: بعد از این دیگر زمین را بسبب انسان لعنت نمیکنم زیرا که خیال دل انسان از طفولیت بد است! باز همه حیوانات را هلاک نمیکنم چنانکه کردم؛ مادامیکه جهان باقیست زرع و حصاد و سرما و زمستان و تابستان و روز شب موقوف خواهد شد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب هشتم)

خداوند؛ نوح؛ پسرانش را برکت داد و بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید؛ زمین را پراسازید!!! و خوف شما و هیبت بر همه حیوانات زمین؛ بر همه پرندگان آسمان و بر هر چه بر زمین میخزند؛ و بر همه ماهیان دریا خواهد بود؛ بدست شما تسلیم شده اند؛ **و هر جنبنده زندگی دارد برای شما طعام باشد!** همه را چون علف سبز بشما داده ام؛ مگر گوشت را با جانش که خون او باشد مخورید! و هر آینه انتقام خون شما را؛ برای جان شما خواهم گرفت!!! از دست هر حیوان آن را خواهم گرفت؛ و از دست انسان انتقام جان انسان را از دست برادرش خواهم گرفت!

**هر کسی خون انسان را بریزد خون وی بدست انسان ریخته میشود! زیرا که خدا انسان را بصورت خود ساخته!!!** و شما بارور و کثیر بشوید و در زمین منتشر شده در آن بیفزائید؛ و خداوند؛ نوح و پسرانش را با وی خطاب کرده گفت: اینک من عهد خود را باشما و بعد از شما با ذریه استوار میسازم؛ و با همه جا نورانی که با شما باشند!!! از پرندگان و بهایم و همه حیوانات زمین با هر چه از کشتی بیرون آمد؛ حتی جمیع حیوانات زمین عهد خود را باشما استوار میگردانم؛ که بار دیگر هر ذی جسدی از آب طوفان هلاک نمیشود؛ و طوفان بعد از این نمیباشد تا زمین را خراب کند؛ و خدا گفت: این است نشان عهدی که من میبندم در میان خود شما؛ و همه جا نورانی که با شما باشند؛ نسلاً بعد نسل تا به ابد!!! قوس خود را در برابر میگذارم!!! و نشان آن عهدی که در میان من و جهان است خواهد بود؛ و هنگامیکه ابر را بالای زمین بگسترانم؛ و قوس در برابر ظاهر بشود؛ آنگاه عهد خود را که در میان من و شما؛ و همه جانوران ذی جسد میبندم بیاد خواهم

آورد!!! و آب طوفان دیگر نخواهد بود؛ تا هرذی جسدی را هلاک بکند، و قوس در ابر خواهد بود؛ و آن خواهد بود؛ و آن را خواهم نگریست تا بیاد آورم!!! آن عهد جاودانی را که در میان خدا و همه جا نوران است؛ از هرذی جسدی که بر زمین است؛ و خدا بنوح گفت: این است نشان عهدی که استوار ساختم در میان خود هرذی جسدی که بر زمین است!!! و پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند!!! سام و حام و یافت بودند؛ و حام پدر کنعان است؛ اینانند سه پسر نوح و از ایشان تمامی جهان منشعب شد!!! و نوح بفلاحت زمین شروع کرد؛ و تاکستانی غرس نمود **!!! و شراب نوشید مست شد!!! و در خیمه خود عریان گردید!!!** و حام پدر کنعان برهنگی پدر خود را دید!!! و دو برادر خود را در بیرون خبر داد؛ و سام و یافت ردای او را گرفت؛ بر کتف خود او انداختند؛ و پس؛ پس رفته برهنگی پدر خود را پوشانیدند **!!!** و روی ایشان باز پس بود؛ که برهنگی پدر خود را ندیدند!!! و نوح از مستی خود بهوش آمده!!! دریافت که پسر کهترش با وی چه کرده بود پس گفت: **کنعان ملعون باد!!! برادران خود را بندگان بوده باشد!!!** و گفت: متبارک باد **یَهُوه** خدای سام و کنعان بنده او باشد؛ خدا یافت را وسعت بدهد؛ و در خیمه های سام ساکن بشود؛ و کنعان بنده او باشد؛ و نوح بعد از طوفان سیصد و پنجاه سال زندگانی کرد؛ پس جمله ایام نوح نصد و پنجاه سال بود که مُرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب نهم)

## فصل پنجم

درباره عملکرد ابراهیم در کتاب مقدس عهد عتیق  
و در کتاب تورات تحریف شده فعلی

## زندگی و عملکرد ابراهیم در کتاب تورات فعلی

و خداوند به ابرام گفت: از ولایت خود و از مولد خویش و از خانه پدر بسوی!!! زمینی که بتو نشان بدهم بیرون بشو؛ و از تو امتی عظیمی پیدا بکنم!!! و تورا برکت بدهم و نام تورا بزرگ سازم!!! و تو پربرکت خواهی بود؛ و برکت بدهم به آنانیکه تورا مبارک خوانند! و لعنت بکنم به آنسانیکه تورا ملعون بخوانند! و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت!!! پس ابرام چنانکه خداوند بدو فرموده بود روانه شد؛ و لوط همراه وی رفت!!! و ابرام هفتاد و پنج سال بود هنگامیکه از حرّان بیرون آمد؛ و ابرام زن خود سارای و برادرزاده خود لوط و همه اموال اندوخته خود را با اشخاصی که در حرّان پیدا کرده بودند برداشته بعزیمت زمین کنعان بیرون شدند؛ و بزمین کنعان داخل شدند؛ و ابرام در زمین گشت؛ تا مکان شگیم تا بلوطستان موره؛ در آن وقت کنعانیان در آن زمین بودند

**!!! و خداوند بر ابرام ظاهر شده!!! گفت: بذریّت تو این زمین را میبخشم؛ و در آنجا مذبحی برای خداوندی که بروی ظاهر شده بناء نمود!!! پس از آنجا بکوهی که بشرقی بیت نیل است کوچ کرد!!! خیمه خود را برپا نمود؛ و بیت نیل بطرف غربی و عایدی بطرف شرقی آن بود؛ و در آنجا مذبحی برای خداوند بناء نمود؛ و نام یهوه را خواند؛ و ابرام طیّ مراحل و منازل کرده بسمت جنوب کوچید؛ و قحطی در آن زمین شد؛ و ابرام بمصرف رود آمد تا در آنجا بسربرد!!! زیرا که قحط در زمین شدت میکرد؛ و واقع شد که چون نزدیک بورود مصر شده!!! بزین خود سارای گفت: اینک میدانم که تو زن نیکو منظر هستی؛ همانا چون اهل مصر تو را ببینند گویند: این زوجه اوست پس مرا بکشند! و تورا زنده نگاه دارند! پس بگو که تو خواهر من هستی!!! تا بخاطر تو برای من خیریت بشود و جانم بسبب تو زنده بماند! و بمجرد ورود ابرام بمصر آن زن را دیدند که بسیار خوش منظر است!!! و امرای فرعون او را دیدند و او را در حضور ستودند!!! پس وی را بخانه فرعون در آوردند! و بخاطرویی به ابرام احسان نمودند!!! و او صاحب میشها و گاو و حماران و غلامان و کنیزان و ماده الاغان شتران شد! و خداوند فرعون**

واهل خانه اورا بسبب سارای! زوجه آبرام ببلاهای سخت مبتلا ساخت! وفرعون آبرام را خوانده گفت: این چیست که بمن کردی؟؟؟! چرامرا خبرندادی که او زوجه توست؟ اچراگفتی: اوخواهر من است که اورا بزنی گرفتم؟؟؟! والآن اینک زوجه تو اورا برداشته روانه بشو؛ آنگاه فرعون درخصوص وی کسان خود امر فرمود! تا اورا بازوجه اش و تمام مایملکش روانه نمودند!!!

(از کتاب قدس عهدعتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب تمامی دوازده)

و آبرام با زن خود و تمام اموال خویش و لوط از مصر بجنوب آمدند؛ و آبرام مواشی و نقره و طلا بسیار دولت مند بود!!! پس از جنوب طی منازل کرده به بیت نیل و عایدی؛ بمقام آن مذبحی که اول بناء نهاده بود!!! و در آنجا آبرام نام یهوه خداوند خواند؛ لوط که نیز همراه آبرام بود گله ورمه و خیمه هابود!!! و زمین گنجایش ایشان را که در یکجا ساکن شوند؛ زیرا که اندوخته‌های ایشان بسیار بود و نتوانستند در یکجا سکونت کنند؛ و در میان شبانان آبرام و لوط نزاع افتاد!!! و در آن هنگام کنعانیان و فرزندان ساکن زمین بودند؛ پس آبرام به لوط گفت: زنهارد در میان من و تو و در میان شبانان من و شبانان تو نزاعی نباشد!!! زیرا که ما برادریم؛ مگر تمام زمین پیش روی تونیست؟! ملتمس اینکه از من جداشوی اگر بجانب چپ روی من بسوی راست خواهم رفت!!! و اگر بطرف راست روی من بجانب چپ خواهم رفت؛ آنگاه لوط چشمان خود را بر آفراشت؛ و تمام وادی اردن را دید که همه اش مانند باغ خداوند؛ و زمین مصر بطرف صوغر سیراب بود؛ قبل از آنکه خداوند سدوم و عموره را خراب سازد؛ پس لوط تمام وادی اردن را برای خود اختیار کرد؛ و لوط بطرف شرقی کوچ کرد و از یکدیگر جدا شدند؛ آبرام در زمین کنعان بماند؛ و لوط در بلاد وادی ساکن شد و خیمه را تا سدوم نقل کرد؛ لکن مردمان سدوم بسیار شریر و بخداوند خطاء کار بودند؛ و بعد از جدا شدن لوط از وی!!! خداوند به آبرام گفت: اکنون تو چشمان خود را برافراز

از مکانیکه در آن هستی؛ بسوی شمال و جنوب مشرق و مغرب بنگر!!! زیرا که تمام این زمین را که می بینی بتو!!! و ذریت تو تا به ابد خواهم بخشید؛ و ذریت تورامانند غبار زمین گردانم؛ چنانکه اگر کسی غبار زمین را تواند شمرد؛ ذریت تو نیز شمرده میشود!!! برخیز و در طول عرض زمین را گردش کن زیرا که آن را بتو خواهم داد!!! و ابرام خیمه خود را نقل کرده روانه شد!!! و در بلوطستان ممری که در حبرون است ساکن گردید؛ و در آنجا مذبحی برای یهوه بناء نهاد (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب سیزدهم)

و واقع شد در ایام امرافل ملک شنعار!!! و آریوک ملک آلاسار و گدرلا عمر ملک عیلام و تدعال ملک امت هاکه!!! ایشان با بارع ملک سدوم و برشاع ملک عموره و گدرلا شنباب ملک آدمه و شمیر ملک صبوئیم و ملک بالع که صوغر باشد؛ جنگ کردند!!! این همه دروادی سدیم که بحرالمح باشد باهم پیوستند؛ دوازده سال گذرلا عمر را بندگی کردند؛ و در سال سیزدهم بر وی شوریدند؛ و در سال چهاردهم گذرلا عمر با ملوکیکه با وی بودند آمده و رفانیان را در عشتروت قرنس و زوزیان را در هام و ایمان را در شاوه قریتین شکست دادند!!! و حوریان را در کوه ایشان سعیرتا ایل فاران که متصل بصره است!!! پس برگشته به عین مشفاط که قادیش باشد آمدند؛!!! و تمام مرزو بوم عمالقه!!! و اموریان را نیز که در حصون تارمار ساکن بودند شکست دادند!!! آنگاه ملک سدوم و ملک عموره و ملک آدمه ملک صبوئیم و ملک بالع که صوغر باشد بیرون آمده؛ با ایشان دروادی سدیم صف آرایی نمودند!!! با گذرلا عمر ملک عیلام!!! و تدعال ملک امت ها و امرافل شنعار و آریوک ملک آلاسار و چهار ملک با پنج وادی سدیم پراز چاههای قیر بود؛ پس ملوک سدوم و عموره گریخته؛ و در آنجا افتادند و باقیات بکوه فرار کردند؛ و جمیع اموال سدوم؛ و عموره را با تمامی ماکولات آنها گرفته برفتند؛ و لوط برادرزاده ابرام را که در سدوم ساکن بود!!! با آنچه داشت برداشته رفتند؛ و یکی که نجات یافته بود آمده ابرام عبرانی را خبر داد؛ و او در بلوطستان ممری اموری که برادر اشگول و عابر بود ساکن بود؛ و ایشان

با ابرام هم عهد بودند؛ چون ابرام از اسیری برادر خود آگاهی یافت!!! سید و هجده تن از خانه زادن کار آزموده خود را بیرون آورده در عقب ایشان تادان بتاخت؛ شبانگاه او و ملازمانش برایشان فرقه فرقه شده ایشان را شکست داده تا به حوبه که بشمال دمشق واقع است تعاقب نمودند؛ و همه اموال را باز گرفت و برادر خود لوط و اموال او را با زنان و مردان باز آوردند!!! بعد از مراجعت وی از شکست دادن گذر لا عمر و ملوکائیکه با وی بودند؛ ملک سدوم تابوادی شاهه وادی الملك باشد؛ با استقبال وی بیرون آمد؛ ملک یصق؛ ملک سالیم؛ باو شراب بیرون آورد!!! و او کاهن خدای تعالی بود!!! و او را مبارک خوانده گفت: مبارک باد ابرام از جانب خدای تعالی مالک آسمان و زمین و متبارک باد خدای تعالی که دشمنانت را بدست تسلیم کرد؛ و او را از هر چیزی ده یک داد؛ و ملک سدوم به ابرام گفت: مردان مرا بمن واگذار و اموال را برای خود نگاه دار؛ ابرام بملک سدوم گفت: دست خود را به یهوه خدای تعالی مالک آسمان و زمین برافراشتم!!! که از اموال تورشته یا دوال نعلینی برنگیرم؛ مبادا گوئی من ابرام را دولت مند ساختم؛ مگر فقط جوانان خوردند!!! و بهره عاير و اشکول و ممري که همراه من رفتند ایشان بهره خود را بردارند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب چهاردهم)

بعد از این وقایع کلام خداوند در رویا به ابرام رسیده گفت: ای ابرام مترس من سپرتو هستم و اجر بسیار عظیم تو؛ ابرام گفت: ای خداوند یهوه مرا چه خواهی داد؟ و من بی اولاد میروم و مختار خانه ام این اعادار دمشق است! و ابرام گفت: اینک من نسلی ندارم و خانه زادم وارث من است!!! در این ساعت کلام خداوند بوی در رسیدگفت: این وارث تو نخواهد بود؛ بلکه کسیکه از صلب تو در آید وارث تو خواهد بود!!! و او را بیرون آورده گفت: اکنون بسوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار هرگاه آنها را توانی شمرد؛ پس بوی گفت: ذریت تو چنین خواهد بود؛ و بخداوند ایمان آورد؛ و او این را برای وی عدالت محسوب کرد؛ پس وی را گفت:

من يَهُوَه هستم که تورا از اورگلدانیان بیرون آوردم؛ تازمین را به ارثیت بتو بخشم؛ گفت: ای خداوند يَهُوَه بچه نشانی بدانم؟ وارث آن خواهم بود؟! بوی گفت: گوساله ماده سه ساله و بز ماده سه ساله و قوچی سه ساله و قمری و کبوتری برای من بگیر؛ پس این همه را بگرفت و آنها را از میان دوپاره کرد؛ و هرپاره را مقابل جفتش گذاشت لکن مرغان را پاره نکرد؛ و چون لاشخورها بر لاشها فرود آمدند آبرام آنها را راند!!! و چون آفتاب غروب میکرد خوابی گران بر آبرام مستولی شد؛ و اینک تاریکی ترسناک سخت او را فرو گرفت؛ پس به آبرام گفت: یقین بر آنکه ذریت تو در زمینی که از آن نباشد غریب خواهند بود!!! و آنها را ببندگی خواهند کرد؛ و آنها چهارصد سال ایشان را مظلوم خواهند داشت؛ و بر آن امتی که ایشان بندگان آنها خواهند بود!!! من داوری خواهم کرد و بعد از آن با اموال بسیار بیرون خواهند آمد؛ و تو نزد پدران خود سلامتی خواهی رفت؛ و در پیری نیکو مدفون خواهی شد؛ و در پشت چهارم بدیجا خواهند برگشت؛ زیرا که گناه آموزان هنوز تمام نشده است؛ و واقع شد که چون آفتاب غروب کرده بود؛ تاریک شد تنوری پردود؛ و چراغی مشتعل از میان آن آپارها گذر نمود؛ در آن روز خداوند به ابرام عهد بست و گفت: **این زمین را از نهر مصر تا بنهر عظیم یعنی نهر فرات بنسل تو بخشیده ام!!! یعنی قینیان و قنزیان و حیتان و فررتان و رفاویان و کنعانیان و جرجاشیان و یبوسیان را!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب دهم)

و سارای زوجه آبرام برای وی فرزندی نیاورد!!! و او را کنیز مصری هاجر نام بود؛ پس سارای به آبرام گفت: اینک خداوند مرا از زانیدن باز داشت؛ پس بکنیز من در آی شاید از او بناء شوم؛ آبرام سخن سارای را قبول کرد!!! چون ده سال از اقامت آبرام در زمین کنعان سپری شد؛ و سارای زوجه آبرام و کنیز خود هاجر مصری را برداشت؛ او را بشوهر خود آبرام بزنی داد؛ پس بهاجر در آمد و او حامله شد؛ و چون دید که حامله است خاتونش بنظر وی حقیر شد؛ و سارای به آبرام

گفت: **ظلم من بتوباد من کنیز خود را به آغوش تو دادم؛ چون آثار حمل در خود دید در نظر او حقیر شدم! خداوند در میان من؛ تو داوری کند! ابرام بسارای گفت: اینک کنیز تو بدست تو است آنچه پسند نظر تو باشد با وی بکن؛ پس چون سارای با وی بنای سختی نهاد او از نزد وی بگریخت! و فرشته خداوند او را نزد چشمه آب در بیابان یعنی چشمه که براه شور است یافت؛ و گفت: ای هاجر کنیز سارای از کجا آمدی و بکجا میروی؟! گفت: من از حضور خاتون خود سارای گریخته ام؛ فرشته خداوند بوی گفت: نزد خاتون خود برگرد و زیر دست او مطیع شو؛ و فرشته خداوند بوی گفت: ذریت تو را بسیار افزون گردانم؛ بحدی که از کثرت شماره نیاید؛ و فرشته خداوند وی را گفت: اینک حامله هستی و پسری خواهی زانید؛ و او را اسمعیل نام خواهی نهاد؛ زیرا که خداوند تظلم تو را شنیده است؛ و او مردی وحشی خواهد بود!!! دست وی ضد کسی؛ و دست هر کسی بضد او!!! و وحشی روی همه برادران خود ساکن خواهد بود؛ و او نام خداوند را که با وی تکلم کرد آنت ایل رنی خواند زیرا که گفت: آیا اینجا نیز بعقب او که مرا می بیند!!! نگریم؟!!! از این سبب آن چاه را بئر لخی رنی نامیدند اینک در میان قادش و بارد است؛ و هاجر از ابرام پسری زانید؛ و ابرام پسر خود را که هاجر زانیده بود اسمعیل نام نهاد!!! و ابرام هشتاد و شش ساله بود هاجر اسمعیل را برای ابرام بزاد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب شانزدهم)**

و چون ابرام نود و نه ساله بود؛ خداوند بر ابرام ظاهر شده؛ گفت: **من هستم خدای قادر مطلق؛ پیش روی من بخرام و کامل شو!!! و عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست؛ و تو را بسیار کثیر خواهم گردانیده؛ آنگاه ابرام بر روی در افتاد و خدا بوی خطاب کرده گفت: اما اینک عهد من با تست و تو پدر امتهای بسیار خواهی بود؛ و نام تو بعد از این ابرام خوانده نشود!!! بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود؛ زیرا که تو را پدر امتهای بسیار گردانم؛ و تو را بسیار بارور بنمایم و امتهای از تو پدید می آورم و پادشاهان از تو بوجود آیند؛ و عهد خویش را در میان خود و تو و ذریت بعد از تو استوار بگردانم؛ که نسل بعد نسل عهد جاویدانی باشد؛ تا تو**

را و بعد از تو ذریت تو را خدا باشم؛ و زمین غریب تو یعنی تمام زمین کنعان را بتو بعد از بذریت تو بملکیت ابدی بدهم؛ و خدای ایشان خواهم بود؛ پس خدای ابراهیم گفت: و اما تو عهد مرا نگاه دار؛ تو بعد از تو ذریت تو در نسل های ایشان!!! این است عهد من که نگاه خواهید داشت؛ در میان من و شما و ذریت تو بعد از تو هر ذکوری از شما مختون شود؛ و گوشت غلفه خود را مختون سازید؛ تا نشان آن عهد باشد که در میان من و شما است؛ هر پسر هشت روزه شما مختون شود؛ هر ذکوری نسل های شما؛ خواه خانه زاد خواه زر خرید!!! از اولاد هراجنبی که از ذریت تو نباشد!!! هر خانه زاد تو و هر زر خرید تو البته مختون شود؛ **تا عهد من در گوشت شما عهد جاودانی باشد!!!** اما هر ذکوری نا مختون که گوشت غلفه او ختنه نشود؛ آنکس از قوم خود منقطع شود!!! زیرا که عهد مرا شکسته است! و خدا به ابراهیم گفت: اما زوجه تو سارای نام او را سارای مخوان؛ **بلکه نام او ساره باشد!!!** و او را برکت خواهم داد؛ و پسر نیز از وی بتو خواهم بخشید؛ او را برکت خواهم داد و امت ها از وی بوجود خواهند آمد؛ و ملوک امت ها از وی پدید خواهند شد؛ آنگاه ابراهیم بر روی در افتاد بخندید؛ و در دل خود گفت: آیا برای مرد صدساله پسر می تولد میشود؟! و ساره در نمود سالگی بزاید؟! و ابراهیم بخدا گفت: کاش اسمعیل در حضور تو زیست بکند؛ خدا گفت: بتحقیق زوجه ات ساره برای تو پسر خواهد زانید!!! و او را اسحق نام بده و عهد خود را با وی استوار خواهم داشت؛ تا با ذریت او بعد از او عهد ابدی باشد!!! **و اما در خصوص اسمعیل تو را اجابت فرمودم!!! اینک او را برکت داده بارور بگردانم و او را بسیار کثیر بگردانم؛ دوازده رئیس از وی پدید می آیند و امتی عظیمی از وی بوجود آورم؛ (از نسل اسمعیل هیچ اثر و خبری در کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ نبوده و نیست؛ مثل اینکه دوازده پسر اسمعیل نژاد پرست و ریاست طلب و دنیا پرست نبودند) و لکن عهد خود را با اسحق استوار خواهم ساخت!!!** که ساره او را بدین وقت در سال آینده برای تو خواهد زانید!!! **و چون خدا از سخن گفتن با وی فارغ شد!!! از نزد ابراهیم صعود فرمود!** و ابراهیم پسر خود اسمعیل

و همه خانه زادن و زر خریدان خود را؛ یعنی هرذکوری که در خانه ابراهیم بود گرفته گوشت غلفه ایشان را در همان روز ختنه کرد؛ چنانکه خدا بوی امر فرموده بود!!! و ابراهیم نود و نه ساله بود و قتیکه گوشت غلفه اش مختون شد!!! و پسر اسمعیل سیزده ساله بوده هنگامیکه گوشت غلفه اش مختون شد؛ در همان روز ابراهیم و پسرش اسمعیل مختون گشتند!!! و همه مردان خانه اش خواه خانه زاد؛ خواه زر خرید؛ از اولاد اجنبی با وی مختون شدند!!! (زکتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب هفدهم)

و خداوند در بلوطستان ممری بروی (ابراهیم) ظاهر شد! و او در گرمای روز بدر خیمه نشسته بود؛ ناگاه چشمان خود را بلند کرده دید؛ که سه مرد در مقابل او ایستاده اند!!! و چون ایشان را دید از درخیمه به استقبال ایشان شتافت و روی بزمین نهاد!!! و گفت: ای مولی آنگون که منظور نظرتو شدم از نزد بنده خود مگذر؛ اندک آبی بیاورند تا پای خود را شسته در زیر درخت بیارامید! و بلقمه نانی بیاورند تا دلهای خود را تقویت دهید!!! و پس از آن روانه شوید؛ زیرا که برای همین شمارا بر بنده خود گذرافتاده است؛ گفتند: آنچه گفتی بکن!!! پس ابراهیم بخیمه نزد ساره شتافت و گفت: سه کیل از آرد میده بزودی حاضر کن؛ و آن را خمیر کرده گردها بساز و ابراهیم بسوی رمه شتافت!!! و گوساله نازک خوب گرفته به غلام خود داد تا بزودی آن را طبع نماید؛ پس کره و شیر و گوساله را که ساخته بود گرفته؛ پیش روی ایشان گذاشت و در مقابل در زیر درخت ایستاد تا خوردند!!! بوی گفتند: زوجه ات ساره کجاست؟ گفت: اینک درخیمه است!!! گفت: البته موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت؛ زوجه ات ساره را پسری خواهد شد؛ و ساره بدرخیمه که در عقب او بود شنیده!!! و ابراهیم و ساره پیرو سالخورده بودند؛ و عادت زنان از ساره منقطع شده بود!!! پس ساره؛ در دل خود بخندید؛ و گفت: آیا بعد از فرسودگیم مر اشادی خواهد بود؟ و آقام نیز پیر شده است

؟! و خداوند به ابراهیم گفت: ساره برای چه خندید؟! گفت: فی الحقیقت خواهم زائید؟! و حال آنکه پیرهستم؟! گفت: مگر هیچ امری نزد خداوند مشکل است؟! در وقت موعود موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت و ساره را پسری خواهد شد؛ آنگاه ساره انکار کرده گفت: نخندیدم چونکه ترسیدم؟! گفت: نی خندیدی؛ پس آن مردان از آنجا برخاسته متوجه سدوم شدند!!! و ابراهیم ایشان را مشایعت نمود؛ و خداوند گفت: آیا آنچه من میکنم از ابراهیم مخفی ندارم؟! و حال آنکه از ابراهیم هرآینه امتی بزرگ و زور آوریدید خواهد آمد؟! و جمیع امتهای جهان از او برکت خواهند یافت؛ زیرا که او را میشناسم!!! که فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خواهد فرمود؛ تا طریق خداوند را حفظ نمایند و عدالت و انصاف را بجا آورد؛ تا آنچه به ابراهیم گفته است بوی برساند؛ پس فریاد سدوم و عموره زیاد شده است! خطائیان ایشان بسیار گران! اکنون نازل میشوم! تا ببینم موافق این فریادی بمن رسیده بالتمام کرده اند! و الا خواهم دانست!!! آنگاه آن مردان از آنجا بسوی سدوم متوجه شده برفتند!!! و ابراهیم در حضور خداوند ایستاده بود و ابراهیم نزدیک آمده گفت: آیا عادل را با شریر هلاک خواهی کرد؟! شاید در شهر پنجاه عادل باشد؟! آیا آن را هلاک خواهی کرد؟! و آن مکان را بخاطر آن پنجاه عادل که در آن باشند نجات نخواهی داد؟!؟! حاشا از تو که مثل این کاری را بکنی که عادلان را با شریران هلاک سازی؟! و عادل و شریر مساوی باشند؟! حاشا از تو آیا داور تمام جهان انصاف نخواهد کرد؟! خداوند گفت: اگر پنجاه عادل در شهر سدوم یابم هرآینه تمام آن مکان را بخاطر ایشان رهائی بدهم!!! ابراهیم در جواب گفت: اینک من که خاک و خاکستر هستم جرأت کردم که بخداوند سخن گویم: شاید پنجاه عادل پنج کم باشد! آیا تمام شهر را بسبب پنج هلاک خواهی کرد؟! گفت: اگر چهل و پنج در آنجا یابم آن را هلاک نمیکنم؛ بار دیگر بدو عرض کرده گفت: هرگاه در آنجا چهل یافته شود؟! گفت: بخاطر چهل آن را نکند؛ گفت: زنهار غضب خداوند افروخته نشود؟! تا سخن گویم: شاید در آنجا سی پیدا شوند؟! گفت: اگر آنجا سی یابم این کار را نخواهم کرد؛ گفت: اینک جرأت کردم که بخداوند عرض کنم؟! اگر بیست در آنجا یافته شوند؟! گفت: بخاطر بیست آن را هلاک نمیکنم

**گفت: خشم خداوند افرخته نشود تا این دفعه را فقط عرض کنم؟! شاید ده در آنجا یافته شوند؟ گفت: بخاطره آن را هلاک نخواهم ساخت؛ پس خداوند چون گفتگورا با ابراهیم به اتمام رسانید برفت! و ابراهیم بمکان خویش مراجعت کرد (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب هجدهم)**

و وقت عصر آن دو فرشته وارد سدوم شدند؛ و لوط در دروازه سدوم نشسته بود؛ چون لوط ایشان بدید به استقبال ایشان برخاسته و بر زمین نهاد؛ گفت: اینک اکنون ای آقایان من بخانه بنده خود بیایید؛ و شب را بسربرید و پاپاهای خود را بشوئید؛ و بامدادان برخاسته راه خود را پیش گیرید؛ گفتند: نی بلکه شب را در کوچه بسر میبریم!!! اما چون ایشان را الحاج بسیار نمود با او آمده بخانه او داخل شدند؛ و برای ایشان ضیافتی نمود؛ و نان فطیر پخت پس تناول کردند؛ و بخواب هنوز نرفته بودند که مردان شهر یعنی مردم سدوم!!! از جوان و پیر تمام قوم از هر جانب خانه وی را احاطه کردند؛ و بلوط ندا در داده گفتند: آن دومی که امشب بنزد تو آمدند کجاست؟! آنها را نزد ما بیرون آورتا ایشان بشناسیم! آنگاه لوط نزد ایشان بدرگاه بیرون آمد؛ و در را از عقب خود بست؛ و گفت: ای برادران من زهار بدی مکنید!!! اینک من دودختر دارم که مرد را نشاخته اند ایشان را الآن نزد شما بیرون آورم!!! و آنچه در نظر شما پسند آید با ایشان بکنید!!! لکن کاری بدین دومی نداشته باشید!!! زیرا که برای همین زیر سایه سقف من آمده اند! گفتند: دور شو و گفتند: این یکی آمد تنزل ما شود و پیوسته دوری میکند!!! الآن با تو از ایشان بد ترمیکنیم!!! پس آن مرد یعنی لوط بشدت هجوم آورده نزدیک آمدند؛ تا در را بشکنند!!! آنگاه آن دومی دست خود را پیش آورده؛ لوط را نزد خود بخانه در آوردند و در را بستند؛ اما آن اشخاص را که بدر خانه بودند؛ از خرد و بزرگ بکوری مبتلا کردند؛ که از جستن را خسته ساختند!!! و آن دومی بلوط گفتند: آیا کسی در اینجا داری؟! دامادان و پسران و دختران خود و هر که را در شهر

داری از این مکان بیرون آور؟! زیرا که ما این مکان را هلاک خواهیم ساخت!  
 چونکه فریاد شدید ایشان بحضور خداوند رسیده! و خداوند ما را فرستاده است  
 تا آن را هلاک بکنیم!!! پس لوط بیرون رفته با دامادان خود که دختران او را  
 گرفتند! مکالمه کرده گفت: برخیزید و از مکان بیرون شوید! زیرا که خداوند این  
 شهر را هلاک میکند!!! اما بنظر دامادان مسخره آمد!!! و هنگام طلوع فجر آن دو  
 فرشته لوط را شتابانیده گفتند: برخیز و زن خود را با این دو دختر که حاضرند بردار  
 مبادا در گناه شهر هلاک شوی! و چون تأخیر مینمود آن مردان دست او و دست  
 زنش و دست هر دو دخترش را گرفتند!!! چونکه خداوند بروی شفقت نمود؛ و او  
 را بیرون آورده در خارج از شهر گذاشتند!!! و واقع شد چون ایشان را بیرون  
 آورده بودند؛ که یکی بوی گفت: جان خود را دریاب و از عقب خود منگر و در  
 تمام وادی نیست! بلکه بکوه بگریزم مبادا هلاک شوی! لوط بدیشان گفت: ای  
 آقاچنین مباد همانا بنده ات در نظرت التفات یافته است!!! و احساسی عظیم بمن  
 کردی که جانم را رستگار ساختی؛ و من قدرت آن ندارم که بکوه فرار کنم؛ مبادا  
 این بلا مرا فرو گیرد و بمیرم! اینک این شهر نزدیک است؛ تا بر آن فرار کنم و  
 نیز صغیر است؛ اذن بده تا بدان فرار کنم آیا صغیر نیست تا جانم زنده بماند؟ بدو  
 گفت: اینک در این امر نیز تورا اجابت فرمودم!!! تا شهر را که سفارش آن را  
 نمودی و از گون نسازم!!! بر آنجا بزودی فرار کن زیرا که تا بدانجا نرسی هیچ  
 کاری نمیتوانم کرد!!! از این سبب آن شهر مسمی بصوغرشد؛ و چون آفتاب بر  
 زمین طلوع کرد لوط بصوغر داخل شد؛ آنگاه خداوند بر سدوم و عموره کوکرد  
 و آتش از حضور خداوند از آسمان بارانید!!! و آن شهرها و تمامی وادی و جمیع  
 سکنه شهرها!!! و نباتات زمین را و از گون ساخت!!! اما زن او به عقب خود  
 نگریسته! ستونی از نمک گردیده! بامدادان ابراهیم برخاست؛ بسوی آن مکانیکه  
 در آن بحضور خداوند ایستاده بود رفت؛ و چون بسوی سدوم و عموره و تمام  
 زمین وادی نظر انداخت! دید که اینک دود در آن زمین چون دود کوره بالا می  
 رود! و هنگامیکه خداوند شهرهای وادی را هلاک کرد! خدا ابراهیم را بیاد آورد!  
 و لوط را از آن انقلاب بیرون آورد؛ چون آن شهرهایی را لوط در آنها ساکن بود

واژگون ساخت! ولوط از صوغر برآمد و با دودختر خود در کوه ساکن شد! زیرا که ترسید که در صوغر بماند! پس با دودختر خود در مغاره سکنی گرفت!!! **ودختر بزرگ بکوچک گفت: پدر ما پیر شده! و مردی بر روی زمین نیست که بر حسب عادت کلّ جهان بما در آید!!! بیا تا پدر خود را شراب بنوشانیم!!! و با او هم بستر شویم!!! تا نسلی از پدر خود نگاه داریم؛ پس در همان شب پدر خود را شراب نوشانیدند!!! و دختر بزرگ آمده با پدر خویش هم خواب شد!!! و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد!!! و واقع شد که روز دیگر بزرگ بکوچک گفت: اینک دوش با پدرم هم خواب شدم!!! امشب نیز او را شراب بنوشانیم! تو بیا با وی هم خواب شو! تا نسلی از پدر خود نگاه داریم! آن شب نیز پدر خود را شراب نوشانیدند!!! و دختر کوچک هم خواب وی شد!!! و او از خوابیدن و از برخاستن وی آگاه نشد!!! پس هر دو دختر لوط از پدر خود حامله شدند!!! و آن بزرگ پسری زائیده!!! و او را مواب نام نهاد! و او تا امروز پدر موابیان است! و کوچک نیز پسری بزاد و او را **بنی عمّی نام نهاد! وی تا بحال پدر بنی عمّی است!!!** (از کتاب مقدّس عهد عتیق واز کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب نوزدهم)**

پس ابراهیم از آنجا بسوی ارض جنوبی کوچ کرد؛ و در میان قادش و شورش ساکن شد و در جرار منزل گرفت!!! و ابراهیم در خصوص زن خود ساره!!! گفت: که او خواهر من است! و ابی ملک جرار فرستاده ساره را گرفت! و خدا در رؤیای شب بر ملک ابی ملک ظاهر شده!!! بوی گفت: اینک تو مرده ای بسبب این زن که گرفتی!!! زیرا که زوجه دیگری میباشد! و ابی ملک به او هنوز نزدیکی نکرده بود پس گفت: ای خداوند آیا امتی عادل را هلاک خواهی کرد؟! مگر او بمن نگفت: که او خواهر من است! و او نیز خود گفت: او برادر من است!!! بساده دلی و پاک دستی این را کردم! خداوند وی را در رؤیا گفت: من نیز میدانم که این را بساده دلی خود کردی! و من نیز تورا نگاه داشتم که بمن خطاء نوری! و از این سبب

نگذاشتم که اورا لمس نمائی!!! پس الان زوجه این مرد را رد کن زیرا که او نبی است! و برای تودعا خواهد کرد! تا زنده بمائی! و اگر اورا رد نکنی بدان که تو! و هر که از آن تو باشد هر آینه خواهی مرد! بامدادان برخاسته! جمیع خادمان خود را طلبیده! همه این امور را بسمع ایشان رسانید! و ایشان بسیار ترسان شدند!!! پس ابی ملک ابراهیم را خوانده بدو گفت: بما چه کردی؟! و بتوجه گناه کرده بودم؟! که بر من و بر مملکت من گناهی عظیم آوردی؟! و کارهای ناکردنی بمن کردی؟! و ابی ملک به ابراهیم؟! گفت: چه دیدی که این کار را کردی؟! ابراهیم گفت: زیرا که گمان بردم که خدا ترسی در این مکان نباشد! و مرا بجهت زوجه ام خواهند کشت! **فی الواقع نیز او خواهر من است!!! دختر پدرم اما نه دختر مادرم و زوجه من شد!** و هنگامیکه خدا مرا از خانه پدرم آواره کرد! اورا گفتم: احسانی که بمن باید کرد! این است که هر جا برویم درباره من بگویی: که او برادر من است!!! پس ابی ملک گوسفندان و گاوان و غلامان و کنیزان گرفته به ابراهیم بخشید و زوجه اش ساره را بوی رد کرد! و ابی ملک گفت: اینک زمین من پیش روی تو است هر جا که پسند نظرت افتد ساکن شو!!! و بساره گفت: اینک هزار مثقال نقره ببرادرت دادم! همانا او برای تو پرده چشم است!!! نزد همه کسانی که با تو هستند! و نزد همه دیگران پس انصاف توداده شده! و ابراهیم نزد خدا دعا کرد و خدا ابی ملک و زوجه او و کنیزانش را شفاء بخشید تا اولاد بهم رسانیدند!!! زیرا که خداوند رحم های تمام!!! اهل بیت ابی ملک را بخاطر ساره زوجه ابراهیم بسته بود! (از کتاب مقدس عند عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب بیستم) و خداوند بر حسب وعده خود بساره تفقد نمود؛ و خداوند آنچه بساره گفت: بود بجا آورد؛ و ساره حامله شد از ابراهیم در پیریش پسر زائید در وقتیکه خدا بوی گفته بود؛ و ابراهیم پسر مولود خود را که ساره از وی زائید اسحق نام نهاد؛ و ابراهیم پسر خود اسحق را چون هشت روزه بود مختون ساخت چنانکه خدا اورا امر فرموده بود؛ و ابراهیم در هنگام ولادت پسرش اسحق صد ساله بود؛

وساره گفت: خدا خنده را بمن ساخت؛ و هر که بشنود بامن خواهد خندید؛ و گفت: که بود که به ابراهیم بگوید: ساره اولاد را شیر خواهد داد؛ زیرا که پسری برای وی در پیریش زائیدم؛ و آن پسر نمو کرد تا او را از شیر باز گرفت!!! و در روزیکه اسحق را از شیر باز داشتند؛ ابراهیم ضیافتی عظیم کرد؛ آنگاه ساره پسر هاجر مصری را که از ابراهیم زائیده بود دید که خنده میکند؛ پس به ابراهیم گفت: این کنیز را با پسرش بیرون کن! زیرا که پسر کنیز با پسر من اسحق وارث نخواهد بود؛ اما این امر بنظر ابراهیم درباره پسرش سخت آمد!!! خدا به ابراهیم گفت: درباره پسر خود و کنیزت بنظرت سخت نیاید؛ بلکه هر آنچه ساره بتو گفته است سخن او را بشنوز زیرا که ذریت تو از اسحق خوانده خواهد شد! و از پسر کنیز نیز امتی بوجود آورم زیرا که او نسل تو است! بامدادن ابراهیم برخاسته نان و مشگی از آب گرفته به هاجر داد!!! و آنها را بردوش وی نهاد و او را با پسر روانه کرد!!! پس رفت و در بیابان بنر شبع میگذشت!!! چون آب مشک تمام شد پسر را زیر بوته!!! گذاشت! و بمسافت تیر پرتابی رفته در مقابل وی بنشست! زیرا گفت: موت پسر را نبینم و در مقابل او نشسته آواز خود را بلند کرد بگریست!!! و خدا آواز پسر را بشنید و فرشته خدا از آسمان هاجر را ندا کرده! وی را گفت: ای هاجر تو را چه شد؟! ترسان مباش!!! زیرا که خداوند آواز پسر را در آنجائی که اوست شنیده است! برخیز و پسر را برداشته (۱) او را بدست خود بگیر؛ زیرا که از او امتی عظیم بوجود خواهم آورد!!! و خدا چشمان او را باز کرد تا چاه آبی را دید؛ پس رفته مشگ را از آب پر کرده پیسنوشانید؛ و خدا با آن پسر میبود؛ و او نمو کرده ساکن صحراء شد؛ و تیر اندازی بزرگ گردید؛ و در صحرای فاران ساکن شد؛ و مادرش زنی از زمین مصر برایش گرفت!!! و واقع شد در آن زمان!!! ابی ملک فیکول که سپهسالار او بود!!! ابراهیم را عرض کرده گفتند: که خدا در آنچه می کنی باتست؛ اکنون برای در اینجا بخدا سوگند بخور که بامن و نسل من و ذریت من خیانت نخواهی کرد؛ بلکه بر حسب احسانی که با تو کردم؛ با من و با زمینی (۱) اسمعیل در این زمان بچه نبود بلکه ۱۶ ساله بود شده بود؛ زیرا که از اسحق ۴ سال بزرگتر بوده است)

که در آن غریب پذیرفتی عمل خواهی بود!!! ابراهیم گفت: من سوگند میخورم و ابراهیم ابی ملک را تنبیه کرد؛ بسبب چاه آبیکه خادمان ابی ملک از او بزور گرفته بودند؛ ابی ملک گفت: نمیدانم کیست که این کار را کرده است؟! و تونیز مرا خبر ندادی و من هم تا امروز نشنیده بودم!!! و ابراهیم گوسنندگان و گاوان گرفته به ابی ملک داد و با یکدیگر عهد بستند؛ ابراهیم هفت برّه از گله جدا ساخت و ابی ملک به ابراهیم گفت: این هفت برّه ماده که جدا ساختی چیست؟! گفت: که این هفت برّه ماده را از دست من قبول فرمای شهادت باشد؛ که این چاه را من حفر نمودم؛ از این سبب آن مکان را بئر شبع نامید؛ زیرا که در آنجا با یکدیگر قسم خوردند!!! و چون آن عهد را در بئر شبع بسته بودند!!! ابی ملک با سپه سالار خود فیکول برخاسته بزمین فلسطینیان مراجعت کردند!!! و ابراهیم در بئر شبع شوره کزی غرس نمود؛ و در آنجا بنام یهوه خدای سرمدی دعا نمود!

پس ابراهیم در زمین فلسطینیان ایام بسیاری بسر برد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب بیست و یکم)

و واقع شد بعد از این وقایع که خدا ابراهیم را امتحان کرده بدو گفت: ای ابراهیم عرض کرد لبیک؛ گفت: اکنون پسر خود را که یگانه توست و او را دوست میداری یعنی اسحق را بردار؛ و بزمین موری برو و او را در آنجا؛ بر یکی از کوههاییکه بتونشان میدهم؛ برای قربانی سوختنی بگذارانی؛ با مادان ابراهیم برخاسته الاغ خود را بیار است؛ و دو نفر از نوکران را با پسر خویش اسحق برداشته؛ و هیزم برای قربانی سوختنی شکسته روانه شد؛ و بسوی آن مکانیکه خدا او را امر فرموده بود رفت؛ در روز سوّم ابراهیم چشمان خورا بلند کرده آن مکان را از دور دید!!! آنگاه ابراهیم بخادمان خود گفت: شما در اینجا نزد الاغ بمانید؛ تا من با پسرم بدانجا رویم؛ و عبادت کرده نزد شما باز آیم؛ پس ابراهیم هیزم قربانی سوختنی را گرفته بر پسر خود اسحق نهاد؛ و آتش کرد را بدست خود گرفت و

هر دو با هم میرفتند!!! و اسحق پدر خود ابراهیم را خطاب کرده گفت: ای پدر من گفت: ای پسر من لبیک گفت: اینک آتش و هیزم لیکن برّه قربانی کجاست؟! ابراهیم گفت: ای پسر من خدا برّه قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت و هر دو با هم رفتند؛ چون بدان مکانیکه خدا بدو فرموده بود رسیدند؛ ابراهیم در آنجا مذبح بناء نمود؛ و هیزم را برهم نهاد!!! و پسر خود اسحق را بسته بالای هیزم بر مذبح گذاشت؛ و ابراهیم دست خود را دراز کرده کارد را گرفت تا پسر خود را ذبح نماید؛ در این حال فرشته خداوند از آسمان وی را ندا در داد؛ و گفت: ای ابراهیم عرض کرد لبیک؛ گفت: دست خود را بر پسر دراز مکن و بدو هیچ کاری مکن؛ زیرا که الآن دانستم که تو از خدا میترسی!!! چونکه پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی!!! آنگاه ابراهیم چشمان خود را بلند کرده دید؛ که اینک قوچی در عقب وی در بیشه بشاخهایش گرفتار شده!!! پس ابراهیم رفت و قوچ را گرفته آن را در عوض پسر خود!!! قربانی سوختنی گذرانید!!! و ابراهیم آن موضع را یهوه یرئ نامید!!! چنانکه تا امروز گفته میشود در کوه یهوه دیده خواهد شد؛ بار دیگر فرشته خداوند به ابراهیم از آسمان ندا در داد؛ و گفت: خداوند میگوید: بذات خود قسم میخورم چونکه این کار را کردی!!! یگانه خود را دریغ نداشتی!!! هر آینه تورا برکت میدهم و ذریت تورا کثیر میسازم مانند ستارگان آسمان؛ و مثل ریگهای که بر کناره دریاست!!! و ذریت تو دروازه های دشمنان خود را متصرف خواهند شد!!! و از ذریت تو جمیع امتهای زمین برکت خواهند یافت؛ پس ابراهیم نزد نوکران خود برگشت!!! و ایشان برخاسته بیئرشبع با هم آمدند و ابراهیم در بیئرشبع ساکن شد!!! و واقع شد بعد از این امور که به ابراهیم خبر داده گفتند: اینک ملکه نیز برای برادرت ناحور پسران زائیده است؛ یعنی نخست زاده او عوض و برادرش بوزو قمونیل پدر آرام!!! و کاسد و حزو و فلداش ویدلاف ویتونیل رفقه را آورده است!!! این هشت را ملکه برای ناحور برادر ابراهیم زانید؛ و کنیز او رومه نام داشت او نیز طابح؛ و جاحم و تاحش و مهگه را زانید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب بیست و دوم)

وایام زندگانی ساره صد و بیست و هفت سال بوده است سالهای عمر ساره؛ و ساره در قریه اربع که حبرون باشد در زمین کنعان مُرد! و ابراهیم آمد تا برای ماتم و گریه کند! و ابراهیم از نزد میّت خود برخاسته و بنی حِتّ را خطاب کرده گفت: من نزد شما غریب و تنزیل هستم قبری از نزد خود بملکیت من بدهید؛ تا میّت خود را از پیش روی خود دفن کنم؛ پس بنی حِتّ در جواب ابراهیم گفتند: ای مولای من سخن ما را بشنو تو در میان ما رئیس خدا هستی؛ در بهترین مقبره های ما میّت خود را دفن کن هیچ کدام از ما قبر خویش را؛ از تو دریغ نخواهد داشت که میّت خود را دفن کنی؛ پس ابراهیم برخاست و نزد اهل آن زمین یعنی بنی حِتّ تعظیم نموده؛ و ایشان را خطاب کرده گفت: اگر مرض ما باشد که میّت خود را از نزد خود دفن کنم؛ سخن مرا بشنوید و بعفرون بن صوحار برای من سفارش کنید؛ تا مغاره مکفيله را که از املاک او در کنار زمینش واقع است؛ بمن بدهد بقیمت تمام!!! در شما برای قبر بملکیت من بسپارد!!! و عفرون در میان بنی حِتّ یعنی همه که بدروازه شهر او داخل میشدند!!! در جواب ابراهیم گفت: ای مولای من نئی سخن مرا بشنو آن زمین را بتو میبخشم؛ و مغاره را که در آن است میدهم بحضوراً بنایی قوم خود؛ آن را بتو میبخشم میّت خود را دفن کن؛ پس ابراهیم نزد اهل آن زمین تعظیم نمود؛ و عفرون را بمسامع اهل زمین خطاب کرده گفت: اگر تو راضی هستی التماس دارم عرض مرا اجابت کنی!!! قیمت زمین را بتو میدهم؛ از من قبول فرمایی تا در آنجا میّت خود را دفن کنم؛ عفرون در جواب ابراهیم گفت: ای مولای من از من بشنو قیمت زمین چهار صد مثقال نقره است؛ این در میان من و تو چیست میّت خود را دفن کن؛ پس ابراهیم سخن عفرون را اجابت نمود؛ و آن مبلغی را؛ در مسامع بنی حِتّ گفته بود یعنی چهار صد مثقال نقره رایج معامله بنزد عفرون وزن کرد؛ پس زمین عفرون که

در مکفيله برابر ممری واقع است؛ یعنی زمین و مغاره که در آن است؛ با همه درختانی که در آن زمین؛ و در تمامی حدود و حوالی آن بود مقرر شد!!! بملکیت ابراهیم بحضور بنی حِتّ یعنی همه بدروازه شهرش داخل میشدند؛ از آن پس ابراهیم زوجه خود ساره را!!! از مغاره صحراء مکفيله در مقابل ممری که خبرون باشد!!! در زمین کنعان دفن کرد؛ و آن صحراء با مغاره که در آن است از جانب بنی حِتّ بملکیت ابراهیم بجهت قبر مقرر شد! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمامی باب بیست و سوم)

و ابراهیم دیگر بار زنی گرفته که قطوره نام داشت؛ و او زمران و یقشان و مدان و مدیان و یشباق و شوچار را برای اوزانید؛ میفشام؛ و شبا و ددان را آورد؛ و بنی ددان اشوریم و لامیم بودند؛ و پسران مدیان عیفا و عیقا و خنوک؛ و ابیداع؛ الراحه بودند!!! جمله اینها اولاد قطوره بودند!!! و ابراهیم تمام ما یملک خود را به اسحق بخشید؛ اما پسران کنیزانی که ابراهیم داشت ابراهیم عطانیای داد؛ و ایشان را در حین حیات خود از نزد پسر خویش اسحق!!! بجانب مشرق بزمین شرقی فرستاد؛ این است ایام سالهای عمر ابراهیم که زندگانی نمود!!! صد و هفتاد و پنج سال؛ و ابراهیم جان بداد و در کمال شیخوخت پیر و سیر شده بود؛ و بقوم خود ملحق شد!!! و پسران اسحق و اسمعیل او را در مغاره مکفيله در صحرای عفرونیایی صوحار حِتّی در مقابل ممری دفن کردند؛ آن صحرائی که ابراهیم از بنی حِتّ خریده بود در آنجا ابراهیم و زوجه اش ساره مدفون شدند؛ و واقع شد بعد از وفات ابراهیم که خدا پسرش اسحق را برکت داد!!! و اسحق نزد بئر لَحی رئی ساکن بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش تمام باب بیست و پنجم)

## درباره ابراهیم در کتاب تلمود

ابراهیم بفرشتگانیکه بشکل آدمیان درآمده!!! ومهمان او شده بودند!!! گفت:  
لقمه نانی بیاورم تادلهای خود را تقویت کنید؛ و ابراهیم بفرشتگان گفت: اجازه  
دهید کمی آب آورده شود و پاهای خود را بشوید (از کتاب تلمود ص ۱۳۰ و ۱۳۱)  
**در جهان آینده ابراهیم خلیل در مدخل جهنم می نشیند! و نمیگذارد که هیچ فرد  
یهودی ختنه شده ای بدانجا فرود آید!!!** (از کتاب تلمود ص ۳۸۵)

**نکاتی از مؤلف:** اولاً اشخاصی که سه نفر بودند و بنزد ابراهیم آمده بودند؛  
شهر سدوم را هلاک کنند؛ یکی از آن سه نفر در کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب  
تورات فعلی؛ خداوند تورات فعلی بوده است؛ که کتاب تلمود وجود خداوند را  
در آنجا انکار کرده و فرشته نوشته است؛ این عمل جعل تلمود خود ثابت میکند  
که نویسندگان کتاب تلمود؛ کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؛ را در  
مهمانی گوساله ابراهیم را قبول نداشته و ندارند!!! در کتاب تلمود بر عکس  
کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی را نوشته اند! این عمل خود ثابت  
میکند که دانشمندان سی قرن پیش یهودیت صهیون نیزم کتاب مقدس عهد  
عتیق و کتاب تورات فعلی را قبول نکرده بودند که چنین نوشته اند!!!

و در کتاب تلمود نوشته اند؛ در قیامت ابراهیم خلیل الله مرادن ختنه شده یهودیت  
را با ذکرش میشناسد ببهشت میفرستد!!! آیا راه هدایت توحیدی این است؟!  
یعنی چه؟! آیا اهانت و توهین از این بالاتر و بزرگتر هم میباشد؟! که پیغمبر خداوند  
را؟! تخصصش ذکر شناسی مردان را نسبت داده اند؟؟؟؟!!! که در قیامت بذکران  
مردان نگاه میکند و ببهشت میفرستد!!! آخر اگر این کار هم درست بوده باشد؟!  
پس زنان را با چه مشخصات معلوم میکند؟! ببهشت میفرستد؟؟؟؟!!! و میگویند:  
قوم یهود اهل بهشت هستند؛ و اهل جهنم نیستند؛ کلمه جهان آخرت و قیامت در  
کتاب مقدس عهد عتیق!!! و در کتاب تورات فعلی وجود ندارد!!! آخرت و بهشت  
جهنم و قیامت را از کجا آورده اند و از کجا نوشته اند؟؟؟؟!!! به اصطلاح در کتابهای  
آسمانی ایشان اصلاً جهان آخرت و قیامت و بهشت و جهنم وجود ندارد!!! و حتی  
از جهان آخرت و قیامت در یک جا هم!!! در کتابهای به اصطلاح آسمانی شان نام  
برده نشده است! جهان آخرت و قیامت و بهشت و جهنم! از کجا آورده اند معلوم  
نیست؟؟؟؟!!! شمارا بخدا دین انبیاء عظام توحیدی یکتا پرستی از این راه است!؟

که دین توحیدی همه انسانهای پاک و مقدس انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی را چنین مسخره کرده و میکنند؟؟؟؟!! از قلم خود پناه میبرم بر خداوند خلاق جهان هستی ورب العالمین از او آمرزش و بخشش را مسئلت مینمایم؛ و از خوانندگان محترم تقاضا دارم که خودشان هم قضاوت بنمایند!!!

۲- بنا بنوشته!!! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! وقتیکه دختران لوط با پدر خودشان همخوابگی و یا بهتر بگوییم: زنا ی محرمی کردند!!! نوشته است که گفته اند که مردی در روی زمین نیست که نسل بماند! در حالیکه بعد از هلاک شدن اهل سدوم!!! ابراهیم و مردان ابراهیم زنده بودند!!! که ابراهیم با مردانش بجنوب کوچ کردند!!! و در زمین قادش ساکن شدند!!! و ملک قادش و مردانش زنده و حاضر بودند! پس چطور نوشته است؟! که دختران لوط گفته اند؟! که در روی زمین مردی نیست که نسل بماند؟! این یکی از ضد و نقیض های فراون آشکار؟؟؟؟!!! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی میباشد؟! ثانیاً دختران لوط هر یکی! یک پسر زنا زاده و حرام زاده زائیده بودند!!! که زن و یا مردی دیگری وجود نداشت که دختران لوط ازدواج کند؟؟؟! پس لابد و ناچاراً با پسران خودشان که از نطفه پدرانشان بودند!!! ازدواج و یا بهتر بگوییم! زنا و مقاربت کرده اند!!! که امروز در جهان بیش از هفت میلیارد انسان وجود دارد! که از نسل چنین زنا زاده و حرام زاده هستند؟؟؟؟!!! که اصل مسئله ملات زنا زادگی و حرام زادگی کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی ملعون همین میباشد!!! که اصل و ناب آیات شیطانی کتاب مقدس عهد عتیق!!! و کتاب تورات فعلی میباشد!!! سر چشمه گرفته است!!! باز هم ضد و نقیض گویی به اصطلاح کتابهای آسمانی میباشد!!! آیا چنین کاری شدنی است؟؟؟! که به انبیاء عظام مقدس خداوند خلاق جهان هستی چنین نسبتی داده اند؟؟؟؟!!! آیا چنین عملی از مردان پاک و مقدس و مطهر بعمل می آید؟؟؟؟!!! و آیا میتوان گفت: که چنین کتاب؟؟؟ کتاب آسمانی تورات موسی است؟؟؟؟!!! باز هم قضاوت بر عهده خوانندگان گرامی است!!!

۳- کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی!!! ابراهیم قهرمان توحید و بت شکن را ترسو! و دنیا پرست! و بی غیرت! و بی ناموس معرفی مینماید؟؟؟! زیرا که زنش و خواهرش ساره که هم زنش بود و هم خواهر واقعی ابراهیم بوده است؟؟؟! بهر کجا میرود پیداشاهان؟! و فرمانروایان پیشکش میکند؟؟؟! و کتاب تورات

فعلی! ساره را که زن و خواهر واقعی ابراهیم معرفی مینماید!!! و برای فرعون پادشاه مصر بزنی داده است!!! و به ابی ملک پادشاه قادیس هم بزنی داده بود و زمانی که ابراهیم بعد از هلاک سدوم! بجنوب کوچ کرده! ساره نود ساله بود و خیلی پیر بوده است! پادشاه قادیس برای چه به او عاشق شده بود؟؟؟؟!! و او را بزنی گرفته بود؟! که مسخره و خنده آور است؟! و بخاطر اینکه برای ابراهیم سود آور باشد؟! و هم برایش خطر جانی نداشته باشد؟! و هم بخاطر ساره! به او احترام بگذارند؟! و با دید احترام نگاه کنند؟! و زنش را پیشکش شاهان و فرعونیان میکرد؟؟؟؟!!!

و از خداوند کتاب تورات فعلی! تعجب آور است؟! که گناه را ابراهیم و ساره انجام میدهند! که میگویند: خواهر و برادر هستیم! و حقایق را از ترس و طمع بمال پنهان میکنند؟! در حالیکه فرعون از هیچ چیزی خبری نداشت خداوند تورات فعلی فرعون را مجازات مینماید! چرا او را برای چه؟! فرعون که از همه بیخبر بوده است؟! از طرف دیگر خداوند تورات فعلی؟! بخواب ابی ملک پادشاه قادیس میرود؟! و او را میترساند و آگاه میکند؟! میگوید: که ساره زوجه ابراهیم است؟! و پادشاه منصرف میشود؟! پس چرا بخواب فرعون نمیرود که او را آگاه کند؟! و بگوید: که ساره خواهر ابراهیم وزن او است و مجازات میکند؟؟؟؟!!! از طرف دیگر که ابراهیم میگوید: ساره خواهر واقعی من است!!! که از پدر خواهر و برادر هستیم!!! چطور خواهرش را بزنی گرفته بود؟؟؟؟!!! که جای تعجب است؟؟؟؟!!! آیا این زناشویی دردین خداوند و شریعت ابراهیم حرام نبود؟؟؟؟!!! پناه بر خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین! چنین نبوده است!!! و گناه و حرام بزرگی رابه ابراهیم و ساره و اسحق روا میدارند!!! پس در این صورت اسحق هم خواهرزاده ابراهیم میشود!!! و هم پسر ابراهیم میشود!!! و در حقیقت اسحق حلال زاده و پاک مقدس و مطهر!!! و از یکی انبیاء رسول بزرگ خداوند!!! خلاق جهان هستی و صاحب اختیار جهانیان بوده است! در تورات فعلی نوشته است هر کسی که خواهر خود را خواه دختر پدر! و خواه دختر مادرش باشد!!! بگیرد و عورت او را ببیند!!! و او عورت وی را ببیند! رسوائی است!!! در پیش چشمان پسران قوم خود منقطع شود (یعنی سر بریده شود) چونکه عورت خواهر خود! را کشف کرده است!!! و متحمل گناه خود خواهد بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لایوان باب بیستم آیه ۱۷)

وباز در تورات نوشته است! ملعون باد کسیکه با خواهر خود! چه دختر پدر خود!  
وچه دختر مادر خویش بخوابد! و تمام قوم بگوید: آمین!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق  
و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثنیه باب بیست و هفتم آیه ۲۲)

آیا کتاب آسمانی تورات؟؟؟!! و شریعت موسی چنین بوده است؟؟؟!! احتمالاً چنین نبوده  
است! این قدرت‌وهینات و افتراءات و دروغ‌ها و ضد و نقیض‌های فراوانی که  
در این کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی وجود دارد؟؟؟!! نشانگر آن  
است که تورات موسی را تحریف کرده اند! به این روز انداخته اند! زیرا که هم  
بخداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین! و هم پیامبران بزرگ و انبیاء عظام  
و هم بقدیسین و هم بعالم انسانیت! چنین توهینات! و افتراءات! و حرف‌های رکیک  
و سکسی و کفر شرک و فراوان را روا داشته اند!!! که بنظر خداشناس و یکتا  
پرست و بعقل سالم!!! بهیچ وجه قابل قبول نیست! چنین کتابها! کتاب آسمانی و  
تورات موسی بوده باشد!!! آیا میتوانیم قبول کنیم که ابراهیم خلیل الله آن مرد  
بزرگ و بُت شکن و قهرمان توحید تاریخ جهان؟! و پدر کلّ ادیان توحیدی؟! که  
در مقابل ترس و طمع بمال دنیا؟! و یا به احترام بُت پرستان؟! از ناموس و شریعت  
دینش صرف نظر کند؟! و ناموس و دینش را با بی غیرتی و بی ناموسی معاوضه  
نماید؟؟؟!! این توهین و تهمت! برای قهرمان توحیدی و بُت شکن تاریخ جهان  
بر ابراهیم خلیل الله؛ خیلی افتراء و تهمت و اهانت دروغ بزرگی میباشد!!!

۴- کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی ملعون!!! از این کتابهای!!! اصل و ناب  
آیات شیطانی! کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی! سرچشمه گرفته  
است! که شاهد اینجانب خود آیات شیطانی! کتاب مقدس! و تورات فعلی! میباشد  
که بخداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین!! و به انبیاء عظام! پیغمبران بزرگ  
قدیسین او و بتمام انسانیت و بر بشریت جهان هستی! چنین توهین و تهمت و کذب  
و افتراء را روا داشته!!! و برشته تحریر در آورده است! و تمامی بشریت جهان  
هستی را مثل خودش و پسرش و اربابانش زنا زاده و حرام زاده معرفی کرد!!!  
لعنت خداوند ملائکه؛ تمامی انسانیت جهان؛ جهانیان بر سلمان رشدی ملعون  
و اربابانش بوده باشد!!! اینجانب مؤلف؛ با مستندات مدارک محکم! از خود این  
کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی اعلام میکنم!!! که اصل و اصل؛ و ناب  
و ناب؛ آیات شیطانی! خود کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! میباشد!  
زیرا که بخداوند خلاق جهان هستی؛ ربّ العالمین؛ و کلّ پیغمبران عظام؛ و رسولان  
؛ خداوند توهین و تهمت و افتراء و دروغ و کفر و شرک را نوشتند و روا داشتند!!!

## فصل ششم

درباره زندگی اسمعیل در کتاب مقدس عهد عتیق  
و در کتاب تورات تحریف شده فعلی

## زندگی و عملکرد اسمعیل در کتاب تورات فعلی

این است پیدایش اسمعیل بن ابراهیم!!! که ها جرمصری کنیزساره!!! برای ابراهیم زانیده!!! و این است نامهای پسران اسمعیل موافق اسم های ایشان!!! بحسب پیدایش ایشان؛ نخست زاده اسمعیل؛ ثبایوت؛ و قیدار؛ و آدبیل؛ و مِبسام؛ و مِشماع؛ و دومه؛ و مسأ؛ و حدار؛ و تیما؛ و یطور؛ و نافیش؛ و قدمه!!! اینانند پسران اسمعیل و این است؛ نامهای ایشان در بلدان و حله های ایشان دوازده امیر!!! حسب قبایل ایشان؛ و مدت زندگانی اسمعیل صدوسی و هفت سال که جان را سپرده بمرد و بقوم خود ملحق گشت؛ و ایشان از حویله تاشور؛ که مقابل مصر بسمت آشور واقع است ساکن بودند؛ و نصیب او در مقابل همه برادران او افتاد (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب؛ بیست و پنجم آیات از ۲ تا ۱۸)

**نکاتی از مؤلف:** بنظر می آید که کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی بعد از نزول قرآن کریم نوشته شده است؛ زیرا که در قرآن کریم؛ برای اسماعیل ارزش فراوان گذاشته شده است؛ و قربانی پسر ابراهیم را اسماعیل نوشته؛ و او را پیغمبر خداوند و صاحب کتاب دانسته است!!! فکر میکنم بخاطر این ارزش خیلی بسیار؛ و فراوان که قرآن کریم به اسماعیل قائل شده است!!! که کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؛ فقط از اسماعیل نام برده و مرد وحشی دانسته است!!! و این نوشته خود ثابت میکند!!! که نویسندگان کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؛ اسماعیل را دشمن دانسته؛ و خواست که نژاد پرستی یهودیت صهیون نیزم ثابت کند!!! که نشده است؛ پناه بر خداوند ببینید که چقدر نادان و بیفهم بوده اند!!! اسحق را خواهرزاده ابراهیم؛ و برادر زاده ساره نوشته اند؛ پس در این صورت نژاد نسل اسحق حلال زاده چه میشود؟! این نژاد اسحق رسول الله یعنی چه؟؟؟! پناه بر خداوند پس در این صورت اسحق هم خواهر زاده!!! و هم فرزند؛ هم پسر ابراهیم میشود؟؟؟! و هم برادر زاده ساره و هم فرزند؛ و پسر او میشود؟؟؟! از این نوشتجات کتاب تورات فعلی؛ ثابت میشود؛ تمام یهودیان صهیون نیزم جهان از یک خواهر برادر متولد شده اند؟؟؟! که اصل ملات کتاب مقدس عهد عتیق؛ و اصل ملات کتاب تورات فعلی؛ همین زنا زدگی و حرام زادگی میباشد!!! و بهمین جهت اصل و ناب آیات شیطانی؛ همین کتابهای؛ کتاب مقدس؛ و کتاب تورات فعلی؛ میباشد!!! زیرا که

بخداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین؛ وپیغمبران ورسولان و انبیاء عظام او؛ ویهمة انسانهای پاک و مقدّس و مطهّر و حلال زادگان؛ تمام تهمتها و اهانتها و کذب و دروغ و افتراءات و حرفهای رکیک و سکسی را روا داشتند!!! پناه بر خداوند متعال! خدایا این بنده گناهکارت را ببخش که چنین حرفها را نوشته ام!

**و این نکته را بیاد داشته باشید!!! که قیدار پسر دوّم اسمعیل است؛ که جدّ محمد رسول الله میباشد؛ که در فصل محمد (ص) رسول الله تماماً خواهیم نوشت!!!**

و پسران اسمعیل که دوازده نفر بودند؛ در کتابها و یا در تاریخ درباره آنها چیزی نوشته نشده است؛ مثل اینکه چنین انسانهای در روی زمین وجود نداشتند! و در صورتیکه پدر ایشان اسمعیل در قرآن کریم وحی منزل خداوند بر مسلمانان؛ پیغمبر بزرگ خداوند خلاق هستی جهان ربّ العالمین؛ صاحب کتاب آسمانی میباشد؛ که در همه جای قرآن کریم نامهای ابراهیم و اسماعیل و اسحق باهم آمده است؛ و خانه اسماعیل با خانه خداوند کعبه دیوار بدوار و همسایه میباشد؛ که خانه اسمعیل را با خانه خداوند حجّاج مسلمانان باهم طواف مینمایند؛ و قبر اسمعیل و مادر گرامیش خانم هاجر در همان خانه مدفون هستند؛ و اسمعیل تنها مردی و پیغمبری است؛ و مادرش تنها زنی است؛ طواف قبرشان را با خانه کعبه خداوند متعال دستور فرموده است! که پسران دوازده گانه چنین اسمعیل هیچ خبر و نوشته در تاریخ وجود ندارد! و در قرآن کریم عدّه زیادی نام از پیغمبران مانند یونس و الیاس و ادريس؛ الیاسین و غیر؛ آمده است؛ که شاید از نسل همان اسمعیل بوده باشند؛ که در این باره شکّ بسیار بزرگی وجود دارد؛ زیرا که عالم یهودیت صهیون نیست کتابهای آسمانی خودشان را تحریف کردند!!! و تاریخ انبیاء عظام خداوند جهان هستی را نیز تحریف کردند!!! و تاریخ جهان را هم تحریف کردند!!! و انبیاء عظام خداوند را عمداً کشتند و بقتل رسانیده اند!!! و تولید مذاهب فراوان را به انجام رسانیده اند و بوجود آوردند!!! و اکنون اهل جهان گرفتار این مسئله مذهب سازی میباشدند! و اکثر کشت و کشتار از راه مذهب آمده کسیکه با مادرش زنا کند! با دیگران چه کار میکند؟

**در همین فصل کتاب تورات فعلی؛ آدرس پسران اسمعیل را چنین نوشته است و ایشان از حویله تا شور که مقابل مصر بسمت آشور واقع است ساکن بودند باید بدانیم؛ که این نشانه امروز عربستان سعودی میباشد؛ که به نقشه جهان نگاه فرمایید .**

## فصل هفتم

درباره زندگی اسحق از کتاب مقدس عهد عتیق  
و از کتاب تورات تحریف شده فعلی

## زندگی و عملکرد اسحق در کتاب تورات فعلی

واین است پیدایش اسحق بن ابراهیم؛ که ابراهیم اسحق را آورده!!! و چون اسحق چهل ساله شد؛ رفقه دختر بتوئیل ارامی؛ و خواهر لابان ارامی را از فدّان ارام بزنی گرفت؛ و اسحق برای زوجه خود چونکه نازا بود نزد خداوند دعا کرد و خداوند او را مستجاب فرمود زوجه اش رفقه حامله شد؛ و **دو طفل در رحم او منازعت کردند؛ او گفت: اگر چنین باشد؟ من چرا چنین هستم؟! پس رفت تا از خداوند پرسید؟! خداوند بوی گفت: دوامت در بطن تو هستند!!! و دو قوم از رحم تو جدا شوند! و قومی بر قومی تسلط خواهد یافت! و بزرگ کوچک را بندگی خواهد نمود چون وقت وضع حملش رسید! اینک تو امان در رحم او بودند! و نخستین سرخ فام بیرون آمد! و تمامی بدنش مانند پوستین پشمین بود! او را عیسونام نهادند و بعد از آن برادرش بیرون آمد! و پاشنه عیسورا بدست خود گرفته بود! او را یعقوب نام نهادند! و در حین ولادت ایشان اسحق شصت ساله بود؛ و آن دو پسر نمود کردند!!! و عیسو صیادی ماهر و مرد صحرائی بود؛ و اما یعقوب مرد ساده دل و چادر نشین؛ و اسحق عیسورا دوست داشت؛ زیرا که صیدا او را میخورد! اما رفقه یعقوب را محبت نمودی؛ روزی یعقوب آتش میپخت؛ و عیسو و مانده از صحراء آمد؛ و عیسو به یعقوب گفت: از این آتش آدم (یعنی سرخ) مرا بخوران زیرا که وا مانده ام از این سبب او را آدم نامیدند؛ یعقوب گفت: امروز نخست زادگی خود را بمن بفروش عیسو گفت: اینک من بحالت موت رسیده ام پس مرا از نخست زادگی چه فائده؛ یعقوب گفت: امروز برای من قسم بخور!!! پس برای او قسم خورد و نخست زادگی خود را بیعقوب فروخت!!! و یعقوب نان و آتش عدس را به عیسو داد که خورد؛ و نوشید و برخاسته برفت؛ پس عیسو نخست زادگی خود خوار نمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب بیست و پنجم)**

قحطی در آن زمین حادث شد! غیر آن قحط اول که در ایام ابراهیم بود! واسحق نزد ابی ملک پادشاه فلسطینیان بجرار رفت!!! **خداوند بروی ظاهر شده! گفت: بمصرف رود میا؛ بلکه بزیمینی که میگویم: ساکن شو!** در این زمین توقف نما و با تو خواهم بود و تورا خواهم داد؛ زیرا که بتو ذریت تو تمام این زمین را می دهم؛ و سوگندی راکه با پدرت ابراهیم خوردم استوار خواهم داشت؛ و ذریت تو رامانند ستارگان آسمان کثیر گردانم؛ و تمام این زمین هارا بذریت تو بخشم؛ و از ذریت تو جمیع امتهای جهان برکت خواهند یافت؛ زیرا که ابراهیم قول مرا شنید و وصایا!!! و او امر و فرایض و احکام مرا نگاه داشت؛ پس اسحق در جرار اقامت نمود؛ و مردان آن مکان درباره زنش از او جویا شدند؟! **گفت: او خواهر من است!** زیرا که ترسید! که بگوید: زوجه من است! مبادا اهل آنجا او را بخاطر رفقه که نیکو منظر بود بکشند! و چون در آنجا مدتی توقف نمود! چنان افتاد که ابی ملک پادشاه فلسطینیان از دریچه نظاره کرد! و دید که اینک اسحق با زوجه خود رفقه مزاح میکند! پس ابی ملک اسحق را خونده! و گفت: همانا این زوجه توست! پس چرا گفتی که خواهر من است؟! اسحق بدو گفت: زیرا گفتم: که مبادا برای وی بمیرم! ابی گفت: این چه کار است که باما کردی؟! نزدیک بود یکی از اقوام من بازوجه ات هم خواب شود؟! و برای ماجرمی آورده باشی؟! و ابی ملک تمام قوم را قدغن فرموده گفت: کسیکه متعرض این مرد و زوجه اش شود هرینه خواهد مُرد! و اسحق در آن زمین زراعت کرد و در آن سال صد چندان پیدا نمود و خداوند او را برکت داد؛ و آن مرد بزرگ شده انافاتاً ترقی مینمود تا بسیار بزرگ گردید؛ و او را گله گوسفندان و مواشی گاوان و غلامان کثیر بود و فلسطینیان بر او حسد بردند! و همه چاههایی که نوکران پدرش در ایام ابراهیم کنده بودند! فلسطینیان آنها را بستند و از خاک پر کردند! و ابی ملک به اسحق گفت: از نزد ما برو زیرا که از ما بسیار بزرگتر شده! پس اسحق از آنجا برفت و دروادی جرار فرود آمده در آن جا ساکن شد! و چاههای آب را در ایام پدرش ابراهیم کنده بودند! و فلسطینیان

آنهارا بعد از وفات ابراهیم بسته بودند اسحق از سر نو کند؛ و آنهارا مسمی نمود بنامهائیکه پدرش آنهارا نامیده بود؛ و نوکران اسحق در آن وادی حفره زدند و چاه آب زنده در آنجا یافتند؛ و شبانان جرارباشبانان اسحق منازعه کرده گفتند این آب از آن ماست پس آن چاه را عسق نامید؛ زیرا که باوی منازعه کردند؛ و چاهی دیگر کردند و همچنان برای آن جنگ کردند و آن را سِطْنَه نامید؛ و از آنجا کوچ کرده چاهی دیگر کند و برای آن جنگ نکردند پس آن را رَحوبوت نامیده گفت: که اکنون خداوند ما را وسعت داده است و در زمین بارور خواهم شد؛ پس از آنجا بنبرشبع آمد؛ و در همان شب خداوند بروی ظاهر شده؛ گفت: **من خدای پدرت ابراهیم هستم ترسان مباش!!! زیرا که من با تو هستم و تورا برکت میدهم!!! و ذریت تورا بخاطر بنده خود ابراهیم فراوان خواهم ساخت؛ و مذبحی در آنجا بنام نهادونام یهوه را خواند؛ و خیمه خود را برپا نمود و نوکران اسحق چاهی در آن جا کردند؛ و ابی ملک به اتفاق یکی از اصحاب خود احزات نام و فیکل که سپه سالار او بود از جرار بنزد او آمدند؛ و اسحق بدیشان گفت: چرا نزد من آمدید با آنکه با من عداوت نمودید؟ و مرا از نزد خود راندید؟ گفتند: بتحقیق فهمیده ایم که خداوند با توست!!! پس گفتیم: سو کنی در میان ما و تو باشد و عهدهی با تو ببندیم!!! تا بما بدی نکنی چنانکه بتوضیری نرساندیم بلکه غیر از نیکی بتون کردیم؛ و تو را بسلامتی روانه نمودیم و اکنون مبارک خداوند هستی؛ آنگاه برای ایشان ضیافتی برپا نمود و خوردند و آشامیدند؛ بامدادن برخاسته با یکدیگر قسم خوردند؛ و اسحق ایشان را وداع نمود؛ پس از نزد وی بسلامتی رفتند!!! و در آن روز چنان افتاد که نوکران اسحق آمده او را از چاهی که میکنند خبر داده گفتند: آب یافتیم؛ پس آنرا شبعه نامید از این سبب آن شهرتا امروز بنبرشبع نام دارد و چون عیسو چهل ساله بود یهودیه دختر بیری حتی و بشمه دختر ایلون حتی را بزنی گرفت؛ و ایشان باعث تلخی جان اسحق و رفقه شدند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب بیست و ششم)

و چون اسحق پیر شد و چشمانش از دیدن تارگشته بود! پسر بزرگ خود عیسو را طلبیده بوی گفت: ای پسر من گفت: لبیک؛ گفت: اینک پیر شده ام و وقت اجل خود را میدانم؛ پس اکنون سلاح خود یعنی ترکش و کمان خویش را گرفته؛ بصحراء برو و نخجیری برای من بگیر؛ و خورشی برای من چنانکه دوست میدارم ساخته؛ نزد من حاضر کن تا بخورم و جانم قبل از مردنم تورا برکت دهد و چون اسحق پسر خود عیسو سخن میگفت: رفقه بشنید و عیسو بصحراء رفت تا نخجیری صید کرده بیاورد؛ آنگاه رفقه پسر خود یعقوب را خوانده گفت: اینک پدرتورا شنیدم که برادرت عیسورا خطاب کرده میگفت: برای من شکاری آور خورشی بساز تا آن را بخورم! و قبل از مردنم تورا در حضور خداوند برکت دهم؛ پس ای پسر من الآن سخن مرا بشنو و آنچه من بتوانم میکنم؛ بسوی گله بشتاب و دو بزغاله خوب از بزها نزد من بیاور؛ تا از آنها غذایی برای پدرت بطوری که دوست میدارد بسازم؛ و آن را نزد پدرت ببر تا بخورد و تورا قبل از وفاتش برکت بدهد! یعقوب بمادر خود رفقه گفت: اینک برادرم عیسو مردی مویدار است!!! و من مردی بی موی هستم!!! شاید که پدرم مرا لمس نماید و در نظرش مثل مسخره بشوم و لعنت بعوض برکت بر خود آورم! مادرش بوی گفت: ای پسر من لعنت تو بر من باد!!! فقط سخن مرا بشنو و رفته آن را بر من بگیر؛ پس رفت و گرفته نزد مادر خود آورد؛ و مادرش خورشی ساخت بطوریکه پدرش دوست میداشت؛ و رفقه جامه فاخر پسر بزرگ خود عیسورا که نزد او در خانه بود بیسر کهتر خود یعقوب پوشانید!!! و پوست بزغاله ها را برد ستها و نرمه کردن او بست و خورش و نانی که ساخته بود بدست پسر خود یعقوب سپرد!!! پس نزد پدر خود آمده گفت: ای پدر من گفت: لبیک تو کیستی ای پسر من؟! یعقوب پسر خود گفت: من نخست زاده تو عیسو هستم آنچه بمن فرمودی کردم الآن برخیز بنشین؛ و از شکار من بخورتا جانت مرا برکت بدهد!!! اسحق پسر خود گفت: ای پسر من چگونه بدین زودی یافتی؟! گفت: یهوه خدای تو بمن رسانید!!! اسحق بیعقوب گفت: ای پسر من نزدیک بیا تا تورا لمس کنم! که آیا تو پسر من عیسو هستی

یانه؟ پس یعقوب نزد پدر خود اسحق آمد و او را لمس کرده گفت: آواز؛ آواز یعقوب است لیکن دستها؛ دستهای عیسواست؛ و او را نشتاخت زیرا که دستهایش مثل دستهای برادرش عیسوموی دار بود پس او را برکت داده؛ و گفت: آیا تو همان پسر من عیسوهستی؟ گفت: من هستم! پس گفت: نزد یک بیاورتا از شکار پسر خود بخورم و جانم تو را برکت دهد؛ پس نزد وی آورد و بخورد و شراب برایش آورد و نوشید!!! و پدرش اسحق بوی گفت: ای پسر من نزدیک بیا و مرا ببوس؛ پس نزدیک آمد او را بوسید و رایحه لباس او را بوئید و او را برکت داد! و گفت: همانا رایحه پسر من مانند رایحه صحرائی است! که خداوند آن را برکت داده باشد! پس خداوند از شب نام آسمان و از فربهی زمین و از فراوانی غله و شیر عطاء فرماید! قومها تو را بندگی نمایند و طوایف تو را تعظیم کنند بر برادران خود سرور شوی! و پسران مادرت تو را تعظیم نمایند! ملعون باد هر که تو را لعنت کند!!! و هر که تو را مبارک خواند مبارک باد! و واقع شد چون اسحق از برکت دادن به یعقوب فارغ شد!!! بمجرد بیرون رفتن!!! یعقوب از حضور پدر خود اسحق که برادرش عیسو از شکار باز آمد! و او نیز خورشی ساخت و نزد پدر خود آورد؛ پسر خود گفت: پدر من برخیز و از شکار پسر خود بخورتا جانت مرا برکت بدهد! پدرش اسحق بوی گفت: تو کیستی؟ گفت: من پسر نخستین تو عیسوهستم!!! آنگاه لرزه شدید بر اسحق مستولی شده گفت: پس آنکه بود؟ که نجیری صید کرده برایم آورد و قبل آمدن تو از همه خوردم؟ و فی الواقع او مبارک خواهد بود؟ عیسو چون سخنان پدر خود را شنید نعره عظیم و بی نهایت تلخ بر آورده بپدر گفت: ای پدرم بمن! بمن نیز برکت بده! گفت: برادرت بحیله آمد و برکت تو را گرفت گفت: نام او را یعقوب بخوبی نهادند زیرا که دو مرتبه مرا از پا در آورد! اول نخست زادگی مرا گرفت و اکنون برکت مرا گرفته است!!! پس گفت: آیا برای من نیز برکتی

نگاه نداشتی؟! اسحق در جواب عیسو گفت: اینک اورا برتوسرور ساختم و همه بردارانش را غلام او گردانیم! و غله و شیره را رزق او دادم! پس الان ای پسر من برای تو چکنم؟! عیسو بپدر خود گفت: ای پدر من آیا همین یک برکت!!! ارا داشتی بمن! نیزای پدرم برکت بده؟! و عیسوبا آواز بلند بگریست! و پدرش اسحق در جواب او گفت: اینک مسکن تو (دور) از فربهی زمین و شبنم آسمان!!! از بالا خواهد بود! و به شمشیرت خواهی زیست و برادر خود را بندگی خواهی کرد! و واقع خواهد شد که چون سرباز زدی یوغ اورا از گردن خود خواهی انداخت! و عیسو بسبب آن برکتیکه پدرش بیعقوب داده بود براو بغض ورزید! عیسو در دل خود گفت: ایام نوحه گری برای پدرم نزدیک است! آنگاه برادر خود یعقوب را خواهم کشت! و رفقه از سخنان پسر بزرگ خود عیسو آگاهی یافت! پس فرستاده پسر کوچک خود یعقوب را خوانده بدو گفت: اینک برادرت عیسو در باره تو!!! خود را تسلی میدهد به اینکه تورا بکشد! پس الان ای پسر من سخن مرا بشنو؛ و برخاسته نزد برادرم لابان بحران فرار کن! و چند روز نزد وی بمان تا خشم برادرت بر گردد! تا غضب برادرت از تو بر گردد! و آنچه بدو کردی فراموش کند! آنگاه میفرستم و تورا از آنجا بازمی آورم!!! چرا باید از شما هر دو در یک روز محروم شوم؟! و رفقه با سخنی گفت: سبب دختران حیت از جان خود بیزار شده ام! اگر یعقوب زنی از دختران حیت مثل اینانی که دختران این زمین اند بگیرد!!! مرا از حیات چه فائده خواهد بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب بیست و هفتم)

نکاتی از مؤلف: بنا بنوشته کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی یعنی به اصطلاح شریعت ابراهیم! و شریعت موسی! ابراهیم با خواهر خودش ساره ازدواج کرده! پس در این صورت اسحق هم پسر و هم خواهرزاده ابراهیم میشود! و اسحق هم پسر و هم برادرزاده ساره میشود! و هم ابراهیم دانی اسحق میشود!!! و هم ساره عمه اسحق میشود! که قوم خویش عجیب و غریب حرام

زاده محرمی میشوند!!! وهم زنا زاده محرمی میشوند؟؟؟! که پناه بر خداوند  
 خلاق جهان هستی ربّ العالمین از نوشتجات قلم خود که چنین جسارت میکنم  
 که از خداوند واحد و یکتا و رحمان و رحیم! طلب آمرزش و بخشش را مسئلت  
 مینمایم! خداوندا شاهد باش که ما تمامی مسلمانان جهان؛ ابراهیم و ساره را  
 پاک و پاکیزه؛ پری از گناه دانسته ایم و میدانیم؛ واسحق ابن ابراهیم خلیل الله  
 را!!! حلال زاده پاک و مطهرو مقدس پیغمبر و رسول بزرگ تو میدانیم؛ و این  
 ازدواج کذب و دروغ و محض؛ کتاب مقدس عهد عتیق؛ و کتاب تورات فعلی را!  
 که اصل و ناب آیات شیطانی هستند! شدیداً محکوم مینمایم!!! خداوندا سلام و  
 صلوات خود را!!! بر این خاندان وحی و نبوت؛ و بُت شکن؛ و قهرمانان توحید  
 بفرست!!! آمین و آمین یا ربّ العالمین!!!

## فصل هشتم

درباره زندگی و عملکرد یعقوب از کتاب مقدس  
عهد عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی

## زندگی و عملکرد یعقوب در کتاب تورات فعلی

و یعقوب تنها ماند و مردی با وی طلوع فجر کشتی میگرفت! و او دید که بروی غلبه نمی یابد کف ران یعقوب را لمس کرد! و کف ران یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد! پس گفت: مرا رها کن زیرا که فجر میشکافد! گفت: تا مرا برکت ندهی تورا رها نمیکنم! بوی گفت: نام تو چیست؟! گفت: یعقوب؛ گفت: از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود! بلکه اسرائیل زیرا که با خدا وبا انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی! از او سؤال کرده گفت: مرا از نام خود آگاه ساز؟! گفت: چرا اسم مرا میپرسی؟! و او را در آنجا برکت داد! و یعقوب آن مکان را فنوئیل نامیده (گفت) زیرا که خدای او بر او دیدم و جانم رستگار شد! چون از فنوئیل گذشت آفتاب بروی طلوع کرد و بر ران خود میلنگید! از این سبب بنی اسرائیل تا امروز عرق النساء را که در کف رانست نمیخورند! زیرا که کف ران یعقوب را در عرق النساء لمس کرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایس باب سی و دوم آیات از ۲۲ تا آخر باب)

**خداوند چنین میگوید: بسبب سه و چهار تقصیر اسرائیل!!! عقوبتش را نخواهم برگردانید! زیرا که مرد عادل را بنقره! و مسکین را بزوج نعلین فروختند و غبار زمین که بر سر مسکینان است حرص دارند! و راه حلیمان را منحرف میسازد و پسر و پدر بیک دختر در آمده! اسم قدّوس مرا بی حرمت میکنند! زنا کردند!!!**  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب عاموس نبی باب دوم آیات از ۶ تا ۸)

**خداوند یهوه بذات خود قسم خورده! و یهوه خدای لشگرها فرموده است! که من از حشمت یعقوب نفرت دارم! و قصرهایش نزد من مکروه است! پس شهر را با هر چه در آن است تسلیم خواهم نمود!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب عاموس نبی؛ باب ششم آیه ۸)

خداوند بجلال یعقوب قسم خورده است! که هیچکدام از اعمال ایشان را هرگز فراموش نخواهم کرد!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب عاموس نبیّ باب هشتم آیه ۷)

اما تو ای اسرائیل بنده من و ای یعقوب که تورا برگزیده ام! و ای ذریت دوست من ابراهیم! که تورا از اقصای زمین گرفته تورا از کرانه هایش خوانده ام! و بتو گفته ام تو بنده من هستی تورا برگزیده ام و ترک ننموده ام!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب اشعاع نبیّ باب چهل و یکم آیه ۹)

**و این است سخنان آخر داود؛ وحی داود بن یئسا وحی مردیکه بر مقام بلند ممتاز گردید مسیح خدای یعقوب! و معنی شیرین اسرائیل! روح خداوند بوسیله من متکلم شد! و کلام او بر زبانم جاری گردید! خدای اسرائیل متکلم شد!!!**  
(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب دوم سموئیل باب بیست و سوم آیات از ۱ تا ۳)

و خداوند در ایام یوشیا پادشاه بمن گفت: آیا ملاحظه کردی که اسرائیل مرتدّ چه کرده است؟! چگونه بفراز هرکوه بلند وزیر هر درخت سبزرفته؟! در آنجا زنا کرده است؟! و بعد از آنکه همه این کارها را کرده بود؟! من گفتم: رجوع نما اما رجوع نکرد و خواهر خائن او یهودا این را بدید؟! و من دیدم با آنکه اسرائیل مرتدّ زنا کرد! و از همه جهات او را بیرون کردم! و طلاق نامه بوی دادم! لکن خواهر خائن او یهودا نترسید! بلکه او نیز رفته مرتکب زنا شد! و واقع شد که سبب سهل انکاری او در زنا کاریش زمین ملوث گردید! و او با سنگها و چوبها زنا نمود! و نیز خداوند میگوید: با وجود این همه خواهر خائن او یهودا نزد من با تمام دل خود رجوع نکرد بلکه باریا کاری! پس خداوند مرا گفت: اسرائیل مرتدّ خویشان را از یهودای خائن عادلتر نموده است! لهذا برو این سخنان را بسوی شمال ندا کرده! بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل مرتدّر چونما! و بر تو غضب نخواهم نمود زیرا که خداوند میگوید: من رئوف هستم و تا به ابد خشم خود را نگاه نخواهم داشت! فقط بگناهانت اعتراف نما که بریهوه خدای خویش عاصی شدی! و راه های خود را زیر هر درخت سبز برای بیگانگان منشعب ساخت! و خداوند میگوید:

که شما آواز مرا نشنیدید! پس خداوند میگوید: ای پسران مرتد رجوع نمایید! زیرا که من شوهر شما هستم! و از شما یک نفر از شهری!!! و دو نفر از قبیله گرفته! شما را بصهیون خواهم آورد! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سوم آیت از ۶ تا ۱۵)

خداوند چنین میگوید: طلاق نامه مادر شما که او را طلاق دادم کجاست؟! یا کیست از طلب کاران من که شما را به او فروختم؟! اینک شما بسبب گناه خود فروخته شدید! و مادر شما بهجت تقصیرهای شما طلاق داده شد! چون آدمم چرا کسی نبود؟! و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟! آیا دست من بهیچ وجه کوتاه شده؟! که نتواند نجات بدهد؟! یا در من قدرتی نیست که رهائی بدهم?! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب پنجاهم آیه ۱)

و خداوند بموسی گفت: چون روانه شده بمصر مراجعت کردی!!! آنگاه باش که همه علاماتی را که بدستت سپرده ام!!! بحضور فرعون ظاهر سازی!!! و من دل او را سخت خواهم ساخت تا قوم را رها نکند! و فرعون بگو: خداوند چنین می گوید: اسرائیل پسر من و نخست زاده من است!!! و بتو میگویم: پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید! و اگر از رها کردنش ابا نمائی همانا پسر تو یعنی نخست زاده تو را میکشم! و واقع شد در بین راه که خداوند در منزل بدو (موسی) برخورد! قصد قتل وی نمود! آنگاه صقوره سنگی تیز گرفته غلفه پسر خود را ختنه کرد! و نزد پای وی انداخته گفت: تو مرا شوهر خون هستی! پس او (خدا) وی را رها کرد! آنگاه صقوره گفت: شوهر خون هستی بسبب ختنه! و خداوند بهارون گفت: بسوی صحراء به استقبال موسی برو! پس روانه شد و او را در جبل الله ملاقات کرده او را بوسید!!! (کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب تورات فعلی؛ باب چهارم آیات از ۲۱ تا ۲۷)

و خدا بیعقوب گفت: برخاسته ببیت ایل برای و در آنجا ساکن شو!!! و آنجا برای خدائی که بر تو ظاهر شد! و قتیکه از حضور برادرت عیسو فرار کردی مذبحی بساز؛ پس یعقوب باهل خانه و همه کسانی که با وی بودند گفت: خدایان بیگانه را که در میان شما است دور کنید! و خویشان را طاهر سازید و رختهای خود را عوض کنید! تا برخاسته ببیت ایل برویم! و در آنجا برای آن خدائی که در روز تنگی من مرا اجابت فرمود! و در راهی که رفتم با من میبود مذبحی بسازیم، (زکتاب مقدس عهد هتئق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و پنجم آیات از ۱ تا ۴)

ای خداوند برای داود بیاد آور همه مذلت های او را! چگونه برای خداوند قسم خورد! و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود! خواب بچشمان خود نخواهم داد! و نپینکی بمژگان خویش! تا مکانی برای خداوند پیدا کنم!!! و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب! اینک ذکر آن در افراشته شنیدیم! و آن را در صحرای جنگل یافتیم! بمسکن های او داخل شویم! و نزد قدمگاه وی پرستش نماییم!!! ای خداوند از آرامگاه خود بر خیز و بیا! تو تابت قوت تو! کاهنان توبه عدالت ملبس شوند! و مقدسات تر تم نمایند! بخاطر بنده خود داود! روی مسیح خود را بر مگردان!!! خداوند برای داود بر راستی قسم خورد! و از آن بر نخواهد گشت که از ثمره صلب تو بر تخت تو خواهم گذاشت!!! (از کتاب مقدس عهد غتیق و از کتاب تورات فعلی؛ باب سی و پنجم آیات از ۱ تا ۹)

پس دینه دختر لیه که او را برای یعقوب زائیده بود!!! برای دیدن دختران آن ملک بیرون رفت! و چون شکیم بن حمور حوی که رئیس آن زمین بود او را بدید! او را بگرفت و با او هم خواب شده وی را بی عصمت ساخت! و دلش بدینه دختر یعقوب بسته شده عاشق آن دختر گشت!!! و سخنان دل آویز به آن دختر گفت: و شکیم پدیر خود حمور خطاب کرده گفت: این دختر را برای من بزنی بگیر! و یعقوب شنید که دخترش دینه را بی عصمت کرده است! و چون پسرانش با مواشی او در صحراء بودند یعقوب سکوت کرد تا ایشان بیایند!!! و حمور پدیر شکیم نزد یعقوب بیرون آمد! تا بوی سخن بگوید: و چون پسران یعقوب این را شنیدند از صحراء آمدند و غضبناک شده!!! خشم ایشان بشدت افروخته شد!!!

زیرا که با دختر یعقوب هم خواب شده! قباحتی در اسرائیل نموده بود! و این عمل نا کردنی بود!!! پس حمورایشان را خطاب کرده گفت: دل پسر من شکیم شیفته دختر شما است اورا بوی بزنی بدهید! و با مصاهرت نموده دختران خود را بما بدهد! و دختران ما را برای خود بگیرد! با ما ساکن شوید و زمین از آن شما باشد در آن بمانید! و تجارت نمائید و در آن تصرف کنید!!! و شکیم پدرو برادران آن دختر گفت: در نظر خود مرا منظور بدارید و آنچه بمن بگوئید خواهام داد!!! مهر و پیشکش هر قدر زیاده از من بخواهید؛ آنچه بگوئید خواهام داد فقط دختر را بزنی بمن بسپارید؛ اما پسران یعقوب در جواب شکیم پدرش حمور بمکر سخن گفتند: زیرا خواهر ایشان دینه را بی عصمت کرده بود!!! پس بدیشان گفتند: این کار را نمیتوانیم کرد که خواهر خود را بشخص نامختون بدهیم! چونکه این برای ما ننگ است! بدین شرط با شما همداستان میشویم اگر چون ما بشوید! که هر ذکوری از شما مختون گردد! آنگاه دختران خود را بشما بدهیم! و دختران شما را برای خود بگیریم!!! و با شما ساکن شده یک قوم بشویم! اما اگر سخن ما را اجابت نکید و مختون نشوید! دختر خود را برداشته از اینجا کوچ خواهام کرد و سخنان ایشان بنظر حمور و بنظر شکیم بن حمور پسند افتاد! و آن جوان در کردن این کار تأخیر نمود! زیرا که شیفته دختر یعقوب بود!!! و او را از همه اهل خانه پدرش گرامیتر بود! پس حمور و پسرش شکیم بدروازه شهر خود آمده! مردمان شهر خود را خطاب کرده گفتند: این مردمان با ما صلاح اندیش هستند پس در این زمین ساکن شوند و در آن تجارت کنند!!! اینک زمین از هر طرف برای ایشان وسیع است! دختران ایشان را بزنی بگیریم! و دختران خود را بدیشان بدهیم! فقط بدین شرط ایشان با ما متفق خواهند شد! تا با ما ساکن شده یک قوم شویم که هر ذکوری از ما مختون شود! چنانکه ایشان مختونند!!! آیا مواشی ایشان و اموال ایشان و هر حیوانی که دارند از آن ما نمیشود و؟! فقط با ایشان هم داستان

شویم! تا باما ساکن شوند! پس همه کسا نیکه بدر وازه شهر او درآمدند بسخن  
 حمور و پسرش شکیم رضا دادند! و هرذکوری از آنانیکه بدر وازه شهر او آمدند  
 مختون شدند! و در روز سوم چون دردمند بودند!!! دوپسر یعقوب شمعون و لاوی  
 برادران دینه هریکی شمشیر خود را گرفته دلیرانه بر شهر آمدند! و همه مردان  
 را کشتند! و حمور و پسرش شکیم را بدم شمشیر کشتند! و دینه را از خانه شکیم  
 برداشته بیرون آمدند!!! و پسران یعقوب بر کشتگان آمده شهر را غارت کردند  
 زیرا که خواهر ایشان را بی عصمت کرده بودند!!! و گله ها و رمه ها و الاغ ها  
 آنچه در شهر و آنچه در صحراء بود گرفتند! و تمامی اموال ایشان و همه اطفال و  
 زنان ایشان به اسیری بردند! و آنچه در خانه ها بود تاراج کردند!!! پس یعقوب  
 بشمعون و لاوی گفت: مرا به اضطراب انداختید و مرا نزد سکنه این زمین!!!  
 یعنی کنعانیان و فرزندان مکروه ساختید! و ما در شماره قلیلیم! همانا بر من جمع  
 شوند و مرا بزنند! و من با خانه ام هلاک شوم! گفتند: آیا با خواهر ما مثل فاحشه  
 عمل کنند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و چهارم)

و خدا بیعقوب گفت: برخاسته ببیت ایل بر آ و در آنجا ساکن شو!!! و آنجا برای  
 خدائی که بر تو ظاهر شد!!! و وقتی که در حضور برادرت عیسو فرار کردی مذبحی  
 بساز!!! پس یعقوب به اهل خانه و همه کسانی که با وی بودند!!! گفت: خدایان  
 بیگانه را که در میان شما است دور کنید! و خویشان را طاهر سازید و رختهای  
 خود را عوض کنید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و  
 پنجم آیه ۱)

او گناهی از یعقوب ندیده!!! و خطائی در اسرائیل مشاهده ننموده است؛ یهوه خدای  
 اوبا وی است؛ و نعره پادشاه در میان ایشان است! خدا ایشان را از مصر بیرون  
 آورد؛ او را شاخهای مثل گاو وحشی است! بدرستی که بر یعقوب افسون نیست؛  
 و بر اسرائیل فالگیری نی!!! در باره یعقوب و در باره اسرائیل؛ در وقتش گفته  
 خواهد شد که خدا چه کرده است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر  
 اعداد باب بیست و سوم آیه ۲۲)

وقتی آن کسیکه سخنان خدا را شنید!!! و رویای قادر مطلق را مشاهده نمود! آنگه که بیفتاد و چشمان او گشاده گردید! چه زیباست خیمه های توای یعقوب و مسکن های توای اسرائیل؛ مثل وادی های کشیده شده؛ مثل باغهای برکنار رودخانه؛ مثل درختان عود که خداوند عرس نموده باشد؛ و مثل سروهای آزاد نزد جویهای آب؛ آب از دلوهایش ریخته خواهد شد؛ و بذراور در آبهای بسیار خواهد بود؛ و پادشاه او از اجاج بلند تر؛ و مملکت او برافراشته خواهد شد؛ خداوند او را از مصر بیرون آورد؛ او را شاخهای مثل گاو وحشی است!!!  
(از کتاب مقدس عهد تئوق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و چهارم آیات از ۸ تا ۴۸)

پسران رآوبین نخست زاده اسرائیل اینانند؛ زیرا که او نخست زاده بود؛ و امابه سبب بی عصمت ساختن بستر پدر خویش! حقّ نخست زادگی او پسران یوسف بن اسرائیل داده شد!!! از این جهت نسب نامه او بر حسب نخست زادگی ثبت نشده بود!!! زیرا که یهودا بر برادران خود برتری یافت و پادشاه از او بود اما نخست زادگی از آن یوسف بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب پنجم آیات ۱ و ۲)

و یعقوب پسران خود را خوانده گفت: جمع شویدا شمارا از آنچه در آیام آخربشما واقع خواهد شد خبر بدهم!!! ای پسران یعقوب جمع شویدا و بشنویدا و بپدر خود اسرائیل گوش گیریدا؛ ای رآوبین تو نخست زاده منی؛ توانائی من و ابتدای قوتم فضیلت رفعت و فضیلت قدرت؛ جوشان مثل آب برتری نخواهد یافت!!! زیرا که بر بستر پدر خود بر آمدی! آنگاه آن را بی حرمت ساختی ببستر من آمد! شمعون و لاوی برادرند!!! آلات ظلم شمشیر های ایشان است! ای نفس من بمشورت ایشان داخل مشو! و ای جلال من بمحفل ایشان متحد مباش!!! زیرا که در غضب خود مردم را کشتند! و در خود رائی خویش گاو ان را پیکردند! ملعون باد خشم ایشان که سخت بود و غضب ایشان زیرا که تند بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی، سفر پیدایش باب چهل ونهم آیات از ۱ تا ۷)

کلام خداوند که بر میکاه مورثتی در ایام یوتام و آخاز و حزقیال پادشاهان!!!  
 یهودا نازل شد؛ و آن را درباره سامره و اورشلیم دید! ای جمیع قومها بشنوید!  
 وای زمین و هرچه در آن است گوش بدهید!!! و خداوند یهوه یعنی خداوند از  
 هیکل قدسش بر شما شاهد باشد!!! زیرا که اینک خداوند از مکان خود بیرون  
 میآید! و نزول نموده بر مکانهای زمین میخرامد! و کوهها در زیر او گداخته میشود  
 ! و وادی ها منشق میگردد!!! مثل موم پیش آتش و مثل آب که بنشیب ریخته  
 شود!!! این همه بسبب عصیان یعقوب؛ و گناه خاندان اسرائیل است!!! عصیان  
 یعقوب چیست؟! آیا سامره نیست؟ و مکانهای بلند یهودا چیست؟! آیا اورشلیم  
 نمیباشد؟؟؟!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب میکاه نبیّ باب اول آیات از ۱ تا ۶)

او ابتدای گناه دختر صهیون بود! چونکه عصیان اسرائیل در تو یافت شده است  
 بنابراین طلاق نامه بورتشت حت خواهی داد! خانه های اکذیب چشمه فریبده  
 برای پادشاهان اسرائیل خواهد بود!!! ای ساکنه مریشه بار دیگر مالکی بر تو  
 خواهم آورد! جلال اسرائیل تابه عدلام خواهد آمد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از  
 کتاب میکاه نبیّ باب اول آیه ۱۲)

ولیکن من از قوت روح خداوند از انصاف و توانائی مملو شده ام! تا یعقوب را  
 از عصیان او و اسرائیل را از گناهایش خبر بدهم! ای رؤسای خاندان یعقوب! وای  
 داوران خاندان اسرائیل این را بشنوید! شما که از انصاف نفرت دارید! و تمامی  
 راستی را منحرف میسازید! و صهیون را بخون! و اورشلیم را بظلم بنامیناید!  
 رؤسای ایشان برای رشوه دآوری مینمایند! و کاهنان ایشان برای اجرت تعلیم  
 میدهند! و انبیای ایشان برای نقره فال میگیرند! و برخداوند توکل نموده میگویند  
 : آیا خداوند در میان ما نیست؟! پس بلا ما نخواهد رسید! بنابراین صهیون به  
 سبب شما مثل مزرعه شیار خواهد شد! و اورشلیم بتوده های سنگ؛ و کوه خانه  
 ببلندی های جنگل مبدل خواهد گردید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب میکاه نبیّ  
 باب سوم آیات از ۸ تا آخر باب)

حیوانات صحراء گرکان و شترمرغانها مرا تمجید خواهند نمود؛ چونکه آب در بیابان ونهرها در صحراء بوجود می آورم!!! تا قوم خود وبرگزیدگان خویش را سیراب نمایم؛ این قوم را برای خود ایجاد کردم تا تسبیح مرا بخوانند؛ اما تو ای یعقوب مرا نخواندی وتوای اسرائیل از من بتنگ آمدی!!! گوسفندان قربانی بهدایای بندگی بر تو ننهادم و ببخورتورا بتنگ نیاوردم! منی معطر را بجهت من بنقره نخریدی! و بپیه ذبایح خویش مرا سیر نساختی! بلکه بگناهان خود بر من بندگی نهادی! و بخطائای خویش مرا بتنگ آوردی! من هستم که بخاطر خود خطائای تورا محو ساختم! و گناهان تورا بپاد نخواهم آورد! مرا یادده تا باهم محاکمه نمایم!!! حجت خود را بیاور تا تصدیق شوی!!! اجداد اولین تو گناه ورزیدند!!! و واسطه های تو بمن عاصی شدند!!! بنابراین من سروران قدوس را بی احترام خواهم ساخت!!! و یعقوب را بلعنت! و اسرائیل را بدشنام تسلیم خواهم نمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب چهل و سوم آیات از ۲۰ تا آخر باب)

بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: الان اسیران یعقوب را باز آورده! بر تمامی خاندان اسرائیل را رحمت خواهم فرمود!!! و بر اسم قدوس خود غیرت خواهم نمود؛ و حینیکه ایشان در زمین خود به امنیت ساکن شوند و ترساننده نباشد؛ آنگاه خجالت خود را و خیانتی را که بمن ورزیده اند متحمل خواهند شد!!! و چون ایشان را از میان امتهای برگردانم؛ و ایشان را از زمین دشمنانشان جمع نمایم؛ آنگاه در نظر امتهای بسیار در ایشان تقدیس خواهم شد؛ خواهند دانست که من یهوه خدای ایشان هستم؛ از آن رو که من ایشان را؛ در میان امتهای جلالی وطن ساختم! و ایشان را بزمین خودشان جمع کردم!!! و بار دیگر کسی را از ایشان در آنجا باقی نخواهم گذاشت!!! و خداوند یهوه میگوید: که من بار دیگر روی خود را از ایشان نخواهم پوشانید؛ زیرا که روح خویش را برخاندان اسرائیل خواهم ریخت!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب سی و نهم آیات از ۲۵ تا آخر باب)

ای کاهنان این را بشنوید!!! وای خاندان اسرائیل اصغا نمائید!!! وای خاندان پادشاهان گوش گیرید! زیرا که این فتوی برای شماست! چونکه شما در مضیقه دام شدید و توری گسترده شده نابود شده اید! عاصیان در کشتار مبالغه نموده اند! پس من همگی ایشان را تأدیب خواهم نمود! من افرایم را میشناسم و اسرائیل از من مخفی نیست!!! زیرا که حال توای افرایم مرتکب زنا شده!!! و اسرائیل خویشتن را نجس ساخته است!!! کارهای ایشان مانع میشود که بسوی خدا بازگشت نمایند! چونکه روح زنا کاری در قلب ایشان است! و خداوند را نمیشناسند!!! و فخر اسرائیل پیش روی ایشان شهادت میدهد!!! اسرائیل و افرایم در گناه میلغزند! و یهودا نیز همراه ایشان خواهد لغزید! گوسفندان و گاوان خود را می آورند تا خداوند را بطلبند!!! اما او را نخواهند یافت!!! چونکه خود را از ایشان دور ساخته است!!! بخداوند خیانت ورزیده اند!!! زیرا که فرزندان اجنبی تولید نموده اند! الآن هلالهای ایشان را با ملکهای ایشان خواهد بلعید! در جبهه کرنا و در رامه سرنا بنوازید! و در بیت آن صدا بزنید! و در عقب توای بنیامین! افرایم در روز عتاب خراب خواهد شد! در میان اسباط اسرائیل بیقین اعلام نمودم!!! سروران اسرائیل مثل نقل کنندگان حدود میباشند!!! پس خشم خویش را مثل آب برایشان خواهم ریخت! افرایم مقهور شده و در داوری کوفته گردیده است! زیرا که پیروی تقالید خرسند! بنابراین من برای افرایم مثل بید شده ام برای خاندان یهودا مانند پوسیدگی!!! چون افرایم بیماری خود را و یهودا جراحت خویش را دیدند!!! افرایم به آشور رفته!!! و نزد پادشاهی که دشمن بود فرستاده است! اما او شمارا نمیتواند شفاء داد! و جراحت شمارا التیام نتواند! و من برای افرایم مثل شیر!!! و برای خاندان یهودا مانند شیرزیان خواهم بود!!! من خودم خواهم درید و رفته خواهم ربود و رهاننده نخواهد بود! من روانه شده بکنان خود خواهم برگشت تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند!!! در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب پنجم)

چون اسرائیل را شفاء میدادم!!! آنگاه گناه افرایم!! و شرارت سامره منکشف گردید! زیرا که مرتکب فریب شده اند! دزدان داخل میشوند و راهزنان در بیرون تاراج مینمایند!! و در دل خود تفکر نمیکنند!!! که تمامی شرارت ایشان را بیاد آورده ام! الآن اعمالشان ایشان را احاطه مینمایند و آنها در نظر واقع شده است! پادشاه را بشرارت خویش و سروران را بدروغهای خود شادمان میسازند! جمیع ایشان زنا کارند! مثل تنوریکه خبازان را مشتعل میسازد؛ که بعد از سرشتن خمیر تا مخمر شدنش؛ از برانگیختن آتش بازمی ایستند! در یوم پادشاه ما سروران از گرمی شراب خود را بیمار ساختند! و او دست خود را به استهزاء کنندگان دراز کرد! زیرا که دل خود را بمکاید خویش مثل تنور نزدیک آورد!!! و تمامی شب خباز ایشان میخوابد؛ صبحگاهان آن؛ مثل آتش ملتهب مشتعل میشوند؛ جمیع ایشان مثل تنور گرم شده؛ داوران خویش را میبلعند و همه پادشاهان ایشان میافتادند!

**و در میان ایشان کسی نیست که مرا بخواند! افرایم با قومها مخلوط شده است افرایم قرص نانی است که برگردانی نشده است! غریبان قوتش را خورده اند و او نمیداند سفیدی برمویهای او پاشیده شده است!!! و او نمیداند فخر اسرائیل پیش رویش شهادت میدهد! اما ایشان بیهوده خدای خود بازگشت مینمایند! و با وجود این همه او را نمیطلبند! افرایم مانند کبوتر ساده دل بیفهم است!!! مصر میخوانند و بسوی آشور میروند!!! و چون میروند من دام خود را برایشان می گسترانم! و ایشان را مثل مرغان هوا بزمیر میاندازم! و ایشان را بروفق اخباری که بجماعت ایشان رسیده است!!! تأدیب مینمایم!!! و ای برایشان زیرا که از من فرار کردند! هلاکت برایشان باد زیرا که بمن عصیان ورزیدند! اگرچه من ایشان را فدیة دادم لکن بصد من دروغ گفتند: و از دل خود نزد من استغاثه نمی نمایند بلکه بر بسترهای خود ولوله میکنند!!! برای روغن و شراب جمع شده بر من فتنه می انگیزند! و اگرچه من بازوهای ایشان را تعلیم دادم! و تقویت نمودم لیکن بامن بد اندیشی نمودند! ایشان رجوع میکنند! اما نه بحضرت اعلی مثل کمان خطاء کننده شده اند! سروران ایشان بسبب غیظ زبان خویش بشمشیر می افتند!!! و سبب همین در زمین مصر ایشان را استهزاء خواهند نمود!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمام باب هفتم)

کرنا را بدهان خود بگذار! او مثل عقاب بضد خانه خداوند می آید! زیرا که از عهد من تجاوز نمودند و بشریعت من عصیان ورزیدند! اسرائیل نزد من فریاد مینماید که ای خدای ما تورا میشناسیم! اسرائیل نیکویی را ترک کرده است!!! پس دشمن او را تعاقب خواهد نمود! ایشان پادشاهان نصب نمودند اما نه از جانب من! سروران تعیین کردند اما ایشان را نشاختم! از نقره و طلا خویش بُتها برای خود ساختند تا منقطع شوند! ای سامره اوگوساله تورا ردّ نموده است! خشم من برایشان افروخته شد! تا یکی نمیتوانند ظاهر بشوند؟! زیرا که این نیز از اسرائیل است!!! او صنعتگران را ساخته است لهذا خدا نیست!!! البته گوساله سامره خورد خواهد شد! بدرستی که با در کاشتند پس گردباد را خواهند دروید! آن را محصول نیست و خوشه هایش آرد نخواهد داد!!! و اگر هم بدهد غریبان آن را خواهند بلعید! اسرائیل بلعیده خواهد شد و الآن در میان امتهای مثل ظرف ناپسند میباشند!!! زیرا که ایشان مثل گورخرتنها و منفرد به آشور رفته اند!!! و افرایم عاشقان اجیر کرده است! اگرچه ایشان در میان امتهای اجرت میدهند!!! من الآن راجع خواهم کرد! بسبب ستم پادشاه و سروران رو بتنها قصد خواهند نهاد!!! چونکه افرایم مذبحه بسیار برای گناه ساخت پس مذبحها برای باعث گناه شد!!! و احکام بسیار شریعت خود را برای او نوشتم اما آنها را مثل چیز غریب شمردند! قربانیهای سوختنی مرا ذبح کردند تا گوشت بخورند و خداوند آنها را قبول نکرد! الآن عصیان ایشان را بیاد می آورد! و عقوبت گناه را برایشان میرساند! و ایشان بمصر خواهند برگشت! اسرائیل خالق خود را فراموش کرده! قصرها بنا میکند و یهودا شهرهای حصاردار بسیار میسازد! اما من آتش بشهر هایش خواهم فرستاد! که قصرهایش را بسوزاند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب هشتم)

ای اسرائیل مثل قومه‌ها شادی وجد منما! زیرا که از خدای خود زنا نمودی! در همه خرمناها اجرت را دوست داشتی! خرمناها و چرخشته‌ها ایشان را پرورش خواهد داد و شیر در آن ضایع خواهد شد! در زمین خداوند ساکن خواهند شد!!! بلکه افرایم بمصر خواهد برگشت! و ایشان در آشور چیزهای نجس خواهند خورد!!! برای خداوند شراب نخواهند ریخت و مقبول او نخواهد شد! قربانی‌های ایشان مثل خوراک ماتمیان خواهد بود! و هر که از آنها بخورد نجس خواهد شد! زیرا که خوراک ایشان برای اشتهای ایشان است!!! پس از آن بخانه خداوند داخل!!! نخواهد شد! پس در ایام مراسم و در ایام عیدهای بر خداوند چه خواهد کرد؟ زیرا اینک از ترس هلاکت رفته اند!!! اما مصر ایشان را جمع خواهد کرد!!! و مؤف ایشان را دفن خواهد نمود!!! مکانهای نفیسه نقره ایشان را خارها بتصرف خواهد گرفت! و در منازل ایشان شوکها خواهد بود! ایام عقوبت می آید؛ مکافات میرسد و اسرائیل این را نیز خواهند دانست! **ونبی احمق گردید! و صاحب روح دیوانه شد! بسبب کثرت گناه؛ فراوانی بغض تو! افرایم از جانب خدای من دیده بان بود! دام صیاد بر تمامی طریق‌های انبیاء گسترده شد!!! در خانه خدای ایشان عداوت است! مثل ایام جبهه فساد را بنهایت رسانیده اند! پس عصیان ایشان را بیاد می آورد! و گناه ایشان را مکافات خواهد داد! اسرائیل را مثل انگور در بیابان یافتیم! پدران شما را مثل نوبرانجیر در ابتدای موسمش دیدم! اما ایشان ببعل فغور رفتند! و خویشان را برای رسوائی نذیره ساختند! و ما نند معشوقه خود مکروه شدند! جلال افرایم مثل مرغ میپرد زائیدن و حامله شده! و در رحم قرار گرفتن نخواهد شد!!! و اگر فرزندان را پیروانند ایشان را بی اولاد خواهم ساخت؛ بحدیکه انسانی نخواهد ماند!!! اوای برایشان حنیکه من نیز از ایشان دور شوم! افرایم حنیکه او را برگزیده ام مثل صور در مرتع نیگومغروس بود اما افرایم پسران خود را برای قاتل بیرون خواهد آورد!!! ای خداوند به ایشان بده!!! چه بدهی؟! رحم سقط کننده و پستانهای خشک به ایشان بده!!! تمامی شرارت ایشان در جلال است زیرا که در آنجا از ایشان نفرت داشتم! پس ایشان را بسبب اعمال زشت ایشان از خانه خود خواهم راند! و ایشان را دیگر دوست نخواهم داشت! چونکه جمیع سروران ایشان فتنه انگیزند! افرایم خشک شده است و ریشه ایشان خشک گردیده میوه نمی آورد! و اگر نیز بزاید نتایج مرغوب رحم ایشان را خواهم کشت!!! خدای من ایشان را ترک خواهد نمود چونکه او را نشنیدند! پس در میان امتهای آواره خواهند شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب هوشع مبی تمامی باب نهم)**

اسرائیل مؤ برومند است که میوه برای خود میآورد! هرچه میوه زیاد میآورد مذبح ها را زیاد میسازد! **و هرچه زمینش نیکوتر میشود! تماثیل را نیکوتر بناء میکند! دل ایشان پر از نفاق است!!!** الآن مجرم میشوند و او مذبح های ایشان را خراب! و تماثیل ایشان را منهدم خواهند ساخت! زیرا که الحال میگوید: پادشاه نداریم چونکه از خداوند نمیترسیم؟ پس پادشاه برای ما چه تواند کرد؟ ایشان قسمهای دروغ خورده!!! و عهدها بسته سخنان (باطل) میگویند: و عدالت مثل حنظل در شیارهای زمین میروید! ساکنان سامره برای گوساله های! بیت آن میترسند زیرا که قومش برای آن ماتم میگیرند!!! و کاهنانش بجهت جلال او می لرزند زیرا که از آن دور شده است!!! و آن را نیز به آشور بجهت هدیه برای پادشاه دشمن خواهند بود!!! خجالت خواهند کشید! و اسرائیل از مشورت خود رسوا خواهد شد! پادشاه سامره مثل کف بر روی آب نابود میشود! و مکانهای بلند آن که گناه اسرائیل میباشد ویران خواهد شد! و خار و خس بر مذبح های ایشان خواهد روئید! و بکوها خواهند گفت: که ما را بیوشانید و بتلها که بر ما بیفتید! ای اسرائیل ایام جبعه گناه کرده در آنجا ایستادند!!! و جنگ با فرزندان شرارت در جبعه به ایشان نرسید! هرگاه بخواهیم ایشان را تأدیب خواهم نمود و قومها بضد ایشان جمع خواهند شد!!! هنگامیکه بدو گناه خود بسته شوند! و افرایم گوساله آموخته شده است! که کوفتن خرمن را دوست میدارد!!! و من برگردن نیکوی او گذر کردم! و من بر افرایم یوغ میگذارم یهودا شیار خواهد کرد و یعقوب با زور برای خود خواهد کشید!!! برای خود به عدالت بکارید و بحسب رحمت در و نمائید!!! و زمین ناکاشته را برای خود خیش بزنید زیرا که وقت است که خداوند را بطلبید تا بیاید! و بر شما عدالت را بباراند! **شرارت را شیار کردید و ظلم را درو نمودید! و ثمره دروغ را خوردید چونکه بطریق خود بکثرت جباران خویش اعتماد نمودید!** لهذا هنگامیکه در میان قومهای تو خواهند برخاست! تمامی قلعه هایت خراب خواهد شد!!! و بنهجیکه شلمان بیت اربیل را در روز جنگ خراب کرد که مادر با فرزندان خورده شدند!!! همچنین بیت نیل بسبب شدت شرارت شما بشما عمل خواهد نمود! در وقت طلوع فجر پادشاه اسرائیل بالکل هلاک خواهد شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب دهم)

هنگامیکه اسرائیل طفل بود اورا دوست داشتم وپسرخود را از مصر خواندم! هر قدر که ایشان را بیشتر دعوت کردند!!! بیشتر از دور رفتند! و برای بعلم قربانی گذرانیدند! و بجهت بُت‌های تراشیده بخورسوزانیدند! و من راه رفتن را به افرایم تعلیم دادم! اورا به بازوها برداشتم اما ایشان نداستند! که من ایشان را شفاء داده ام ایشان را بریسمانهای انسان! ببندهای محبت جذب نمودم؛ بجهت ایشان مثل کسانی بودم؛ که یوغ را از گردن ایشان بر میدارند!!! و خوراک پیش روی ایشان نهادم! بزمین مصر نخواهند برگشت! اما آشور پادشاه ایشان خواهد شد! چونکه از بازگشت نمودن ابا کردند! شمشیر بر شهرهایش هجوم خواهد آورد!!! و پشت بندهایش را بسبب مشورت های ایشان معدوم و نابود خواهد ساخت! و قوم من جازم شدند که از من مرتد گردیدند! و هر چند ایشان را بسوی حضرت اعلی دعوت نمایند!!! کسی خویشان را بر نمی افزارد! ای افرایم چگونه تورا ترک کنم؟ و ای اسرائیل چگونه تورا تسلیم نمایم؟ چگونه تورا مثل آدمه نمایم و تورا مثل صبونیم سازم؟! دل من در اندرون منقلب شده؟! و رفتهای من باهم مشتعل شده است! حدت خشم خود را جاری نخواهم ساخت؛ و بار دیگر افرایم را هلاک نخواهم نمود!!! زیرا که خدا هستم و انسان نی و در میان تو قدوس هستم! پس بغضب نخواهم آمد؛ ایشان خداوند را پیروی خواهند نمود؛ اما مثل شیر غرش خواهم نمود! و چون غرش نماید فرزندان از مغرب بلرزه خواهند آمد!!! مثل مرغان از مصر و مانند کبوتران از زمین آشور لرزان خواهند آمد!!! خداوند میگوید: که ایشان را در خانه های ایشان ساکن خواهم گردانید! افرایم مرا بدورغ ها و خاندان اسرائیل بمرکرها احاطه کرده اند!!! و یهودا هنوز با خدا و با قدوس امین ناپایدار است (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب یازدهم)

افرایم باد را میخورد و باد شرقی را تعقیب میکند! تمامی روز دروغ و خرابی را می افزاید! ایشان با آشور عهد میبندند! و روغن (بجهت هدیه) بمصر برده میشود! خداوند را با یهودا مخاصمه است!!! و یعقوب را بر حسب راههایش عقوبت رسانیده! بروفق اعمالش او را جزا خواهد داد! او پاشنه برادر خود را در رحم گرفت و در حین قوتش با خدا مجاهده نمود! با فرشته مجاهده نمود غالب آمد!!! گریان شده نزد وی تضرع نمود! در بیت نیل او را یافت و در آنجا با ماتکم نمود!!! اما خداوند لشکرهاست! **و یاد گاری او یهوه است!** اما توبسوی خدای خود بازگشت نما! و رحمت و راستی را نگاه داشته دائماً منتظر خدای خود باش! **اوسوداگری است که میزان فریب در دست او میباشد! و ظلم را دوست میدارد!** افرایم میگوید: بدرستی که دولت مند شده ام! و توانگری را برای خود تحصیل نموده ام!!! و در تمامی کسب من بی انصافی که گناه باشد در من نخواهد یافت! اما من از زمین مصر (تا حال) یهوه خدای تو هستم و تورا باردیگری مثل ایام مواسم درخیمه ها ساکن خواهم گردانید! به انبیاء نیز تکلم نمودم و رویاها افزودم؛ و بواسطه انبیاء مثلها زدم؛ بدرستی که ایشان در جلعاد محض گناه و بطالت گردیدند! و در جلجال گاوهای قربانی کردند! مذبح های ایشان نیز مثل توده های سنگ در شیارهای زمین میباشد! و یعقوب بزمین آرام فرار کرد!!! و اسرائیل بجهت زن خدمت نمود و برای زن شبانی کرد! **و خداوند اسرائیل را بواسطه نبی از مصر بر آورد!** و او بدست نبی محفوظ گردید! افرایم خشم بسیار تلخی بهیجان آورد! پس خداوندش خون او را بر سرش وا گذاشت! و اعمال او را بروی رد نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب دوازدهم)

نکاتی از مؤلف: این کلمات و نوشتجات از متن کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی میباشد؛ که ما برشته تحریر در آوردیم؛ و از نوشتجات قلم خود بخداوند متعال که تمامی هستی بوسیله قدرت اوست به او پناه میبریم؛ که پیغمبران پاک و مقدس و مطهر و انبیاء عظام برگزیده؛ او چنین حرفها را از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی مینویسیم!!! که به الله رب العالمین پناه میبریم!!!

- ۱- یعقوب با خدا کشتی گرفته و بخدا پیروز شده و از خدا امتیاز گرفته است!!!
- ۲- اسرائیل پدروپسر با یک دختر زنا کرده اند!!!
- ۳- خداوند گفت: از جلال و حشمت یعقوب نفرت دارم!!!
- ۴- خداوند از جلال یعقوب راضی شده؛ و بجلال یعقوب قسم خورده است!!!
- ۵- یعقوب هم بنده خداست و هم برگزیده اوست و او را رها نکرده است!!!
- ۶- پس اسرائیل مرتدّ و زنا کار بود! و خواهر خائن اسرائیل یهودا! نیز زنا کار بود! حتی با چوب و سنگ زنا نموده است!!! و خداوند به اسرائیل گفت: توبه نما و اسرائیل مرتدّ توبه نکرد!!!
- ۷- خداوند یعقوب را فروخته و مادرش را طلاق داده است! و هم یعقوب و هم مادرش زن خداوند بودند که بهر دورا طلاق داده است!!!

۸- یعقوب پسر خداوند است که خودش زائیده است!!! که نخست زاده و پسر خداوند است!!!

۹- یعقوب قادر مطلق است که خداوند برای او نذر کرده!!! که برای یعقوب قادر مطلق مسکن پیدا کند!!!

۱۰- پسران یعقوب بخاطر یک زنا! یک شهر را ویران کردند و تمامی مردان و زنان را کشتند!!! و تمامی حیوانات و اموال آن شهر را غارت و چپاول کردند!!! و عهد و پیمان ختنه را زیر پا گذاشتند!!!

۱۱- یعقوب مانند گاو وحشی شاخهای داشت!!!

۱۲- پسر و نخست زاده اسرائیل بزن پدرش تجاوز کرده!!! و او را بی عصمت ساخته است!!!

۱۳- یعقوب بخداوند عصیان و نافرمانی کرده است!!!

۱۴- خداوند یعقوب را بمحاکمه دعوت کرده!!! و لعنت نموده است!!!

۱۵- اسرائیل و افرایم زنا کار و خدا ناشناس بودند!!!

۱۶- خداوند بنی اسرائیل را نشناخته بود!!!

۱۷- اسرائیل خالق خود را فراموش کرده بود!!!

۱۸- اسرائیل از خدای خود زنا نمودی!!!

۱۹- اسرائیل تمائیل و بُت میساخت و دلش پراز نفاق بود!!!

۲۰- دل خداوند در اندرونش منقلب شده است!!!

۲۱- بنی اسرائیل خداوند را با مکر احاطه کرده بودند!!!

۲۲- فرشته خداوند در مقابل یعقوب تضرع و زاری کرده است!!!

**۲۳- يَهُوهَ خداوند! یاد گار خداوند اصلی است! و خداوند لشگرهاست!!!**

**۲۴- خداوند فریبکاری و ظلم را دوست دارد!!!**

**۲۵- یعقوب و یا اسرائیل نبی نبود! خداوند بواسطه نبیّ اورا از مصر بیرون آورد!!!**

**۲۶- این کلمات و یا نوشتجات را از متن کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی در آوردیم؛ که خوانده اید؛ که سرتاپا ضدونقیض می باشد!!! بخداوند متعال خلاق جهان هستی برّب العالمین پناه میبریم!!!**

**۲۷- کتاب آسمانی مسلمانان که قرآن کریم وحی منزل میباشد؛ یعقوب را بری و بیزاری از گناه و بزه و عصیان و نافرمانی از خداوند خلاق میفرماید؛ که در فصل تطبیقی مفصلاً خواهیم نوشت؛ که تمام خاندان ابراهیم و ذریّه او پاک و بیگناه و مطهر هستند؛ و آنها هیچ گناه بزرگ و کوچک را بعمل نیاورده اند؛ و مطیع و تسلیم خداوند یکتا و واحد و تنها و خلاق تمامی موجودات جهان هستی بودند و مسلمان و تسلیم بخداوند خلاق جهان هستی شده بودند؛ خداوندیکه بسیار حیران و متحیر گذارنده میباشد!!!**

## فصل نهم

درباره زندگی و عملکرد داود از کتاب مقدس عهد  
عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی

## زندگی و عملکرد داود در کتاب تورات فعلی

یوناتان بداد گفت: بیا بصره برویم!!! و هر دوی ایشان بصره رفتند!!!  
 و یوناتان بداد گفت: ای یهوه خدای اسرائیل!!! چون فردا یا روز سوم پدر خود  
 را مثل این وقت آزمودم!!! و اینک اگر برای داود خبری باشد اگر من نزد او  
 بفرستم و وی را اطلاع بدهم! خداوند بیوناتان گفت: مثل این بلکه زیاده از این  
 عمل نماید!!! و اما اگر پدرم نظرتورا صواب بیند؛ پس تورا اطلاع داده رها خواهم  
 نموده؛ بسلامتی بروی و خداوند همراه تو باشد!!! چنانکه همراه پدر من بود!!!  
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب بیستم آیه ۱۲)

خداوند گفت: و بنده من داود پادشاه ایشان خواهد بود؛ و یک شبان برای جمیع  
 ایشان خواهد بود و به احکام من سلوک نموده؛ و فرایض مرا نگاه داشته آنها  
 را بجا خواهند آورد؛ و در زمینی که بنده خود یعقوب دادم؛ پدران ایشان در آن  
 ساکن میبودند!!! ساکن خواهند شد؛ و ایشان و پسران ایشان و پسران پسران  
 ایشان تا به ابد؛ در آن سکونت خواهند نمود؛ و بنده من داود تا ابد آباد رئیس  
 ایشان خواهد بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب سی و هفتم آیه ۲۵)

و در آن شب واقع شد که کلام خداوند بناتان نازل شده گفت: برو بنده من داود  
 بگو: خداوند چنین میگوید: آیا تو خانه برای سکونت من بناء میکنی؟ زیرا که  
 از روزیکه بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردم تا امروز در خانه ساکن نشده ام  
 بلکه در خیمه و مسکن گردش کردم! و بهر جائیکه با جمیع بنی اسرائیل گردش  
 کردم! آیا با احدی از داوران اسرائیل که برای رعایت قوم خود؟ اسرائیل مأمور  
 داشتم سخنی گفتم؟! که چرا خانه از سرو آزاد برای من بناء نکردید؟ و حال بنده  
 من داود چنین بگو: که یهوه صباوت چنین میگوید: من تورا از چراگاه از عقب  
 گوسفندان گرفتم؛ تا پیشوای قوم من اسرائیل باشی!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از  
 کتاب دوم سموئیل باب هفتم آیات از ۹ تا ۶)

ومن پادشاه خود را نصب کردم برکوه مقدس خود صهیون!!! فرمان را اعلام میکنم خداوند بمن گفته است: **توپسر من هستی امروز تورا تولید کردم! از من درخواست کن و امتها را بمیراث تو خواهم داد! واقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید! ایشان را بعضای آهنین خواهی شکست!!! مثل کوزه کوزه گر آنها را خورد خواهی نمود!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر یعنی زبور داود؛ مزمور دوّم آیات از ۶ تا ۹)

وامانت و رحمت من با وی خواهد بود؛ و در نام من شاخ او مرتفع خواهد شد؛ دست او را بر دریا مستولی خواهم ساخت؛ و دست راست او را بر نهرها؛ او مرا خواهد خواند که تو پدر من هستی!!! **خدای من و صخره نجات من؛ من نیز او را نخست زاده خود خواهم ساخت!!!** بلند تر از پادشاهان جهان رحمت خویش را برای وی نگاه خواهم داشت؛ تا ابدالآباد؛ و عهد من با او استوار خواهد بود!!! و ذریت وی را باقی خواهم داشت تا ابدالآباد!!! و تخت او را مثل روزهای آسمان!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور هشتاد و نهم آیات از ۲۴ تا ۳۰)

داود غمگین شد زیرا که خداوند بر عزه رخنه کرده بود! و آنمکان را تا به امروز فارص عزه نام نهاد! و در آن روز داود از خداوند ترسید! و گفت: که تابوت خداوند نزد من چگونه بیاید؟! و داود نخواست که تابوت خداوند را نزد خود بشهر داود بیاورد! پس داود آن را بخانه عوبید آدوم حتی برگرداند! و تابوت خداوند در خانه عوبید آدوم حتی سه ماه ماند؛ و خداوند عوبید و تمامی خاندانش را برکت داد؛ و داود پادشاه را خبر داده گفتند: خداوند خانه عوبید آدوم و جمیع مایملک او را بسبب تابوت خدا برکت داده است؛ پس داود رفت و تابوت خدا را از خانه عوبید آدوم بشهر داود بشادمانی آورد؛ و چون بردارندگان تابوت خداوند شش قدم رفته بودند؛ گاو و پرواریها ذبح نمود!!! **و داود با تمامی قوت خود بحضور خداوند رقص میکرد!!!** و داود بایفود کتان ملبس بود؛ پس داود تمامی خاندان

اسرائیل تابوت خداوند را با آواز شادمانی و آواز کرنا آوردند؛ چون تابوت خداوند داخل شهر داود میشد؛ میکال دختر شاول از پنجره نگریسته داود پادشاه را دید **که بحضور خداوند جست و خیز و رقص میکند!** پس او را در دل خود حقیر شمرد! و تابوت خداوند را آورده آن را در مکانش!!! در میان خیمه که داود برایش برپا داشته بود گذاشت؛ و داود بحضور خداوند قربانی های سوختنی و ذبایح سلامتی فارغ شد قوم را به اسم یهوه صبايوت برکت داد! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم سموئیل باب ششم آیات از ۸ تا ۱۹)

و تمامی اسرائیل تابوت عهد خداوند را با آواز شادمانی؛ و آواز بوق و کرنا و سنج و عود و بربط مینواختند؛ و چون تابوت عهد خداوند وارد شهر داود میشد؛ میکال دختر شاول از پنجره نگریست؛ **و داود پادشاه را دید که رقص و وجد مینماید!** **او را در دل خود خوار شمرد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب پانزدهم آیات از ۲۸ تا آخر باب)

در آن شب واقع شد که کلام خداوند بناتان نازل شده گفت: برو و ببند من داود بگو: خداوند چنین میگوید: آیا تو خانه برای سکونت من بناء میکنی؟ زیرا از روزیکه بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردم! تا امروز در خانه ساکن نشده ام بلکه درخیمه و مسکن گردش کرده ام!!! او بهر جائیکه با جمیع بنی اسرائیل گردش کردم! آیا به احدی از داوران اسرائیل که برای رعایت قوم خود؟ اسرائیل مأمور داشتیم سخنی گفتم؟! که چرا خانه از سرو آزاد برای من بناء نکردند؟! و حال ببند من داود چنین بگو: که یهوه صبايوت چنین میگوید: من تورا از چراگاه از عقب گوسفندان گرفتم؛ تا پیشوای قوم من باشی!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم سموئیل باب هفتم آیات از ۵ تا ۹)

برحسب تمامی این کلمات و مطابق تمامی این رویای ناتان بداود تکلم نمود؛  
**وداود پادشاه داخل شده بحضور خداوند نشست!!! وگفت: ای خداوند یهوه من کیستم؟! و خاندان من چیست؟! که مرا به این مقام رسانیدی و این نیز در نظرتو ای خداوند یهوه امر قلیل نمود؛ زیرا که درباره خانه بنده ات؛ نیز برای زمان طویل تکلم فرمودی؛ و آیا این ای خداوند یهوه عادت بنی آدم است؟ و داود دیگر بتوجه تواند گفت: زیرا که تو ای خداوند یهوه بنده خود را میشناسی!!! و برحسب کلام خود و موافق دل خود تمامی؛ این کارهای عظیمی را بجا آوردی؛ تا بنده خود را تعلیم بدهی بنابراین ای یهوه خدا تو بزرگ هستی!!! زیرا چنانکه بگوشهای خود شنیده ام مثل تو کسی نیست؛ و غیر از تو خدائی نیست!!!**  
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب د و م سموئیل باب هفتم آیه ۱۹)

و در آن شب واقع شد که کلام خدا بناتان نازل شده گفت: برو!!! و بنده من داود بگو: خداوند چنین میفرماید: تو خانه برای سکونت من بناء خواهی کرد؛ زیرا که از روزیکه بنی اسرائیل را از مصر بیرون آورد م؛ تا امروز در خانه ساکن نشده ام! بلکه از خیمه به خیمه و مسکن به مسکن گردش کرده ام!!!  
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب هفدهم آیه ۵)

و سلیمان شروع کرد ببناء نمودن خانه خداوند در اورشلیم؛ برکوه موریآ جائیکه (خداوند) بر پدرش داود ظاهر شده بود!!! جائیکه داود از خرمنگاه آرنون یبسی تعیین کرده بود؛ و در روز دوم ماه دوم از سال چهارم سلطنت خود ببناء کردن شروع نمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از دوم تواریخ ایام باب سوم آیات ۱ و ۲)

و داود هنگامیکه پادشاه شد سی ساله بود؛ و چهل سال سلطنت نمود هفت سال و شش ماه در حبرون بر یهودا سلطنت نمود!!! و سی و سه سال در اورشلیم بر تمامی اسرائیل و یهودا سلطنت نمود!!! و پادشاه با مردانش به اورشلیم به مقابله یبوسیان که ساکن زمین بودند رفت؛ و ایشان بداود متکلم شده به اینجا

داخل نخواهی شد!!! جز اینکه کوران و لنگان را بیرون کنی!!! زیرا که گمان بردند که داود به اینجا داخل خواهد شد! و داود قلعه صهیون را گرفت که همان شهر داود است؛ و در آن روز داود گفت: هر که بیوسیان را بزند و بقتات رسیده؛ لنگان و کوران را که مبعوض جان داود هستند؛ (بزند) بنابراین میگویند؛ کور و لنگ بخانه داخل خواهند شد!!! و داود در قلعه ساکن شد و آن را شهر داود نامید؛ به اطراف مملو و اندرونش عمارت ساخت؛ و داود ترقی کرده بزرگ میشد؛ و **یَهُوَه صَبَیوت با وی میبود!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب پنجم آیات از ۴ تا ۱۰)

پس داود بن یسی بر تمامی اسرائیل سلطنت نمود؛ و مدت سلطنت او بر اسرائیل چهل سال بود!!! اما در حبرون هفت سال سلطنت کرد و در اورشلیم سی و سه سال پادشاهی کرد؛ و در پیری نیکو از عمر و دولت و حشمت سیر شده؛ و فات نمود؛ و پسرش سلیمان بجایش پادشاه شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از اول تواریخ ایام باب بیست و نهم آیه ۲۸)

لهذا ای خداوند تورا در میان امتها حمد خواهم گفت: و بنام تو سرود خواهم خواند؛ که نجات عظیمی بپادشاه خود داده!!! و بمسیح خویش رحمت نموده است؛ یعنی داود و ذریت او تا ابد الابد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور هجدهم آیه ۴۹)

خداوند تمامی مسئلت را به انجام رسانید؛ الآن دانسته ام که خداوند مسیح خود را میرهاند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور بیست و نهم آیه ۶)

ای یَهُوَه خدای لشگرها دعای مرا بشنو؛ ای خدای یعقوب گوش خود را فراگیر سلاه؛ ای خدائیکه سپر ماهستی ببین؛ و بروی مسیح خود نظر انداز (از کتاب مقدس عهد عتیق و از مزامیر مزمور هشتاد و چهارم آیه ۹)

اما من کرم هستم! انسان نی! عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده قوم! هر که مرا ببیند بمن استهزاء میکند!!! البهای خود را باز میکند و سرهای خود را می جنبانند! و میگویند: بر خداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از مزامیر؛ مزمور بیست و دوم آیه ۷)

به فرعون بگو: خداوند چنین میگوید: اسرائیل پسر من ونخست زاده من است  
 او را رها کن تا بمن عبادت کند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر  
 خروج باب چهارم آیه ۲۳)

بگناه خود نزد تو اعتراف کردم؛ و جرم خود را مخفی نداشتم؛ گفتم: عصیان خود  
 را نزد خداوند اقرار میکنم؛ پس تو الآن گناهم را عفو کردی بسلاة از این روهر  
 مقدس در وقت اجابت نزد تو دعا خواهم کرد؛ و وقتی که آبهای بسیار بسیلان آید  
 هرگز بدو نخواهد رسید؛ تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد؛ مرا  
 بسرودهای نجات احاطه خواهی نمود سلاة؛ **تورا حکمت خواهم آموخت! و براهی  
 که باید رفت ارشاد خواهم نمود!!! و تورا بچشم خود که برتوست نصیحت خواهم  
 فرمود! مثل اسب و قاطر بیفهم میباشد!!! که آنها را برای بستن بدنه و لکام  
 زینت میدهند! و الا نزدیک تو نخواهند آمد!!! غمهای شریر بسیار میباشد!!!**  
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور سی و دوم قصده داود آیات ۵ تا ۹)

ای خدا بحسب رحمت خود بر من رحم فرما؛ بحسب کثرت رأفت خویش گناه  
 هانم را محوساز؛ مرا از عصیانم بکلی شست و شوده؛ و از گناهم مرا طاهر کن  
 زیرا که من به معصیت خود اعتراف میکنم؛ و گناهم همیشه در نظر من است  
 بتو و بتو تنها گناه ورزیده!!! و در نظرتو این بدی را کرده ام؛ تا در کلام خود را  
 مصدق کردی!!! و در داوری خویش مزگی شوی!!! **اینک در معصیت سرشته  
 شدم!!! و مادرم در گناه بمن آبستن گردید!!!** اینک بر استی در قلب را غب هستی  
 پس حکمت را در باطن من؛ بمن بیاموز؛ مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم؛ و  
 مرا شست و شوکن تا از برف سفید تر گردم؛ شادی و خرمی را بمن بشنوان!!!  
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور پنجاه و یکم آیات ۸ تا ۱۸)

وداود پادشاه پیروسالخورده شده؛ هرچند او را بلباس میپوشانیدند لیکن گرم نمیشد؛ و خادمانش وی را گفتند: بجهت آقای ما پادشاه باکره جوان بطلبید تا بحضور پادشاه بایستد؛ او را پرستاری نماید و در آغوش او بخوابد؛ تا آقای پادشاه گرم بشود؛ پس در تمامی حدود اسرائیل دختری نیکو منظر طلبیدند؛ و آیشگی شونمیه را یافته او را نزد پادشاه آوردند؛ و آن دختر بسیار نیکو منظر بود و پادشاه را پرستاری نموده؛ او را خدمت میکرد اما پادشاه او را نشناخت!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب اول آیات از ۱ تا ۵)

چونکه داود آنچه در نظر خداوند راست بود بجا آورد؛ و از هر چه او را امر فرموده تمامی روزهای عمرش تجاوز ننموده بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب پانزدهم آیه ۵)

و در آدوم قراولان گذاشت بلکه در تمامی آدوم قراولان گذاشته؛ جمیع آدومیان بندگان داود شدند!!! و خداوند داود را در هر جا که میرفت نصرت میداد؛ و داود بر تمامی اسرائیل سلطنت مینمود!!! و داود بر تمامی قوم داوری و انصاف را اجرا و گرامی میداشت!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب هشتم آیه ۱۵)

پس داود پادشاه برپا ایستاده گفت: ای برادرانم وای قوم من مرا بشنوید؛ من اراده داشتم خانه ای راکه آرامگاه تابوت عهد خداوند!!! و پای انداز پایهای خدای ما باشد بناء نمایم؛ و برای بنای آن تدارک دیده بودم؛ لیکن خداوند مرا گفت: تو خانه بجهت اسم من بناء خواهی نمود!!! زیرا که مرد جنگ هستی و خون ریخته؛ لیکن یهوه خدای اسرائیل مرا از تمامی خاندان پدرم برگزیده است؛ که بر اسرائیل تا به ابد پادشاه بشوم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تواریخ ایام باب بیست و هشتم آیات از ۲ تا ۴)

و واقع شد بعد از انقضای سال هنگام بیرون رفتن پادشاه هان؛ که داود یوآب را بابتدگان خویش و تمامی اسرائیل فرستاده؛ و ایشان بنی عمون را خراب کرده

رَبِّه را محاصره نمودند؛ اما داود در اورشلیم ماند!!! واقع شد در وقت عصر که داود از بسترش برخاسته بر پشت بام خانه پادشاه گردش کرد!!! و از پشت بام زنی را دید که خویشتن را شستشو میکند! آن زن بسیار نیکو منظر بود! پس داود فرستاده درباره زن استفسار نمود!!! و او را گفتند: که ایا ابن بتشبع دختر اليعام زن اوریای حتی یست! و داود قاصدان فرستاده او را گرفتند!!! و او نزد وی آمد داود با او همبستر شد! و او از نجاست خود ظاهر شده بخانه خود برگشت! و آن زن حامله شد! و فرستاده داود را مخبر ساخت؛ و گفت: که من حامله هستم! پس داود فرد را نزد یوآب فرستاد که اوریای حتی را نزد من بفرست و یوآب اوریای را نزد داود فرستاد! و چون اوریای نزد وی رسید داود از سلامتی یوآب، و از سلامتی قوم و از سلامتی جنگ پرسید!!! و داود به اوریای گفت: بخانه ات برو؛ و پایهای خود را بشور پس اوریای از درخانه پادشاه بیرون رفت!!! و از عقبش خانی از پادشاه فرستاده شد! اما اوریای نزد درخانه پادشاه با سایر بندگان آقايش خوابیده بخانه خود نرفت! و داود را خبر داده گفتند: که اوریای بخانه خود نرفته است! پس داود به اوریای گفت: آیا تو از سفر نیامده پس چرا بخانه خود نرفته؟ اوریای بدادود عرض کرد که تابوت و اسرائیل و یهودا در خیمه ها ساکنند و آقايم یوآب!!! و بندگان آقايم بر روی بیابان خیمه نشینند! و آیا من بخانه خود بروم؟ تا اکل و شرب بنمایم؟! و با زن خود بخوابم؟! بحیات توو بحیات جان توقسم!!! که این کار را نخواهم کرد! و داود به اوریای گفت: امروز نیز اینجا باش و فردا تو را روانه می کنم! پس اوریای آن روز و فردایش را در اورشلیم ماند و داود او را دعوت نمود! که در حضورش خورد و نوشید و او را مست کرد!!! و وقت شام بیرون رفته بر بستر با بندگان آقايش خوابید و بخانه خود نرفت!!! و با مدادان داود مکتوبی برای یوآب نوشته بدست اوریای فرستاد! و در مکتوب به این مضمون نوشت! که اوریای را در مقدمه جنگ سخت بگذارید!!! و از عقبش پس بروید تا زده شده بمیرد!!! پس چون یوآب شهر را محاصره کرد!!! و اوریای را در مکانیکه میدانست که مردان شجاع در آنجا میباشد گذاشت! پس مردان از شهر بیرون آمده با یوآب جنگ کردند و بعضی از قوم از بندگان داود افتادند!!! و اوریای حتی نیز بمرد! پس

یوآب فرستاده داود را از جمیع وقایع جنگ خبر داد! و قاصد را امر فرموده گفت: چون از تمامی وقایع جنگ بیادشاه خبر داده باشی! اگر خشم پادشاه افروخته شود و تورا گوید چرا برای جنگ بشهر نزدیک شدید؟! و آیا نمیدانستید که از سر حصار تیر خواهند انداخت؟! کیست که ابی ملک بن یربوشث را کشت؟! آیا زنی سنگ بالائین آسیابی را از روی حصار بر او نینداخت؟! که درتا پاص مُرد؟! پس چرا بحصار نزدیک شدید؟! **آنگاه بگو: بندهٔات اوریاى حتى نیز مُرده است!** پس قاصد روانه شد آمد و داود را از آنچه یوآب او را پیغام داده بود مخبر ساخت؛ و قاصد داود گفت: که مردان بر ما غالب شده در عقب ما بصرهء بیرون آمدند! و ما بر ایشان تا دهنهٔ دروازه تاختمیم!!! و تیراندازان بر بندگان تو از روی حصار تیر انداختند!!! و بعضی از بندگان پادشاه مُردند!!! **و بندهٔ تو اوریاى حتى نیز مُرده است!!!** داود بقاصد گفت: بیوآب چنین بگو: این واقعه در نظر تو بد نیاید! زیرا که شمشیر این و آن را بی تفاوت هلاک میکند! پس در مقاتله باشهر باشند بسختی کوشیده آن را منهدم بساز! پس او را بخاطر جمعی بده!!! **و چون زن اوریا شنید که شوهرش اوریا مُرده است!!! برای شوهر خود ماتم گرفت!** و چون ایام ماتم گذشت داود فرستاده! او را بخانه خود آورد! و او زن وی شد!!! و برایش پسری زائید!!! **اما کاری که داود کرده بود در نظر خداوند نا پسند آمد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتابد و مسموئیل تمامی باب یازدهم)

و خداوند ناتان را نزد داود فرستاد! و نزد وی آمد او را گفت: که در شهری دو مرد بودند یکی دولت مند و دیگری فقیر! دولت مند را گوسفند و گاوبی نهایت بسیار بود و فقیر را جزیک مادهٔ برهٔ کوچک نبود! که آن را خریده و پرورش داده همراه وی! و پسرانش بزرگ میشد از خوراک وی میخورد و از کاسهٔ او مینوشید! و در آغوشش میخوابید؛ و برایش مثل دختر میبود! مسافری نزد آن مرد دولت مند آمد!!! و او را حیف آمد که از گوسفندان؛ و گاوان خود بگیرد تا بجهت مسافری که

نزد وی آمده بود مهیا سازد! و برّه آن مرد فقیر را گرفته برای آن مرده نزد وی آمده بود مهیا ساخت! آنگاه خشم داود بر آن شخص افروخته شده! بناتان گفت: بحیات خداوند قسم! کسیکه این کار را کرده است مستوجب قتل است!!! و چون که این کار را کرده است!!! و هیچ ترحم ننموده برّه را چهارچندان ردّ کند! ناتان بداد گفت: آن مرد توهستی! و یهوه خدای اسرائیل چنین میگوید: من تورا بر اسرائیل پیادشاهی و مسیح نمودم! و تورا از دست شاول رهائی دادم! و خانه آقای تورا بتو دادم! و زنان آقای تورا به اغوش تو! و خاندان اسرائیل و یهودا را بتو عطاء کردم! و اگر این کم میبود چنین و چنان برای تو مزید میکردم!!! پس چرا کلام خداوند را خوار نموده؟! در نظروی عمل بد بجا آوردی؟! **و اوریا ی حتی را بشمشیر زده؟! زن او را برای خود بزنی گرفتی؟! و او را با شمشیر بنی عمّون بقتل رسانیدی؟! پس حال شمشیر از خانه تو هرگز دور نخواهد شد!!! بعلت این که مرا تحقیر نموده!!! زن اوریا ی حتی را گرفتی تازن تو باشد؛ خداوند چنین میگوید: اینک من از خانه خودت بدی را بر تو عارض خواهم گردانید! و زنان تورا پیش چشم تو گرفته بهمسایه ات خواهم داد!!! و او در نظر این آفتاب با زنان تو خواهد خوابید! زیرا که تو این کار را پنهانی کردی! امّا من این کار را پیش تمام اسرائیل! و در نظر آفتاب خواهم نمود!!! و داود بناتان گفت: بخداوند گناه کرده ام! ناتان به داود گفت: خداوند نیز گناه تورا عفو نموده است که نخواهی مرد!!! **لیکن چون از این امر باعث کفرگفتن دشمنان خداوند شده! پس نیز که برای تو زائیده شده است البتّه خواهد مرد!!! پس ناتان بخانه خود رفت! و خداوند پسری را که زن اوریا برای داود زائیده بود! مبتلا ساخت که سخت بیمار شده! پس داود از خداوند برای طفل استدعا نمود! و داود روزه گرفت و داخل شده تمامی شب بر روی زمین خوابید! و مشایخ خانه اش بر او برخواستند! تا او را از زمین برخیزانند امّا قبول نکرد و با ایشان نان نخورد! و در روز هفتم طفل بمرد! خادمان داود ترسیدند که از مردن طفل او را اطلاع بدهند زیرا که گفتند: اینک چون طفل زنده بود با وی سخن گفتیم؛ و قول ما را نشنید پس اگر به او خبر دهیم که طفل مُرده است****

چقدر زیاد رنجیده بود! و چون داود دید بندگانش بایکدیگر نجوی میکنند! داود فهمید که طفل مُرده است! و داود بخادمان خود گفت: آیا طفل مرده است؟ گفتند: مرده است آنگاه داود از زمین برخاسته خویشتن را شستشوداده تدهین کرد و لباس خود را عوض نموده؛ بخانه خداوند رفت و عبادت نمود؛ و بخانه خود آمده خوراک خواسته که پیشش گذاشتند و خورد؛ و خادمانش بوی گفتند: این چه کار است که کردی؟! و وقتی که طفل زنده بود روزه گرفته گریه نمودی و چون طفل مُرد برخاسته خوراک خوردی؟! او گفت: و وقتی که طفل زنده بود روزه گرفتم و گریه نمودم زیرا که فکر کردم کیستکه بداند که شاید خداوند بمن ترحم نماید تا طفل زنده بماند؛ اما الان که مرده است پس چرا من روزه ندارم؛ آیا میتوانم دیگر او را بازگردانم؟ من نیز بنزد او خواهم رفت لیکن اونزد من باز نخواهد آمد؛ و داود زن خود بتشیع را تسلی داد؛ و نزد وی درآمد با او خوابید! و او پسرزائید او را سلیمان نام نهاد! و خداوند او را دوست داشت؛ و بدست ناتان نبی فرستاد! و او را بخاطر خداوند دیدی نام نهاد! و یوآب با ربّه بنی عمّون جنگ کرد! شهر پادشاه نشین را گرفت! و یوآب قاصدان نزد داود فرستاده گفت: که با ربّه جنگ کردم و شهر و آبهارا گرفتم! پس الان بقیّه قوم را جمع کن؛ در برابر دروازه آن را بگیر؛ مبادا من شهر را بگیرم و به اسم من نامیده شود! پس داود تمامی قوم را جمع کرده به ربّه رفت و با آن جنگ کرده آن را گرفت!!! و تاج پادشاه ایشان را از سرش گرفت که وزنش یک وزنه طلا بود؛ و سنگهای گرانبها داشت و آن را بر سر داود گذاشتند! و غنیمت از حدّ زیاد از شهر بردند! و خلق آنجا را بیرون آورده ایشان را زیراره ها! و چوبهای آهنین! و تیشه های آهنین گذاشت!!! و ایشان را از کوره آجرپزی گذرانید! و بهمین طور با جمیع شهرهای بنی عمّون رفتار نمود! پس داود تمامی قوم به اورشلیم برگشتند!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب دوم دوّم سموئیل تمامی باب دوازدهم)

وبعد از این واقع شده که آبشالوم بن داود را خواهری نیکو صورت مسمّاء بتامار بود؛ و آمنون پسر داود او را دوست میداشت؛ و آمنون بسبب خواهر خود تامار چنان گرفتار شد که بیمار گشت زیرا که او باکره بود و بنظر آمنون دشوار آمد که با وی کاری کند!!! و آمنون رفیقی داشت که مسمی یوناداب بن شمعی! و برادر داود بود!!! و یوناداب مردی بسیار زیرک بود! و او وی را گفت: ای پسر پادشاه چرا روزبه روز چنین لاغر میشوی و مرا خبر نمیدی؟! آمنون وی را گفت: که من تامار خواهر برادر خود آبشالوم را دوست میدارم! و یوناداب وی را گفت: بر بستر خود خوابیده تمارض نما! و چون پدرت برای عیادت تو بیاید وی را بگو: تمنا این که خواهر من تامار بیاید و مرا خوراک بخوراند! و خوراک را در نظر من حاضر سازد تا ببینم و از دست وی بخورم!!! پس آمنون خوابید و تمارض نمود! و چون پادشاه به عیادتش آمد؛ آمنون پسر پادشاه گفت: تمنا این که خواهر من تامار بیاید! و دو قرص طعام پیش من بپزد تا از دست او بخورم! و داود فرد را نزد تامار بخانه اش فرستاده گفت: الان بخانه برادرت آمنون برو و برایش طعام بساز! و تامار بخانه برادر خود آمنون رفت و او خوابیده بود!!! و آورد گرفته خمیر کرد و پیش او قرص ها ساخته آنها را پخت!!! و تابه را گرفته آنها را پیش او ریخت اما آمنون از خوردن ابا نمود و گفت: همه کس را از نزد من بیرون کنید و همگان از نزد او بیرون رفتند! و آمنون بتامار گفت: خوراک را به اطاق بیاور تا از دست تو بخورم!!! و تامار قرص ها را که ساخته بود گرفته نزد برادر خود آمنون به اطاق آورد!!! و چون پیش او گذاشت تا بخورد!!! او وی را گرفته به او گفت: ای خواهر من بیا بامن بخواب!!! او وی را گفت: نئی ای برادر من! اما مساز! زیرا که چنین کار در اسرائیل کرده نشود! این قباحت را بعمل میاور!!! اما من ننگ خود را کجا ببرم! و اما تو مثل یکی از سفهاء در اسرائیل خواهی شد!!! پس حال تمنا اینکه پسر پادشاه بگویی زیرا که مرا از تو دریغ نخواهد نمود!!! نکاتی از مؤلف: تامار خواهر آمنون و دختر داود بپسرش گفت: مرا از داود پادشاه خواستگاری کن که از تو دریغ نخواهد کرد! آیا ازدواج خواهر و برادر! در شریعت ابراهیم و موسی و داود مجاز و حلال بوده است؟؟؟!!! که تامار خواهر آمنون این سخن را گفته بوده است؟؟؟!!! و یا کلمات و یا نوشتجات اصل و ناب آیات شیطانی! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی میباشد؟؟؟!!!

لیکن اونخواست سخن وی را بشنود! و براوزور آور شده! اورا مجبور ساخت! و با او خوابیده!!! آنگاه آمنون با شدت بروی بغض نمود! و بغضی که با او ورزید از محبتی که با او میداشت زیاده بود! پس آمنون وی را گفت: برخیز و برو! او وی را گفت: چنین مکن زیرا که این ظلم عظیم در بیرون من میکنی!!! بر تراست از دیگری که بامن کردی!!! لیکن اونخواست وی را بشنود! پس خادمی را که اورا خدمت میکرد خوانده گفت: این دختر را از نزد من بیرون کن! و در را از عقبش ببند!!! و او جامه رنگارنگ در تن داشت! زیرا که دختران باکره پادشاه به این گونه لباس ملبس میشدند! و خادمش اورا بیرون کرده در را از عقبش بست! و تمار خاکستر بر سر خود ریخته! و جامه رنگارنگ را که در تنش بود درید! و دست خود را بر سر گذارده روانه شد! و چون میرفت فریاد مینمود! و برادرش آبشالوم وی را گفت: که آیا برادرت آمنون با تو بوده است؟! پس خواهر من اکنون خاموش باش! و برادر تو است و از این امر متفکر مباش!!! پس تمار در خانه برادر خود آبشالوم در پریشان حالی ماند! و چون پادشاه تمامی این وقایع را شنید بسیار غضبناک شد! آبشالوم به آمنون سخنی نیک یابد نگفت: زیرا که آبشالوم آمنون را بغض میداشت! بعلت اینکه خواهرش تمار را ذلیل ساخته بود!!! و بعد از دو سال تمام واقع شد که آبشالوم در بعل حاصور که نزد افرایم است؛ پشم برندگان داشت و آبشالوم تمامی پسران پادشاه را دعوت نمود؛ و آبشالوم نزد پادشاه آمده گفت: اینک حال بنده تو پشم برندگان دارد؛ تمنا اینکه پادشاه با خادمانش هم راه بندهات بیاید؛ پادشاه به آبشالوم نئی ای پسر من همه ما نخواهیم آمد مبادا بر تو بار سنگین باشیم؛ و هر چند اورا الحاج نمود لیکن نخواست که بیاید و اورا برکت داد؛ و آبشالوم گفت: پس تمنا اینکه برادرم آمنون با ما بیاید! پادشاه اورا گفت: چرا با تو بیاید؟! اما چون آبشالوم اورا الحاج نمود!!! آمنون تمامی پسران پادشاه را با او روانه کرد! و آبشالوم خادمان خود را امر فرموده گفت: ملاحظه کنید چون دل آمنون از شراب خوش شود! و بشما بگویم: که آمنون را بزنی آنگاه اورا بکشید و مترسید!!! آیا من شمارا امر نفرمودم؟! پس دلیر و شجاع باشید؛ و خادمان

آبشالوم با آمنون بطوری که آبشالوم امر فرموده بود بعمل آوردند!!! و جمیع پسران پادشاه برخاسته هرکسی بقاطر خود سوار شده گریختند! و چون ایشان در راه میبودند!!! خبر بد او رسانیده گفتند: که آبشالوم همه پسران پادشاه را کشته! و یکی هم از ایشان باقی نمانده است! پس پادشاه برخاسته جامه خود را درید و بر روی زمین دراز شد!!! و جمیع بند گانش با جامه دریده!!! در اطرفش ایستاده بودند! اما یوناتاب بن شمعی؛ برادر داود متوجه شده گفت: آقام گمان نبرد که جمیع جوانان؛ یعنی پسران پادشاه کشته شدند؛ زیرا که آمنون تنها مرده است!!! چونکه این در نزد آبشالوم مقرر شده بود! از روزیکه خواهرش تمار را دلیل ساخته بود!!! و الان آقام از این امر متفکر نشود و خیال نکند که تمامی پسران پادشاه مرده اند؛ زیرا که آمنون تنها مرده است! آبشالوم گریخت! جوانی که دیده بانی میکرد چشمان خود را بلند کرده نگاه کرد؛ و اینک خلق بسیار از پهلوی کوه که در عقبش بود می آمدند!!! و یوناداب پادشاه گفت: اینک پسران پادشاه می آیند؛ پس بطوری که بنده ات گفت: چنان شد!!! و چون از سخن گفتن فارغ شد پسران پادشاه رسیدند، و آواز خود را بلند کرده گریستند! و پادشاه نیز و جمیع خادمانش به آواز بسیار بلند گریه کردند! و آبشالوم فرار کرده نزد!!! تلمای این عمیهود پادشاه جشور رفت؛ و داود برای پسر خود هر روز نوحه گری مینمود! و آبشالوم فرار کرده بجشور رفت و سه سال در آنجا ماند؛ و داود آرزو میداشت که نزد آبشالوم بیرون رود؛ زیرا که درباره آمنون تسلی یافته بود چونکه مرده بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم سموئیل تمامی بقاب سیزدهم)

ویوآب بن صرویه فهمید که دل پادشاه به آبشالوم مایل است!!! پس یوآب بتفوع فرستاده زنی دانشمند از آنجا آورد؛ و بوی گفت: تمنا اینکه خوشتن را مثل ماتم کننده ظاهر سازی!!! و لباس تعزیت پوشی؛ و خود را با روغن تدهین نکنی؛ و مثل زنیکه روزهای بسیار بجهت مرده ماتم گرفته باشد بشوی!!! و نزد پادشاه داخل شده او را بدین مضمون بگویی: پس یوآب سخنان را بدهانش گذاشت؛ چون زن تقوئیّه با پادشاه سخن گفت: بروی خود بزمین افتاده تعظیم نمود

وگفت: ای پادشاه اعانت فرما؛ وپادشاه به اوگفت: تورا چه شده است؟! عرض کرد اینک من زن بیوه هستم و شوهرم مُرده است؛ وکنیزتورا دویسر بود وایشان با!!! یکدیگر در صحراء مخاصمه نمودند!!! کسی نبود که ایشان را از یکدیگر جدا کند؛ پس یکی از ایشان دیگری را زد و کشت! اینک تمامی قبیله برکنیز تو برخاسته میگویند!!! قاتل برادر خود را بسیار تا اورا بعوض جان برادرش که کشته است! بقتل رسانیم و وارث را هلاک کنیم!!! و به اینطور اخگر مرا که باقی مانده است! خاموش خواهند کرد و برای شوهرم نه اسم و نه اعصاب بر روی زمین نخواهد گذاشت! پادشاه بزن فرمود: بخانه ات برو؛ و من درباره تو حکم خواهم نمود؛ و زن تقو عیّه پادشاه عرض کرد ای آقایم پادشاه تقصیر بر من و بر خاندان من میباشد؛ و پادشاه و کرسیّ اوبی تقصیر باشند؛ و پادشاه گفت: هر که باتو سخن بگوید: اورا نزد من بیاور و دیگر بتو ضرر نخواهند رسانید؛ پس زن گفت: ای پادشاه یهوه خدای خود را بیاد آورتا! ولیّ مقتول دیگر را هلاک نکند! مبادا پسر مرا تلف سازند! پادشاه گفت: بحیات خداوند قسم که مویی از سر پسر ت بزمین نخواهد افتاد!!! پس زن گفت: مستدعی آنکه کنیزت با آقای خود پادشاه سخن گوید؟! **گفت: بگو: زن گفت: پس چرا درباره قوم خدا مثل این تدبیر کرده؟! و پادشاه در گفتن: این سخن مثل اینک تقصیر کار است!!!** چونکه پادشاه آواره شده خود را باز نیآورده است زیرا که ماباید البته بمیریم؛ و مثل آب هستیم که بزمین ریخته شود و آن را جمع کرد؛ و خدا جان را نمی گیرد! بلکه تدبیرها میکند تا آواره شده از او آواره نشود!!! و حال بقصد عرض کردن این سخن نزد آقای خود پادشاه آمده سبب این بود؛ که خلق مرا ترسانیدند؛ و کنیزت فکر کرد که چون به پادشاه عرض کنم احتمال دارد!!! که پادشاه عرض کنیز خود را به انجام خواهد رسانید؛ زیرا که پادشاه اجابت خواهند نمود؛ که کنیز خود را از دست کسیکه میخواهد مرا؛ و پسر مرا باهم از میراث خدا هلاک سازد برهاند؛ و کنیز تو فکر کرد که کلام آقایم پادشاه باعث تسلی خواهد بود؛ زیرا که آقایم پادشاه مثل فرشته خداست؛ تا نیک و بد را تشخیص کند یهوه خدای تو همراه تو باشد؛ پس

پادشاه در جواب زن فرمود: چیزی را که از تو سؤال میکنم از من مخفی ندار؟ زن عرض کرد آقایم پادشاه بفرماید؟ پادشاه گفت: آیا دست یوآب در همه اینکار با تو نیست؟ زن در جواب عرض کرد بحیات جان تو ای آقایم پادشاه هیچکس؛ از هر چه آقایم پادشاه بفرماید بطرف راست یا چپ نمی تواند انحراف ورزد!!! زیرا که بنده تویوآب اوست که مرا امر فرموده است؛ و او است که تمامی این سخنان را بدهان کنیزت گذاشته است!!! برای تبدیل صورت این امر بنده تو یوآب اینکار را کرده است؛ اما حکمت آقایم مثل حکمت فرشته خدا میباشد؛ تا هر چه بر روی زمین است بداند؛ پس پادشاه بیوآب گفت: اینک این کار را کرده حال برو؛ و آبشالوم جوان را باز آور آنگاه یوآب بروی خود بزمین افتاده تعظیم نمود؛ و پادشاه را تحسین کرد؛ و یوآب گفت: ای آقایم پادشاه امروز بنده ات می داند که در نظرتو التفات یافته ام؛ چونکه پادشاه کار بنده خود را به انجام رسانیده است؛ پس یوآب برخاسته بجشور رفت!!! و آبشالوم را به اورشلیم باز آورد؛ و پادشاه فرمود که بخانه خود برگردد و روی مرا نبیند! که آبشالوم بخانه خود رفت و روی پادشاه را ندید؛ و در تمامی اسرائیل کسی نیکو منظر و بسیار ممدوح مثل آبشالوم نبود؛ که از کف تا پا فرق سرش را و عیبی نبود؛ و هنگامیکه موی سر خود را میچید (زیرا که آن را در آخر هر سال میچید چونکه بر او سنگین می شد و از آن سبب آن را میچید) موی سر خود را وزن نمود دویست مثقال بوزن شاه مییافت؛ و برای آبشالوم سه پسر و یک دختر مسماء بتامار زانیده شدند و او دختر نیکو صورت بود!!! و آبشالوم دو سال تمام در اورشلیم مانده روی پادشاه را ندید؛ پس آبشالوم یوآب را طلبید تا او را نزد پادشاه بفرستد؛ اما نخواست که نزد وی بیاید؛ و باز بار دیگر فرستاد و نخواست که بیاید؛ پس بخادمان خود گفت: ببینید مزرعه یوآب نزد مزرعه من است؛ و در آنجا جودارد؛ بروید و آن را با آتش بسوزانیده! پس خادمان آبشالوم مزرعه را با آتش سوزانیدند! آنگاه یوآب برخاسته نزد آبشالوم بخانه اش رفت و وی را گفت: که چرا خادمان تو

مزرعه مرا آتش زده اند؟! آبشالوم بیوآب گفت: اینک نزد تو فرستاده گفتم: اینجا بیا تا تورا نزد پادشاه بفرستم!!! تا بگویی برای چه از جشور آمده ام مرا بهتر میبود!!! که تا بحال در آنجا مانده بودم؛ پس حال میخواستیم روی پادشاه را ببینم و اگر گناهی در من باشد مرا بکشد!!! پس یوآب نزد پادشاه رفته او را مخبر ساخت و آبشالوم را طلبید که پیش پادشاه آمد!!! و بحضور پادشاه روی بزمین افتاده تعظیم کرد؛ و پادشاه آبشالوم را بوسید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل تمامی چهاردهم)

و بعد از آن واقع شد که آبشالوم اربه و اسبان و پنجاه مرد؛ که پیش او بودند مهیا نمود؛ و آبشالوم صبح زود برخاسته بکناره راه دروازه می ایستاد؛ و هر کسیکه دعوائی میداشت و نزد پادشاه بمحاکمه می آمد! آبشالوم او را خوانده میگفت: تو از کدام شهر هستی؟ و او میگفت: بنده ات زفلان سبط از سبط اسرائیل هستم؛ و آبشالوم او را میگفت: ببین کارهای نیکو و راست است لیکن از جانب پادشاه کسی نیست که تورا بشنود؛ و آبشالوم میگفت: کاش در زمین داورمی شدم و هر کسیکه دعوائی یا مرافعه میداشت نزد من می آمد و برای او داد و انصاف مینمودم؛ و هنگامیکه کسی نزد آمده او را تعظیم مینمود؛ و دست خود را دراز کرده او را میگرفت و میبوسید؛ و آبشالوم با همه بنی اسرائیل که نزد پادشاه برای داور می آمدند! بدین منوال عمل مینمود پس آبشالوم دل مردان اسرائیل را فریفت! بعد از انقضای چهل سال آبشالوم پادشاه گفت: مستدعی اینک بروم تا نذری را که برای خداوند در حبرون کرده ام وفانمایم!!! زیرا که بنده ات وقتیکه در جشور آرام ساکن بودم نذر کرده ام گفتم: اگر خداوند مرا به اورشلیم باز آورد خداوند را عبادت خواهم نمود؛ پادشاه وی را گفت: بسلامتی برو پس او برخاسته بحبرون رفت؛ و آبشالوم جاسوسانی بتمام اسباط بنی اسرائیل فرستاده گفت: بمجرد شنیدن آواز کرنا!!! بگوئید: که آبشالوم در حبرون پادشاه شده است!!! و دو بیست نفر که دعوت شده بودند همراه آبشالوم از اورشلیم رفتند! و اینان بصاف دلی رفته چیزی نمی دانستند!!! آبشالوم اختیوفل جیلونی را که مشیر

داود بود از شهرش جیلوه وقتیکه قربانی ها میگذرانید نیز طلبید و فتنه سخت شد!!! و قوم آبشالوم روز بروز زیاده میشدند! و کسی نزد داود آمده او را خبر داده گفت: که دل‌های مردان بنی اسرائیل در عقب آبشالوم گرویده است! داود بتمام خادمانی که با او در اورشیلیم بودند گفت: برخاسته فرار کنیم و الا ما را از آبشالوم نجات نخواهد بود! پس با تعجیل روانه شویم! مبادا اوناگهان بمابرسد و بدی بر ما عارض شود! و شهر را بدم شمشیر بزنند! و خادمان پادشاه بپادشاه عرض کردند اینک بندگانت حاضرند! برای هرچه آقای ما پادشاه اختیار کند! پس پادشاه و تمامی اهل خانه اش با وی بیرون رفتند!!! و پادشاه ده زن را که متعه او بودند برای نگاه داشتن خانه وا گذاشت! و پادشاه و تمامی قوم با وی بیرون رفته!!! در بیت مرحق توقف نمودند! و تمامی خادمانش پیش او گذشتند! و جمیع کریتیان!!! و جمیع فلیتیان و جمیع جتیان یعنی ششصد نفر که از!!! جت در عقب او آمده بودند! پیش روی پادشاه گذشتند!!! و پادشاه به اتای جتی گفت: تونیز همراه ما چرا میایی برگرد!؟ همراه پادشاه بمان زیرا که تو غریب هستی و از مکان خود نیز جلایء وطن کرده ام!!! دیر ز آمدی پس آیا امروز تورا؟! همراه ما آواره گردانیم؟! و حال آنکه من میروم بجائیکه میروم! پس برگرد و برادران خود را برگردان! و رحمت و راستی همراه تو باد! و اتای در جواب پادشاه عرض کرد!!! بحیات خداوند و بحیات آقایم پادشاه قسم که هر جائیکه آقایم پادشاه خواه در موت و خواه در زندگی باشد بنده تودر آنجا خواهد بود! و داود به اتای گفت: بپا و پیش برو! برو پس اتای جتی با همه مرد مانش! جمیع اطفالی که با او بودند پیش رفتند! تمامی اهل زمین با آواز بلند گریه کردند و جمیع قوم عبور کردند! و پادشاه از نهر قدرون عبور کردند!!! و تمامی قوم قدم براه بیابان گذاشتند!!! و اینک صادوق نیز و جمیع لاویان با وی تابوت عهد خداوند را برداشتند!!! و تابوت خدارا نهادند و تمامی قوم از شهر بیرون آمدند! ابیاتا قربانی میگذرانید پادشاه بصادوق گفت: تابوت خدارا بشهر برگردان! پس اگر در نظر خداوند التفات یابم مرا باز خواهد آورد! و آن را و مسکن خود را بمن نشان خواهد داد!!! و اگر

چنین گوید: از تورا ضی نیستم اینک حاضر م هر چه در نظرش پسند آید!!! بمن عمل نماید! و پادشاه بصادوق کاهن گفت: آیا تورا ضی نیستی پس بشهر بسلامتی برگردی؟! و هردو پسر شما یعنی اخیمص پسر تو و یوناتان پسر ابیاتار همراه شما باشند؟ بدانید که من در کنارهای بیابان درنگ خواهم کرد! تا پیغامی از شما رسیده مرا مخبر سازد! پس صادوق و ابیاتار تابوت خدا را باورشلیم برگردانیده در آنجا ماندند! اما داود بفرزکوه زیتون برآمد!!! و چون میرفت گریه میکرد و با سر پوشیده و پای برهنه میرفت! و تمامی که همراهش بودند!!! هریک سر خود را پوشانیدند و گریه کنان میرفتند!!! و داود را خبر داده گفتند: که اخیتوفل یکی از فتنه انگیزان با آبشالوم شده است! و داود گفت: ای خداوند مشورت اخیتوفل را بحماقت گردان!!! و چون داود بفرزکوه جایی که خداوند را سجده میکنند! رسید! اینک حوشای آراکی را با جامه دریده خاک بر سر ریخته او را استقبال کرده! و داود وی را گفت: اگر همراه من بیایی برای من بار خواهی شد! اما اگر بشهر برگردی و به آبشالوم بگویی: ای پادشاه من بنده تو خواهم بود! که پیشتر بنده پدرت بودم! آن بنده تو خواهم بود!!! آنگاه مشورت اخیتوفل را برای من باطل خواهی گردانید! و آیا صادوق و ابیاتار که در همراه تون نیستند؟! پس هر چیزی را که از خانه پادشاه بشنوی آن را بصادوق! و ابیاتار که نه اعلام نما! و اینک دو پسر ایشان اخیمص پسر صادوق!!! و یوناتان! و پسر ابیاتار در آنجا با ایشانند و هر خبری را که میشنوی! بدست ایشان بنزد من خواهید فرستاد! پس حوشای دوست داود بشهر رفت! و آبشالوم وارد اورشلیم شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل تمامی باب پانزدهم)

و پادشاه به یوآب؛ و ابیشای و اتای را امر فرمود گفت: بخاطر من با آبشالوم جوان برفق رفتار نماید! و چون پادشاه و جمیع سرداران را درباره آبشالوم فرمان داد تمام قوم شنیدند! پس قوم بمقابله بنی اسرائیل بصحراء بیرون رفتند! و جنگ

در جنگل افرایم بود!!! و قوم بنی اسرائیل در آنجا از حضور بندگان داود شکست یافتند! و در آن روز کشتار عظیمی در آنجا شد! بیست هزار نفر کشته شدند! و جنگ در آنجا بر روی تمامی زمین منتشر شد! و در آن روز آنانیکه از جنگل هلاک شدن! بیشتر بودند از آنانیکه باشمشیر کشته شدند!!! آبشالوم بر قاطر سوار بود! و قاطر زیر شاخه های پیچیده شده! در درخت بلوط بزرگی درآمد! و سر او در میان بلوط گرفتار شد! بطوریکه در میان آسمان آویزان گشت!!! و قاطریکه در زیرش بود بگذشت! و شخصی آن را دیده بیوآب خبر رسانید! و گفت: اینک آبشالوم را دیدم که در میان درخت بلوط آویزان است!!! و یوآب به آن شخصی که او را خبر داد گفت: هان تو دیده پس چرا او را در آنجا بزمین نزدی؟! و من ده مئقال نقره و کمر بندی بندی بتو میدادم! آن شخص بیوآب گفت: اگر هزار مئقال بدست من میرسیدی!!! دست خود را بر پسر پادشاه دراز نمی کردم!!! زیرا که پادشاه تورا و ابیشای و ایتای را بسمع ما امر فرموده گفت: زنهاریکی از شما درباره آبشالوم جوان باحذر باشید! و الا بر جان خود ظلم می کردم! چونکه هیچ امری از پادشاه مخفی نماند! و خودت بضد من بر میخاستی!!! آنگاه یوآب گفت: نمیتوانم با تو این طور تأخیر نمایم! پس سه تیر بدست خود گرفته!!! آنها را بدن آبشالوم زد! حینیکه او هنوز در میان بلوط زنده بود!!! و ده جوان که سلاح داران یوآب بودند!!! دور آبشالوم را گرفته او را زدند و کشتند! چون یوآب کرنا را نواخت قوم از تعاقب بنی اسرائیل برگشتند! زیرا که یوآب قوم را منع نمود! و آبشالوم را گرفته او را در حفره بزرگ که در جنگل بود انداختند! و بر او توده بسیار بزرگ از سنگها افراشتند! و جمیع بنی اسرائیل هریک بخیمه خود فرار کردند!!! اما آبشالوم در حین حیات خود بنائی را که در وادی ملک است!!! برای خود برپا کرد زیرا که گفت: پسری ندارم که از او اسم من مذکور بماند آن بناء را به اسم خود مسمی ساخت پس تا امروزید آبشالوم خوانده میشود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم سموئیل باب هیجدهم آیات از ۱ تا ۱۹)

**نکاتی از مؤلف:** در کتاب دوّم سموئیل باب چهاردهم در آیه ۲۷ آبشالوم سه پسرویک دختر دارد باز هم ضد نقیض اشکار به اصطلاح کتاب آسمانی!!!؟؟

و خداوند داود را در هر جائیکه میرفت نصرت میداد؛ و داود بر تمامی اسرائیل سلطنت نموده انصاف؛ و عدالت را بر تمامی قوم خود مجرا میداشد!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب هجدهم آیه ۱۴)

و حال توای یهوه خدا با تابوت قوت خود! بسوی آرمگاه خویش برخیز!!! ای یهوه خدا کاهنات تو بنجات ملبس کردند! و مقدسانت بنیکوئی شادمان بشوند!  
ای یهوه خدا روی مسیح خود را برنگردان! و رحمت های بنده خود داود را بیاد آور!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب ششم آیه ۴۲)

و فرقه های کاهنان را بر حسب امر پدر خود داود؛ بر سر خدمت ایشان معین کرد؛ و لاویان را بر سر شغل های ایشان تا تسبیح بخوانند!!! و بحضور کاهان لوازم خدمت هر روز را در روزش بجا آورند!!! و در بانان را بر حسب فرقه های ایشان بر هر دروازه قرارداد؛ زیرا که داود مرد خدا چنین امر فرموده بود!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب هشتم آیه ۵)

چرا امتها شورش نموده اند؟ و طوائف در باطل تفکر میکنند؟ پادشاهان از زمین بر میخیزند و سروران باهم مشورت نموده اند؟ **بضد خداوند و بضد مسیح او؛ که بندهای ایشان را بگسلیم! و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم!** او که در آسمان نشسته است میخندد خداوند برایشان استهزاء میکند! آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد! و بغضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت! و من پادشاه خود را نصب کرده ام؛ بر کوه مقدس خود صهیون فرمان را اعلام میکنم!!! خداوند بمن گفته است؛ تو پسر من هستی امروز تورا تولید کردم! از من درخواست کن؛ و امتها را بمیراث تو خواهم داد!!! و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید؛ ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست!!! مثل کوزه کوزه گرانها را خرد خواهی نمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور دوم آیات از ۹ تا ۱۹)

ای خداوند موافق عدالت و کمالیکه در من است مرا دادیده؛ بدی شریران نابود شود و عادل را پایدار کن؛ زیرا که امتحان کنند؛ دلها و قلوب خدای عادل است؛ سپر من خدا میباشد؛ که راست دلان را نجات دهنده است خدا داور عادل است؛ و هر روز خدا خشمناک میشود! اگر باز گشت نکند شمشیر خود را تیز خواهد کرد!!!  
**کمان خود را کشیده و آماده کرده است!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیز؛ مور هفتم آیات از ۱ تا ۳۹)

ای خداوند برای داود بیاد آور! همه مذلت های او را چگونه برای خداوند قسم خورد! و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود! که بخیمه خانه خود هرگز داخل نخواهد شد! و بر بستر تخت خواب خود بر نخواهم آمد! خوابی بچشمان خود نخواهم داد!!!  
 و نپینگی بمژگان خویش! تا مکانی برای خداوند پیدا کنم!!! و مسکن برای قادر مطلق یعقوب! اینک ذکر آن را در افراته شنیدم و آن را در صحرای جنگل یافتم!  
 بمسکن های اوداخل شویم!!! و نزد مکان وی پرستش نمائیم!!! ای خداوند از آرامگاه خود برخیز و بیا تو و تابوت قوت تو!!! کاهنان تو بعدالت ملبس شوند!!! و مقدسات ترنم بنمایند! بخاطر بنده خود داود روی مسیح خود را برمگردان! خداوند برای داود بر راستی قسم خورد و از آن بر نخواهد گشت!!! که ثمر! صلب طلب تو بر تخت تو خواهیم گذاشت! اگر پسران تو عهد مرا نگاه دارند!!! و شهادت را که بدیشان می آموزم؛ پسران ایشان نیز بر کرسی توتا به ابد خواهند نشست! زیرا که خداوند صهیون را برگزیده است! و آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده این است! آرامگاه من تا ابد الابد اینجا ساکن خواهم بود! زیرا که به این رغبت دارم؛ آذوقه آن راهر آینه برکت خواهم داد؛ و فقیرانش را بنان سیر خواهم ساخت!!!  
 و کاهنانش را بنجات ملبس خواهم ساخت! مقدساتش هر آینه ترنم خواهند نمود!!! در آنجا شاخ داود را خواهم رویانید!!! چراغی برای مسیح خود آماده خواهم ساخت! دشمنان او را بخجالت ملبس خواهم ساخت!!! و تاج او بروی شکوفه خواهد آورد! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیز؛ تمامی مز مور صد و سی و دوم)

وسلیمان را هفتصد بانو و سیصد متعه بود! و زناش دل او را برگردانیدند! و در وقت پیری سلیمان واقع شد! که زناش دل او را بیپروی خدایان غریب مایل ساختند! و دل او مثل دل پدرش داود با یهوه خدایش کامل نبود! پس سلیمان در عقب!!! عشتورت خدای صید و نیان و در عقب ملکوم رجس عمونیان رفت!!! سلیمان در نظر خداوند شرارت ورزیده!!! مثل پدر داود خداوند را پیروی کامل نمود! آنگاه سلیمان در کوهی که روبروی اورشلیم است!!! مکانی بلند بجهت گموش که رجس موآبیان است! و بجهت مولک رجس بنی عمون بناء کرده! و همچنین بجهت همه زنان غریب خود! که برای خدایان خویش بخور میسوزانیدند! و قرباتی ها میگذرانیدند عمل نمود! پس خشم خداوند بر سلیمان افروخته شد!!! از آن جهت دلش از یهوه خدای اسرائیل منحرف گشت!!! که خداوند دو مرتبه بر او ظاهر شده!!! او را در همین باب امر فرموده بود! که پیروی خدایان غیر را ننماید!!! اما آنچه خداوند به او امر فرموده بود بجا نیاورد! پس خداوند بسلیمان گفت: چونکه این عمل را نمودی و عهد و فرایض مرا که بتو امر فرمودم نگاه نداشتی! البته سلطنت را از تو پاره کرده آن را ببنده ات خواهم داد! لیکن در ایام تو این را بخاطر پدیرت داود نخواهم کرد! اما از دست پسر ت آن را پاره خواهم کرد! ولی تمامی مملکت را پاره نخواهم کرد! بلکه یک سبط را بخاطر بنده ام داود و بخاطر اورشلیم که برگزیده ام بیسرتو خواهم داد! **و خداوند دشمن برای سلیمان برانگزانید! یعنی هدد آدومی را که از ذریت پادشاهان آدوم بود!** زیرا هنگامی که داود در آدوم بود یوآب که سردار لشکر بود! برای دفن کردن کشتگان رفته بود!!! و تمامی ذکوران آدوم را کشته بود زیرا یوآب و تمامی بنی اسرائیل شش ماه در آنجا ماندند؛ تا تمامی ذکوران آدوم را منقطع ساختند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب یازدهم آیات از ۱۷ تا ۱۷)

يَهُوهَ خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک من مملکت را از دست سلیمان پاره میکنم! و ده سبط بتومیدهم! و بخاطر بنده من داود! بخاطر اورشلیم! شهریکه از تمامی اسباط و بنی اسرا نیل برگزیده ام! یک سبط از آن او خواهد بود! چونکه ایشان مرا ترک کردند!!! و عشتورت خدای صیدونیان! و کموش خدای موآب و ملکوم خدای بنی عمون را سجده کردند! در طریق های من سلوک نمودند! و آنچه در نظر من راست بود!!! و فرایض و احکام مرا مثل پدرش داود نگاه نداشتند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان؛ باب؛ یازدهم آیات از ۳۱ تا ۳۴)

نکاتی از مؤلف: کلمات زیر از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی است؛ که از متن نوشتجات این فصل بیرون آوردیم!!! و از این سخنان افتراء و کذب و تهمت و اهانت راکه بخداوند متعال و بقهرمانان توحید و انبیاء عظام می نوسم؛ بخداوند خلاق جهان هستی رب العالمین پناه میبرم؛ و از او آمرزش بخشش را مسئلت مینمایم!!!

- ۱- داود خدای اسرائیل بود که همان یهوه خدای اسرائیل میباشد!!!
- ۲- داود هم بنده خداوند یهوه بود؛ و هم بفرمان خداوند اطاعت میکرد!!!
- ۳- خداوند از داود میخواهد! که برایش خانه بسازد!!!
- ۴- داود پسر خدا است و خدا خودش او را تولید کرده است! و نخست زاده خداست
- ۵- داود در پیش خدا رقص جانانه خیلی خوب باجان و دل بعمل آورده است
- ۶- خداوند وقتی که بنزد بنی اسرائیل آمده بود! داود بحضور خداوند داخل شد و نشست!!! و گفتگو کرد!!!
- ۷- داود مسیح خداوند است و خداوند بر مسیح خود کمک کرده است!!!
- ۸- داود گفت: من کرم هستم! و انسان نیستم!!!
- ۹- داود بخداوند حکمت آموخت! و نصیحت و ارشاد خواهد کرد!!!
- ۱۰- مادر داود به او از گناه آستن شده است!!!

- ۱۱- داوود هم قتل عمد مؤمن را انجام داده! و هم زناى محصنه کرده! و هم فرزند زنا زاده و حرام زاده بدنیا آورده است!!! و با آن زنى که زناى محصنه را بجا آورده است! با او ازدواج کرده! و همان زن مادر سلیمان است! که یعنی هم پدر و هم مادر سلیمان زنا کار بوده اند!!!
- ۱۲- پسر داود آمنون بخواهر خود تجاوز عنفى کرده!!! و بى عصمت نموده! و آمنون با خواهرش زناى عنفى کرده بود! که این نقشه را عمویش یوناداب! که برادر داود بود کشیده بود! که آمنون با دست برادرش آبشالوم بقتل رسیده است
- ۱۴- داود مرد خدا بود و فرمان میداد که بخداوند تسبیح بخوانید!!!
- ۱۵- خداوند هر روز شمشیرش را تیز میکند! و کمان خود را خواهد کشید!!!
- ۱۶- بنا بنوشته کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! داود و سلیمان خدایان دیگر را پرستش میکردند! یعنی بت پرست بودند! و احکام یهوه خدای خود را نگاه نداشتند! و از امر و فرمان یهوه خدای خود خارج شدند! پس در این صورت داود و سلیمان مشرک و کافر و بت پرست میشوند!!! انعوذ بالله،
- ۱۷- ما مسلمانان چنین داود و سلیمان! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی را هرگز قبول نداریم! زیرا که قرآن کریم که وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین است! این پدر و پسر را پیغمبران بزرگ و انبیاء عظام و خداوند متعال معرفی فرموده و نوشته است! که بنوشته قرآن کریم این پدر و پسر یکتا پرست خالص بودند!!! بهیچ گونه کفر و شرک و گمراهی آلوده نشده اند و مؤمن بخداوند واحد و بیهمتا و رحمان و رحیم خالص شده بوند! که در فصل تطبیقی مفصلاً خواهیم نوشت!!! حتی قرآن کریم نوشته است و قتی که داود زبور می خواند! با فرمان خداوند پرندگان و کوهها با داود هم آواز میشدند! و قرآن کریم نوشته است که مرکب سلیمان باد بوده است! و سلیمان زبان تمامی پرندگان واجنه و ملائکه و حشرات و خزندگان را به امر خداوند خلاق جهان هستی می دانست! که در فصل تطبیقی داود و سلیمان به استناد! از خود قرآن کریم خواهیم نوشت که مقام این پدر و پسر در پیشگاه خداوند متعال چه بوده است!؟؟؟!!!

## فصل دهم

درباره زندگی و عملکرد سلیمان از کتاب مقدس  
عهد عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی

## زندگی و عملکرد سلیمان در کتاب تورات فعلی

داود بسلیمان گفت: که پسر من اراده داشتم خانه برای اسم یهوه خدای خود بناء نمایم! لیکن کلام خداوند بر من نازل شده گفت: چونکه بسیارخون ریخته و جنگهای عظیم کرده ای پس خانه برای اسم من بناء نخواهی کرد! چونکه بحضور من بسیارخون بزمین ریخته ای! اینک برای تو پسری متولد خواهد شد! که مرد آرامی خواهد بود! زیرا که من او را از جمیع دشمنانش از هر طرف آرامی خواهم بخشید؛ چونکه اسم او سلیمان خواهد بود؛ در ایام او بنی اسرائیل را سلامتی؛ و راحتی عطاء خواهم فرمود؛ و او خانه برای اسم من بناء خواهد کرد؛ و او پسر من خواهد بود! من پدر او خواهم بود! و کرسی سلطنت او را بر بنی اسرائیل تا ابد آباد پایدار خواهم گردانید!!! پس حال ای پسر من خداوند همراه تو باد تا کامیاب شوی؛ و خانه یهوه خدای خود را چنانکه درباره تو فرموده است بناء نمائی!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام بیست و دوم آیات از ۱ تا ۲۷)

داود پادشاه گفت: پسر من سلیمان را خداوند برگزیده است؛ تا بر کرسی سلطنت خداوند بر بنی اسرائیل بنشیند؛ و بمن گفت: پسر تو سلیمان اوست که خانه مرا؛ و صحن های مرا بناء خواهد نمود؛ زیرا که او را برگزیده ام تا پسر من باشد! و من پدر او خواهم بود! و اگر او بجهت بجا آوردن فرایض و احکام من مثل امروز ثابت بماند؛ آنگاه سلطنت او را تا به ابد استوار خواهم گردانید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب بیست و هشتم آیه ۵)

و خداوند بسلیمان در جعبون در خواب شب ظاهر شد! و خداوند گفت: آنچه راکه بتو بدهم طلب نما!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب سوم آیه ۵)

و واقع شد که چون سلیمان از بناء نمودن خانه خداوند و خانه پادشاه و از بجا آوردن هر مقصودی؛ که خداوند خواسته بود فارغ شد؛ **خداوند بار دیگر بسلیمان ظاهر شد! چنانکه در جبعون بوی ظاهر شده بود! و خداوند وی را گفت: دعاء و تضرع تو را که بحضور من کردی اجابت نمودم؛ و این خانه را که بناء نمودی تا نام من در آن تا به ابد نهاده شود!!! تقدیس نمودم و چشمان و دل من همیشه اوقات در آن خواهد بود** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب نهم آیات از ۱ تا ۴)

و چون ملکه سبا آوازه سلیمان را درباره اسم خداوند شنید؛ آمد تا او را بمسائل بسیار؛ و سنگهای گرانبها بار شده بود؛ به اورشلیم وارد شده بود بحضور سلیمان آمد؛ و با وی از هر چه در دلش بود گفتو کرد؛ و سلیمان تمامی مسائل را برایش بیان نمود؛ چیزی از پادشاه مخفی نماند که برایش بیان نکرد؛ و چون ملکه سبا تمامی حکمت سلیمان را دید؛ و خانه دید و خانه را بناء کرده بود؛ و طعام سفره او و مجلس بندگانش را و نظام و لباس خادمانش را و ساقیانش و زینۀ راکه به آن بخانه خداوند بر می آید؛ روح در او دیگر نماند؛ و پادشاه گفت: آوازه که در باره تو و حکمت تو در ولایت خود شنیدم راست بود!!! اما تا نیامدم و بچشمان خود ندیدم اخبار را باور نکردم!!! و اینک نصفش بمن اعلام شده بود؛ حکمت و سعادت مندی تو از خبری که شنیده بودم زیاد است!!! خوشا بحال مردان تو؛ و خوشا بحال این بند گانت که بحضور تو همیشه می ایستند؛ و حکمت تو را می شنوند تو را بر کرسی بنی اسرائیل نشانیده؛ مبارک باد یهوه خدای تو که بر تو رغبت داشته؛ از این سبب که خداوند بنی اسرائیل را تا به ابد دوست میدارد؛ تو را بر پادشاهی نصب نموده است؛ تا داوری و عدالت را بجا آوری؛ و پادشاه صد و بیست وزنه طلا؛ و عطریات از حدّ زیاده؛ و سنگهای گرانبها داد؛ و مثل این عطریات که ملکه سبا بسلیمان پادشاه داد؛ هرگز به آن فراوانی دیگر نیامد؛ و

کشتی های حیرام نیز که طلارا!!!! از او قیر آوردند!!! چوب صندلی از حدّ زیاده و سنگهای گرانبها از او قیر آوردند؛ و پادشاه از این چوب صندلی ستونها بجهت خانه خداوند؛ و خانه پادشاه و عودها و بربط ها برای مغنیان ساخت؛ و مثل این چوب صندلی تا امروز نیامد و دیده نشده است؛ و سلیمان پادشاه به ملکه سبا تمامی اراده او را که خواسته بود داد؛ سوای آنچه سلیمان از کرم ملوکاته خویش بوی بخشید؛ پس او با بندگانش بولایت خود توجه نمود رفت!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب اوّل پادشاهان باب دهم آیات از ۱ تا ۱۵)

و سلیمان پادشاه سولی دختر فرعون و زنان غریب و بسیاری را از موآبیان! و عمّونیان! و آدومیان! و صدونیان!!! و حتیان را دوست میداشت!!! از امتّهائی که خداوند درباره ایشان بنی اسرائیل فرموده بود که شما با ایشان در نیائید!!! و ایشان با شما در نیایند! مبادا دل شمارا بپیروی از خدایان خود مایل گردانند! و سلیمان با اینها بمحبّت ملحق شد! و او را هفتصد زن بانوو سیصد متعه بود! و زنانش دل او را برگردانیدند! و در وقت پیری سلیمان واقع شد! که زنانش او را بپیروی خدایان غریب مایل ساختند!!! و دل او مثل پدرش داود بایهوه خدایش کامل نبود! پس سلیمان در عقب عشتورت خدای صید و نیان! و در عقب ملکوم رجس عمّونیان رفت! و سلیمان در نظر خداوند شرارت ورزیده!!! مثل پدر خود داود خداوند را پیروی کامل ننمود! آنگاه سلیمان در کوهیکه روبروی اورشلیم است؛! مکانی بلندی بجهت کموش که رجس موآبیان است!!! و بجهت مولک رجس عمّونیان بناء کرد! و همچنین بجهت همه زنان غریب خود!!! که برای خدایان خویش بخور میسوزانیدند! و قربانی هامیگذرانیدند عمل نمود! پس خشم خداوند بر سلیمان افروخته شد!!! از آن جهت که دلش از یهوه خدای اسرائیل منحرف گشت! که دو مرتبه خدا بر او ظاهر شد! او را در همین باب امر فرمود که پیروی خدایان غیر را ننماید! اما آنچه خداوند به او فرموده بود بجا نیاورد! پس خداوند بر سلیمان گفت: چونکه این عمل را نمودی! و عهد و فرایض مرا که بتو

امر فرمودم نگاه نداشتی! البته سلطنت را از تو پاره کرده آن را ببنده‌ات خواهم داد! لیکن در ایام تو این را بخاطر پدرت داود نخواهم کرد! اما از دست پسر ت آن پاره خواهم کرد! ولی تمامی مملکت را پاره نخواهم کرد! بلکه یک سبط را بخاطر بنده‌ام داود! و بخاطر اورشلیم برگزیده ام بپسر تو خواهم داد!!! و خداوند دشمنی برای سلیمان برانگیزانید! یعنی هدّی آدومی را که از ذریت پادشاه آدوم بود! زیرا هنگامیکه داود در آدوم بود! یوآب سردار لشکر بود! برای دفن کردن کشتگان رفته بود! و تمامی ذکوران آدوم را کشته بود!!! زیرا که یوآب و تمامی بنی اسرائیل شش ماه در آنجا ماندند! تا تمامی ذکوران آدوم را منقطع ساختند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب یازدهم آیات از ۱ تا ۱۷)

یهوه خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک من مملکت را از دست سلیمان پاره میکنم! و ده سبط بتو میدهم! و بخاطر بنده من داود! و بخاطر اورشلیم شهریکه از تمامی اسباط بنی اسرائیل برگزیده ام! یک سبط از آن او خواهد بود! چونکه ایشان مرا ترک کردند! و عشتورت خدای صیدونیان را سجده کردند! و در طریق های مرا سلوک نمودند! و آنچه در نظر من راست است بجا نیاوردند! و فرایض و احکام مرا مثل پدرش داود نگاه نداشتند! لیکن تمام مملکت را از او نخواهم گرفت! بلکه بخاطر بنده خود داود که او را برگزیدم! از آن رو که او امر و فرایض مرا نگاه داشته بود! او را در تمامی ایام روزهایش سرور خواهم ساخت!!! (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب یازدهم آیات از ۳۱ تا ۳۵)

و سلیمان پسر داود در سلطنت خود قوی شد؛ یهوه خدایش با وی میبود؛ و او را عظمت بسیار بخشیده؛ و سلیمان تمامی بنی اسرائیل و سروران هزاره؛ و صده؛ و داوران و هر رئیس را که در تمامی بنی اسرائیل بود از رؤسای خاندانهای

آبا خواند؛ و سلیمان با تمامی جماعت بمکان بلندی!!! که در جبعون بود رفتند؛ زیرا خیمه اجتماع خدا که؛ موسی بنده خداوند آن را در بیابان ساخته بود در آنجا بود؛ لیکن داود تابوت خدا را از قریه یعاریم بجائی که داود برایش مهیا کرده بود بالا آورد؛ و خیمه برایش در اورشلیم برپا نمود؛ و مذبح برنجینیکه بصلیل بن اوری ابن حور ساخته بود در آنجا پیش مسکن خداوند ماند؛ و سلیمان و نزد آن مسنلت نمودند؛ پس سلیمان به آنجا نزد مذبح برنجینیکه در خیمه اجتماع بود بحضور خداوند برآمده!!! هزار قربانی سوختنی بر آن گذرانید؛ در همان شب خدا بسلیمان ظاهر شد! و او را گفت: آنچه را که بتو بدهم طلب نما؛ سلیمان بخدا گفت: تو پدیرم داود احسان عظیم نمودی؛ و مرا بجای او پادشاه ساختی؛ حال ای یهوه خدا بوعده خود که پدیرم دادی وفا نما؛ زیرا که تو مرا بر قومی که؛ مثل غبار زمین کثیرند پادشاه ساختی!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب اول آیات از ۹ تا ۱۰)

پس سلیمان چهل سال در اورشلیم بر تمامی بنی اسرائیل سلطنت کرد؛ و سلیمان با پدران خود خوابید؛ و او را در شهر پدرش داود دفن کردند؛ و پسرش رحبعام در جای او پادشاه شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب نهم آیه ۳۱)

حکمت خانه را بناء کرده و هفت ستونهای خویش را تراشیده است؛ ذبایح خود را ذبح نموده؛ و شراب خود را ممزوج ساخته؛ و سفره خود را نیز آراسته است؛ کنیزان خود را فرستاده ندا کرده است؛ بر پشت های بلند شهر هر که جاهل باشد به اینجا بیاید! و هر که ناقص العقل است او را میگوید: از غذای من بخورید و از شرابی که ممزوج ساخته ام بنوشید! جهالت را ترک کرده زنده بمانید و بطریق فهم سلوک نمایید!!! هر که استهزاءکننده را تأدیب نماید! بر خویشان رسوائی را تحصیل کند! و هر که شریر را تنبیه نماید برای او عیب میباشد! استهزاءکننده را تنبیه منامابادا از تونفرت کند! اما مرد حکیم را تنبیه نما که تورا دوست خواهد

داشت! مرد حکیم را پند بده که زیاد حکیم خواهد شد! مرد عادل را تعلیم بده که بعملش خواهد افزود! ابتدی حکمت ترس خداوند است!!! و معرفت قدّوس فطانت میباشد! زیرا که بواسطه من روزهای تو کثیر خواهد شد! و سالهای عمر از برایت زیاده خواهد گردید!!! اگر حکیم هستی برای خود حکیم هستی! و اگر استهزاء نمائی بپنهانی متحمل آن خواهی بود! **زن احمق یاوه گواست! جاهل است و هیچ نمیداند! و نزد درخانه خود می نشیند! در مکانهای بلند شهر بر کرسی تا راه روندگان را بخواند! آنانی را که براه ههای خود بر راستی میروند!!! هر که جاهل باشد به اینجا برگردد! و ناقص العقل میگوید! آبهای دزدیده شده شیرین است! و نان خفیفه لذیذ میباشد! و او نمیداند که مردگان در آنجا هستند!!! و دعوت شدکانش در عمقهای هاویه میباشد!!!** (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب امثال سلیمان نبیّ تمامی باب هنم)

نکاتی از مؤلف: آیا این کتاب میتواند کتاب وحی آسمانی سلیمان پیغمبر بزرگ و انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین بوده باشد؟؟؟!!!

### از کتاب مقدّس عهد عتیق؛ و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان

غزل؛ غزلها که از آن سلیمان است! او مرا ببوسهای دهان خود ببوسد! زیرا که محبّت تو از شراب نیکوتر است!!! عطرهای توبوی خوش دارد!!! و اسم تو مثل عطریخته شده میباشد! بنابراین دوشیزگان تورا دوست میدارند! مرا بکش تا در عقب تو بدم! پادشاه مرا بحجله های خود آورد! از تو وجد و شادی خواهم کرد! محبّت تورا از شراب زیاده ذکر خواهم نمود! تورا از روی خلوص دوست میدارم؛ ای دختران از اورشلیم!!! من سیه فام اماّ جمیل هستم! مثل خیمه های قیدار (قیدار پسر دؤم اسمعیل است) و مانند پرده های سلیمان! بر من نگاه نکنید چونکه سیه فام هستم! زیرا که آفتاب مرا سوخته است!!! پسران مادرم بر من خشم نموده! مرا ناطور تا کستانها ساختند! اماّ تا کستان خود را دیده بانی ننمودم! ای حبیب جان من! مرا خبر ده که کجا میچرانی! و در ظهر گله را کجا می خوابانی! زیرا چرا نزد گله های رفیقانت مثل آواره گردم! ای جمیل تورا از زنان اگر نمیدانی! در اثر گله ها بیرون رو!!! و بزغاله هایت را نزد مسکن های شبانی

بچران! ای محبوبه من تورا به اسبی که در اربه فرعون باشد تشبیه داده ام! رخسارهای بجواهرها! و گردنت بگردن بندها! چه بسیار جمیل است! و زنجیرهای طلا با حبه های نقره برای تو خواهم ساخت!!! چون پادشاه بر سفره خود می نشیند! سنبل من بوی خود را میدهد!!! محبوب من مرا مثل طلبه مرّاست! که در میان پستانهای من می خوابد! محبوب من برایم! مثل خوشه بان در باغهای جدی میباشد! اینک تو زیبا هستی! ای محبوبه من اینک تو زیبا هستی!!! و چشمانت مثل چشمان کبوتر است! اینک تو زیبا و شیرین هستی! ای محبوب من! و تخت ماهم سبز است! تیرهای خانه ما از سرو آزاد است! و سقف ما از چوب صنوبر!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان تمامی باب اول)

من نرگس شارون! و سوسن و ادیها هستم!!! چنانکه سوسن در میان خارها! هم چنان محبوبه من در میان دختران است! چنانکه سیب در میان درختان جنگل! همچنان محبوب من در میان پسران است! در سایه وی بشادمانی نشستم! و میوه اش برای کام شیرین بود! مرا بمیخاه آورد!!! و علم وی بالای سر من محبت بود! مرا بقرصهای کشمش تقویت دهید!!! و مرا بسیبهای تازه سازید! زیرا که من از عشق بیمار هستم! دست چپش در زیر سر من است! و دست راستش مرا در آغوش میکشد!!! ای دختران اورشلیم شما را به غذا لها!!! و آهوهای صحراء قسم میدهم! که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکند! و بر نیانگی زانید! آواز محبوب من است! اینک پرکوههای بستان! و بردلها خیزان می آید! محبوب من مانند غزال یا بچه آهو است! اینک او در عقب دیوار ما ایستا ده! از پنجره ها مینگرد!!! و از شبکه ها خویشتن را نمایان میسازد! محبوب من مرا خطاب کرده گفت: ای محبوب من! وای زیبای من برخیز و بیا!!! زیرا که اینک زمستان گذشته! و باران تمام شده و رفته است! گلها بر زمین ظاهر شده! و زمان الحان رسیده! و آواز فاخته در ولایت ما شنیده میشود! درخت انجیر میوه خود را

میرساند! و موها گل آورده! رایحه خوش میدهد!!! ای محبوبه من! وای زیبای من برخیز و بیا! ای کبوتر من که در شکافهای صخره!!! و در سترسنگهای خارا هستی! چهره خود را بمن بنما! و آوازت را بمن بشنوان!!! زیرا که آواز تو لذیذ و چهره ات خوش نماست! شغالها! شغالهای کوچکتر! تا کستانها را خراب میکند! برای ما بگیرید! زیرا که تا کستانهای ما گل آورده است! محبوبم از آن من است و من از آن وی هستم! در میان سوسنها میچرانده! ای محبوب من برگرد!!! و تا نسیم روز بوزد! و سایه هابگریزد! مانند غزال یا بچه آهو بر کوهها بالاتر باش!

(از کتاب مقدس عهد هتیک و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان تمامی باب دوم)

شبانگاه در بستر خود اورا که جانم دوست میدارد طلبیدم!!! اورا جستجو کردم اما نیافتم! گفتم: الان برخاسته در کوچه ها! شواریح شهرگشته اورا که جانم دوست میدارد خواهم طلبید! اورا جستجو کردم اما نیافتم! کشیکچپانی که در شهرگردش میکنند؛ مرا یافتند!!! گفتم: که آیا محبوب جان مرا دیده اید؟؟؟ از ایشان چندان پیش نرفته بودم! که اورا جانم دوست میدارد نیافتم! و اورا گرفته رها نکردم! تا بخانه مادر خود! بحجره والده خویش در آوردم! ای دختران اورشلیم شما رابه غزالها! و آهوهای صحراء قسم میدهم! که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکند! بر نیانگیزانید! این کیست که مثل ستونهای دود از بیابان برمیآید؟! و بمرّ و بخور و بهمه عطریات تاجران معطر است؟ اینک تخت روان سلیمان است؟ که شصت جبار! از جباران اسرائیل باطراف آن میباشد! همگی ایشان شمشیر هر یک بسبب فوق شب برانش بسته است! سلیمان پادشاه تخت روانی!!! برای خویشتن از چوب لبنان ساخت! ستونهایش را از طلا و کرسیش را از ازار غوان! و وسطش بمحبت دختران اورشلیم معرق بود!!! ای دختران صهیون بیرون آئید و سلیمان پادشاه را ببینید! تاجی که مادرش! در روز عروسی وی! در روز شادی دلش آن را بر سر وی نهاد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان تمامی باب سوم)

اینک تو زیبا هستی! ای محبوب من اینک تو زیبا هستی!!! و چشمانت از پشت برقع تو! مثل چشمان کبوتر است! و مویهایت مثل گله بزها است! برکه برجانب کوه جلعاد خوابیده اند! دندانهایت مثل گله گوسفندان پشم بریده!!! که از شستن برآمده باشند! و همگی آنها توام زانیده! و در آنها یکی هم نازاد نباشد! البهائیت مثل رشته قرمز؛ و دهانت جمیل است! و شقیقه هایت در برقع تو! مانند پاره انار است! گردنت مثل برج داود است! که بجهت سلاح خانه بناء شده است! و در آن هزار سپر! یعنی همه سپرهای شجاعان آویزان است!!! دو پستانت مثل دو بچه توام آهومی باشد که در میان سوسنها میچرند!!! تا نسیم روز بوزد! و سایه ها بگریزد! بکوه مرو بتل کندر خواهم رفت!!! ای محبوبه من تمامی زیبا می باشد! در تو عیبی نیست! بیابان از لبنان! ای عروس بامن از لبنان بیا! از قلعه امانه از قلعه شنیر! و حرمون از مغاره های شیرها! و از کوههای پلنگها بنگر! ای خواهر و عروس من! دلم را بیکی از چشمانت! و بیکی از گردن بندهای گردنت ربودی! ای خواهر و عروس من! محبت هایت چه بسیار لذیذ است!!! محبت هایت از شراب چه بسیار نیکوتر است! و بوی عطرها از جمیع عطرها!!! ای عروس من لبهای تو عسل را میچکاند! زیرا که زبان تو عسل و شیر است! بوی لباس است! مثل بوی لبنان است! ای خواهر عروس من! الان باغی بسته شده است!!! چشمه مقفل و منبع مختوم است!!! انهال هایت بوستان انارها با میوه های نفیسه! و بان و سنبل است! و زعفران و نی و دارچین با انواع درختان کندر! مرو عود با جمیع عطرها نفیسه! چشمه باغها و برکه آب زنده! و نهرهایی که از لبنان جاری است! ای باد شمال بر خیز! و ای باد جنوب بیا! بر باغ موزما تا عطر هایش منتشر شود! ای محبوب من باغ خود بیا! و میوه نفیسه خود را بخور!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان تمامی باب چهارم)

ای خواهر و عروس من! بباغ خود آمدم! مر خود را با عطرها ایم چیدم! شانه عسل خود را با عسل خویش خوردم! شراب خود را با شیر خویش نوشیدم! ای دوستان بخورید! وای یاران بنوشید و بسیری بیاشامید! من در خواب هستم! اما دم بیدار است! آواز محبوب من است! که در را میگوید! و میگوید: از برای من باز کن! ای خواهر من! ای محبوب من! و کبوترم! وای کامله من! زیرا که سر من از شبنم!!! و زلف هایم از ترشحات شب پر است! رخت خود را کندم! چگونه آن را بپوشم! پاهای خود را شستم! چگونه آنها را چرکین نمایم! محبوب من دست خویش را! از سوراخ در داخل ساخت احشایم برای وی بجنبش آمد! من برخاستم تا در را بجهت محبوبم خود باز کنم!!! و از دستم مرواز انگشتانم مرصافی بردسته قفل بچکید! بجهت محبوب خود باز کردم! اما محبوبم روگردانیده رفته بود! چون او سخن میگفت: جان از من بدر شده بود! او را جستجو کردم و نیافتم! او را خواندم و جوابم نداد! کشیک چینی که در شهر گردش میکنند! مرا یافتند و بزدند و مجروح ساختند! دیده بانها حصارها برقع مرا از من گرفتند! ای دختران اورشلیم شمارا قسم میدهم که اگر محبوب مرا بباید! وای را گوئید: که من مریض عشق هستم!

ای زیباترین زنان محبوب تو! از سایر محبوبان چه برتری دارد! و محبوب تو را بر سایر محبوبان چه فضیلت است! که ما را چنین قسم میدهی! محبوب من سفید و سرخ فام است! و بر هزارها افراشته شده است! سرا و طلای خالص است و زلفهایش پیچیده! و مانند غراب سیاه فام است! چشمانش کبوتران نزد نهرهای آب است!!! با شیر شسته شده! و در چشم خانه خود نشسته! رخسارهایش مثل باغچه بلسان! و پشته های ریاحین میباشد! البهایش سوسنهاست! که از آنها مر صافی میچکد! دستهایش حلقه های طلاست! که بزبرد منقش باشد!!! و بر او عاج شفاف است! که بیاقوت زرد مرصع بود! ساقهایش ستونهای مرمر!!! بر پایه های زرناب مؤسس شده!!! سیمایش مثل لبنان!!! و مانند سروهای آزاد برگزیده است! دهان او بسیار شیرین! و تمامی او مرغوبترین است محبوب من!

و این است! و یار من ای دختران اورشلیم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان؛ تمامی باب پنجم)

محبوب تو کجارفته است ای زیباترین زنان! محبوب تو کجا توجه نموده است تا او را با تو بطلبیم! محبوب من بباغ خویش! و نزد باغچه های بکسان فرود شده است! تا در باغات بچران دو سوسنها بچیند! من از آن محبوب خود و محبوب از آن من است! در میان سوسنها گله رامیچرانند! ای محبوب من تو مثل ترصه جمیل! و مانند اورشلیم زیبا! و مثل لشگرهای بیدق دارمهیب هستی! چشمانت را از من برگردان؛ زیرا که آنها بر من غالب شده است! موهایت مثل گله بزهاست!!! که بر جانب کوه جلعاد خوابیده باشد! دندانهایت مانند گله گوسفندان است؛ که از شستن برآمده باشند! و همگی آنها توام زانیده! و در آنها یکی هم نازاد نمیباشد شققه هایت در عقب برقع تو! مانند پاره انار است! شصت ملکه!!! و هشتاد متعه و دوشیزگان بشمار هستند! اما کبوتر من و کامله من یکی است!!! او را یگانه مادر خویش! و مختاره والده خود میباشد!؛ دختران او را دیده خجسته گفتند! ملکهها متعه هابراونگریستند؛ و او را مدح نمودند؛ این کیست که مثل صبح میدرخشد؟ و مانند ماه جمیل! و مثل آفتاب ظاهر! و مانند لشگر بیدق دارمهیب است؟! بباغ درختان جوز فرود شدم! تا سبزیهای وادی را بنگرم و ببینم! که آیا موشکوفه آورده! و انار گل کرده است؟! بی آنکه ملتفت شوم! که ناگاه جانم مرا! مثل ارابه های عمیناداب ساخت! برگردای شولمیت برگرد! تا بر تو بنگریم!!! در لمیت چه میبینی! مثل محفل دولشگر!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان تمامی باب ششم)

ای دختر مرد شریف پاهایت در نعلین چه بسیار زیبا است! حلقهای را نهایت مثل زیورها میباشد! که دست صنعت گرمیباشد! ناف تو مثل کاسه مدور است! و شراب ممزوج در آن کم نباشد! بر تو توده گندم است! که سوسنها آن را احاطه کرده باشد! دوستان تو مثل دویچه توام غزال است! گردن تو مثل برج عاج! و چشمانت مثل برکه های حشبون نزد دروازه بیت ربیم! بینی تو مثل برج لبنان است! که بسوی دمشق مشرف میباشد!!! سرت بر تو مثل کرکس! و موی سرت مانند ارغوان است! و پادشاه در طره هایش اسیر میباشد! ای محبوبه چه بسیار

زیبا! وچه بسیار شیرین بسبب لذتها هستی!!! این قامت تو مانند درخت خرما! و پستانهایت مثل خوشه های انگور میباشد! گفتم: که بدرخت خرما برآمده! شاخه هایش را خواهم گرفت!!! و پستانهایت مثل خوشه های انگور!!! و بوی تو مثل سیبها میباشد! و دهان تو مانند شراب بهترین برای محبوبم! که بملایمت بمیل است فرورود! و لبهای خفتگان را متکلم میسازد! من از آن محبوب خود هستم و اشتیاق وی بر من است! بیا ای محبوب من بصراء بیرون برویم! و دردهات ساکن شو!!! و صبح زود بتا کستانها برویم! و ببینیم که آیا انگور گل کرده؟! و گلهایش گشوده! و انارها گل داده میباشد؟! در آنجا محبت خود را بتو خواهم داد! مهر گیاهها بوی خود را میدهد! و نزد درهای ماهر قسم میوه نفیس تازه و کهنه هست! که آنها را برای تو ای محبوب من جمع کرده ام!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سلیمان؛ تمامی باب هفتم)

کاشکه مثل برادر من! که پستانهای مادر مرا مکیده میبودی! تا چون تورا بیرون می یافتم تورا میبوسیدم! و مرا رسوا نمیساختند! تورا رهبری میکردم! و بخانه مادرم در میآوردم! تا مرا تعلیم میدادی! تا شراب ممزوج و عصیر انار خود را بتو مینوشا نیدم!!! دست چپ اوزیر سر من میبود! و دست راستش مرا در آغوش میکشید! ای دختران اورشلیم؛ شما را قسم میدهم!!! که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکند و بر نینگیزانید! این کیست که بر محبوب خود تکیه کرده؟! در آنجا والده تورا درد زه گرفت! مرا مثل خاتم بردلت!!! و مثل نگین بر بازویت بگذار! زیرا که محبت مثل موت زور آوراست!!! و غیرت مثل هاویه ستم کش

میباشد! شعله هایش لهیب یهوه است! آبهای بسیار محبت تورا خاموش نتواند کرد! وسیله ها آن را نتواند فرو نشانند!!! اگر کسی تمامی اموال خانه خویش را برای محبت بده! آن البته خوار خواهد شمرد!!! اما را خواهر کوچک است که پستان ندارد! بجهت خواهر خود روزی که او را خواستگاری کنند چه بکنیم؟! اگر دیوار میبود بر او برج نقره بناء میکردیم! و اگر دروازه میبود! او را بتخته های سرو آزاد میپوشانیدیم! من دیوار هستم و پستانهایم مثل برجها است!!! الهذا در نظر او از جمله یابندگان سلامت شده ام! سلیمان تا کستانی در بعل هامون داشت!!! و تا کستان را بناطوران سپرد! که هر کس برای میوه اش هزار نقره بدهد! تا کستانم که از آن من است! پیش روی من میباشد! برای تو ای سلیمان هزار و برای ناطوران میوه اش دو بست خواهد بود!!! ای محبوبه که باغات می نشینی! رفیقان آواز تورا میشوند! مرا نیز بشنوان ای محبوب من فرار کن!!! و مثل غزال یا بچه آهو بر کوهها عطریات باش!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب غزل؛ غزلهای سایمان باب هشتم)

**نکاتی از مؤلف:** این مطالب زیر درباره سلیمان است؛ از متن کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! به اصطلاح کتاب آسمانی یهودیان میباشد!!!

۱- سلیمان هزار زن داشت!!!

۲- زنان سلیمان عقل او را از خدای خود یهوه برگردانیدند!!! سلیمان بخدایان دیگر قربانی گذرانید! و عبادت نموده و سجده کرده است!!! پس در این صورت سلیمان مشرک و بت پرست و کافر شده بود!!! بخداوند متعال پناه میبرم!!! که چنین حرفها را برای یک پیغمبر حقیقی و پاک و مطهر و مقدس!!! خداوند خلاق جهان هستی مینوسیم! که قرآن کریم مسلمانان سلیمان را بری از شرک و بت پرستی و گناه و بزه و کفر معرفی مینماید!!! که در فصل تطبیقی سلیمان مفصلاً توضیح خواهیم داد؛ که سلیمان در پیشگاه خداوند متعال چه ارزش و مقامی دارد!

۳- در پیش مسکن خداوند! سلیمان مذبح بت پرستی ساخته بود!!! بخداوند متعال پناه میبرم! اینکه خداوند مسکن شخصی داشته باشد!!!

۴- در کتاب مقدس عهد عتیق!!! بگفته سلیمان نوشته است!!! که زن احمق و جاهل و نادان است! و هیچ چیزی نمیداند! و ناقص العقل است!!! بخداوند پناه میبریم از اینکه چنین تهمت را نسبت بزنان پاک و مطهره و مؤمنه!!! خداوند و یا پیغمبران او گفته باشند!!! این حرف ها نمال خداوند است و نمال سلیمان!!! و تهمت و افتراء و دروغ بسلیمان است! کتاب اصل و ناب آیات شیطانی نوشته است!

۵- ماندانستیم که این غزلهای که کتاب مقدس عهد عتیق! یعنی شریعت انبیاء بوده است؟ و یا وحی کلام خداوند بوده است؟ و یا این غزلها را سلیمان خودش سروده است؟ و آیا هزارزن برای سلیمان کافی نبوده است؟ و یا هزارزن برای سلیمان کم شده بوده است؟؟؟؟!!! که بدختران دیگر عاشق شود و غزل سرایی بکند؟! که این مطالب از یک کتاب آسمانی خیلی خیلی بعیدنمیباشد؟؟؟! و از یک پیغمبر بزرگ و پاک هم همینطور؟! انعوذ بالله! که اگر کتاب آسمانی و یا انبیاء عظام خداوند چنین بوده باشد؟! که امتش را بشهوترانی تشویق و راهنمایی بکند؟؟؟؟!!! انعوذ بالله رب العالمین

۶- در کتاب مقدس عهد عتیق نوشته است!!! که سلیمان گفته است که من از ازل بودم! یعنی آسمان و زمین و هیچ چیزی و مخلوقی نبوده من بودم! که باید بدانیم این نوشته کتاب مقدس عهد عتیق یک دروغ شاخدار است!!! زیرا که سلیمان پسر و از نطفه داود است! چطور میشود؟! که فرزند میلیونها سال قبل از پدر بوده باشد؟؟؟؟!!!

ثانیاً انسان بزمان و هوا و غذا نیازمند است!!! پس سلیمان قبل از همه عالم امکان؟ که هیچ چیزی نبوده چطور زندگی میکرد؟؟؟؟!!! که در حالیکه جز خداوند متعال خلاق جهان هستی رب العالمین؟! هیچ کسی نمیتواند چنین حیاتی و زندگی داشته باشد؟؟؟؟!!! زیرا که خداوند متعال بهیچ چیزی و بهیچ کس نیازی ندارد؛ بنا بنوشته کتاب مقدس عهد عتیق؛ اگر سلیمان از ازل بوده باشد؟؟؟! پس سلیمان همان خداوند ازلی میباشد!!! هنوز نمرده است؟؟؟! و نمیتواند پسر داود بوده باشد؟! با این همه تناقض و کفرگویی کتاب مقدس عهد عتیق؟؟؟! این کتاب نمیتواند! کتابهای و یا شریعت ابراهیم و موسی و داود و سلیمان بوده باشد؟! که این کتابها صدر صدنوشته انسانهای شاید! و دشمن خداوند متعال و پیغمبران

میباشد!!! که یعنی کتاب مقدس عهد عتیق! اصل وناب آیات شیطانی میباشد!!!  
 !!! زیرا که نباید در کتاب آسمانی این قدر ضد و نقیض و تمهت و افتراء و دروغ و  
 اهانت و شرک و کفر!!! بخداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین! و پیغمبران و  
 انبیاء عظام؛ و رسولان خداوند رحمان و رحیم و جود داشته باشد!!! که چنین  
 مطالبی و نوشتجاتی!!! افراد مؤمن و خداشناسی را بی دینی و کفر و شرک و  
 فساد اخلاقی و بی بندباری گمراهی خیلی دوسوق میدهد!!! که شاهد به عرایض  
 جامعه اروپا و امریکا و غیره ۰۰۰ را چنین کرده اند!!! شما خوانندگان محترم  
 را بخداوند واحد و تکتا!!! قسم میدهم! خودتان بخوانید و قضاوت بکنید!!! که  
 کتاب وحی منزل خداوند خلاق هستی؟! و پیغمبرانش چنین حرفها را میگوید:  
 و مینویسد؟؟؟؟!!! و آیا این حرفها! اصل وناب کتاب آیات شیطانی نمیباشد؟؟؟؟!!!  
 نعوذ بالله ربّ العالمین!!!

## فصل یازدهم

درباره زندگی و عملکرد یهودا و یهودیان

بنی اسرائیل

از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی

## زندگی و عملکرد یهودیان بنی اسرائیل در کتاب تورات فعلی

و واقع شد در آن زمان که یهودا از نزد برادران خود رفته؛ نزد شخص عدلّامی که حیره نام داشت مهمان شد!!! و در آنجا یهودا دختر مرد کنعانی را که مسمّاء بشوعه بود دید و او را گرفته بر او درآمد!!! پس آبستن شده پسری زائید و او را عیر نام نهاد!!! و بار دیگر آبستن شده پسری زائید و او را اونان نامید!!! و باز هم پسری زائید و او را شیله نام گذارد؛ و چون او را زائید (یهودا) در کزيب بود؛ و یهودا زنی مسمّاء بتامار برای نخست زاده خود عیر گرفت! و نخست زاده یهودا در نظر خداوند شیر بود و خداوند او را بمیراند! پس یهودا به اونان گفت: بزنی برادرت در آ! و حقّ برادر شوهری را بجا آورده تا نسلی برای برادر خود پیدا کن! چون که اونان دانست که آن نسل از آن او نخواهد بود!!! هنگامیکه بزنی برادرت خود درآمد بر زمین انزال کرد! تا نسلی برای برادر خود ندهد! و این کار از نظر خداوند ناپسند آمد و او را نیز بمیراند!!! یهودا به عروس خود تامار!!! گفت: در خانه پدرت بیوه بنشین! تا پسرم شیله بزرگ شود! زیرا که گفت: مبادا او نیز مثل برادرانش بمیرد! پس تامار رفته در خانه پدر خود ماند! چون روزهای سپری شد؛ دختر بشوعه زن یهودا مرد!!! و یهودا بعد از تعزیت او!!! با دوست خود حیره عدلّامی نزد پشم چینان گله خود بتمنه آمد!!! و بتامار خبر داده گفتند: اینک پدر شوهرت برای چیدن پشم گله خویش بتمنه میآید! پس رخت بیوگی را از خویشتن بیرون کرد!!! بر قعی برو کشیده خود را در چادری پوشید! بدروازه عینایم که در راه تمنه است بنشست! زیرا که دید شیله بزرگ شده است و او را بوی بزنی ندادند! چون یهودا او را بدید وی را فاحشه پنداشت!!! زیرا که روی خود را پوشانیده بود! پس از راه بسوی او میل کرده گفت: بیبا تا بتو درآیم زیرا که ندانست که عروس اوست! گفت: مرا چه میدهی تا بمن در آئی؟ گفت: بزغاله از کله میفرستم گفت: آیا گرو میدهی تا بفرستی؟ گفت: تو را چه گرو بدهم؟ گفت: مهر و زنا خود و عصائیکه در دست داری!!! پس بوی داد و بدو درآمد! و از او آبستن شد! و برخاسته برفت و

و برقع را از خود برداشته رخت بیوگی را پوشید!!! و یهودا بزغاله را بدست عدلّامی خود فرستاد! تاگرو را از دست آن زن بیگیرد اما او را نیافت! و از مردمان آن پرسیده گفت: آن فاحشه که سر راه عینانیم نشسته بود؟ کجاست؟! گفتند: در اینجا نبود!!! پس بنزد یهودا برگشته گفت: او را نیافتم و مردمان آن مکان نیز میگویند: که در اینجا نبود!!! یهودا گفت: بگذار برای خودنگاه دارد مبادا رسوا شویم اینک بزغاله فرستادم و تو او را نیافتی! **وبعد از سه ماه یهودا را خبر داده گفتند: که عروس تو تا مارزنا کرده است!!! و اینک از زنا نیز آستن شده!!! پس یهودا گفت: وی بیرون آید تا سوخته شود!!! چون او را بیرون میآوردند: نزد پدر شوهر خود فرستاده گفت: از مالک این چیزها آستن شده ام!!! و گفت: تشخیص کن که این مهر و زنا و عصا از آن کیست؟ و یهودا آنها را شناخت و گفت: او از من بیگناه تراست زیرا که او را بیسر خود شیله ندادم!!! بعد او را دیگر شناخت! و چون وضع حملش رسید اینک تو امان در رحمش بودند!!! و چون میزانی دیکی دست خود را بیرون آورد! که در حال قابله رسانی قرمز گرفته بدستش بست! و گفت: این اوّل بیرون آمد! و دست خود را باز کشید و اینک برادرش بیرون آمد! و قابله گفت: چگونه شکافتی این شکاف بر تو باد!!! پس او را فارص نام نهاد! بعد از آن برادرش که ریسمان قرمز را بردست داشت بیرون آمد! و او را زارح نامید!!!**

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر پیدایش تمامی باب سی و هشتم)

**نکاتی از مؤلف:** این یهوداهمان یکی از پسران یعقوب! یعنی اسرائیل و برادر یوسف بن یعقوب است! که با عروسش زنا محرمی کرده!!! و پسران دو قلو بنامهای **فارص! و زارح! زنا زاده محرمی دنیا آورده است!** که این یهوداهمان جدّ یهودیان صهیون نیزم امروزی میباشد! که خودشان و نسبت خودشان را به آن یهودای زناکار محرمی میدهند!!! که افتخار هم میکنند!!! که چنین جدّی را دارند!!! که این گروه بهمین جهت بخودشان نام یهودیت را گذاشته اند!!! که امروز بنام یهودیان صهیون نیزم بنی اسرائیل مشهور هستند!!! و اونان پسر یهودای زنا کار با زن بیوه برادر خود زنا مقاربتی کرده و بزمین انزال نموده

است! یعنی چه آیا این مقاربت زنا بوده است؟! که یهودای زنا کار دستور میدهد که عمل زنا را بجا آورد! و درست نکردن زنا ی اونان؟! بنظر خداوند اصل وناب آیات شیطانی کتاب تورات فعلی! بدآمده! و خوش نیامده است!!! و اونان را می میراند؟! آیا خداوند تورات فعلی هم بزنا کردن راضی بوده است؟! یعنی چه؟؟؟! و آیا اگر یهودای زنا کار نمیدانست که تمار عروس اوست؟! آیا میدانست که زنا میکند یا نه؟؟؟! و اگر آن زن عروس یهودای زناکار نبوده آیا مقاربت یهودای زنا کار؟! زنا نبوده است؟! و آن مقاربت حلال و مجاز بوده است؟؟؟! نعوذ بالله رب العلمین!!!

کلام خداوند؛ در ایام عزّیا و یوتام و آخاز و حزقیال پادشاه یهودا!!! و در ایام یرعیام بن یوآش پادشاه اسرائیل؛ بر هوشع بن بئیر نازل شد!!! ابتدای کلام خداوند به هوشع و خداوند به هوشع گفت: برو زنی زانیه و اولاد زناکار برای خود بگیر! زیرا که این زمین از خداوند برگشته سخت زناکار شده اند!!! پس رفت و جوهر دختر دبلایم را گرفت و او حامله شده پسری برایش زانید! و خداوند وی را گفت: او را یزرعیل نام بده! زیرا بعد از اندک زمانی انتقام خون یزرعیل را از خاندان یهودا خواهم گرفت!!! و مملکت خاندان اسرائیل را تلف خواهم ساخت! و در آن روز کمان اسرائیل را دروادی یزرعیل خواهم شکست! پس باردیگر حامله شد دختری زانید و او وی را گفت: او را لوروحامه نام بگذار!!! زیرا که باردیگر بر خاندان اسرائیل رحمت نخواهم فرمود!!! بلکه ایشان را از میان بالکل خواهم برداشت!!! لیکن بر خاندان یهودا رحمت خواهم فرمود؛ و ایشان را به یهوه خدای ایشان نجات خواهم داد؛ و ایشان را بکمان و شمشیر و جنگ و اسبان و سواران نخواهم رهانید؛ و چون لوروحامه را از شیر باز داشته بود حامله شده پسر زانید و او گفت: نام او را لوعمی بخوان زیرا که شما قوم من نیستید! و من خدای شما نیستم! لیکن شماره بنی اسرائیل مثل ریگ دریا خواهد بود، که نتوان پیمود و نتوان شمرد؛ و در مکانی که به ایشان گفته میشد شما قوم من نیستید! و در آنجا گفته شد! پسران خدای حی میباشید! بنی یهودا و بنی اسرائیل با هم جمع خواهند شد!!! و یک رئیس بجهت خود نصب نموده از آن زمین بر خواهند آمد!!! زیرا که روز یزرعیل روز عظیمی خواهد بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب اول)

خوند گفت: ببرادران خود لوعمی بگوئید: و بخواهران خویش لوروحامه  
 محاجه نماید! با مادر خود محاجه نماید! **زیرا که اوزن من نیست!!! و من شوهر او  
 نیستم! لهذا زنا کاری خود را از پیش رویش!!! و فاحشگی خویش را از میان  
 پستانهایش رفع بنماید! مبادا رخت او راکنده وی را برهنه نمایم و او را مثل روز  
 ولادتش گردانیده مانند بیابان واگذارم!!! و مثل زمین خشک گردانیده بتشنگی  
 بگشتم! و برپسرانش رحمت نخواهم فرمود! چونکه فرزندان زنا میباشند! زیرا  
 مادر ایشان زنا نموده! و والدۀ ایشان بی شرمی کرده است!!! که گفت: در عقب  
 عاشقان خود که نان و آب و پشم و کتان و روغن و شربت بمن داده اند خواه  
 رفت! بنا بر این راه تورا بخارها خواهم بست! و گرداو دیوار بنا خواهم نمود! تا  
 راههای خود را نیابد!!! هر چند عاشقان خود را تعاقب نماید به ایشان نخواهد  
 رسید! و هر چند ایشان را بطلبد نخواهد یافت! پس خواهد گفت: میروم و نزد شوهر  
 نخستین خود برمیگردم! زیرا که در آن وقت از اکنون مرا خوشتر میگذشت!!! اما  
 اونمیدانست که من بودم که گندم و شیر و روغن را به او میدادم! و نقره و طلائی  
 را که برای بعل صرف میکردند برایش می افزودم!!! پس من گندم خود را در  
 فصلش و شیر و روغن خود را در موسمش باز خواهم گرفت!!! و پشم و کتان خود را  
 که میبایست برهنگی او را بپوشاند بر خواهم داشت!!! و الآن قباحت او را بنظر  
 عاشقانش منکشف خواهم ساخت! و احدی او را از دست من نخواهد رهانید!!!  
 تمامی شادی او و عیدها و هلالها و سبت ها و جمیع مواسمش را موقوف خواهم  
 ساخت! و مؤها و انجیرهایش را که گفته بود اینها اجرت من میباشد! که عاشقانم  
 بمن داده اند ویران خواهم ساخت و آنها را جنگل خواهم گردانید!!! تا حیوانات  
 صحراء آنها را بخورند! و خداوند میگوید: که انتقام روزهای بعلم را از او خواهم  
 کشید!!! که برای آنها بخور میسوزانید!!! و خویشان را بگوشوارها!!! و زیور  
 های خود آرایش داده! از عقب عاشقان خود میرفت!!! و مرا فراموش کرده بود!**

بنابراین اینک او را فریفته ببیابان خواهم آورد! و سخنان دلاویز به او خواهم گفت: و تاکستانهایش را از آنجا بوی خواهم داد! و وادی عَخُور را بدروازه امید (مبدل خواهم ساخت) و در آنجا مانند ایام جوانیش مثل روز بیرون آمدنش از زمین مصر خواهد سرائید!!! و خداوند میگوید: که در آن روز مرا ایشی (یعنی شوهر من) خواهد خواند!!! و دیگر مرا بَعْلی نخواهد گفت: زیرا که نامهای بَعْلیم را از دهانش دور خواهم کرد! که بار دیگر بنامهای خود مذکور نشوند!!! و در آن روز جهت ایشان با حیوانات صحراء مرغان هوا و حشرات زمین عهد خواهم بست و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست! و ایشان را به امانت خواهم خوابانید! و تورا تا به ابد نامزد خود خواهم ساخت!!! و تورا بعدالت و انصاف و رافت؛ و رحمانیت نامزد خود خواهم گردانید! و چون تورا به امانت نامزد خود ساختم آنگاه یَهُوه را خواهی شناخت! و خداوند میگوید: من خطاب خواهم کرد آسمانها را خطاب خواهم کرد!!! و آنها زمین گندم و شیره و روغن را خطاب خواهد کرد!!! و آنها زمین را خطاب خواهند کرد! و زمین گندم و شیره و روغن را خطاب خواهد کرد!!! و آنها یزرعیل را خطاب خواهند کرد!!! او را برای خود در زمین خواهم گشت!!! و بر لور و حامه رحمت خواهم فرمود!!! و بلوعمی خواهم گفت: توقوم من هستی؛ و او جواب خواهد داد تو خدای من میباشی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب د و م)

و خداوند مرا گفت: باز دیگر برو زنی را که محبوب شوهر خود وزانیه میباشد! دوست بدار! چنانکه خداوند بنی اسرائیل را دوست میدارد! با آنکه ایشان بخدایان غیر مایل میباشند!!! و او قرصهای کشمش را دوست میدارند!!! پس او را برای خود بیانزده مثقال نقره؛ و یک حومرونصف حومر جو خریدم! و او را گفتم: برای من روزهای بسیار توقف خواهی نمود! و زنا مکن و از آن مرد دیگر مباش! و من نیز از آن تو خواهم بود!!! زیرا که بنی اسرائیل ایام بسیار بدون پادشاه رئیس و

**بدون قربانی!!! وبدون تمثال و بدون ایفود!!! و ترافیم خواهند ماند!!! بعد از آن بنی اسرائیل بازگشت نمود یهوه خدای خویش؛ و پادشاه خود داود را خواهند طلبید و در ایام بازپسین بسوی خداوند!!! و احسان او با ترس خواهند آمد!!!**  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب سوم)

ای بنی اسرائیل کلام خداوند را بشنوید!!! زیرا که خداوند را با ساکنان زمین محاکمه است! چونکه نراستی و نرافت و معرفت خدا در زمین نمیباشد!!! بلکه لعنت و دروغ و قتل و دزدی و زناکاری! و تعدی مینمایند! و خونریزی بخونریزی ملحق میشود! بنابراین زمین ماتم میکند! و همه ساکنانش با حیوانات صحراء و مرغان هوا کاهیده میشود! و ماهیان دریا نیز تلف میگردد!!! اما احدی مجادله نمی نماید و احدی توبیخ نمیکند!!! و تودر وقت روز خواهی لغزید! و نبی نیز باتو در وقت شب خواهد لغزید!!! و من مادرتورا هلاک خواهم ساخت! قوم من از عدم هلاک شده اند! چونکه تو معرفت را ترک نمودی من نیز تورا ترک نمودم!!! که برای من کاهن نشوی و چونکه شریعت خدای خود را فراموش کردی! من نیز فرزندان تورا فراموش خواهم نمود! هر قدر که ایشان افزوده شدند همان قدر بمن گناه ورزیدند! پس جلال ایشان را بر رسوائی مبدل خواهم ساخت! گناه بنده مرا خوراک خود ساختند! و دل خویش را به عصیان ایشان مشغول نمودند! و کاهنان مثل قوم خواهند بود! و عقوبت راههای ایشان خواهم رسانید! و جزای اعمالشان را برایشان خواهم داد! و خواهند خورد اما سیر نخواهند شد!!! و زنا خواهند کرد اما افزوده نخواهد گردید!!! زیرا که عبادت خداوند را ترک نمودند! زنا شراب شیره دل ایشان را میرباید!!! قوم من از چوب خود مسئلت میکند! و عصای ایشان بدیشان خبر میدهد!!! زیرا که روح زنا کاری ایشان را گمراه کرده است! و از اطاعت خدای خود زنا کرده اند! بر قله های کوهها قربانی می گذرانند و بر تلها زیر درخت بلوط!!! و سفید دارون چونکه سایه خوب دارد!

بخورمیسوزانند از این جهت دختران شما زنا میکند؛ و عروسهای شما فاحشه گری مینمایند؛ و من دختران شما را حنیکه زنا میکنند!!! و عروسهای شما را حنیکه فاحشه گری مینمایند سزا نخواهم داد!!! زیرا که خود ایشان بازاینه ها عزلت گزینند؛ و با فاحشه ها قربانی میگذرانند؛ پس قومیکه فهم ندارند خواهند افتاد!!! ای اسرائیل اگر تو زنا میکنی؟! یهودا مرتکب جرم نشود؟! پس بجلجال نروید؛ به آن برنیاید؛ بحیات یهوه قسم نخورید؛ بدرسیکه اسرائیل مثل گاو سرکش؛ سرکشی نموده است!!! الآن خداوند ایشان را مثل بره هادر مرتع وسیع خواهد چرانید؛ افرایم ببتها ملحق شده است!!! پس او را واگذارید؛ حنیکه بزم ایشان تمام شود مرتکب زنا میشوند؛ و حاکمان ایشان افتضاح را بسیار دوست میدارند؛ باد ایشان را در بالهای خود فرو خواهد پیچید!!! و ایشان قربانی های خویش خجل خواهند شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمام باب چهارم)

ای کاهنان این را بشنوید و خاندان اسرائیل اصغا نمائید؛ و ای خاندان پادشاه هان گوش گیرید؛ زیرا که این فتوی برای شما است چونکه شما در مضعه دام شدید؛ و توری گسترده نابود شده اید؛ عاصیان در کشتار مبالغه نموده اند؛ پس من همگی ایشان را تأدیب خواهم نمود؛ من افرایم را میشناسم اسرائیل از من مخفی نیست؛ زیرا که حال تو ای افرایم مرتکب زنا شده!! و اسرائیل خویشتن را نجس ساخته است؛ کارهای ایشان مانع میشود؛ که بسوی خدا بازگشت نمایند چونکه روح زناکاری در قلب ایشان است؛ و خداوند را نمیشناسند!!! و فخر اسرائیل پیش روی ایشان شهادت میدهد!!! اسرائیل و افرایم در گناه خود می لغزید!!! گوسفندان و گاوان خود را می آورند تا خدا را بطلبند؛ اما او را نخواهند یافت!!! چونکه خود را از ایشان دور ساخته است؛ بخداوند خیانت ورزیده اند!!! زیرا که فرزندان اجنبی تولید نموده اند!!! الآن هلالهای ایشان را با ملک های ایشان خواهد بلعید؛ در جبعه کرنا و در راما سرنا بنوازید و در بیت آن صدا بزنید!!!

در عقب توای بنیامین! افرایم در روز عتاب مثل نقل کنندگان حدود میباشد! پس خشم خویش را مثل آب برایشان خواهم ریخت!!! افرایم مقهور شده در داوری کوفته گریده است!!! زیرا که پیروی تقلید خرسند میباشد!!! بنابراین من برای افرایم مثل بید شده ام! و برای خاندان یهودا مانند پوسیدگی! چون افرایم بیماری خود را و یهودا جراحت خویش را دیدند! افرایم به آشور رفته! و نزد پادشاهی که دشمن بود فرستاده است!!! اما او شمارا شفاء نمیتواند داد!!! و جراحت شما را التیام نتواند نمود! و من برای افرایم مثل شیر! و برای خاندان یهودا مانند شیر ژیان خواهم بود! من خودم خواهم درید و رفته خواهم ر بود! و رهاننده نخواهد بود!!! من روانه شده بمکان خود خواهم برگشت!!! تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی مرابطینند! در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب پنجم)

بیانید نزد خداوند بازگشت نمائیم زیرا که او دریده است! و ما را شفاء خواهد داد! اوزده است و ما را شکسته بندی خواهد نمود! بعد از دور ما را زنده خواهد کرد در روز سوّم ما را خواهد برخیزانید! و در حضور اوزیست خواهیم نمود پس خدا را بشناسیم! و بجدّ و جهد معرفت او را تعاقب نما نيم!!! طلوع او مثل فجر یقین است! و بر ما مثل باران و مانند باران آخر که زمین را سیراب میکند خواهد آمد! ای افرایم باتوجه کنم؟! ای یهودا باتوجه کنم؟! زیرا که نیکویی تو مثل ابرهای صبح و مانند شبنم است که بزودی میگذرد! بنابراین من ایشان را بوسیله انبیاء نمودم!!! و بسخنان دهان خود ایشان را گذاشت!!! و داوری من مثل نور ساطع میشود! زیرا که رحمت را پسند کردم و نقربانی را و معرفت خدا را بیشتر از قربانی های سوختنی! اما ایشان مثل آدم از عهد تجاوز نمودند!!! و در آنجا بمن خیانت

**ورزیدند! جلعاد شهر گناهکاران و خون آلود است! چنانکه راهزنان برای مردم در کمین میباشند! همچنان جمعیت کاهنان در راه شکیم میکشند! زیرا که ایشان مرتکب قباحت شده اند! درخاندان اسرائیل عملی هولناک دید!!! افرایم در آنجا مرتکب زنا شده!!! اسرائیل خویشتن را نجس ساخته است!!! و برای تو نیزای یهودا حصار معین شده است! هنگامیکه اسیری بر قوم خود را خواهم برگردانید (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب ششم)**

چون اسرائیل را شفاء میدادم آنگاه گناه افرایم و شرارت سامره منکشف گردید!!! زیرا که مرتکب فریب شده اند!!! دزدان داخل میشوند و راهزنان در بیرون تاراج مینمایند! و در دل خود تفکر نمیکنند! که من تمامی شرارت ایشان را بیاد آورده ام! الآن اعمال ایشان را احاطه مینماید! و آنها در نظر من واقع شده است! پادشاه را بشرارت خویش و سروران را بدروغهای خود شادمان میسازند!!! **جمع ایشان زنا کارند!!!** مثل تنوری که خبازان را مشتعل سازند!!! که بعد از سرشتن خمیر تا مخمر شدنش از انگیختن آتش باز می ایستد!!! در ایوم پادشاه ما سروران از گرمی شراب خود را بیمار ساختند!!! و او دست خود را به استهزاء کنندگان دراز کرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب هفتم آیات از ۱ تا ۶)

اما یهوه صباوت میگوید: که شما از طریق من تجاوز نموده!!! بسیاری را در شریعت لغزش دادید و عهد لاوی را شکستید! بنابراین من نیز شمارا نزد تمامی آتی قوم خوار و پست خواهم ساخت! زیرا که طریق مرا نگاه نداشته! و در اجرای شریعت طرفداری نموده اید! آیا جمع ما را یک پدر نیست؟! و آیا یک خدا ما را نیافریده است؟! پس چرا عهد پدران خود را بی حرمت نموده؟! بیکدیگر خیانت می ورزیم؟! **یهودا خیانت ورزیده است و رجاسات را در اسرائیل و اورشلیم!!!** بعمل آورده است! زیرا که یهودا مقدس خداوند را که او آن را دوست میداشت بی حرمت نموده! **دختر خدای بیگانه را بزنی گرفته است!!!** پس خداوند هر کس را که چنین عمل نماید! هم خواننده و هم جواب دهنده را از خیمه های یعقوب منقطع خواهد ساخت! و هر کس را نیز که برای یهوه صباوت هدیه نگذارد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ملاکی نبی باب دوم آیات از ۸ تا ۱۳)

اسرائیل خالق خود را فراموش کرده!!! قصرها بناء میکند!!! و یهودا شهرهای حصاردار بسیار میسازد! اما من آتش بشهرهایش خواهم فرستاد!!! که قصرها یش را بسوزاند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ باب هشتم آیه ۱۴)

**ای اسرائیل مثل قومها شادی و وجد منما! زیرا که از خدای خود زنا نمودی! و در همه خرمنها جرت را دوست داشتی!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از هوشع نبیّ باب نهم آیه ۱)

خداوند بسموئیل گفت: آواز قوم را در هر چه بتو گفتند: بشنوز زیرا که تو را ترک نکردند بلکه مرا ترک کردند! تا برایشان پادشاهی ننمایم! بر حسب همه اعمالی که از روزی که ایشان را از مصر بیرون آوردم بجا آوردند!!! و مرا ترک نموده **خدایان غیر را عبادت نمودند!!! پس باتو نیز همچین رفتار مینمایند!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب هشتم آیه ۸)

**وزمین ایشان از نقره و طلا پر شده! و خزاین ایشان را انتهائی نیست!!! و زمین ایشان از بُتها پُر است!!! صنعت دستهای خویش را که با انگشتهای خود ساختند سجده مینمایند!!! و مردم خم شده و مردان پست میشوند!!! لهذا ایشان را نخواهی آمرزید!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبیّ باب دوم آیه ۸)

و افعال ایشان بضدّ خداوند میباشد! تا چشمان جلال او را بتنگ آورند!!! سیمای روی های ایشان بضدّ ایشان شهادت است!!! و مثل سدوم گناهان خود را!!! فاش کرده! آنها را مخفی نمیدارند!!! و ای برجانهای ایشان!!! زیرا که بجهت خویشتن شرارت را بعمل آوردند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبیّ باب سوم آیه ۹)

و اما توای پسرانسان!!! خداوند یهوه چنین میفرماید: که بهرجنس مرغان و بهمه حیوانات صحراء بگو: جمع شوید و بیایید! و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح مینمایم فراهم آید!!! قربانی عظیمی برکوههای اسرائیل تا گوشت بخورید و خون بنوشید! گوشت جباران را خواهید خورد! و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید!!! از قوچها و بره ها و بزها و گاوها که همه آنها از پرواریهای ایشان میباشند! و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم! پیه خواهید خورد تا سیر شوید! و خون خواهید نوشید تا مست شوید!!! و خداوند یهوه میگوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!! و من جلال خود را در میان امتهای قرار خواهم داد!!! و جمیع امتهای دوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت! و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد! مشاهده خواهند نمود! و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد خواهند دانست!!! که من یهوه خدای ایشان هستم! و امتهای خواهند دانست که خاندان اسرائیل! بسبب گناه خودشان جلای وطن گردیدند! زیرا چونکه بمن خیانت ورزیدند! من روی خود را از ایشان پوشانیدم! و ایشان را بدست ستم کاران ایشان تسلیم نمودم!!! که جمیع ایشان با شمشیر افتادند!!! بر حسب نجاسات و تقصیرات ایشان با ایشان عمل نموده! روی خود را از ایشان پوشانیدم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب سی و نهم آیات از ۱۷ تا ۲۵)

و کلام خداوند بمن نازل شده گفت: خداوند چنین میفرماید! تکبر یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را تباه خواهم ساخت!!! و این قوم شریری که از شنیدن قول من ابا! سرکشی دل خود را پیروی مینمایند!!! و در عقب خدایان غیر رفته! آنها را عبادت و سجده میکنند! و مثل این کمر بندی که لایق هیچ کار نیست خواهند شد! زیرا که خداوند میگوید: چنانکه کمر بند بکمر آدمی مچسبد! همچنان تمامی خاندان اسرائیل و تمامی خاندان یهودا! را بخویشتن چسبانیدم! تا برای قوم! و اسم فخر! و زینت باشند! اما نشنیدند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سیزده آیات از ۹ تا ۱۲)

واگر دردل گوئی این چیزها چرا بمن واقع شده است؟!؟ بدانکه بسبب کثرت گناهانت دامنهایت گشاده شده!!! وپاشنه هایت بزوربرهنه گردیده است!!! آیا حبشی پوست خودرا تبدیل تواند نمود؟! یا پلنگ پیسه های خویش را! **آنگاه شما نیزکه ببدی کردن معتاد شده اید نیکوئی نتوانید کرد!** ومن ایشان رامثل گاه که پیش روی باد صحراء رانده شود!!! پراکنده خواهم ساخت!!! خداوند میگوید: قرعه توونصیبی که ازجانب من برای توپیموده شده این است! چون که مرا فراموش کردی وبدوغ اعتماد نمودی! پس من نیزدامنهایت را پیش روی تو منکشف خواهم ساخت! ورسوائی تودیده خواهد شد! فسق وشیبه های تووزشتی زنا کاری تو!!! اورجاسات تورا برتلهای بیابان مشاهده نمودم! وای برتوای اورشلیم تابکی دیگر ظاهر نخواهی شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق واز کتاب حزقیال نبی باب سیزدهم آیات از ۲۲ تا ۲۷)

**وکلام خداوند برمن نازل شده!!! گفت: ای پسرانسان بضدّ انبیاء اسرائیل که نبوت مینمایند!!! نبوت نما و با آنائیکه از افکار خود نبوت میکنند!!! بگو: کلام خداوندرا بشنوید!!! خداوند یهوه جنین میگویند: وای بر انبیاء که تابع روح خویش میباشند و هیچ ندیده اند!!! انبیاء تومانند روباهان در خرابه هابوده اند! شما برخنه ها بر نیامدید!!! و دیوار را برای خاندان اسرائیل تعمیر نکردید!!! تا ایشان در روز خداوند بجنگ بتوانند ایستاد!!! رویای باطل و غیب گوئی کاذب می بینند؛ و میگویند: خداوند میفرماید: با آنکه خداوند ایشان را نفرستاده است! و مردمان را امیدوار میسازند با آنکه کلام تابع خواهد شد!!! آیا رویای باطل ندیدند؟! و غیب گوئی کاذب را ذکر نکردید؟! چونکه گفتید: خداوند میفرماید: با آنکه من تکلم نمودم! بنابراین خداوند میفرماید: چونکه سخن باطل گفتید: و رویای کاذب دیدید اینک خداوند یهوه میفرماید: من بضدّ شما خواهم بود!!!**

پس دست من بر انبیاء که رویای باطل دیدند!!! و غیب گوئی کاذب کردند دراز خواهد شد! و ایشان در مجلس قوم من داخل نخواهند شد! و در دفتر خاندان اسرائیل ثبت نخواهند گردید!!! و بزمین اسرائیل وارد نخواهند گشت!!! و شما خواهید دانست که من خداوند یهوه میباشم!!! و از این جهت که قوم مرا گمراه کرده گفتند: که سلامتی است در حینیکه سلامتی نبود! و یکی از ایشان دیوار را بناء نمود! و سائرین آن را بگل ملات مالیدند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب سیزدهم آیات اغز ۱ تا ۱۱)

هر کسی از خاندان اسرائیل بتهای خویش را در دل خود جای دهد!!! و سنگ مصادم گناه خویش را پیش روی خود بنهد!!! و نزد نبی بیاید!!! من که یهوه هستم آن را که میآید! موافق کثرت بتهایش اجابت خواهم نمود! تا خاندان اسرائیل را در افکار خودشان گرفتار سازم!!! چونکه جمیع ایشان بسبب بتهای خود از من مرتد شده اند! بنابراین خاندان اسرائیل بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: توبه کنید و از بتهای خود بازگشت نماید! و رویهای خویش را از همه رجاسات خود برگردانید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب چهاردهم آیات از ۴ تا ۶)

کلام خداوند بوی نازل شده اورا گفت: ای ایلیا تورا در اینجا چه کار است؟ و در جواب گفت: بجهت یهوه خدای لشگرها غیرت عظیمی دارم؛ زیرا که بنی اسرائیل عهد تورا ترک نموده!!! مذبح های تورا منهدم ساختند!!! و انبیای تورا با شمشیر کشته اند! و من بتهائی باقی ماندم! و قصد هلاکت جان من نیز دارند! او گفت: بیرون آئی و بحضور خداوند در کوه بایست! و اینک خداوند عبور نمود! و باد عظیم سخت کوهها را منشق ساخت! و صخره هارا بحضور خداوند خرد کرد! اما خداوند در باد نبود!!! و بعد از باد زلزله شد اما خداوند در زلزله نبود! و بعد از زلزله آتشی آمد اما خداوند در آتش نبود!!! و بعد از آتش آوازی ملایم و آهسته! و چون ایلیا این را شنید روی خود را با ردای خویش پوشانیده بیرون آمد و در دهنه مغاره ایستاد! اینک هاتفی به او گفت: ای ایلیا تورا در اینجا چه کار است؟!!

اودر جواب گفت: بجهت یهوه خدای لشگرها غیرت عظیمی دارم!!! زیرا که بنی اسرائیل عهد تورا ترک کرده! مذبح های تورا منهدم ساختند! و انبیاء تورا با شمشیر کشته اند! و من بتنهائی باقی مانده ام و قصد هلاکت جان من نیز دارم!!! از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب نوزدهم ئیلت از ۹ تا ۱۵)

خداوند چنین گفت: برو و کوزه سفالین از کوزه گربخر؛ و بعضی از مشایخ قوم و مشایخ گهنه را همراه خود بردار؛ و بوادی ابن هئوم که نزد دهنه که دروازه کوزه گران است بیرون رفته سخنانی راکه بتو خواهم گفت: در آنجا ندا کن؛ و بگو: ای پادشاهان یهودا و سکنه اورشلیم کلام خداوند را بشنوید: یهوه صباوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک بر این مکان چنان بلائی خواهم آورد!!! گوش هر کسیکه آن را بشنود صدا خواهد کرد! ز آنروکه مرا ترک کردند و این مکان را خوار شمردند! و بخورد آن برای خدایان غیر که بخود! و نپدران ایشان و نپادشاهان یهودا آنها را شناخته بودند سوزانیدند!!! و این مکان را از خون بیگناهان مملو ساختند! و مکانهای بلند برای بعل بناء کردند! تا پسران خود را بجای قربانی های سوختنی برای بعل بسوزانند!!! که من آن را امر نفرموده و نگفته و در دلم نگذاشته بودم! بنابراین خداوند میگوید: اینک ایامی میآید که این مکان بتوفت یا بوادی ابن هئوم دیگر نامیده نخواهد شد!!! بلکه بوادی قتل و مشورت یهودا و اورشلیم را در این مکان باطل خواهم گردانید!!! و ایشان را از حضور دشمنان ایشان!!! و بدست آنانیکه قصد ایشان دارند خواهم انداخت!!! و لاشه های ایشان را خوراک مرغان هوا و حیوانات زمین خواهم ساخت! و این شهر را مایه حیرت و سخریه خواهم گردانید!!! بحدی هر که از آن عبور کند متحیر شده! بسبب جمیع بلایایش سخریه خواهد نمود!!! گوشت پسران ایشان و گوشت دختران ایشان را بایشان خواهم خورانید!!! در محاصره! تنگی که دشمنان ایشان! و جویندگان جان ایشان را برایشان خواهم آورد! هر کس گوشت همسایه خود را خواهد خورد!!! آنگاه کوزه را بنظر آنانیکه همراه تو میروند بشکن!!!

وایشان را بگو: یَهُوه صَبَايُوت چنین میگوید: بنوعیکه کسی کوزه کوزه گرا  
 میشکند! و دیگر آن را اصلاح نتوان کرد! همچنان این قوم و این شهر را خواهم  
 شکست!!! و ایشان را در توفت دفن خواهند کرد تا جایی برای دفن کردن باقی  
 نماند!!! خداوند میگوید: به این مکان و ساکنانش چنین عمل خواهم نمود! و این  
 شهر را مثل توفت خواهم ساخت!! و خانه های اورشلیم و خانه های پادشاهان  
 یهود! مثل مکان توفت نجس خواهد شد!!! یعنی همه خانه های که بر بامهای  
 آنها بخور برای تمامی لشگر آسمان سوزانیدند! هدایای ریختنی برای خدایان  
 غیر ریختند!!! پس ارمیاء از توفت که خداوند او را بجهت نبوت کردن به آنجا  
 فرستاده بود باز آمد!!! و در صحن خانه خداوند ایستاد بتمامی قوم گفت: یَهُوه  
 صَبَايُوت تمامی بلایا!!! راکه در باره اش گفته ام وارد خواهم آورد!!! زیرا که  
 گردن خود را سخت گردانیده کلام مرا نشنیدند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب  
 ارمیاء نبیّ تمامی باب نوزدهم)

و خداوند فرمود: بهمین منوال بنی اسرائیل نان نجس در میان امتّهائی که من  
 ایشان را بمیان آنها پراکنده میسازم خواهند خورد!!! پس گفتم: آه ای خداوند  
 یَهُوه اینک جان من نجس نشده! و از طفولیت خود تا بحال میته یا دریده شده  
 را نخورده ام! و خوراک نجس بدهانم نرفته است!!! آنگاه بمن گفت: بدانکه  
 سرکین گاورا بعوض سرکین انسان بتو دادم!!! تا نان خود را بر آن خواهی پخت  
 ! و مرا گفت: ای پسرانسان اینک من عصای نان را در اورشلیم خواهم شکست  
 و نان را بوزن عسرت خواهند خورد! و آب را بپیمایش و حیرت خواهند نوشید  
 ! زیرا که محتاج نان و آب خواهند شد! و بحیرت بر یکدیگر نظر خواهند انداخت!  
 بسبب گناهان خود گداخته خواهند شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال  
 نبیّ باب چهارم آت از ۳ تا ۱۷)

بنابراین خداوند یَهُوَه چنین میگوید: چونکه شما زیاده از امتّهائی که گرداگرد شما میباشند غوغا نمودید! و بفرایض من سلوک نکرده! احکام مرا بعمل نیاوردید! بلکه موافق احکام امتّهائی که گرداگرد شما میباشند نیز عمل نمودید!!! لهذا خداوند یَهُوَه چنین میگوید: من اینک بضدّ تو هستم!!! و در میان تو بنظر امتّها داوریهها خواهم نمود! و با تو بسبب جمیع رجاسات کارها خواهم کرد!!! که قبل از این نکرده باشم و مثل آنها هم دیگر نخواهم کرد!!! بنابراین پدران در میان تو پسران را خواهند خورد! و پسران پدران خویش را خواهند خورد! و بر تو داوریه های نموده تمامی بقیت تورا بسوی هرباد پراکنده خواهم ساخت! لهذا خداوند یَهُوَه میگوید: بحیات خودم قسم چونکه تو مقدّس مرا بتمامی رجاسات! و جمیع مکروهات خویش نجس ساختی!!! من نیز البتّه تورا منقطع خواهم ساخت! و خشم من شفقت نخواهد نمود! و من نیز رحم نخواهم فرمود! یک ثلث تو در میانیت از و با خواهد مرد و از گرسنگی تلف خواهد شد!!! و یک ثلث به اطرافت با شمشیر خواهد افتاد! و ثلث دیگر را بسوی هرباد پراکنده ساخته! شمشیر در عقب ایشان خواهم فرستاد! پس چون غضب من به اتمام رسیده باشد! وحدت خشم خویش را بر ایشان ریخته باشم! آنگاه پشیمان خواهم شد! و چون حدت خشم خویش را بر ایشان به اتمام رسانیده باشم! آنگاه خواهند دانست که من یَهُوَه این را در خویش گفته ام!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب پنجم آیات از ۷ تا ۱۴)

و خداوند در آیام یوشیا پادشاه بمن گفت: آیا ملاحظه کردی که اسرائیل مرتدّ چه کرده است؟ چگونه بفراز هر کوه بلند وزیر هر درخت سبزرفته؟! در آنجا زنا کرده است؟! و بعد از آنکه همه این کارها را کرده بود؟! من گفتم: نزد من رجوع نما اما رجوع نکرد!!! و خواهر خائن او یهودا این را بدید! و من دیدم با آنکه اسرائیل مرتدّ زنا کرد! و از همه جهات او را بیرون کردم! و طلاق نامه بوی دادم لکن خواهر خائن او یهودا نترسید! بلکه او نیز رفته مرتکب زنا شد! و واقع شد که بسبب سهل انگاری او در زنا کاریش زمین ملوث گردید!!! و او با سنگها و جوبها زنا نمود! و نیز خداوند میگوید: با وجود این همه خواهر خائن او یهودا

نزدمن با تمام دل خود رجوع نکرد بلکه با ریا کاری! پس خداوند مرا گفت:  
 اسرائیل مرتدّ خویشتن را از یهودا خائن عادل تر نموده است!!! لهدا برواین  
 سخنان را بوی ندا کرده! بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل مرتدّ رجوع نما! ویر  
 تو غضب نخواهم نمود! زیرا که خداوند میگوید: من رؤف هستم و تابه ابد خشم  
 خود را نگاه نخواهم داشت! فقط بگناهانت اعتراف نما که بریهوه خدای خود  
 عاصی شدی!!! و راههای خود را زیر هر درخت سبزی برای بیگانگان منشف  
 ساختی!!! و خداوند میگوید: که شما آواز مرا نشنیدید! پس خداوند میگوید: ای  
 پسران مرتدّ رجوع نمائید! زیرا که من شوهر شما هستم!!! و از شما یک نفر از  
 شهری و دو نفر از قبیله گرفته شما را به صهیون خواهم آورد! و بشما شبانان  
 موافق دل خود خواهم داد! که شما را بمعرفت و حکمت خواهند چرانید!!!  
 (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب نستم آیالت از ۶ تا ۱۶)

در باره قوم خود و میراث خویش بنی اسرائیل محاکمه خواهم نمود! زیرا که  
 ایشان را در میان امّتها پراکنده ساخته! و زمین مرا تقسیم نموده اند!!! و بر قوم  
 من قرعه انداخته! و پسر را در عوض فاحشه داده! و دختری را بشراب فروختند  
 تا بنوشند!!! و حال ای صور و صیدون و تمامی دیار فلسطینیان شما را با من  
 چکار است؟! آیا بمن جزاء میرسانید؟! و اگر بمن جزاء برسانید! من جزای شما  
 را بزودی هر چه تمام تر بر سر شما ردّ خواهم کرد!!! چونکه نقره و طلا و نفایس  
 و زیبای مرا گرفته! آنها را بهیکل های خود در آوردید! و پسران یهودا و پسران  
 اورشلیم را بپسران یونانیان فروختید!!! تا ایشان را از حدود ایشان دور کنید!!!  
 (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب یوئیل نبیّ باب سوم آیات از ۱ تا ۷)

و قوم من جازم شدند که از من مرتدّ گردیدند! و هر چند ایشان را بسوی حضرت  
 اعلی دعوت نمایند! لکن کسی خویشتن را بر نمی افرازد!!! (از کتاب مقدّس عهد  
 عتیق و از کتاب هوشع نبیّ باب یازدهم آیه ۷)

ملعون باد کسیکه کار خداوند را با غفلت عمل نماید! و ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون باز دارد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ چهل و هشتم آیه ۱۱)

بنابر این خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه شما تقصیرهای خویش را منکشف ساخته اید!!! و خطایای خود را در همه اعمال خویش ظاهر نموده!!! عصیان خود را یاد آوراید!!! پس چون بیاد آورده شدید دستگیر خواهید شد!!! و توای رئیس شریرا اسرائیل که بزخم مهلک مجروح شده!!! و اجل تو در زمان عقوبت آخ رسیده است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب بیست و یکم آیه ۲۵)

پس در ماه سوم از سال پانزدهم سلطنت آسا در اورشلیم جمع شدند! و در آنروز هفتصد گاو و هفت هزار گوسفند از غنیمتی که آورده بودند؛ برای خداوند ذبح نمودند و بتمامی دل و جان خود عهد بستند! که یهوه خدای پدران خود را طلب نمایند!!! و هر کسیکه یهوه خدای اسرائیل را طلب ننماید! خواه کوچک! و خواه بزرگ! و خواه مرد! و خواه زن کشته شود! و بصدای بلند آواز شادمانی و کرناها و بوق ها برای خداوند قسم خوردند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب پانزدهم آیات از ۱۰ تا ۱۵)

و بنی اسرائیل در آنچه حرام شده بود! خیانت ورزیدند زیرا که عفان بن کرمی ابن زبدی ابن زارح از سبط یهود! از آنچه حرام شده بود گرفت! غضب خداوند بر بنی اسرائیل افروخته شد! (کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب صحیفه یوشع باب هفتم آیه ۱)

پس بنی اسرائیل در میان کنعانیان! و حثیان! و آموریان! و فرزریان! و حوایان و یبوسیان ساکن میبودند! دختران ایشان را برای خود بزنی میگرفتند! و دختران خود را بیسران ایشان میدادند! و خدایان آنها را عبادت مینمودند! و بنی اسرائیل آنچه در نظر خداوند ناپسند بود کردند!!! و یهوه خدای خود را فراموش نموده!!! و بتهارا عبادت کردند! و غضب خداوند بر اسرائیل افروخته شده! ایشان را بدست کوشان رشع تایم پادشاه آرام نهرین فروخت! و بنی اسرائیل کوشان رشع تایم را هشت سال بندگی کردند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران سوم آیات از ۹ تا ۱۵)

و تمامی بنی اسرائیل به آنجا در عقب آن زنا کردند!!! و واقع شد بعد از وفات جدعون که بنی اسرائیل برگشته در پیروی بعلها زنا کردند! و بعل بُت را خدای خود ساختند!!! و بنی اسرائیل یهوه خدای خود را!!! که ایشان را دست جمیع دشمنان ایشان از هر طرف رهایی داده بود بیاد نیاورند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران باب هشتم آیات از ۳۵ تا ۳۸)

بنی اسرائیل باز در نظر خداوند شرارت ورزیده! بعلیم و عشتارت و خدایان آرام و خدایان صیدون و خدایان موآب بنی عمّون و خدایان فلسطینیان را!!! عبادت کردند! و یهوه را ترک کرده او را عبادت نکرده اند!!! و غضب خداوند بر اسرائیل افروخته شده!!! ایشان را بدست فلسطینیان و بدست بنی عمّون فروخت!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران باب دهم آیات از ۸ تا ۶)

**و مردان بنی اسرائیل بر بنیامینیان برگشته! ایشان را بدم شمشیر کشتند! یعنی تمام اهل شهر و بهایم و هر چه را که یافتند! و همچنین همه شهرهایی را که به آنها رسیدند با آتش سوزا نیدند!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران باب بیستم آیه ۴۸)

بنی اسرائیل تمامی اوامر یهوه خدای خود را ترک کرده! بتهای ریخته شده! یعنی دوگوساله برای خود ساختند! و اشیره را ساختند!!! بت تمامی لشگر آسمان سجده کردند! و بعل را عبادت نمودند و پسران و دختران خود را از آتش گذرانیدند!!! و فالگیری و جادوگری نموده خویشان را افروختند! تا آنچه در نظر خداوند ناپسند بود بعمل آورده! خشم او را بهیجان می آورند! پس از این جهت غضب خداوند بر بنی اسرائیل بشدت افروخته شده! ایشان را از حضور خود دور انداخت! که جز سبط یهودا فقط باقی نماند! اما یهودا نیز اوامر یهوه خدای خود را نگاه نداشتند! بلکه بفرایض که اسرائیلیان ساخته بودند سلوک نمودند! پس خداوند تمامی

ذریّت بنی اسرائیل را ترک نموده! ایشان را ذلیل ساخته!!! و ایشان را بدست تاراج کنند گان تسلیم نمود!!! حتی اینکه ایشان را از حضور خود دور ساخت!!! زیرا که او بنی اسرائیل را از خاندان داود منشق!!! ساخت و ایشان یربعام بن نباط را پادشاهی خود نصب نمودند! و یربعام بنی اسرائیل را از پیروی خداوند برگردانیده! ایشان را مرتکب گناه عظیم ساخت! و بنی اسرائیل بتامی گناهی که یربعام ورزیده بود سلوک نموده!!! آنها از او اجتناب نکردند! تا آنکه خداوند بنی اسرائیل را موافق آنچه!!! بواسطه جمیع بندگان خود انبیاء گفته بود از حضور خود دور انداخت! پس بنی اسرائیل از زمین خود تا امروز به آشور جلای وطن شدند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم پادشاهان باب هفدهم آیات ۱۶ تا ۲۴)

چونکه خداوند میگوید: بنی یهودا آنچه در نظر من ناپسند است بعمل آوردند!!! و رجاسات خویش را در خانه که به اسم من مسمی است برپا نموده!!! آن را نجس ساختند! و مکانهای بلند خود را در توفت که در وادی ابن هتوم است بناء نمود! تا پسران و دختران خویش را در آتش بسوزانند!!! که من این کار را امر نفرموده بودم! و بخاطر خویش نیاورده!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب هفتم آیات از ۳۰ و ۳۱)

خداوند چنین میفرماید: تکبری یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را همچنین تباه خواهم ساخت! و این قوم شریری که از شنیدن قول من ابا نموده! سرکشی دل خود را پیروی مینمایند! و در عقب خدایان غیر رفته! آنها را عبادت و سجده میکنند! مثل کمر بندی که لایق هیچ کار نیست خواهند شد! زیرا که خداوند میگوید: چنانکه کمر بندی بکمر آدمی می چسبید! تمامی خاندان بنی اسرائیل و تمامی خاندان یهودا بخوشتن چسبانیدم! تا برای من قوم و اسم و فخرو زینت باشند! اما نشدند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سیزدهم آیات از ۹ تا ۱۲)

واگر دردل خود گوئی این چیزها چرا بمن واقع شده است؟! برای آنکه کثرت گناهانت!!! دامنهایت گشاده شده؛ پاشنه هایت بزور برهنه گردیده است!!!! آیا حبشی پوست خود را تبدیل تواند نمود؟! یا پلنگ پیسه های خویش را؟! آنگاه شما نیز که ببدی کردن معتاد شده اید نیکوئی نتوانید کرد؟! و من ایشان را مثل کاه که پیش روی باد صحراء رانده شود!!! پراکنده خواهم ساخت!!! خداوند میگوید: قرعه تو نصیبی که از جانب من پیموده شده این است!!! **چونکه مرا فراموش کردی!!! و بدروغ اعتماد نمودی پس من نیز دامنهایت را پیش روی تو منکشف خواهم ساخت! و رسوائی تو دیده خواهد شد! فسق و شیبه های تو و زشتی زنا کاری تو! و رجاسات تو را بر تلهای بیابان مشاهده نمودم! و ای بر تو ای اورشلیم تا یکی دیگر ظاهر نخواهی شد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ار میاء نبی بابسیزدهم آیات از ۲۲ تا ۲۷)

که مرا گفت: ای پسرانسان بر پاهای خود بایست تا با تو سخن گویم: و چون این را بمن گفت: روح داخل من شد مرا برپاهایم برپا نمود!!! و او را با من تکلم نمود شنیدم! که مرا گفت: ای پسرانسان من تو را نزد بنی اسرائیل میفرستم یعنی نزد امت فتنه انگیزی! که بمن فتنه انگیزته اند!!! ایشان و پدران ایشان تا به امروز بر من عصیان ورزیده اند!!! و پسران ایشان سخت رویی!!! و قسی القلب هستند! و من تو را نزد ایشان میفرستم! تا به ایشان بگوئی خداوند یهوه چنین میفرماید: و ایشان خواه بشنوند و خواه نشنوند!!! زیرا که خاندان فتنه انگیز میباشند! خواهند دانست که نبی در میان ایشان هست! و تو ای پسرانسان از ایشان مترس و از سخنان ایشان بیم مکن! اگرچه خارها و شوکها با تو باشد و در میان عقربها ساکن باشی! اما از سخنان ایشان مترس و از رویهای ایشان هراسان مشو! زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند! پس کلام مرا بایشان بگو: خواه بشنوند! و خواه نشنوند! چونکه فتنه انگیز هستند! و تو ای پسرانسان آنچه را که من بتو میگویم: بشنو! مثل این خاندان فتنه انگیز عاصی مشوبلکه دهان خود را گشوده!!! آنچه را که من بتو میدهم بخور!!! پس نگرستم و اینک دستی بسوی من دراز شد! و در آن طوماری بود و آن را پیش من بگشود که رو و پشتش هر دو نوشته بود! و نوحه! و ماتم! و ای بر آن مکتوب بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی تمامی باب دوم)

واو مرا گفت: ای پسرانسان آیا آنچه را که مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی! و هر کس در حجره های خود! بت های خویش را عبادت میکنند! دیدی زیرا که میگویند: که خداوند ما را نمی بیند! و خداوند این زمین را ترک کرده است! و بمن گفت: که بازرجاسات عظیم تر از اینهایی که اینان میکنند خواهی دید! پس مرا بدهنه دروازه! خانه خداوند که بطرف شمال بود آورد! و اینک در آنجا بعض زنان نشسته برای تمور میگریستند!!! و او مرا گفت: ای پسرانسان آیا این را دیدی؟! بازرجاسات عظیم تر از اینها خواهی دید! پس مرا بصحن اندرونی خانه خداوند آورد و اینک نزد دروازه باهیکل خداوند!!! در میان رواق و مذبح بقدر بیست و پنج مرد بودند! که را بسوی هیکل خداوند! و رویهای خویش را بسوی مشرق داشتند! آفتاب را بطرف مشرق سجده مینمودند!!! و بمن گفت: ای پسر انسان این را دیدی؟! آیا برای خاندان یهودا بجا آوردن این رجاسات؟! که در اینجا بجای آورند سهل است؟! زیرا که زمین را از ظلم مملو ساخته اند! برای هیجان خشم من برمی گردند! و هان ساخته را ببینی خود میگذارند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب هشتم آیات از ۲ تا ۱۸)

و خداوند به او (ملانکه) گفت: از میان شهر یعنی از میان اورشلیم!!! بگذر و بر پیشانی کسانی که بسبب همه رجاساتی که در آن کرده میشود! آه و ناله میکنند نشانی بگذار!!! و با آنان بسمع من گفت: که در عقب او از شهر بگذرید و هلاک سازید! و چشمان شما شفقت نکند و ترحم منما نید!!! پیران و جوانان و دختران و اطفال و زنان را تماماً بقتل رسا نید! اما بهر کسی که این نشان را دارد نزدیک شوید! و از قدس من شروع کنید! پس مردان پیری که پیش خانه بودند شروع کردند! و به ایشان فرمود: خانه را نجس سازید و صحنهارا از کشتگان پُرساخته بیرون آید! پس بیرون آمدند و در شهر بکشتن شروع کردند! و چون ایشان می کشتند و من باقی مانده بودم!!! بروی خود در افتاده استغاثه نمودم!!! و گفتم:

آه ای خداوند یهوه آیا چون غضب خود را بر اورشلیم میریزی؟! تمامی بقیه بنی اسرائیل را هلاک خواهی ساخت؟؟؟! او مرا جواب داد!!! گناه خاندان بنی اسرائیل و یهودا بینهایت عظیم است!!! و زمین از خون مملو و شهر از ستم پر است! زیرا که میگویند: خداوند زمین را ترک کرده است!!! و خداوند نمی بیند! پس چشم من نیز شفقت نخواهد کرد!!! من رحمت نخواهم فرمود! بلکه رفتار ایشان را بر سر ایشان خواهم آورد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب نهم آیات از ۱ تا ۱۱)

و کلام خداوند بر من نازل شده است!!! گفت: ای پسرانسان آیا داوری خواهی نمود؟! آیا بر شهر خونریز داوری خواهی نمود؟! پس آن را از همه رجاساتش آگاه ساز! و بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: ای شهریکه خون را در میان خودت میریزی تا اجل تو برسد!!! ای که بتها را بصد خود ساخته خویشان را نجس نموده! بسبب خونی که ریخته مجرم شده!!! و بسبب بتهایی که ساخته نجس گردیده لهذا اجل خویش را نزدیک آورده! به انتهای سالهای خود رسیده! لهذا تورا نزد امتهای عارونزد جمیع کشورها مسخره گردانیده ام!!! ای پلید نام وای پرفتنه آنانیکه بتو نزدیک و آنانیکه از تو دور اند بر تو سخریه خواهند نمود!!! اینک سروران بنی اسرائیل هرکس بقدر قوت خویش مرتکب خونریزی!!! در میان تو میبودند! پدر و مادر را در میان تو اهانت نمودند!!! و غریبان را در میان تو مظلوم ساختند! و بریتیمان و بیوه زنان در میان تو ستم نمودند! و تو مقدسهای مرا خوار شمردی! سبتهای مرا بی عصمت نمودی! و بعضی در میان تو بجهت ریختن خون نامی نمودند! و بر کوهها در میان تو غذا میخوردند!!! و در میان تو مرتکب قباحت میشدند! و عورت پدران را در میان تو منکشف میساختند و زنان حایض را در میان تویی عصمت می نمودند!!! یکی در میان تو با زن همسایه خود عمل زشت نمود! و دیگری عروس خویش را بجور بی عصمت کرد!!! و دیگری خواهرش یعنی دختر پدر خود را ذلیل ساخت! در میان تو بجهت ریختن

خون رشوه خوردند و سودوربح گرفتند! و تومال همسایه خود را بزور غضب کردی! و مرا فراموش نمودی! قول خداوند یهوه است!!! لهذا من بسبب حرص تو که مرتکب آن شده!!! و بسبب خونی که در میان خودت ریخته ای دستهای خود را بهم میزنم!!! پس در ایامی که من بتو مکافات میرسانم! آیا دلت قوی و دستهایت محکم خواهد بود؟! من که یهوه هستم تکلم نمودم و بعمل خواهم آورد!!! و تورا در میان امتها پراکنده و در میان کشورها متفرق ساخته! نجاسات تو را از میان نابود خواهم ساخت! و بنظر امتها بی عصمت خواهی شد! و خواهی دانست که من یهوه هستم! و کلام خداوند بر من نازل شده گفت: ای پسرانسان خاندان بنی اسرائیل از نزد من دور شده اند! و جمیع ایشان مس و روی و آهن و سرب! در میان کوره و دود نقره شده اند! بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه همگی شما دود شده اید! لهذا من شمارا در میان اورشلیم جمع خواهم نمود!!! چنانکه نقره و مس و آهن و سرب و روی را در میان کوره جمع کرده آتش بر آنها میدمند تا گداخته شوند!!! همچنانکه من شما را در غضب و حدت خشم خویش جمع کرده! در آن خواهم نهاد و شمارا خواهم گداخت!!! و شما را جمع کرده! آتش غضب خود را بر شما خواهم دمید! که در میان گداخته شوید! چنانکه نقره در میان کوره گداخته میشود!!! همچنان شما در میان گداخته خواهید شد!!! و خواهید دانست که من یهوه حدت خشم خویش را بر شما ریخته ام!!! و کلام خداوند بر من نازل شده گفت: ای پسرانسان او را بگو: تو زمینی هستی که طاهر نخواهی شد!!! و باران در روز غضب بر تو نخواهد برید!!! فتنه انبیاء آن رامیانش میباشد! ایشان مثل شیر غران شکار را میدریدند جانها را میخورند! و گنجها و نفایس را میبرند و بیوه زنان را در میانش زیاد میسازند! و کاهنانش با شریعت من مخالفت ورزیده! موقوفات مرا حلال میسازند! و در میان مقدس و غیر مقدس تمیز نمیدهند! و در میان نجس و طاهر فرق نمیگذارند! و چشمان خود را از سبتهای من میپوشانند! من در میان ایشان بیحرمت گردیده ام! سرورانش

مانندگراگان درنده خون میریزند! جانها راهلاک مینمایند تا سود ناحق ببرند!  
 وانبیایش ایشان رابگل ملات اندود! رویاهای باطل میبینند!!! برای ایشان نَقال  
 دروغ زده! میگویند: خداوند یَهُوه چنین گفته است! با آنکه یَهُوه تکلم ننموده  
 و قوم زمین بشدت ظلم نموده! و مال یکدیگر را غصب کرده اند!!! و برفقیران و  
 مسکینان جفا نموده! غریبان را بی انصافی مظلوم ساخته اند!!! و من در میان  
 ایشان کسی را طلبیدم که دیوار را بناء نماید!!! و برای زمینی بحضور من در  
 شکاف بایستد! تا آن را خراب ننماید اما کسی را نیافتم! پس خداوند یَهُوه میگوید  
 :خشم خود را برایشان ریخته ام! و ایشان را به آتش غضب خویش هلاک ساخته ام  
 !طریق ایشان را برایشان وارد آورده ام!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی تمامی باب بیست و دوم)

اینک من یَهُوه خدای تمامی بشر هستم؛ آیا هیچ امری برای من مشکل میباشد  
 ؟! بنا بر این خداوند چنین میگوید: اینک من این شهر را بدست گلدانیان و بدست  
 نَبُر کدُر صرپادشاه بابل تسلیم میکنم! و او آن را خواهد گرفت! و گلدانیاتی که با  
 این شهر جنگ میکنند آمده این شهر را آتش خواهند زد! و آن را باخانه هائی  
 که بر بامهای آنها برای بعل بخور سوزانیدند! و هدایای ریختنی برای خدایان  
 غیر ریخته اند! خشم مرا بهیجان آوردند خواهد سوزانید! زیرا که بنی اسرائیل  
 و بنی یهودا از طفولیت خود پیوسته شرارت ورزیدند!!! و خداوند میگوید: که  
 بنی اسرائیل به اعمال دستهای خود خشم مرادائماً بهیجان آوردند!!! زیرا که این  
 شهر از روزی که آن را بناء کردند تا امروز باعث هیجان خشم و غضب من  
 بوده است! تا آن را از حضور خود دور اندازم! بسبب تمام شرارتی که بنی اسرائیل  
 و بنی یهودا ایشان! و پادشاهان و سروران و کاهنان و مردان یهودا!!! و ساکنان  
 اورشلیم کرده! خشم مرا بهیجان آورده اند! و پشت بمن داده اند و نرو! و هر چند  
 ایشان را تعلیم دادم بلکه صبح زود برخاسته تعلیم دادم! لکن گوش نگرفتند

وتأ ديب نپذيرفتند بلکه رجاسات خود را درخانه که به اسم من مسمی است برپا کرده آن را نجس ساختند!!! و مکانهای بلند بعل را که دروادی ابن هثوم است بناء کردند! تا پسران و دختران خود را برای مؤلک از آتش بگذرانند!!! عملی که ایشان را امرنفرمودم و بخاطرم خطور ننمود! که چنین رجسات را بجا آورده! یهودا مرتکب گناه گردانید!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سی و دوم آیات از ۲۷ تا ۳۶)

بنی اسرائیل در نظر خداوند شرارت ورزیدند! و بعل ها را عبادت نمودند! و یهوه خدای پدران خود را که ایشان را از زمین مصر بیرون آورده بود پیروی ننموده! آنها را سجده کردند و خشم خداوند را برانگیختند! و یهوه را ترک کرده بعل و عشتاروت را عبادت نموده! پس خشم خداوند بر اسرائیل افروخته شده ایشان را بدست تاراج کنندگان سپرد!!! تا ایشان را غارت نمایند!!! و ایشان را بدست دشمنانیکه به اطراف ایشان بودند فروخت! بدی که دیگر نتوانستند بادشمنان خود مقاومت نمایند! و بهر جاکه بیرون میرفتند! دست خداوند برای بدی ایشان میبود! چنانکه خدا گفته و چنانکه برای ایشان قسم خورده!!! و بنهایت تنگی گرفتار شدند!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب تورات فعلی سفر داوران باب دوم آیات از ۱۱ تا ۳۶)

و آوازه تو بسبب زیباییت در میان امتهاشایع شد! زیرا که خداوند یهوه میگوید: که آن زیبایی از جمال من که بر تو نهاده بودم کامل شد! اما بر زیبایی خود تو گول نمودی! و بسبب آوازه خویش زنا کار گردیدی!!! و زنای خویش را هر رهگذری ریختی و از آن اوشد! و از لباسهای خود گرفتی و مکانهای بلند رنگارنگ برای خود ساختی بر آنها زنا نمودی! که مثل این کارها واقع نشده و نخواهد شد! و زیورهای زینت خود را از طلا و نقره من که بتو داده بودم!!! گرفته تمثال های مردان را ساخته با آنها زنا نمودی!!! و لباس قلابدوزی خود را گرفته به آنها پوشانیدی! و روغن و بخور مرا پیش آنها گذاشتی! و نان مرا که بتو داده بودم!!! و آرد! میوه و روغن و عسل را که رزق تو ساخته بودم!!! پیش آنها برای هدیه

خوشبویی نهادی و چنین شد! قول خداوند یهوه این است! و پسران و دختران را که برای من زائیده بود! گرفته ایشان را بجهت خوراک آنها ذبح نمودی! آیا زنا کاری تو کم بود؟! که پسران مرا نیز کشتی؟! برایشان تسلیم نمودی؟! که برای آنها از آتش گذرانیده شوند؟! و در تمامی رجاسات و زناهای خود ایام جوانی خود را حینیکه عریان و برهنه بودی؟! و در خون خود می غلتیدی بیاد نیاوردی؟! و خداوند یهوه میگوید: وای بر تو وای بر تو زیرا که بعد از تمامی شرارت خود!!! خراباتهای برای خود بناء نمودی!!! و عمارات بلند!!! در هر کوچه برای خود ساختی!!! بر سر هر راه عمارت‌های بلند خود را بناء نمودی!!! زیبایی خود را مکروه ساختی! برای هر راه گذری پایهای خویش گشوده! و زنا کاریهای خود را افزودی! و با همسایگان خود پسران مصر!!! که بزرگ گوشت میباشند زنا نمودی! و زنا کاری خود را افزوده خشم مرا بهیجان آوردی! لهذا اینک من دست خود را بر تو دراز کرده وظیفه تو را قطع نمودم! و تو را به آرزوی دشمنانت یعنی دختران فلسطینیانی که از رفتار قبیح تو خجل بودند تسلیم نمودم!!! و چونکه سیر نشدی با بنی آشور نیز زنا نمودی!!! و با ایشان نیز زنا نموده سیر نگشتی! و زنا کاریهای خود را از زمین کلدانیان زیاد نمودی!!! و از این هم سیر نشدی! خداوند یهوه میگوید: دل تو چقدر ضعیف است! که تمامی این اعمال را که کار زن زانیه سلیطه میباشد بعمل آوردی! که سر هر راه خرابات خود را بناء نمودی! و در هر کوچه عمارات بلند خود را ساختی! و مثل فاحشه های دیگر نبودی!!! چونکه اجرت را خوار شمردی! ای زن زانیه که غریبان را بجای شوهر خود میگری! بجمیع فاحشه ها اجرت میدهند! اما تو بتمامی عاشقانت اجرت میدهی! و ایشان را اجیر میسازی! که از هر طرف بجهت زنا کاریهایت نزد تو بیایند! و عادت تو در زنا کاریت بر عکس سائر زنان است! چونکه کسی بجهت زنا کاری از عقب تو نمی آید! و تو اجرت میدهی و کسی بتو اجرت نمیدهد! پس عادت تو بر عکس دیگران است! بنابراین ای زانیه کلام خداوند را بشنو!!! خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه نقد تو ریخته شد! و عریانی تو از زنا کاریت با عاشقانت! و با همه بُت‌های رجاساتت! و از خون پسران که به آنها دادی مکشوف گردید!

لهذاهان من جميع عاشقانت را که با ایشان ملتذ بودی! و همه آنانیکه دوست داشتی! با همه کسانیکه از ایشان نفرت داشتی جمع خواهم نمود! و ایشان را از هر طرف نزد تو فراهم آورده! برهنگی تورا با ایشان منکشف خواهم ساخت! تا تمامی عریانت را ببینند! و بر توفتوای زنانی را که زنا میکنند!!! و خونریزی میباشند! خواهم داد! چون غضب و غیرت را بر تو وارد خواهم آورد! و تورا بدست ایشان تسلیم نموده! خراباتهای تورا خراب! و عمارات بلند تورا منهدم خواهند ساخت! و لباست را از تو خواهند کند! و زیورهای قشنگ تورا خواهند گرفت!!! و تورا عریان و برهنه خواهند گذاشت!!! و گروهی را بر تو آورده تورا **باسنگها سنگسار** خواهند کرد! و باشمشیرهای خود تورا پاره پاره خواهند نمود! و خانه های تورا با آتش سوزانیده! در نظر زنان بسیار بر تو عقوبت خواهد رسانید!!! پس من تورا از زنا کاری باز خواهم داشت! بر دیگر اجرت نخواهی داد! و حدت خشم خود را بر تو فرو خواهم نشانید! و غیرت من از تو نخواهد برگشت!!! و آرام گرفته بار دیگر غضب نخواهم نمود! چونکه ایام جوانی خود را بیاد نیآورده مرا بهمه اینکارها رنجانیدی! از این جهت خداوند یهوه میگوید: که اینک نیز رفتار تورا بر سرت وارد خواهم آورد! و علاوه بر تمام رجاسات! دیگر این عمل تحمل قبیح را مرتکب خواهی شد! اینک هر که مثل می آورد این مثل را بر تو آورده خواهد گفت: که مثل مادر دخترش میباشد!!! **و تود خترمادر خود هستی!!! که از شوهر و پسران خویش نفرت میداشت!!! و خواهر خواهران خود هستی! که از شوهران! پسران خویش نفرت میدارند!!! مادر شما حتی بود و پدر شما آموری! و خواهر بزرگ تو سامره است! که با دختران خود بطرف چپ توست! تو ساکن میباشی! خواهر کوچک تو سدوم است! که با دختران خود بطرف راست توست! تو ساکن میباشی!!! اما تود طریق های ایشان سلوک نکردی!!! و مثل رجاسات ایشان عمل نمودی! بلکه گویا این سهل بود! که تود همه رفتار خود از ایشان زیاده فاسد شدی! پس خداوند یهوه میگوید: بحیات خودم قسم که خواهر تو سدوم و دخترانش! موافق اعمال تو و دخترانت عمل نمودند! اینک گناه خواهرت سدوم این بود که تکبر**

و فراوانی نان!!! وسعاد تمندی رفاهیت برای او و دخترانش بود!!! و فقیران و مسکینان را دستگیری ننمودند!!! و مغرور شده در حضور من مرتکب رجاسات گردید! الهذا چنانکه صلاح دیدم ایشان را از میان برداشتم! سامره نصف گناهات را مرتکب نشد!!! بلکه تورجاسات خود را از آنها زیاد تر نمودی!!! و خواهران خود را بتامی رجاسات خویش!!! که بعمل آوردی مبرّی ساختی!!! پس تونیز که بر خواهران خود حکم دادی! خجالت خود را متحمل بشو!!! زیرا که بگناهات که در آنها بیشتر از ایشان رجاسات نمودی! ایشان از تو عادلتر گردیدند!!! الهذا تو نیز خجل شو و رسوائی خود را متحمل باش چونکه خواهران خود را مبرّی!!! و من اسیری ایشان یعنی اسیری سدوم و دخترانش و اسیری سامره و دخترانش!!! و اسیری اسیران تورا در میان ایشان خواهم برگردانم!!! تا خجالت خود را متحمل شده از هر چه کرده شرمنده شوی! چونکه ایشان را تسلی داده و خواهرانت!!! یعنی سدوم و دخترانش بحالت نخستین خود خواهند برگشت!!! و سامره و دخترانش بحالت نخستین خود خواهند برگشت! و تو و دخترانت بحالت نخستین خود خواهند برگشت!!! اما خواهر تو سدوم در روز تکبیر تو بزبان آورده نشد! قبل از آنکه شرارت تو منکشف بشود!!! مثل آن زمانی که دختران آرام مذمت می کردند! و جمیع مجاورانش یعنی دختران فلسطینیانی که تورا از هر طرف خوار می شمردند! پس خداوند میفرماید: که قباحت و رجاسات خود را متحمل خواهی شد! زیرا که خداوند یهوه چنین میگوید: بنهجیکه تو عمل نمودی من با تو عمل خواهم نمود! زیرا که قسم را خوار شمرده عهد را شکستی! لیکن من عهد خود را که در جوانیت با تو بستم بیا و خواهم آورد! و عهد جاودانی با تو استوار خواهم داشت! و هنگامیکه خواهر بزرگ و کوچک خود را پذیرفته باشی!!! آنگاه راههای خود را بیاد آورده خجل خواهی شد!!! و من ایشان را بجای دختران بتو خواهم داد لیکن نه از عهد تو! و من عهد خود را با تو استوار خواهم ساخت!!! خواهی

دانست که من یهوه هستم؛ تا آنکه بیاد آورده خجل بشوی! و خداوند یهوه می فرماید: که چون من همه کارهای تو را آمرزیده باشم! بار دیگر بسبب رسوائی خویش دهان خود را نخواهی گشود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب شانزدهم آیات از ۴ تا آخر باب؛

و آحابیست ساله بود که پادشاه شد؛ و شانزده سال در اورشلیم پادشاهی کرد؛ اما آنچه در نظر خداوند ناپسند بود! موافق پدرش داود بعمل نیاورد! بلکه بطریق های پادشاه اسرائیل سلوک نموده! تمثالهای نیز برای بعلم ریخت!!! و دروادی این هتوم بخور سوزانید! و پسران خود را بر حسب رجاسات امتهائیکه! خداوند از حضور بنی اسرائیل اخراج نموده بود سوزانید!!! بر مکانهای بلند و تلهای و زیر هر درخت سبز قربانی ها گذرانید!!! و بخور سوزانید! بنابراین یهوه خدایش او را بدست پادشاه آرام تسلیم نمود!!! که ایشان او را شکست داده اسیران بسیاری از او گرفته بدمشق بردند! و بدست پادشاه بنی اسرائیل نیز تسلیمش!!! که او را شکست عظیمی داد!!! و قح بن رملیا صد و بیست هزار نفر را که جمیع ایشان مردان جنگی بودند! در یک روز در یهودا کشت!!! چونکه یهوه خدای پدران خود را ترک نموده بودند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب بیست و هشتم آیات از ۱ تا ۷)

منسی دوازده ساله بود که پادشاه شد!!! و پنجاه و پنج سال در اورشلیم سلطنت نمود؛ و آنچه در نظر خداوند ناپسند بود! موافق رجاسات امتهائیکه خداوند آنها را! از حضور بنی اسرائیل اخراج کرده بود عمل نمود! زیرا مکانهای بلند را که پدرش حزقیال خراب کرده بود بار دیگر ببناء نمود!!! و مذبح هابرا برای بعلم برپا کرد! و اشیرها ساخت بدستهای خود! و بتامی لشگر آسمان سجده نموده! آنها را عبادت کرد و مذبح ها در خانه خداوند ببناء نمود! که درباره اش خداوند گفته بود اسم من در اورشلیم تا به ابد خواهد بود!!! و مذبح های برای تمامی لشگر آسمان! در هر دو صحن خانه خداوند ببناء نمود! و پسران خود را دروادی این هتوم از آتش گذرانید!!! و فالگیری و افسونگری میکرد و با صاحب اجنه و جاد و گران

مراوده مینمود! و در نظر خداوند شرارت بسیار ورزیده! خشم اورا بهیجان آورد و تمثال ریخته شده!! بُت راکه ساخته بود در خانه خداوند برپاداشت! که درباره اش خدا بداود و بیپسرش سلیمان گفته بود! در این خانه و در اورشلیم که آن را از تمامی اسباط بنی اسرائیل برگزیده ام! اسم خود را تا به ابد برقرار خواهم داد! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم تواریخ ایام باب سی و سی و سوم آیات از ۸ تا ۸)

و تو در تمامی این چیزهایی که بر ما وارد شده است!!! عادل هستی زیرا که تو براستی عمل نموده! اما شرارت ورزیدیم! و پادشاهان و سروران و کاهنان و پدران ما بشریعت تو عمل ننمودند!!! و به او امر و شهادت تو که به ایشان امر فرمودی گوش ندادند! و در مملکت خودشان و در احسان عظیمی که به ایشان نمودی! و زمین وسیع و برومند که پیش روی ایشان نهادی!!! تو را عبادت ننمودند و از اعمال شنیع خویش بازگشت نکردند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب نخمیا نبیّ باب نهم آیه ۳۵)

نکاتی از مؤلف: مطالب کفر و شرک و گمراهی و سکسی و فساد! زیرا از متن کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی!!! که اصل و اصل و ناب و ناب آیات شیطانی هستند نوشته میشود! که از قلم خود بخداوند خلاق پناه میبرم!

۱- یهودا پسریعقوب و اسرائیل! با عروس خود بنام تامار زنا کرده! پسران دو قلو زنا زاده و حرام زاده بنامهای فارص و زارح بدنیا آورده!!! که نام یهودیت از همین پسریعقوب با افتخار به ارث مانده است!!! که از نسل او بنام یهودیت در جهان مشهور و پراکنده میباشند!!!

۲- خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی!!! تمامی قوم یهودا و بنی اسرائیل را خدانشناس!!! و بُت پرست! و زناکار! و زنا زاده! و حرام زاده! و قاتل انبیاء عظام! و غارتگر! و تجاوزکار! و حتّی دختران! و عروسان! و زنانشان را فاحشه معرفی مینماید! و ربا خوار! و نجس! و بدترین! و شریرترین انسانهای جهان نوشته و معرفی کرده است!!! که از جای دیگر نیآورده ایم!!! که از کتاب به اصطلاح آسمانی خودشان میباشند! پس کتاب با اصطلاح آسمانی ایشان! این قوم یهودیت و بنی اسرائیل را بُت پرست و فاسد و بی غیرت معرفی مینماید! و یا باید کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی را قبول نکنند! یا اگر قبول

کرده باشند!!! این قوم بُت پرست و فساد و شریر خدا ناشناس ترین!!! قوم جهان هستند! که فرزندان زنا زاده! و حرام زاده فراوان یهودیت بسیار تولید کرده اند!!! که این زنا زاده ها! و حرام زاده ها! یهودیت و بنی اسرائیل! در کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب تورات فعلی! برگزیده و قوم و فرزندان خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی هستند! که این قدرگناه! و بزه! و بُت پرست!!! و جنایت! و زنا کاری! و قتل! و غارت! و ربا خواری! بعمل آورده اند! که اگر این قوم! قوم و فرزندان شیطان بودند!!! چه کارهایی میکردند!!!

۳- این یهودا بخدای خود خیانت ورزیده!!! زیرا که دختر خدای خود را بزنی نگرفته! و دختر خدای دیگر را بزنی گرفته است!!!

۴- پس اسرائیل از خدای خود زنا کرده!!! که چطور و چگونه مانمیدانیم!!! که کتاب تورات فعلی چنین نوشته است!!!

۵- یهودیان بنی اسرائیل خدای خود را ترک کردند! که خدا در دل بتنگ آمده که بسموئیل توصیه و سفارش مینماید! که با تو هم چنین رفتار خواهند کرد! و درد دل خدا برای سموئیل بخاطر این بوده!!! که یکی از خدایان بنی اسرائیل سموئیل بوده! که در فصل اول نوشته ایم! خدا با خدا درد دل مینماید!!!

۶- خداوند گفت: یهودیان بنی اسرائیل را در جهان پراکنده خواهم کرد!!!

۷- خداوند تورات فعلی گفت: انبیاء بنی اسرائیل احمق و مانند روباه هستند!!!

۸- یهودیان بنی اسرائیل انبیاء خداوند را بناحق با شمشیر میکشند!!!

۹- یهودیان بنی اسرائیل پسر را در عوض فاحشه دادند!!! یعنی پسر را با فاحشه عوض کردند! و دختران را بشراب فروختند!!! یعنی دختر را دادند برومیان در عوض شراب گرفتند و نوشیدند!!!

۱۰- خداوند یهوه: اسرائیل را رئیس شیریان معرفی کرده است!!!

۱۱- در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی! نوشته است! هر کسی که خدای اسرائیل را نخواند و پرستش نکند باید کشته شود!!! خواه مرد باشد و خواه زن باشد و خواه پیر باشد خواه بچه باشد!!! باید کشته شود!!!

۱۲- بنی اسرائیل در هر جنگی که پیروز شده بودند! تمام اهل شهر را میکشند و بصغیر و کبیر و حیوانات هم رحم نمیکردند!!! که مانند امروز در فلسطین چقدر جنایت و خونریزی فراوان بعمل آوردند! اگر قدرت داشته باشند! در روی زمین غیر از خودشان جنبنده را زنده نمیگذارند! بهیچ کسی رحم نخواهند کرد! که تا بحال بهیچ کسی رحم نکرده اند!!! چونکه به اصطلاح دین و فرهنگ آسمانی ایشان! چنین حکم را صادر کرده است! که غیر از یهود و بنی اسرائیل را زنده نگذارند! که مردم جهان باید آگاه و هوشیار باشند! که نگذارند این قوم جنایتکار ب قدرت و توانی کامل برسند! که تمامی مردم اهل جهان را از بین خواهند برد! و اگر کسی کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! را خوب و بادقت بخواند این قوم جنایتکار و خون آشام را نخواهد شناخت!!! و اگر دست این قوم جلادیه خداوند عالم هم برسد! او را نیز از بین خواهند برد! که این کار هم محال میباشد!

۱۳- بنی اسرائیل قبلاً فرزندان خودشان را ببتها قربانی میکردند! سرمیبریدند ولی امروزه فرزندان مسلمانان و مسیحیان را! برای عید فصح یعنی عید فطیر قربانی میکنند! که در جایش با مدارک کامل خواهیم نوشت! تا ثابت بشود که چقدر جنایتکار و خون آشامی فراوان در این باره انجام داده اند!!!

۱۴- کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! تمامی بنی اسرائیل را خواه پدرانشان و خواه فرزندانشان باشند فاسد! و فتنه انگیز! و عصیانگر! و زنا کار و شریر! و بت پرست! و خونخوار نوشته و معرفی مینماید! که در این مورد مؤلف هیچگناهی ندارد! زیرا که کتاب آسمانی این طایفه ایشان را چنین معرفی کرده که در متن خود کتاب خوانده اید! که مانوشته ایم! اگر کتاب ایشان هم ننوشته بود! باز هم همچین اخلاق و خصوصیاتى دارند! که تمامی اهل جهان میدانند و چنین است! در جایش با مدارک محکم خواهیم نوشت و ثابت خواهیم کرد! این که خون میخورند و خون آشام هستند! گوشت غیر یهود را میخورند! خواهند خورد!

۱۵- قوم یهود و بنی اسرائیل از اول شرور بودند! بخداوند عصیانگرو نافرمانی کرده اند! زیرا که هر کاری که خداوند حرام کرده بود! بنی یهود و بنی اسرائیل آن را حلال نمودند! ببینید چقدر نادان! نفهم! و جاهل بودند! که فرزندان خودشان را در مقابل بتها یکه از چوب و سنگ و خاک و فلز که با دست خودشان درست کرده بودند! سربریده! ذبح! و قربانی میکردند! از هیچ گناهی و جنایت روگردان

نبودند و نیستند! که این مطالب و این حرفها را که نوشته ایم! از متن کتاب به اصطلاح آسمانی خودشان میباشد!!! که بنام کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ میباشد؛ آیاشمارا بخداچنین کتابی رامیتوان کتاب آسمانی دانست؟؟؟!!! که تماماً از سکسی و پایین تر از کمر صحبت میکند؟؟؟!!! و زنا کاری و بی بند باری و همجنس بازی را رواج میدهد!!! و بر خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین و به انبیاء عظام او این قدر توهمین و تهمت و اهانت و افتراء نوشته؟؟؟!!! آیا باز هم میتوانیم بگوییم: که این کتاب! کتاب آسمانی تورات و شریعت موسی کلیم الله میباشد؟؟؟!!! قضاوت بر عهده خوانندگان گرامی میباشد!!!  
 درباره زندگی و عملکرد یهودیان بنی اسرائیل در کتاب تلمود انسان نباید یک فریضه دینی را عیناً طبق مقررات تورات انجام دهد! بلکه باید جزئیات و نکات اضافی بیشتری به آن بیفزاید تا مطمئن شود که وظیفه خود را بطور کامل! و بنحو احسن انجام داده است!!! (از کتاب تلمود ص ۱۶۸)

همه کتابهای مقدس! غزل! غزلهای سلیمان و جامعه سلیمان! دستها را پلید میکند!!! (از کتاب تلمود ص ۱۶۲)

متن تورات را تحریف کرده اند!!! (از کتاب تلمود ص ۳۶۵)  
 در قوانین بتورات که به آن اشاره شده است! تلمود بکرات توضیح میدهد! که مقصود از ممنوع یهودیان است!!! و نه کافران!!! (از کتاب تلمود ص ۲۳۳)  
 هر کسیکه یک غلام یهودی بخرد برای خود یک ارباب خریده است!!!  
 (از کتاب تلمود ص ۲۱۸)

بنی اسرائیل فرزندان ابلهی هستند! و وفاداری در ایشان نیست!!!  
 (از کتاب تلمود ص ۴۵)

در آینده فرزندان یعقوب در میان ملیت های جهان به غریب و در بدری خواهند افتاد!!! (از کتاب تلمود ص ۶۶)

تمام ملت اسرائیل خواه زن! خواه مرد! خواه پسر! خواه دختر باشند! همه ملت اسرائیل پیامبر خواهند شد! که وحی الهی بهمه بنی اسرائیل نازل خواهد شد!!!  
 (از کتاب تلمود ص ۱۴۳)

در نظر بنی اسرائیل عبادت و خواندن دعا و نماز ورزش است!!!  
(از کتاب تلمود ص ۱۰۶)

گناه کاری که بجهنم فرود آمده باشد! اگر در آنجا توبه کند! او را همچون تیری  
که از کمان بجهد! بخارج دوزخ پرتاب میکنند!!! (از کتاب تلمود ص ۱۲۷)

عالم هستی فقط بخاطرتورات آفریده شد!!! (از کتاب تلمود ص ۸۲)

زیرا که هستی جهان بوجود تورات بسته است!!! (از کتاب تلمود ص ۸۱)

موسی برای ما شریعتی امر فرمود! که میراث جماعت یعقوب است!!!  
(از کتاب تلمود ص ۸۳)

فرشتگان بارگاه آسمانی را تشکیل میدهند! و خداوند بدون مشورت با ایشان  
کاری را انجام نمیدهد!!! (از کتاب تلمود ص ۸۴)

مرد زنا کار! وزن زانیه ۱ لبته سنگسار و کشته شود!!!  
(از کتاب تلمود ص ۱۰۸)

اگر انسان آفریده نمی شد بهتر بود!!! (از کتاب تلمود ص ۱۱۳)

نبوت بکلی از میان ملت اسرائیل رخت بست! هنگامی که آخرین پیغمبران  
یعنی حجی و زکریا و ملاکی درگذشتند! روح القدس از اسرائیل دور شد!!!  
(از کتاب تلمود ص ۱۴۲)

نبوت از پیغمبران گرفته شد! و بداشمندان عطاء گردید!!! (از کتاب تلمود ص ۱۴۲)

نبوت از پیغمبران گرفته شد! و بدیوانگان عطاء گردید!!! (از کتاب تلمود ص ۱۴۲)

رسم زنان چنین است که در خانه بمانند! و روش مردان این است که بکوچه  
و بازار بروند! از مردان دیگر کسب اطلاعات دانش نماید!!!  
(از کتاب تلمود ص ۱۷۹)

اگر زن برای اجرای قصد خود پافشاری کند! بدون دریافت مهریه مطلقه  
میشوند!!! (از کتاب تلمود ص ۱۸۸)

هرکس تورات را بدختر بیاموزد! چنان است که گویی مطالب بیهوده! زشت را بدو آموخته است!!! (از کتاب تلمود ص ۱۹۸)

محیط فعالیت زن تنها خانه او بود! لهذا این ترس در میان بود که اگر زن وقت و نیروی خود را صرف تحصیل علم کند! ممکن است به امور خانه داری نرسد اورفاه حال افراد خانواده خود را آن طور که باید فراهم نسازد!!! (از کتاب تلمود ص ۱۹۸)

یکی از کسانی که روی جهنم را نخواهد دید! مردی است که همسر او بد است!!! (از کتاب تلمود ص ۱۸۴)

زن نمیواند وظیفه قضاوت را انجام دهد! و نیز برای شهادت دادن شایسته نیست!!! (از کتاب تلمود ص ۳۰۸)

شهود کاذب نیز اعدام خواهند شد!!! (از کتاب تلمود ص ۳۱۱)

در قتل شهود باید از مردان باشند! و نه زنان و کودکان!!! (از کتاب تلمود ص ۳۱۰)

شهادت یک شاهد مورد قبول نیست!!! (از کتاب تلمود ص ۳۱۱)

کسی که بدار آویخته شود!!! ملعون خداوند است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۲۰)

نکاتی از مؤلف: بدون هیچ توضیح این کلمات را از متن کتاب تلمود (یعنی آئین یهود) در آوریم!!! که خوانندگان گرامی خودشان تمیز فرمایند!!!

## فصل دوازدهم

درباره حکم زنا دزدی و غیره از کتاب مقدس  
عهد عتیق و از کتاب تورات تحریف شده فعلی

## احکام در تورات تحریف شده فعلی

واگر دوشخص با یکدیگر منازعه نماید!!! وزن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زنده اش رها کند! و دست خود را دراز کرده عورت او را بگیرد!!! پس دست او را قطع کن و چشم تو بر او ترحم نکند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثئیه باب بیست و پنجم آیه ۱۲)

اگر کسی را پسری سرکش و فتنه انگیز باشد! که سخن پدر و مادر خود را گوش ندهد! و هر چند او را تأدیب نمایند ایشان را نشنود! پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش بدروازه محله اش بیاورند! و بمشایخ شهرش بگویند: این پسر ما سرکش و فتنه انگیز است! سخن ما را نمیشنود!!! و مسرف و میگسار است!!! پس جمیع اهل شهرش او را با سنگ سنگسار کنند تا بمیرد! پس بدی را از میان خود دور کرده و تمامی اسرائیل چون بشنوند خواهند ترسید! و اگر کسی گناهی را که مستلزم موت است کرده باشد و کشته شود! و او را بدار کشیده باشی بدنش در شب بردار نماید! او را در همان روز دفن کن! زیرا که بردار آویخته شود ملعون خدا است! تا زمینی را که یهوه خدایت تورا بملکیت میدهد نجس نسازی!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر تثئیه باب بیست و یکم آیات از ۱۸ تا ۲۳)

اگر کسی برای خود زنی گیرد و چون بدودر آید او را مکروه دارد! و اسباب حرف بد و نسبت داده از او اسم بد شهرت دهد! و بگوید: این زن را گرفتم و چون با او نزدیکی نمودم او را باکره نیافتم! آنگاه پدر و مادر آن دختر علامت بکارت دختر را برداشته! نزد مشایخ شهر نزد دروازه بیاورد!!! و پدر و دختر بمشایخ بگوید: دختر خود را به این مرد بزنی داده ام و از او کراهت دارد! و اینک اسباب حرف بد و نسبت داده میگوید: دختر تورا باکره نیافتم و علامت بکارت دختر من این است! پس جامه را پیش مشایخ شهر بگسترانند!!! پس مشایخ آن شهر آن مرد را گرفته تنبیه کنند! او را صد مثقال نقره جریمه نموده! بپدر دختر بدهند چونکه

برباکره اسرائیل بد نامی آورده است و اوزن وی خواهد بود! در تمامی عمرش نمیتواند او را رها کند! لیکن اگر این سخن راست باشد و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود! آنگاه دختر را نزد درخانه پدرش بیرون آورند!!! و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد!!! چونکه درخانه پدر خود زنا کرده! در اسرائیل قباحتی نموده ست! پس بدی را از میان خود دور کرده! اگر مردی یافته شود که با زن شوهرداری هم بستر شده باشد! پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است وزن کشته شوند پس بدی را از اسرائیل دور کرده! اگر دختر باکره بمردی نامزد شود! و دیگری او را در شهر یافته با او همبستر شود! پس هر دو وی ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده! ایشان را با سنگها سنگسار کنند تا بمیرد!!! اما دختر را چونکه در شهر بود و فریاد نکرد! و مرد را چونکه زن همسایه خود را دلیل ساخت! پس بدی را از میان خود دور نکرده! اما آن مرد دخترنا مزد را در صحراء یابد آن مرد به اوزر آورده با او بخوابد! پس آن مرد که با او خوابید تنها کشته شود! و اما با دختری که مکن زیرا که بر دختر گناه مستلزم موت نیست! بلکه این مثل آن است که کسی بر همسایه خود برخاسته او را بکشد! چونکه او را در صحراء یافت و نا مزد فریاد بر آورد و برایش رها ننده نبود! اگر مردی دختر باکره را که نا مزد نباشد بیاورد! او را گرفته با او همبستر شود و گرفتارشوند! آنکه آن مرد که با او خوابیده است! پنجاه مثقال نقره بپدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد! چونکه او را دلیل ساخته است! و در تمامی عمرش نمیتواند او را رها کند! هیچ کس زن پدر خود را نگیرد دامن پدر خود را منکشف نسازد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثنیه باب بیست و دوم آیات از ۳ تا ۳۰)

هرگاه گاوی بشاخ خود مردی یا زنی را بزند؛ که او بمیرد گاورا البتّه سنگسار کنند و گوشتش را نخورند! و صاحب گاوبیگناه باشد!!! ولیکن اگر گاو قبل از آن شاخ زن میبود و صاحبش آگاه بود!!! و آن را نگاه داشت و او مردی یا زنی را کشت! گاورا سنگسار کنند! و صاحبش را بقتل رسانند!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست و یکم آیه ۲۹)

**ویوشع گفت: برای چه ما را مضطرب ساختی؟؟!! خداوند امروز تورا مضطرب خواهد ساخت!!! پس تمامی اسرائیل اورا سنگسار کردند!!! و آنها اورا با آتش سوزانیدند! و ایشان اورا با سنگها سنگسار کردند! و توده بزرگ از سنگها براو برپا داشتند که به امروز هست! و خداوند از شدت غضب خود برگشت! بنابراین اسم آن مکان تا امروز وادی عخور نامیده شده است!!!** (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب صحیفه یوسع باب هفتم آیه ۲۶)

اگر زدی در رخنه کردن گرفته شود! اورا بزنی بطوریکه بمیرد!!! بازخواست خون برای او نباشد! اما اگر آفتاب بر او طلوع کرد؛ بازخواست خون برای او هست البتّه مکافات باید داد! و اگر چیزی ندارد بعوض زدی که کرد فروخته شود!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست دوم آیه ۳)

**کسیکه گاوی را ذبح نماید مثل قاتل انسان است! و کسیکه گوسفندی را ذبح کند مثل شخصی است! که گردن سگ را بشکند!!!** (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب اشعیاء نبی شصت و ششم آیه ۳)

**هر کسیکه روز شنبه کار کند باید کشته شود!!!** (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و یکم آیه ۱۴)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را بگو: هر کسی از بنی اسرائیل یا از غریبانی که در اسرائیل ماوا گزیند!!! که از ذریت خود بمولک بدهد البتّه کشته شود! قوم زمین اورا با سنگ سنگسار کنند!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیستم آیه ۳)

**هر کسیکه پدر یا مادر خود را لعنت کند! البتّه کشته شود! چونکه پدر و مادر خود را لعنت کرده است؛ خونش بر خود او خواهد بود! کسیکه با زن دیگر زنا کند یعنی هر که با زن همسایه خود زنا نماید! زانی وزانیه کشته شوند! و کسیکه با زن پدر خود بخوابد و عورت پدر خود را کشف نماید! هر دو البتّه کشته شوند! خون ایشان بر خود ایشان است!!!** (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیستم آیه از ۹ تا ۲۲)

واگر کسی با عروس خود بخوابد! هر دوی ایشان البتّه کشته شوند! فاحشگی کرده اند خون ایشان بر خود ایشان است! واگر با عروس خود بخوابد! هر دوی ایشان البتّه کشته شوند! فاحشگی کرده اند خون ایشان بر خود ایشان است! واگر مردی با مردی مثل با زن بخوابد هر دو فجور کردند! هر دوی ایشان البتّه کشته شوند! خون ایشان بر خود ایشان است! اگر کسی زنی و مادرش را بگیرد این قباحت است! او و ایشان با آتش سوخته شوند! تادرمیان شما قباحتی نباشد! و مرد که با بهیمه جماع کند البتّه کشته شود! و آن بهیمه را نیز بکشید! و زنی که با بهیمه نزدیک کند تا با آن جماع کند! آن زن و بهیمه را بکش البتّه کشته شوند خون ایشان بر خود آنها است! و کسی که خواهر خود را! خواه دختر پدرش! خواه دختر مادرش باشد بگیرد! و عورت او را ببندد! و او عورت وی را ببیند این رسوائی است! در پیش چشمان پسران قوم خود منقطع شوند! چونکه عورت خواهر خود را کشف کرده است! متحمل گناه خود خواهد بود! و کسی که با زن حیاض بخوابد و عورت او را کشف نماید! و او چشمه خون خود را کشف نموده است! هر دوی ایشان از میان قوم خود منقطع خواهند شد! عورت خواهر مادرت یا خواهر پدرت را کشف مکن! آن کس خویش خود را عریان ساخته است! ایشان متحمل گناه خود خواهند بود!!! و کسی که با زن عموی خود بخوابد!!! عورت عموی خود را کشف کرده است! متحمل گناه خود خواهند بود! بی کسی خواهد بود! و کسی که زن برادر خود را بگیرد این نجاست است!!! عورت برادر خود را کشف کرده است بی کسی خواهند بود!!! پس جمیع فرایض مرا و جمیع احکام مرا نگاه داشته! آنها را بجا آورید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیستم آیات ۹ تا ۲۲)

**مرد وزنی که صاحب اجنه یا جادوگر باشد! البته کشته شود! ایشان را با سنگ سنگسار کنید! خون ایشان بر خود ایشان است!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیستم آیه ۲۷)

**زن زانیه یا بی عصمت را نکاح ننما یند! وزن مطلقه از شوهرش را نگیرند زیرا که او برای خدای خود مقدس است!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیست و یکم آیه ۸)

**ودختر هر کاهن که خود را بفاحشگی بی عصمت ساخته باشد! پدر خود را بی عصمت کرده است با آتش سوخته شود!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیست و یکم آیه ۹)

**اگر کسی دختری را که نامزد نبود فریب داده با او هم بستر شود! البته میباید او را زن منکوحه خویش بسازد! و هر کاه پدر راضی نباشد! که او را بدو بدهد! موافق مهر دوشیزگان نقد بدو باید داد! زن جادوگر را زنده مگذار!!! هر که با حیوانی مقاربت کند هر اینه کشته شود!!! هر که برای خدای غیر از یهوه و بس قربانی گذراند! البته هلاک گردد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب نسیست دوم آیات ۱۶ تا ۲۱)

**اما زبان دروغگویان از ریشه کنده خواهد شد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب امثال سلیمان نبی باب دهم آیه ۳۲)

**ببرادران و بزرگان خویش ملحق شدند و لعنت و قسم بر خود نهادند! که بتورات خدا که بواسطه موسی بنده خدا داده شده بود سلوک نمایند!!! و تمامی اوامر یهوه خداوند ما واحکام و فرایض او را نگاه دارند و بعمل آورند! و اینک دختران خود را به اهل زمین ندهیم! و دختران ایشان را برای پسران خود نگیریم!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب نحیا نبی باب دهم آیه ۳۰)

**و چون قوم دیندند که موسی در فرود آمدن از کوه تا خیر نمود!!! قوم نزد هارون جمع شده وی را گفتند: برخیز! برای ما خدایان بساز! که پیش روی ما بخرامند زیرا که این مرد موسی که ما را از زمین مصر بیرون آورد نمیدانیم!!! او را چه شده است!!! هارون به ایشان گفت: گوشواره های طلارا که در گوش زنان و پسران و دختران شما است! بیرون کرده نزد من بیاورید! پس تمام قوم گوشواره های زرین را! که در گوشهای ایشان بود بیرون کرده! نزد هارون آوردند!!!**

و آنها را از دست ایشان گرفته! آن را با قلم نقش کرد! و از آن گوساله ریخته شده ساخت! و ایشان گفتند: ای اسرائیل این خدایان تو میباشد؛ که تورا از زمین مصر بیرون آوردند! چون هارون این را بدید مذبحی پیش آن بنا کرد! و هارون ندا در داده گفت: فردا عید یهوه میباشد!!! و بامدان برخاسته قربا نیهای سوختنی گذرانیدند! هدایای سلامتی آوردند و قوم برای خوردن و نوشیدن نشستند!!! و جهت لعب برپا شدند! و خداوند بموسی گفت: روانه شده بزیر برو زیرا که این قوم تو که از زمین مصر بیرون آورده ای فاسد شده اند! و بزودی از آن طریقی که بدیشان امر فرموده ام! انحراف ورزیده! گوساله ریخته شده را برای خویشتن ساخته اند! و نزد او سجده کرده و قربانی گذرانیده! میگویند: که ای اسرائیل این خدایان تو میباشد! که تورا از زمین مصر بیرون آوردند! خداوند بموسی گفت: این قوم را دیده ام و اینک قوم گردنکش میباشد! و اکنون مرا بگذار تا خشم من بر ایشان مشتعل شده ایشان را هلاک کنم! و تورا قوم عظیم خواهم ساخت! پس موسی نزد یهوه خدای خود تضرع کرده گفت: ای خداوند چرا خشم تو بر قوم خود! که با قوت عظیم و دست زور آور از زمین مصر بیرون آورده مشتعل شده است! چرا مصریان این سخن را گویند: که ایشان را برای بدی بیرون آورد! تا ایشان را در کوهها بکشد! و از روی زمین تلف کند! پس از خشم خود برگرد و از این قصد بدی قوم خویش رجوع فرما! بندگان خود ابراهیم و اسحق و اسرائیل را بیاد آور! که به ایشان بذات خود قسم خورده! بدیشان گفتی: که ذریت شما را مثل ستارگان آسمان کثیر گردانم!!! و تمامی این زمین را که در باره !!! آن سخن گفته ام بذریت شما ببخشم! تا آن را متصرف شوند تا به ابد الابد!!! پس خداوند از آن بدی که گفته بود که بقوم خود برساند رجوع فرمود! آنگاه موسی برگشته از کوه بزیر آمد و دولوح شهادت بدست وی بود! ولوح ها به هر دو طرف نوشته بود! بدین طرف و بر آن طرف مرقوم بود!!! و لوح ها صنعت خدا بود و نوشته! نوشته خدا بود! منقوش بر لوح ها!!! و چون یوشع آواز قوم را که می خروشدند شنید! بموسی گفت: در آرد صدای جنگ است! گفت: صدای خروش ظفر

نیست! بلکه آوازمغنیان را من میشنوم! واقع شد که چون نزدیک بآردو رسید وگوساله ورقص کنندگان را دید! خشم موسی مشتعل شد! ولوح هارا از دست خود افکنده! آنها را زیرکوه شکست! وگوساله راکه ساخته بودند گرفته با آتش سوزانید! آن را خرد کرده نرم ساخت!!! و بر روی آب پاشیده و ببنی اسرائیل نوشانید!!! و موسی بهارون گفت: این قوم بتوجه کرده بودند؟! که گناه عظیمی برایشان آوردی؟! هارون گفت: خشم آقايم افروخته نشود! تو این قوم را میشناسی که مایل ببدی میباشند!!! و بمن گفتند: برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند! زیرا که این موسی که ما را از زمین مصر بیرون آورده! نمیدانیم اورا چه شده؟! بدیشان گفتم: هرکسی را طلا باشد آن را بیرون کند! پس بمن دادند و آن را به آتش انداختم!!! و این گوساله بیرون آمد! و موسی قوم را دید که بی لگام شدند!!! زیرا که هارون ایشان را برای رسوائی ایشان در میان دشمنان ایشان بی لگام ساخته بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و دوم آیات از ۲۳ تا ۲۳)

و خداوند بر هارون بسیار غضبناک شده بود تا اورا هلاک سازد! و برای هارون نیز در آن وقت دعا کردم! و اما گناه شمایی یعنی گوساله راکه ساخته بودید! گرفتم و آن را با آتش سوزانیدم و آن را خرد کرده نیکوسانیدم! تا مثل غبار نرم شده! و غبارش را بنهریکه از کوه جاری بود پاشیدم! و در تبعیره و مساً و کبورت هئاوه خشم خداوند را بهیجان آوردید! و وقتیکه خداوند شمارا از قادش بر نیع فرستاده گفت: بروید و در زمینی که بشما داده ام تصرف نمائید! از قول یهوه خدای خود عاصی شدید! و به او ایمان نیاورده آواز اورا نشنیدید! از روزیکه شمارا شناختم!!! بخداوند عصیان ورزیده اید پس بحضور خداوند بروی در افتاده ام!!! در آن چهل روز و چهل شب که افتاده بودم!!! از این جهت که خداوند گفته بود که شما را هلاک سازد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثنیه باب نهم آیات از ۲۰ تا ۲۶)

اسرائیل نیکوئی را ترک کرده است! پس دشمن او را تعاقب خواهد نمود! ایشان پادشاهان نصب نمودند! امانه از جانب من! سروران تعیین کردند! اما ایشان را نشناختم!!! از نقره و طلا خویش بُتها برای خود ساخته اند تا منقطع شوند! ای سامره اوگوساله تورا ردّ نموده است! خشم من برایشان افروخته شد! تا بکی نمیتوانید ظاهر شوید! زیرا که این نیز از اسرائیل است! او صنعتگران را ساخته است لهداخدا نیست! البته گوساله سامره خرد خواهد شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی باب هشتم آیات ۳ تا ۷)

**و شما الآن گمان میرید که با سلطنت خداوند که در دست پسران داود است مقابله توانید نمود! شما گروهی عظیمی میباشید! و گوساله های طلا که یربعام برای شما بجای خدایان ساخته است باشما میباشد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم تواریخ ایام باب سیزدهم آی ۹)

بلکه شهرت پرستی نمودند در بادیه! و خداوند را امتحان کردند در هامون! و مسئله ایشان بدیشان داد! لیکن لاغری در جانهای ایشان فرستاد! پس بموسی در اردوحسد بردند! و بهارون مقدس یهوه وزمین شکافته شده! داتان را فرورد و جماعت ابیرام را پوشانید! و آتش در جماعت ایشان افروخته شده! شعله آتش شیران را سوزانید! گوساله در حوریب ساختند! و بتی ریخته شده را! پرستش نمودند!!! و جلال خود را تبدیل نمودند بمثال گاوی که علف میخورد!!! و خدای نجات دهنده خود را فراموش کردند! که کارهای عظیم در مصر کرده بود! و قول خداوند را استماع نمودند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور صد و ششم آیات ۴ تا ۲۶)

**نکاتی از مؤلف:** با این همه ضدّ و نقیض و حرفهای زننده و سکسی و کفر! آمیز! که در کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی! که یعنی اصل و اصل ناب و ناب آیات شیطانی میباشند!!! به اصطلاح بنام کتابهای نوح و ابراهیم و هارون و موسی و داود و غیره ۰۰۰ هستند؟؟؟؟ آیا باز میتوانیم بگویم: که این کتابهای اصل و ناب آیات شیطانی؟؟؟؟ کتابهای آسمانی و شریعت نوح و ابراهیم و موسی و هارون و داود و سلیمان و انبیاء عظام ۰۰۰ غیره میباشند؟؟؟؟!!!

ایامیتوانیم بگویم: هارون پیغمبر بزرگ! انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین! بُت ساز و بُت پرست بوده؟! نعوذُ بالله! شمارا بخداوند ببینید که بمقام والای موسی و هارون و کتاب تورات موسی؟! چه اندازه تهمت و افتراء و اهانت و کذب و دروغ و کفر و شرک و گمراهی را نوشته و روا داشته؟! و نسبت داده اند؟! که یک گوساله ساخته شده بسه نفر نسبت داده اند؛ ۱- هارون برادر وزیر موسی؛ پیغمبر و رسول خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین ۲- یربعام ۳- سامره! و از این نوشتجات گوساله سازی! باز هم ضد و نقیض فراوان آشکار وجود دارد!!! که قرآن کریم وحی منزل خداوند! گوساله سازی را تنها و فقط به سامره نسبت میدهد و معرفی میفرماید! و هارون پیغمبر و رسول نبی عظام خداوند را! دشمن سامره و گوساله زرین ساخت سامره قلمداد میفرماید! که در فصل تطبیقی مفصلاً خواهیم نوشت!!!

در کتاب مقدس عهد عتیق! در کتاب تورات فعلی؛ یعنی اصل؛ ناب آیات شیطانی از جهان آخرت و قیامت یعنی بعد از مُردن!!! زنده شده هیچ خبر و اطلاع صحیحی وجود ندارد!!! مثل اینکه نویسنده این کتابها به آخرت و قیامت!!! و بهشت!!! و جهنم! عقیده نداشته و معتقد نبوده است؟؟؟! و بعقیده نویسنده این کتابها بعد از مُردن! وزنده شدن؛ حساب و کتاب وجود ندارد!!! و باز پس دادن افعال و کردار و نتیجه اعمال در کار نمیباشد! بخاطر همین عدم عقیده به آخرت و قیامت است! که یهودیان بنی اسرائیل بهر کار ناشایسته و فساد و خون ریزی و بی بند باری و بی ناموسی و بی غیرتی و جنایت دست میزنند!!! و از هیچ ظلم و فساد و حقّ کشی روی گردان نبودند و نیستند!!!

درباره نژاد پرستی یهود و بنی اسرائیل!!! و حکم زنا و دزدی و غیره از کتاب تلمود (یعنی آئین یهود) و هر کسی که غلام یهودی بخرد برای خود یک ارباب خریده است! (از کتاب تلمود ص ۲۱۸)

افراد ملت اسرائیل عزیز هستند! زیرا که فرزندان خدای حاضر و خداوند هستند در همه جا خوانده شدند!!! (از کتاب تلمود ص ۴۵)

ایشان (بنی اسرائیل) فرزندان ابلهی هستند! که در ایشان وفاداری نیست!!!  
(از کتاب تلمود ص ۴۵)

بی‌لجام؛ فساد اخلاقی و زنا کاری را بین مردم شایع کرد!!! (کتاب تلمود ص ۱۴۱)  
گناهان کبیره بت پرستی و زنا و قتل نفس و بدگویی جائز نیست!!!  
(از کتاب تلمود ص ۱۱۵)

شخصی زنا کار کافرو خدانشناس با لعل است! انتنها با جسم خود زنا میکند! و  
زنا کار است بلکه آن شخصی با چشمان خود زنا میکند! زنا کار خوانده میشود!  
شخصی نباید در کوچه و بازار از قفای زنی برود!!! حتی اگر زن همسر خود او  
باشد! کسیکه بساقهای برهنه زن را تماشا کند! سهمی از سعادت آینده نخواهد  
داشت! اگر کسی بدنبال شیر درنده باشد! بهتر از آن است! که زنی را تعقیب کند!!!  
(از کتاب تلمود ص ۱۱۶)

حصار برگرد قوانین تورات بکشید! کسیکه فرصت و امکان آن را دارد!!!  
و تورات را نمی آموزد و الجب القتل است!!! (از کتاب تلمود ص ۱۴۴)  
اکثریت زنان علاقمند بجادوگری هستند! زنان جادوگر را زنده مگذار!!!  
(از کتاب تلمود ص ۱۷۹)

انسان موظف است که تورات را بدختر خود بیاموزد!!! لکن در پی این نظر بلا  
فاصله عقیده مخالف ابراز شده است! هر کسیکه تورات را بدختر خود بیاموزد  
چنان است که گویی مطالب بیهوده و زشت را بدو آموخته است!!! زیرا که  
محیط زن تنها خانه اوست!!! (از کتاب تلمود ص ۱۹۸)

ملاحظه کن که چشم ربا خواران تا چه حد کور است! ربا خواران همانند جانیان  
هستند که خون ناحق میریزند! هر کسیکه ربا خواری میکند! کتاب مقدس درباره  
او چنین فتوی میدهد!!! که گویی تمام بدیها و گناهان سنگین را مرتکب شده  
است! آیا آن کسیکه پول خود را بر با داده! و ربح گرفته است زنده خواهد ماند؟!  
البته که زنده نخواهد ماند!!! و بسبب همه رجا ساتی که بجا آورده است خواهد  
مُرد! و خونش بر سرش خواهد بود!!! (از کتاب تلمود ص ۲۱۴)

در جهان آینده ظالمان و بد کارانی که ربا خواری میکرده اند! گوشت تن خود  
را با دندانهایشان خواهند گرفت!!! (از کتاب تلمود ص ۶)

آنکه مرتکب دزدی شود و چون نتواند مال دزدی ویابهای آن را بصاحب مال پس بدهد! دادگاه او را بگلامی بفروشد! بافروش او خسارت صاحب مال را جبران کند! مردی که بمیل خود آزادی را از خویشان سلب کند! وبگلامی دیگری درآید! عمل بسیار نکوهیده انجام داده است!!! (از کتاب تلمود ص ۲۱۷)

**ربی یوحان را عادت بر این بود! که میرفت و نزدیک گرمابه می نشست زیرا که میگفت: وقتی دختران اسرائیل از حمام بیرون می آیند! بمن نگاه کنند تا آنکه فرزندان بزبانی من بدنیآ آورند!!! (از کتاب تلمود ص ۳۸۲)**

اگر گاو بکسی شاخ زده و او را کشته باشد! بیست و سه نفری باید فتوی بدهند که آن گاو سنگسار شود یا نه!!! چنانکه گفته شده است! آن گاو سنگسار گردد! و صاحبش نیز کشته شود!!! همانطور که حکم اعدام صاحب گاو!!! انتها توسط دادگاه بیست و سه نفر میتواند صادر بشود! همانگونه حکم سنگسار کردن گاو را! نیز باید دادگاه بیست و سه نفری صادر نماید! همچنین اگر گرگی و شیر و پلنگ و یوزپلنگ و ماری انسانی را بکشد! صدور حکم آنان بر عهده دادگاه بیست و سه نفری است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۰۴)

**نکاتی از مؤلف:** این مطالب از متن کتاب تلمود (یعنی آیین یهود) است! در جهان امروزی یک یهودی را نمیتوان پیدا کرد که ربا خوار و خون آشام نباشد! بنا بنوشته کتاب تلمود! و کتاب مقدس عهد عتیق!!! که در این صورت یهودیان تماماً جانی و خون آشام هستند!!! زیرا که در دین و آیین خودشان چنین نوشته است! که ربا خواری از تمامی گناهان سنگین تر است! مرتکب شده اند! بنابراین عمل عالم و اجتماعی یهودیت ببی ایمانی استوار است!!! که نه بخداوند و نه بدینشان و نه بکتاب آسمانی ایمان و عقیده ندارد! زیرا که تمای جنایات ربا خواری ایشان را همه اهل جهان میدانند!!! و بهیچ احدی پوشیده و پنهان نیست! شما را بخدا ببینید این نژاد پرستان دروغین!!! چقدر بیفهم جنایتکاری را که انجام نداده اند! و با کتاب خداوند جنگ کرده او را تحریف کرده!!! و پیامبران الهی را

عمداً بقتل رسانیدند! بدین وسیله جهان را بفساد کشیده اند! خون میلیون ها انسان بیگناه را بزمین نثار کرده اند! و خون غیریهودی را مباح و حلال دانستند! و اهل جهان را بخاک و خون و بفساد کشیده اند! و برای عوام فریبی حیوانات وحشی و درنده را با عدالت! و انصاف محاکمه مینمایند!!! ببینید این قوم نفهم و احمق و نادان و جاهل مردم جهان را چطور مسخره! و استهزاء کرده اند! که مرگ حیوانات وحشی را بدون محاکمه حرام کرده! و خوردن گوشت و نوشیدن خون انسانهای غیریهودی را!!! برای خودشان مباح و حلال دانسته اند؛ و در جهان ترور و وحشت را ایجاد کرده اند!!! از خوانندگان محترم تقاضا دارم با تدبّر و تفکر خودشان قضاوت! و محاکمه خود این قوم خون آشام را محکوم فرماید: تا جنایات!!! و فساد کاری این قوم نژاد پرست دروغین! و خون خوار را خوب بشناسند بجهانیان اعلام فرمایند!!!

## فصل سیزدهم

درباره عیسی مسیح رسول الله بن مریم در کتاب  
مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات تحریف شده فعلی؛  
و در کتاب تلمود (یعنی آئین یهود)

## عیسی مسیح رسول الله بن مریم در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی؛ و در کتاب تلمود (یعنی آئین یهود)

و خداوند بار دیگر آحاز را خطاب کرده گفت: آیتی بجهت خود از یهوه خدایت بطلب؛ آن را از عمق ها بطلب یا از اعلی علیین بالا!!! آحاز گفت: نمیطلبم و خداوند را امتحان نخواهم نمود! گفت: ای خاندان داود بشنوید! آیا شما را چیزی سهل است؟ بنابراین خداوند بشما آیتی خواهد داد! اینک باکره حامله شده پسری خواهد زائید! نام او را عمانوئیل خواهید خواند! کره و عسل خواهد خورد! تا آنکه ترک کردن بدی! و اختیار کردن خوبی را بداند! زیرا قبل از آنکه پسر ترک نمودن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند! زمینی که شما از هر دو پادشاه آن میترسید! متروک خواهد شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب هفتم آیات از ۱۰ تا ۱۸)

نکاتی از مؤلف: بنابراین در کتاب مقدس عهد عتیق نوشته است؛ که دختر باکره حامله خواهد شد؛ بنظر ما این آیه یکی از آیات اصلی کتاب مقدس است که خداوند متعال این آیه را از دست تحریف کنندگان؛ کتاب خدا سالم و مصون نگه داشته است؛ این آیه یکی از معجزات خداوند یکتا است؛ تا بحال ملت یهود از روی جهل و حسد بی ایمانی واقع شدن!!! این آیه را قبول نکردند! این دختر این باکره حامله شده و پسری زائیده است! اما ما مسلمانان این را قبول داریم دال بر آیات قرآن کریم وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین به مسلمانان؛ که این دختر باکره حامله شده و پسری زائیده است!!! که عیسی مسیح رسول الله میباشد! که در قرآن کریم! این دختر باکره مریم مقدس دختر عمران از آل ابراهیم بت شکن؛ و قهرمان توحید!!! مادر عیسی مسیح پیغمبر و رسول الله میباشد!!! که کتاب آسمانی دارد بنام انجیل! و معجزات بسیار فراوان دارا میباشد؛ و جریان حامله شدن مریم مقدس در قرآن کریم چنین قرار است؛ که مریم خارج از شهر بیت المقدس در جای عبادت میکرد و حائلی و پرده نیز کشیده بود! ناگهان جوانی را دید که بطرف او می آید! مریم مقدس به آن جوان گفت: اگر خداوند را میشناسی و باور داری تقوی کن!!! و از خداوند بترس بمن نزدیک شو!!! آن جوان جواب داد!!! و گفت: من انسان نیستم بلکه فرشته و

مأمور خداوند تو هستم!!! که من از طرف خداوند آمده ام! بتومژده بدهم که تو پسری پاک خواهی زائید! که پیغمبر و رسول خداوند خواهد شد! مریم گفت: برای من چطور چگونه امکان دارد؟! که من صاحب پسری باشم؟! زیرا که هیچ مردی بمن دست نزده است؟! و با من نزدیکی نکرده است؟! جبرئیل فرشته گفت: خدای تو چنین اراده فرموده است! و پسر تو عیسی مسیح نام دارد! که مانند آدم بدون پدر خواهد شد! مگر خداوند تو از انجام دادن چنین کاری عاجز است؟! پس در نظر قرآن کریم!!! در کتاب مقدس عهد عتیق همان دختری باکره حامله شده! پسری را زائید! همان مریم مقدس است! و پسرش همان عیسی مسیح است! که یکی از پیغمبران و انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین میباشد! و نام کتاب آسمانی او انجیل است! که یهودیان ضدّ خداوند و ضدّ دین خداوند! و قاتل انبیاء خداوند!!! که در قرن اوّل میلادی کتاب آسمانی انجیل عیسی مسیح را تحریف کرده از بین برده نابود کردند! و بظاهر عیسی مسیح را بصلیب کشیدند! که در فصل تطبیقی عیسی مسیح رسول الله!!! مفصلاً توضیح خواهیم داد!!!

۱- قابل توجه که در سال ۱۳۴۵ هـ ش کتابی بدست اینجانب رسیده! که نام کتاب **دنیا بازیچه یهود! که چاپ مصر بود!!!** که در آن کتاب به مریم مقدس! توهین و افتراء و اهانت فراوان را روا داشته اند! و پسرش عیسی مسیح رسول الله اهانت و تهمت و توهین زیاد نوشته شده است! که در آن کتاب!!! از کتاب تلمود نوشته بود!!! و کتاب تلمود در امریکابه فارسی ترجمه شده است!!! بخاطر آن توهین و افتراء! کتاب تلمود را از امریکا آوردیم! که سندش از خود تلمود باشد!!! یعنی توهین و تهمت را از خود تلمود بنویسیم!!! و وقتی که کتاب تلمود بدست ما رسید!!! مطالعه کردیم که دیدیم آن اهانتی که بر مریم مقدس و پسرش عیسی مسیح را از کتاب تلمود خارج کردند!!! و خیلی چیزها را خارج کردند!!! بخاطر آن توهین مجبور شدیم!!! که آن اهانت و توهین را از خود کتاب دنیا بازیچه یهود بنویسیم! که قبل از نوشتن آن اهانت و تهمت ها بخداوند خلاق متعال پناه میبریم!!! که برای پیامبر پاکش و مریم مقدس که خانم هر دو جهان است! چنین توهین افتراء و تهمت را مینویسیم!!! که در کتاب دنیا بازیچه یهود و افتراء و تهمت و کفریات را چنین نوشته است!!!

خاخامهای یهودیت طی سالهای متمادی شرحها!!! و تفسیرهای گوناگون بر تورات!!! که آنها را خاخام (یوخاس) در سال (۱۵۰۰م) جمع آوری نموده و به اضافه چند کتاب دیگر که در سالهای ۲۳۰ و ۵۰۰م نوشته شده بود!!! کتاب تلمود یعنی تعلیم دیانت و آداب یهود را تألیف نمود! این کتاب نزد یهود بسیار مقدس!!! و در ردیف تورات و عهد عتیق قرار دارد!!! و برای اینکه بیشتر بخود پرستی آرماتهای ضد انسانی یهود!!! پی ببریم چند جمله از این کتاب را بدقت مطالعه میکنیم! روز دوازده ساعت است! در سه ساعت اول آن خداوند شریعت را مطالعه میکند! و در سه ساعت دوم احکام صادر میکند! و در سه ساعت سوم جهان را روزی میدهد! و در سه ساعت چهارم با حوت دریا که پادشاه ماهی ها است! بازی میپردازد! هنگامیکه خداوند امر کرد (هیکل) را خراب کنند خطاء کرده بود! و بخطای خویش اعتراف کرده! بگریه درآمد! و گفت: وای بر من که امر کردم خانه ام را خراب کنند! و هیکل را بسوزانند! و فرزندان مرا تاراج کنند! خداوند از آنکه یهود را بچنین حال باقی گذاشت سخت پشیمان است! بطوری که هر روز بصورت خود لطمه میزند!!! و زار زار گریه میکند! گاهی از چشمانش دو قطره اشک به دریا میچکد! و آنچنان صدا میکند! که تمام اهل جهان آن را میشنوند! و آبهای دریا بتلاطم! و زمین بلرزه درمی آید! هرگز خداوند از کارهای ابلهانه و غضب و دروغ برکنار نیست! قسمتی از شیاطین از فرزندان آدم هستند که از نسل او متولد شدند! و حوا در این مدت ۳۰ سال جز شیاطین فرزندی نزنید! زیرا که او هم همسریکی از شیاطین شده بود! انسان میتواند شیطان را بکشد هرگاه خمیر نان عید را نیکوبه عمل آورد! ارواح یهود از ارواح دیگران افضل است! زیرا که ارواح یهود جزء خداوند است!!! همچنان که فرزند جزء پدرش میباشد! و روحهای یهود نزد خدا عزیز تو است! زیرا که ارواح دیگران شیطانی! و مانند ارواح حیوانات است! نطفه غیر یهودی مثل نطفه حیوانات است! بهشت مخصوص یهود است! و هیچ کسی بجز آنها داخل آن نمیشود!!! ولی جهنم جای گاه مسیحیان و مسلمانان است! و در آنجا فایده جزگریه و زاری عاید آنها نمی گردد! زیرا که زمینش از گل و بسیار تاریک بد بو است! مسیح پیامبر نیامده است! و تا حکم اشرار (یعنی غیر یهود) منقرض نشود! ظهور نخواهد کرد! و آنگاه که

اوبیاید زمین خمیرنان ولباس پشمی میرویانند! ودراین وقت است که سلطه!!!  
 یهود برگشته! وتمام ملتها مسیح را خدمت خواهند نمود! درآن زمان هریهودی  
 دوهزاروهشتصد برده و غلام خواهد داشت!!! برهریهود لازم است! که املاک  
 دیگران را خریداری کند! تا آنها صاحب ملک نباشند! وهمیشه سلطه اقتصادی  
 برای یهودیان باشد! وچنانکه غیرازیهود! بریهود تسلط پیداکنند! آنها باید بر خود  
 گریسته بگویند: وای بر ما این چه ننگی است! که ماجیره خواردیگران باشیم!  
 پیش ازآنکه یهود نفوذ و سلطه کامل خود را بدست آورد!!! لازم است جنگ  
 برپا شود و دو ثلث بشر نابود شوند!!! دراین وقت مدت هفت سال یهود اسلحه  
 های جنگ را خواهند سوزانید!!! ودراین وقت است که دندانهای دشمنان!!!  
 بنی اسرائیل بمقدار بیست دوزراع! که تقریباً هزار و سیصد و بیست برابر دندانهای  
 عادی میشود!!! خارج از دهانشان بیرون خواهد آمد! هنگامیکه مسیح حقیقی  
 پا به عرصه وجود گذارد!!! یهود آنقدر ثروتمند و مال خواهند داشت!!! که کلید  
 صندوقهایش را بر کمتر از سیصد الاغ حمل نتواند کرد! و کشتن مسیحی از واجبات  
 مذهبی ماست!!! و پیمان بستن با غیریهودی را ملتزم به ادا نمیکند!!! ((یسوع  
 ناصری که ادعای پیامبری کرده! نصاری گولش را خوردند!!! با مادرش مریم  
 که او را از مردی ((بنام باندار)) به زنا آورده بود در جهنم میسوزاند)) کلیساهای  
 نصاری که در آن سگهای آدم نمابه صدا در می آیند! به منزله زباله خانه است!  
 اسرائیل در نزد خداوند بیش از ملائکه محبوب است! اگر یک نفر غیریهودی!  
 یک یهودی را بزند! چنان است که به عزت الهی جسارت کرده است!!! جزای  
 چنین شخص جز مرگ چیز دیگری نیست! و باید او را کشت! اگر یهودیان نبودند  
 برکت از روی زمین برداشته میشد و آفتاب ظاهر نشده و باران نمیبارید! همچنان  
 که انسان بر حیوانات فضیلت دارد!!! یهود بر اقوام دیگر فضیلت دارند!!! نطفه  
 که از غیریهودی منعقد شود نطفه اسب است! اجانب مانند سگ هستند! و برای  
 آنها عیدی نیست! زیرا که عید برای اجنبی و سگ خلق نشده است! سگ افضل  
 از غیریهودی است! زیرا که سگ را میتوان نان و گوشت داد! ولی نان دادن به

اجنبی حرام است! در اعیاد باید بهیچ قرابت و خویشی بین اجانب نیست! مگر در فضل الاغ قرابتی است! خانه های غیریهود به منزله طویله است!!! اجانب دشمن خدا و مثل خنزیر و قتلشان مباح است!!! اجانب برای خدمت کردن یهود بصورت انسان خلق شده اند!!! (یسوع مسیح کافر است زیرا که از دین مرتد گشته! و عبادت بت پرداخت! و هر مسیحی که یهودی نشود بت پرست! و دشمن خدا خواهد بود! از عدالت خارج است! که انسان بر غیریهود کوچکترین ترحمی روا ندارد!) غشی و خدعه کردن با غیریهودی بی مانع است!!! سلام کردن بر کفار (کسانی که یهود نیستند) اشکال ندارد بشرط آنکه سرّاً او را مسخره کرده باشد! چون یهودی با عزت الهی مساوی هستند!!! بنابراین تمام دنیا و هر چه در اوست مُلک آنها میباشد! و حق دارند که بر آن تسلط کامل یابند! دزدی از یهودی حرام!!! و از غیر او جائز است! چون دیگران مانند رملهای دریا است!!! و هر کسی زودتر بر آن دست گذاشت او مُلک آن است! یهود مانند زن شوهر دار هستند! هم چنان که زن در منزل به استراحت میپردازد!!! و شوهر خرجی او را میدهد! بی آنکه در کارهای خارج از منزل با او شرکت کند! یهود هم به استراحت پرداخته دیگران باید آنها را روزی بدهند! هرگاه یهودی واجنبی شکایت داشته باشند! باید حق را بجانب یهودی داد اگرچه بر باطل باشد!!! برای شما جائز است که مأمورین گمرک را غشی بنمائید! و برای او قسم دروغ خورید از خاخام (سمونیل) یاد بگیرید! سمونیل از مرد اجنبی کاسه از طلا بقیمت چند درهم خریداری کرد در حالیکه فروشنده نمیدانست که آن طلا است! ربودن اموال دیگران بوسیله ربا مانعی ندارد! زیرا که خداوند شمارا بر با گرفتن از غیریهودی امر میفرماید! بکسانی که یهودی نیستند قرض ندهید! مگر آنکه نزول بگیرید!!! و در غیر این صورت قرض دادن به آنها جائز نیست! زیرا که ما مأموریم به آنها ضرر برسانیم! حیات و زندگی دیگران مُلک یهود است!!! چه رسد به اموال آنها!!! هرگاه غیر یهودی احتیاج بی پول داشته باشد! آنقدر باید از او ربا و نزول گرفت!!! که تمام

**مایملکش را از دست بدهد!** غیریهودی هر چند صالح و نیکوکار باشد او را باید کشت! حرام است غیریهودی را نجات دهید! حتی اگر در چاهی بیافتد باید فوراً سنگی بردر آن گذاشت! اگر یکی از اجانب را بکشیم مثل این است!!! که در راه خدا قربانی کرده ایم! اگر یک نفر یهودی کمکی بغيریهودی بکند! گناه لایتغیری مرتکب شده است! و اگر او را در دریا غرق یافتی نباید نجاتش بدهی!!! زیرا که آن هفت ملتی که در زمین (کنعان) بودند!!! و بنابود یهود آنها را بقتل رسانند نابود نشدند! و ممکن است که شخص غریق یکی از آنها باشد! تامیتوانید غیر یهود را بکشید! چنانکه دستتان بکشتن او رسید و او را نکشتید! مرتکب خلاف شرع شده اید! هلاک کردن مسیحی ثواب بسیار دارد! اگر کسی دستش بکشتن نرسد! لا اقل سبب هلاکش را فراهم کند! کسانیکه مرتد شدند! اجنبی و اعدایشان لازم است!!! مگر آنکه برای خدعه بدیگران مرتد شده باشد!!! تعدی کردن بناموس غیریهودی مانعی ندارد! زیرا که کفار مثل حیوانات هستند! و حیوانات را زناشویی نیست!!! یهودی حق دارد زنها را غیرمؤمنه را بغصب برباید! و خلاصه زنا و لواط بغير یهودی عقاب ندارد!!! و کسیکه در خواب ببیند که با مادرش زنا میکند! حکیم و خردمند خواهد شد! و کسیکه ببیند که با خواهرش جمع شده است نور عقل نصیبش میگردد! برای یهود مانعی ندارد تسلیم شهوات خویش شود! هرگاه یکنفر یهودی در جلوی زن خود با زنی زنا کند! زن او حق ندارد مانع او شده! یا آنکه بر علیه او شکایت کند! لواط با زن جایز است!!! زیرا که زن مانند گوشتی است! که آن را از بازار خریداری میکنید!!! و بهر طور که بخواهید آن را تناول میکنید! قسم دروغ خوردن جایز است! خصوصاً در معاملات با غیر یهود! اصولاً قسم خوردن برای قطع نزاع تشریح شده است! امانه برای کفار زیرا که آنها انسان نیستند! جایز است انسان شهادت دروغ بدهد چنانچه لازم است! اگر میتوانید بیست قسم دروغ بخورید!!! ولی برادر یهودی خویش را در معرض خطر قرار ندهید! بر هر یهود واجب است روزی سه مرتبه مسیحیان را لعن کند! و دعا کند تا خداوند آنها را نابود سازد! بر ما لازم است که با نصاری

مانند حیوانات معامله کنیم! کلیساهای نصاری خانه گمراهان است! خراب کردن آنها واجب است! ماملت برگزیده خداوند یم! ولذا برای ماحیوانات انسانی خلق کرده است!!! زیرا که خدا میدانست که ما احتیاج بدوقسم حیوانات داریم! یکی حیوانات بی شعور مانند بهایم غیر ناطقه! و دیگری حیوانات ناطقه مانند مسیحیان و مسلمانان و بودائیان!!! و برای آنکه بتوانیم!!! از آنها به اصطلاح سواری بگیریم ما را در جهان متفرق ساخته است!!! و لهدا ما باید دخترهای زیبا و خوشگل خود را بیادشاهان!!! و وزرا و خلاصه شخصیت های برجسته یهود بتزویج در آوریم! تا بوسیله آنها بحکومت های جهان تسلط داشته باشیم!!! گمان نکنیم آنچه نفاق کردیم احتیاج بتعلیقی از ما داشته باشد! زیرا که خود بهترین معرفی یهود است! چنانچه خوب معلوم شد! که برای یهودیک حزب خطرناک است!!! که فریب دادن مردم در لباس مذهب درآمده است!!! (از کتاب دنیا باز چه یهود از ص ۱۲۰ تا ۱۳۰)

مقصود علماء یهود آن بوده است! یهودیان را تشویق و تشجیع کند! تا در مبارزه که برای حفظ شخصیت! و موقعیت خویش در مقابل فشارهای شدید بیگانگان دارند! استقامت بخرج دهند! در آن روزگار دویز و در صدد برانداختن جامعه یهود خود نمائی میکرد!!! یکی ظلم و ستم قدرت های غیر یهود! و بت پرست و دیگری نفوذ! و تأثیر افکار جدید! چه یونانی و چه مسیحی! و تنها بوسیله کوشش مصمم و هشیارانه ای که معمولاً با دادن قربانیهای سنگین توأم است! یهودیان را بر آن واداشت تا استقامت موفقیت آمیز خود را ادامه دهند! و دانشمندان یهودی نیز! با این تعلیم که آنها مزد و پاداش خود را در جهان آینده دریافت خواهند داشت! در این مورد به ایشان کمک کردند!!! (از کتاب تلمود از ص ۳۷۴)

بعد از آمدن ماشیح (مسیح) یهودیان زمان و دوران آن چنین خواهند شد از تلمود کلیه پیغمبران فقط درباره خوشیهای دوران ماشیح (مسیح) و سعادت توبه کاران نبوت کرده اند! **بشخصیت اسرار آمیزی دیگری نیز بنام ماشیح فرزند یوسف اشاره شده است! آن عبارت چنین است: ماشیح (مسیح) فرزند یوسف گشته شده است!!! چنانکه مرقوم است! بر من خواهند نگریست بخاطر آنسبکه جسمش را سوراخ کرده اند!!! و برای وی سوگواری خواهند کرد! مانند کسیکه برای فرزند یگانه خود سوگواری کند!!! امید بظهور ماشیح بالطبع هنگام بدبختی های ملی شدت مییافت است!!! و وقتیکه ظلم و تعدی یک دولت فاتح! که ملت اسرائیل را زیر سلطه خود داشت غیر قابل تحمل میباشد!!! یهودیان از روی غریزه!!! پیشگوییهای که در کتاب مقدس! درباره ظهور ماشیح (مسیح) شده است توجه میکردند! دردهای زایمان درد وزه ماشیح سخت و شدید خواهد شد! دانشمندان یهود این نکته را ب مردم یاد آور میشدند! که پیش از ظهور ماشیح (مسیح) آشفستگی! و فساد در جهان بعد اعلی خواهد رسید! و مشکلات و سختی های زندگی تقریباً غیر قابل تحمل خواهد شد! در دوران ماشیح (مسیح) انسان یک حبه انگور را با گاری! یا با قایق می آورند! و آن را در گوشه خانه خود می گذارند! و از آن بقدریک خم بزرگ آب انگور میگیرند! بقایای آن را در آشپزخانه میسوزانند! و با آن خوراک میپزند!!! و یک حبه انگور که سی پیمانۀ شراب ندهد یافت نخواهد شد! و در زمان ماشیح (مسیح) غلات ظرف پانزده روز بعمل خواهد آمد! و درختان در مدت یک ماه میوه خواهند داد! در آینده یک دانه گندم به اندازه دو قلوه یک گاو بزرگ خواهد بود! در جهان آینده زنان هر روز خواهند زائید! و درختان هر روز میوه خواهند داد!!! و صلح جاویدان در سراسر طبیعت حکمفرما خواهد شد! گرگ با بره سکونت خواهد داشت!!! و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید! و گوساله و شیر و گاو و پروار با هم خواهند خوابید! و طفل کوچک آنها را خواهند راند! و گاو با خرس خواهد چرید! و بچه های آنها با هم خواهند خوابید! شیر؛ مثل؛ گاو؛ گاه خواهد خورد! و طفل شیرخواره با سوراخ ماربازی خواهد کرد! کودک از شیر باز داشته شده! دست خود را بر لانه افعی خواهد گذارد! و خداوند تمامی حیوانات و خزندگان را فراخوانده! و با آنها و با تمامی اسرائیل**

عهد خواهد بست! چنانکه گفته شده است؛ در آن روز بجهت ایشان با حیوانات صحراء! و پرندگان آسمانی؛ خزندگان زمین عهد بسته! و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست! و ایشان را به امنیت خواهم خوابانید! و شیون وزاری در جهان نخواهد بود!!! و آوازگریه فغان صدای ناله و فریاد دیگر در آن شنیده نخواهد شد؛! مرگ دیگر در دنیا وجود نخواهد داشت! چنانکه گفته شده است! مرگ را تا ابد نابود خواهد ساخت! و خداوند؛ خدا اشک را از هر چهره ای پاک میکند! و عار و ننگ قوم خود را از روی تمامی زمین رفع خواهد کرد!!! زیرا که خداوند چنین گفته است! در دوران ماشیح (مسیح) اگر کسی بخواد بدین یهود در آید او را نمی پذیرند! دوران ماشیح (مسیح) چهل سال طول خواهد کشید! ربی الیعزرین؛ ربی یوسه گفت: شما متن تورات را تحریف کرده اید! ولی از این کار سودی نبرده اید! سرزمین اسرائیل مردگان آن در زمان ماشیح (مسیح) قبل از همه زنده خواهد شد! وقتی از خواب بیدار میشوی! یعنی در ایام ماشیح (مسیح) تورات با تو صحبت خواهد کرد! حاصل آنکه هر کس علیه اسرائیل! بناحق و از روی ظلم و ستم قیام کند! چنان است که گویی علیه ذات قدوس متبارک قیام کرده است! دانشمندان گفته اند در جهان آینده! ذات قدوس متبارک؛ نزول اجلال خواهند فرمود!!! فرشتگان کرسی های برای بزرگان اسرائیل برقرار خواهند کرد! تا بر آنها بنشینند! ذات قدوس متبارک؛ مانند رئیس دادگاه با پیران اسرائیل جلوس خواهد فرمود! متفقاً ملت ستمگر را داوری خواهند کرد!!! چنانکه آمده است خداوند همراه پیران قوم خود! برای قضاوت خواهد آمد!!! از انسان سؤال خواهد شد؟! آیا منتظر ظهور و نجات ماشیح (مسیح) بودی؟! آتش جهنم بردانشمندان اثری ندارد!!! اما در جهان آینده هنگامیکه ذات قدوس متبارک خزانه های کن را بر روی عدن را بر روی عادلان و نیکوکاران میگشاید!!! ظالمان و بدکاران که رباگیری میکرده اند! گوشت تن خود را با دندانهایشان خواهند گرفت! چنان که آمده است شخص احمق دستهای خود را بهم نهاده!!! و گوشت تن خویش

میخورند!!! در کتاب مقدس عهد عتیق! موجودی بنام لویاتان صحبت میکند! که خداوند او را ذبح کرد! و به عنوان غذای عادلان! نیکوکاران ترتیب داده میشود تشکیل خواهد داد! در جهان آینده! ذات قدوس صیافتی از گوشت لویاتان برای برای عادلان و نیکوکاران ترتیب خواهد داد! و ایشان بقیه گوشت آن را قسمت کرده! و به عنوان کالائی گرانبها در بازارهای اورشلیم خواهند فروخت (نعمات مادی دوران ماشیح) در جهان آینده ذات قدوس متبارک!!! سایبانی از پوست لویاتان! جهت عادلان و نیکوکاران خواهد ساخت!!! نوشابه ایشان در صیافت شرابی خواهد بود!!! که از شش روز خلقت انگور محفوظ باقی مانده است!!! (از کتاب تلمود ص ۳۸۵ تا ۳۹۸)

نکاتی از مؤلف: شمه ناچیزی از فرهنگ دینی و مذهبی! سرتاپا ضد و نقیض دیانت یهودیت که خودشان معترف هستند! و نوشته اند که تورات موسی را تحریف کرده اند!!! که ما نوشتیم که مشتم نمونه خروار است!!! که اهانت و توهین و تهمت و کذب و دروغ بخداوند متعال و به انبیاء مقدس! و پاک و بزرگ خداوند متعال زده اند!!! که فکر میکنم برای انسانهای پاک و دانا و آگاه و خدا پرست حقیقی کافی باشد!!! از خوانندگان محترم و گرامی تقاضا دارم با تفکرو تدبر و تعقل و اندیشه مطالعه فرمایند!!! و فرهنگ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و سوسی و فساد اخلاقی جهانی و غیره!!! عالم یهودیت را خواهیم نوشت!!!

## فصل چهاردهم

تطبیقی کتابهای سلمان رشدی ملعون با کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ به اصطلاح کتاب آسمانی؛ دینی؛ مذهبی یهودیت صهیون نیزم

## تطبیقی رمانهای سلمان رشدی ملعون! با فرهنگ دینی به اصطلاح کتابهای آسمانی یهودیت صهیون نیزم

نفی خدا ودین! دررمانهای سلمان رشدی ملعون!!! بشخصیت های درجه اول نسبت داده شده! در آغاز نسبت بخداوند وجود او! مسأله دارمیشود! که دررمان بچه های نیمه شب سلمان رشدی ملعون!!! آدم عزیزپدر بزرگ سلیم سینایی دچار کشمکش درونی میشود!!! کشمکش درونی کسیکه نمیتواند خداوند را پرستش کند! که چندان مطمئن نیست که خدا وجود داشته باشد! خلاء درونی ناشی از بی اعتمادی نسبت بخداوند! بسلیم سینایی به ارث میرسد! **و عمر خیام شخصیت اصلی! کتاب شرم سلمان رشدی ملعون! نیز بخداوند اعتقادی ندارد!** و مادر بزرگش در هفتمین سالگرد تولد!!! او میگوید: **بهیچ وجه حاضر نشدم که اسم خداوند را درگوشش بخوانم!** و دررمان آیات شیطانی سلمان رشدی ملعون گفت: **جبرئیل فرشته یک بار روحی را که در لیوان ظاهر میشود که میبیند! و بابا صاحب که احضارکننده روح است! از روح میپرسد؟! که آیا خدا وجود دارد؟! این سؤال بزرگی که برای جبرئیل بوده است؟! لیوان مثل موشی نیمه جان تکان کمی میخورد! سپس میگوید: اگر نمیخواهی جواب بدهی؟! به این پرسشم جواب بگو: آیا شیطان وجود دارد؟؟؟؟؟! لیوان شروع بتکان های شدید و صدای گوش خراش میکند!!! و لیوان به هوا پرتاب میشود!!! و هزاریک تکه تقسیم میشود (۱) این داستان باعث میشود! که ترید درباره خداوند!!! در وجود جبرئیل فرشته شکل بگیرد!!! و جبرئیل فرشته به انحراف جنسی! و بزندگی آغشته به فساد و فحشاء کشیده میشود! و سخت بیمار میشود! در این زمان بخدا میاندیشد! و از خدا میخواهد که به او آیات و علامتی یا چیزی بنماید! و میگوید: ای خداوند رحمان**

۱ - استفاده از کتاب نقد توطئه آیات شیطانی نویسنده عطاءاله مهاجرانی

ورحیم؟! در این زمان بتونیز مندم وازتوتقاضای کمک دارم؟؟؟؟!! متوجه می  
 شود که خداوند با کلمه ویا آیاتی ویا چیزی دیگر به او توجهی نکرده است!  
 میگوید: مثل اینکه با باد هوا سخن گفتم: هیچ چیزی وجود نداشته است وندارد!  
 روزی درمیابد که بخداوند هیچ احساسی ندارد! واین را باید بدانیم! که در تمام  
 رمانهای رشدی ملعون! نفی اعتقاد بخداوند را! به عنوان یک مضمون اصلی  
 نوشته وانتخاب کرده است! در اشکال متنوع تلاش دارد! که این بی اعتقادی  
 بخداوند را به عنوان مشخصه اصلی! قهرمانان داستانهای خود تبعیت کند!!!  
 یعنی میخواهد بی خدایی و بی دینی را در جهان گسترش دهد!!! و نفی خداوند  
 ریشه ای الهی در نوشتجات سلمان رشدی ملعون! در همان آغاز داستان شکل  
 گیری! در کتابها اتفاق افتاده است! و مأموریت اصلی کتاب آیات شیطانی همین  
 بوده است! که نفی خداوند! و نفی اندیشه دینی!!! و معنویت را با دستوریهودیت  
 صهیون نیست به انجام برساند! زیرا که فرهنگ دینی! مذهبی یهودیت صهیون  
 نیزم نفی خداوند و نفی دین و معنویت است! به اصطلاح از کتاب وحی آسمانی  
 این قوم! ضد خداوند!!! و ضد دین خداوند است ثابت کردیم!!! که فرهنگ دینی  
 این قوم ضد خداوند!!! و ضد دین خداوند! و ضد عالم بشریت میباشد!!! و سلمان  
 رشدی ملعون با این فرهنگ ساخت شده یهودیت و صهیون نیست تلاش دارد  
 که نفی خداوند! و نفی دین خداوند را ثابت کند!!! و ما باید بدانیم و قتی که خداوند  
 نیست!!! در آن وقت است که قانون خداوند هم وجود ندارد! و در آن زمان است  
 همه جرم! و جنایت! و فساد و حق کشی! و بی بند باری ظلم! و فحشاگری و همجنس  
 بازی! و بی غیرتی و بی ناموسی و غیره... مجاز و مباح و حلال میشود! و قتل و  
 غارت و خون ریزی و خونخوری رواج پیدا میکند!!! و خانواده ها از هم پاشیده  
 شده!!! اصالت انسانیت از بین خواهد رفت!!! که برای انسانیت هیچ چیزی  
 و ارزش باقی نمیماند!!! و تلاش همیشه کتابهای سلمان رشدی ملعون!!! برای  
 خدا!!! و دین خداوند همین بوده است!!! که از فرهنگ یهودیت صهیون نیزم  
 سرچشمه گرفته است!!! که رشدی ملعون به همین دلیل! مزدور و جیره خوار  
 یهودیت صهیون نیزم میباشد!!! که در فصل خدانشناسی همین کتاب نوشته ایم  
 !!! که در کتاب مقدس عهد عتیق! در کتاب تورات فعلی!!! یهودیان خداوند را بی  
 انصاف و خداوند را اشتباه کارنوشته اند! و خداوند هم از زنان زن گرفته است هم از

پسران و مردان زن گرفته است!!! و خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! و خداوند کتاب تورات فعلی!!! خودش هم زائیده است!!! ولی شوهر خداوند کتاب مقدس عهد عتیق! و شوهر خداوند تورات فعلی! وجود ندارد! ولی قاعده کلی این است کسیکه میزاید باید شوهر داشته باشد! اما شوهر خداوند را در کتاب مقدس ما پیدا نکردیم! اما زائیده است! که پسرانش شاهد زائیدنش میباشد! و خداوند کتاب مقدس! بدو خواهر فاحشه عاشق شده است! و خداوند کتاب مقدس بمادر یعقوب طلاق داده است!!! و خداوند کتاب مقدس علمی ندارد!!! و خدایان زیاد هستند! و خداوند بر کره الاغ سوار شده است! و خداوند انبیاء خودش را فریب داده است! و اینجانب مؤلف: خداوند کتاب مقدس عهد عتیق!!! و خداوند تورات فعلی را!!! همجنس باز شناختیم! زیرا که اگر مرد بود از مردان و پسران برای خودش زن گرفته است! اگر زن بود برای خودش از زنان زن گرفته بود! خودش هم زائید! بهمین جهت خداوند کتاب مقدس! و کتاب تورات فعلی را! جسم و همجنس باز شناختیم!!! شاید مردان و زنان همجنس باز و شهوت ران و هوس باز امروزی! همجنس بازی را از خداوند کتاب مقدس! و از کتاب تورات فعلی!!! آموخته و یاد گرفته اند!!! و از طرف دیگر پسران خداوند از دختران آدمیان زن گرفته و اختیار کرده اند!!! و غیره... این افتراءات! و تهمتها! و اهانتها! و کذب! و دروغ! هارا که یهودیان بخداوند نوشته اند و روا داشتند!!! که آبروی و حیثیت خودشان را در پیشگاه خداوند! و خلق از بین برده اند! آیا خیال نمیکنند که خداوند چنین افعالی و صفات را ندارد؟! و از هر عیب و ایرادی پاک و پاکیزه و مطهر و منزّه است؟!؟! و کسانیکه بخالق و صاحب اختیار! خدای خودشان! چنین اهانت و تهمت و افتراء و نسبت های ناروا و ناپسند و دروغ بزنند! چه انتظاری باید داشته باشیم؟!؟!؟! چنین انسان نماها را باید از حیوانات بی ارزشتر و کمتر بدانیم! زیرا که حیوانات دشمن خداوند و دین خداوند نیستند!!! ولی چنین انسان نماها دشمن خداوند و دین خداوند هستند! چنین انسان نماها جز این ارزش و مقامی را ندارند! زیرا که دشمن خلاق جهانی هستند! و کسانیکه به خداوند ارزش قائل نباشند؟! به عالم بشریت چه ارزش قائل میشوند؟! باید از این طور انسان نماها حذرو فرار کرد!!! آیا تابحال ثابت شده است؟! سلمان رشدی ملعون مزدور؟! و جیره خوار صهیون نیزم میباشد؟! زیرا که از فرهنگ صهیون نیزم پیروی کرده!!! بخداوند! و انبیاء عظام! و پیغمبران! و رسولان خداوند خلاق جهان هستی اهانت! توهین کرده!!!

درمان کتاب آیات شیطانی سلمان رسدی ملعون! پیامبر اسلام! و خاتم پیغمبران و یاران اولش!!! و نیز بسیار از پیامبران عظام!!! و گرامی دیگر بگونه شرم آور مورد اهانت! و توهین قراردادده است که حدّ و اندازه ندارد! بطور مثل ابراهیم! پدر گرامی ادیان توحید جهان را بهنگام تأسیس مگه معظمه حرام زاده میخواند! و از توهین قدّسین دیگر! مانند آدم و موسی و سلیمان و عیسی مسیح و مادر وی مریم را فروگذار نمیکنند! و نیز اسماعیل را حرام زاده میخواند(۱)!!! انعوذ بالله و در کتاب مقدّس عهد عتیق! و در کتاب تورات فعلی! نیز ویا به اصطلاح کتابهای آسمانی عالم یهودیت صهیون نیزم!!! به پیغمبران عظام خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین!!! نیز توهین و اهانت و افتراء بزرگی بسیار شده است!!! که چنین نوشته است!!! ابراهیم پدر ادیان و بُت شکن قهرمان توحیدی الهی جهان با خواهرش ساره ازدواج کرده است!!! که اسحاق پیامبر عظام الهی از آنها متولد شده است!!! یعنی چه؟؟؟!!! و در جای دیگر نوشته است که ملعون باد کسیکه با خواهرش بخوابد! اسماعیل پسر ابراهیم مرد وحشی است پسر یعقوب جوشان با مادرش زنا کرده است!!! یعقوب عصیانگر و گنهگار بود! رؤبین پسر یعقوب بستر پدر خویش را بی عصمت ساخته است!!! یعقوب خداوند را نخواند و به خدایان دیگر عبادت کرد! و اجدادش به خداوند عصیان کرده اند!!! دختران لوط با پدرشان زنا کرده اند!!! دو پسر زنا زاده و حرام زاده دنیا آورده اند!!! افرایم مرتکب زنا شده!!! و اسرائیل خویشان را نجس ساخته است! که جمیع ایشان زنا کرده و نیکویی را رها کرده! و کتاب مقدّس نوشته است! ای اسرائیل از خدای خود زنا نمودی! اسرائیل پدر و پسر بیک دختر در آمده زنا کرد! قدّوس خدای را بی حرمت کرده! پدر موسی و هارون عمّام خود یوکابد را بزنی گرفت! و او برای وی هارون و موسی را زانید!!! یعنی چه؟؟؟!!! اسرائیل مرتدّ زنا کرده است! یهودا با عروس خود تمار زنا کرده! دو پسر دو قلو زنا زاده و حرام زاده بنام های فارص و زارح را دنیا آورده است!!! خواهر خائن او یهودا زنا کرده است! پسر داود آمنون با خواهر خود بنام تمار زنا علفی کرده است! گوساله زرین را هارون ساخته!!! بُت درست کرده بنی اسرائیل به آن سجده کردند!!! زن احمق و یاوه گو است! و جاهل و نادان است هیچ چیزی نمیداند!!!

۱- استفاده از کتاب آزادی عقیده یا اهانت بتودهها؛ مؤلف: ابو حسین، مترجم: دکتر احمد بهبود

داود و سلیمان مشرک بودند! زیرا که خدایان دیگری را پرستش کرده اند! داود هم زنا می‌کرده! او هم قتل نفس عمد مؤمن را به انجام رسانیده!!! او هم خدایان دیگران را پرستش کرده!!! سلیمان هزار زن داشته هفتصدش با نو سیصدش متعه بود!!! و در تاریخ ۸/۴/۱۳۷۶ هـ در اسرائیل یک زن ملعون یهودی به پیامبر اسلام و قرآن کریم توهین کرد! یعنی پوستری پخش کرده که در آن عکس پیامبر اسلام و قرآن کریم! در زیر پای خوک لگد کوب شده بود!!! یعنی پوستری زیر پای پدر آن زن لگد کوب شده بود! این اهانت از طرف یهودیان ملعون بوده است!!! در این تاریخ از رادیو اسرائیل و از رادیو امریکا پخش شده است! **سلمان رشدی ملعون بعد از سه سال زندگی مخفی نامشروع با یک زن! یک پسر بچه زنا زاده و حرام زاده را بدنیا آورده اند! بعد از سه سال زندگی نامشروع! زنا کاری ازدواج کردند! خبر از رادیو اسرائیل در تاریخ ۹/۶/۱۳۷۶ هـ که سلیم سینیایی و عمر خیام! که هر دو در زمان های رشدی ملعون حرام زاده بودند! و در پایان زمان بچه های نیمه شب! حرام زادگی را نوعی سرنوشت!!! مختوم تاریخی نسل خود میدانند! و دیدیم که خود این ملعون و خبیث! پسر بچه زنا زاده و حرام زاده را بدنیا آورده است! و این عمل نشانگر آن است که خود این خبیث حرام زاده بوده است! و نیز زنا کاری و حرام زادگی یکی از جریانات جدی قصه های او است! بهمین لحاظ زنا کاری! حرام زادگی مثل ریشه ای!!! همه عناصر و آدم های قصه او را بیکدیگر پیوند داده است!!! که این پیوند زنا کاری و حرام زادگی از فرهنگ دینی یهودیت صهیون نیزم سرچشمه گرفته است!!! که در همین جهت کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! اصل و ناب آیات شیطانی میباشد! زیرا که به خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین! و پیغمبران! و انبیاء عظام! و قدیسین او! و عالم بشریت و انسانیت توهین و تهمت! و افتراء کذب! و دروغ! و کفر و شرک و گمراهی فراوانی را نوشته و روا داشته است!!! و کفر و شرک و گمراهی و فساد حق کشی و خون ریزی و خون آشامی و بی غیرتی و بی ناموسی و بی بند باری و همجنس بازی و کشت و کشتار و قتل و غارت و بی عدالتی بی فرهنگی الهی!!! و از هم پاشیدگی خانواده هارا رواج داده است!!! که در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی خوانده اید!!!** رشدی ملعون قبل از تولد پسرش در بچه های نیمه شب! حتی پسر خود را از خود نمیداند! تمام زندگیش آمیخته با همین ارزش های سعه و خودش میباشد! که زنا زادگی حرام زادگی تمامی ملاط قصه های اصلی او است!!! چه در بچه

های نیمه شب! وچه در شرم! وچه در آیات شیطانی! او بالاخره در کنار این جدال و تهاجم آشکارا علیه دین و خداوند و اخلاقی؛ نوعی دلبستگی و هضم شدن! در ارزش های یهودیت صهیون نیزم چهره مینماید! و بخاطر این است!!! که واژه زنا زادگی و حرام زادگی را او مثل نقل و نبات در رمان هایش بکار میگیرد!!! تا دشمنی خود را با خداوند و ادیان جهان هستی را بنمایش بگذارد تا ثابت نماید! که مزدور شیاطین انس و جن بر علیه خداوند و دین او میباشد! **و در فرهنگ دینی یهودیت صهیون نیست! و در رمان های رشدی ملعون! اهانت! و افتراء! و کذب! دروغ بخداوند! و بدین خداوند آمیخته بیکدیگر میباشد! که جز از این راه و روش هم انتظار نمیباشد! زیرا کسیکه به اجداد و انبیاء! و خداوند خود چنین بی شرمانه اهانت! و افتراء را روا بدارد! مزدور او هم همین غلط ها را خواهد کرد! برای اینکه اربابش چنین دستورات را صادر کرده است! کسیکه با مادرش زنا کند با دیگران چه کار میکند؟! تا اینجا ثابت شده که یهودیت صهیون نیزم به اجداد و انبیاء و خداوند خودشان چنین اهانت! و افتراء! و تهمت را نثار کرده اند!!! تنها یکی از پیغمبران خداوند! از دست این شیاطین نژاد پرست دروغین!!! که راه و روش اجداد خودشان را رها کرده! مصون مانده است!!! می خواهند آن مرد خدا که پیغمبر اسلام میباشد! با دست مزدور خودشان رشدی ملعون لجن مال کند!!! اما نشده که خودشان و فرهنگ ساختگی خودشان لجن مال شده است! **عدو شود سبب خیراگر خدا خواهد!** که چنین رسوای جهان شده اند باز هم حیاء نمیکنند! زشت کاری سلمان رشدی ملعون حقیقت پیدا کرده! که مزدور یهودیت صهیون نیزم میباشد!!! زیرا که ناشر کتاب آیات شیطانی یهود و صهیون نیزم است! که هتک حرمت های ارزشهای دین اسلام و قرآن بوده است! که چگونه ناشری حاضر میشود؟! نیم میلیون پوند برشده دستمزد بدهد؟! و رشدی ملعون نیز از آغاز نگارش کتاب گارد محافظ داشته باشد! کیلون ریتکن که یهودی صهیون نیزم است! نیز ناشر رمان آیات شیطانی میباشد! باچه انگیزه سفارش نگارش آیات شیطانی را داده بوده است؟! **ائمه جمعه و جماعات شهر اسلامبول نیز در نماز جمعه ۱۲/۱۲/۱۳۷۶ هـ ش؛ جریان رشدی ملعون را به عنوان توطئه صهیون نیزم! و کفر علیه اسلام قلمداد کردند!** و امرالله خلیل او غلو امام مسجد عظیم!!! و تاریخی سلطان احمد گفت: ((انتشار آیات شیطانی توطئه هماهنگی از امپریا لیسم غرب! و صهیون نیسم بین الملل میباشد!!! در برابر توسعه اسلام و قرآن**

کریم است! او آنانیکه سالیان طولانی! با مکیدن خون محروم مردم جهان!!! و استعمار کشورهای اسلامی!!! بر شد و ترقی تکنولوژی رسیده اند!!! نمیتوانند گسترش ضد استعماری را تحمل کنند! انگلیسی ها از سابق گفته بودند (کلادستون) تا قرآن در میان مسلمانان است!!! امکان استعمار ممالک اسلامی میسر نخواهد بود!!! بخاطر همین گفتار است! که صهیون نیزم بین المللی میخواست! با دست مزدور خودشان ملعون رشدی!!! پیغمبر اسلام و قرآن کریم را ترور شخصیت نمایند اما نمیتوانند!!! هرگز چنین غلطی را بکنند!!! زیرا که مسلمانان بیدارند!!!

پروفسور (یان رپه) اسلام شناس و استاد تاریخ ادیان دانشگاههای سوئد!!! گفت: ((کتاب آیات شیطانی هرگونه تعبیر و توجیه شود!!! اهانت به اسلام است)) در مورد نحوه واکنش غرب و علل آن یان رپه!!! گفت: ((یکی از علل این غرب این است که غرب حاکمیت ارزش های خود را در معرض تهدید دیده است! و این ارزش ها بیشتر بار سیاسی دارند! در غرب در برابر مسائل سیاسی کمتر واکنش نشان داده میشود! تا نسبت بمخالفین مذهبی! برای مثال وقتی اسرائیل جنایات جنگی و محکومین دادگاههای خود را از امریکای لاتین ویا اروپا میرباید و بکشور خود میبرد اعتراض نمیکنند!!! و لیکن در مورد مسأله فعلی که حکم شرعی! مذهبی و سیاسی است اعتراض میکنند! اریک هاتلند فیلسوف نروژی دریک میزگرد تلویزیونی گفت: ((کسیکه احترام بمقدسات یک دین را رعایت نمیکند باید خودش را آماده مرگ کند))

سالم عظام دبیرکل شورای اسلامی!!! کتاب آیات شیطانی را کفرآمیز خواند و اعلام کرد کتاب مذکور بسیاری از حقایق اسلام و تاریخ اسلام! از جمله زندگانی پیامبر اسلام را وارونه جلوه داده است! او خواستار توقیف انتشار و عرضه کتاب و نابودی نسخه های مانده! و جمع آوری نسخه های توزیع شده!!! عذرخواهی بدون قید و شرط نویسنده از جامعه اسلام! و پرداخت غرامت بمؤسسه کمک سازمان کنفرانس اسلامی شد! و ننتهاهیچگونه توجهی بدرخواست و اعتراض او نشد!

بلکه آیات شیطانی بعنوان بهترین کتاب سال ۸۸م معرفی شده! و جایزه گرفت باید قبول کنیم کسانیکه عیسی را بصلیب کشیدند!!! نمیتوانند در مورد پیامبر اسلام متعرض چیزی نشوند!!!<sup>(۱)</sup>

مگر این چنین دسیسه! و نیرنگ های بی ارزش و بی خاصیت!!! امروز صهیون نیست ها احساس کرده اند!!! که همه مسلمانان چه در مشرق زمین و چه در مغرب زمین و چه در شمال و جنوب!!! جهان مانند یخهای قطب شمال که منجمد شده اند! بلکه مشکل آنها با خود اسلام و قرآن است! چرا که در دین قرآن و اسلام کسیکه در راه دینش بقتل رسیده شهید شده است؛ یعنی زندگی خدا پسندانه و خوشبختی تازه آغاز کرده است!!! و ارث بهشت جهان ابدی الهی میباشد!!! که همه چیز زندگی خوب و خوشبختی را بدست آورده! و هیچ چیز را از دست نداده است! و این راه و روش قرآن و اسلام است! که یهودیت صهیون نیزم ها از آن بیم و مشکل دارند!!! و پیامبر اسلام پیروان خود آموخته است که بیت المقدس دروازه آسمان! و برای وارد شدن بهشت است! باید زمینش بیشتر شود!!! و این ایدئولوژی اسلامی است که تجارتخانه یهودیت صهیون نیست را مدفون کرد و صهیون نیستها برای خفه کردن! و از بین بردن این ایدئولوژی دامها و امور باطل را بسیج کردند!!! انجام چنین کاری و همچنین خود صهیون نیزم مربوط بدیروز نیست! بلکه از روز طلوع فجر رسالت پیامبر اسلام بوده است!!! و منباب نمونه مذهب علی الهی را یهودیان مذهب ساز! آن زمان بوجود آورده اند! که شیطنت آنها تا به امروز ادامه دارد! و هنوز که هنوز است! مکر و حيله صهیون نیزم های ضدّ خداوند و ضدّ دین اسلام متوقف نشده است!!! مناسبت دارد که موقع (ملک فیصل) را یادآوری بکنم! که او روزی اعلام کرد جان خود را فدای قدس کرده است!!! و ((هنری کسینجر صهیون نیزم امریکایی! به افرادی در سازمان جاسوسی امریکا دستور داد! که کار این مرد را تمام کنید! چرا که (ملک فیصل) با این گفته اش که ((روزی در مسجد اقصی نماز خواهم خواند) او را ناراحت کرده است!!!

۱- استفاده از کتاب پاسخ ب شیطان شیطانا جواب رد علی شیطان؛ نویسنده: ژنرال مصطفی طلاس مترجم؛ عبدالله نجم الدین

ونتنها اینکه یهودیان انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین را با نیرنگ و حسد و دشمنی بقتل رسانیده اند! و عیسی مسیح پیغمبر و رسول خدا را به صلیب کشیدند! بلکه نیرنگ و توطئه و ترورهای یهودیت صهیون نیزم تنهامربوط به امروز نیست! بلکه از اوّل ظهور عیسی مسیح پیغمبر و رسول خدا و ظهور اسلام تروریست بودند! و ترورهای بسیار تا به امروز به انجام رسانیدند! منباب نمونه که طراحى ترور پیغمبر اسلام را یهودیان طراحى کردند! بوسیله یک زن یهودی ملعون! بیپامبر اسلام زهر خوراندند بقتل رسانیده و شهید کردند!!! و طراحى ترور عمر ابن خطاب خلیفه دوّم مسلمانان را یهودیان بودند!!! که نقشه قتل خلیفه دوّم مسلمانان را یهودیان کشیده اند!!! او او را بوسیله فیروز ابولولو ایرانی بقتل رسانیدند!!! ای اهل جهان خوب بدانید که یهودیت از اوّل تروریست و خون آشام بودند و هستند! که این قوم جنایتکار و خون آشام اصلاح شدنی نیستند!!! که نگذارید که این جنایتکاران بال و پر در آورند!!! و جهان را نابود کنند! و آگاه باشید یهودیان تنها قومی هستند که از خون انسان غیر یهودی نان فطیر درست کرده میخورند! بعد از انتشار کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی ملعون! و اطلاع امام خمینی از مضمون آن کتاب و آگاهی از مأموریت و مؤسسات!!! و کتاب خانه های صهیون نیستی برای انتشار کتاب!!! امام خمینی فتوای خود را در حضور گروهی از طلاب! و بزرگان علم و معرفت که بدیدار ایشان رفته بودند اعلام و صادر کردند! که خون این مرتدّ سلمان رشدی ملعون باید ریخته شود! و کشتن او امر لازم و ضروری و واجب است!!! انتشار کتاب آیات شیطانی و اهانت بمقدّسات بیشتر از یک میلیارد مسلمان جهان! از سوی وابستگان به صهیون نیسم بین الملل میباشد! و اکنش آگاهانه و غیرتمندانه مسلمانان غرب برویا رویی با جهان اسلام کشاند! و از آنجا که آنان این توطئه را برای تحقیر جهان اسلام! و از بین بردن آخرین پایگاههای اعتقادی قرآن کریم مسلمین!!!

طراحی کرده بودند! و انتظار چنین حمایتی از مقدّسات اسلامی جهان را نداشتند!  
**!که جواب دندان شکنی را دریافت کنند و عبرت بگیرند! استکبار جهانی! بویژه**  
**صهیون نیزم شرق و غرب جوابهای فراوان و بسیار بد دریافت خواهند کرد**  
 که حیات واقوام اسلامی را در سر راه نیات شوم!!! و توسعه طلبانه حقّ کشی  
 خویشتن میبینند! و بسیار هم خواهند دید! از هر سو بمبارزه! مخالفت باقرآن کریم  
 و با مسلمانان برخاسته! و نقش سیاست گذاران انگلیسی و امریکایی!!! مخالفت  
 با مسلمانان در ایجاد دولت صهیون نیست!!! در این خصوص برجستگی خاص  
 دارند! دست مزدشان را بزودی خواهند گرفت انشاءالله! در دو قرن اخیر! انگلیستان  
 و امریکا!!! سردمدار فتنه؛ توطئه! و خیانت علیه قرآن کریم مسلمانان بوده اند  
 و ملت‌های اسلامی این فتنه و توطئه هارا از ایجاد رژیم صهیون نیزم!!! حمایت  
 همه جانبه از آن مذهب سازانی و تفرقه افکنی! در میان مسلمانان از یک سو!  
 و مبارزه علیه نهضت های اسلامی در عراق مصر و ایران و پاکستان و سوریه  
 و افغانستان و دیگر بلاد اسلامی از سوی دیگر! هرگز فراموش نکرده و نمیکنند  
 و در دوران افول استعمار قدیم در قرن بیداری ملت‌ها! نظام استعماری امریکا و  
 انگلیس!!! که خیزش اسلامی در جهان اسلام! ضربات سختی را دریافت کرده  
 است! خواهد کرد! روش‌های مبارزه مخالفت خویش با اسلام را از اشکال نظامی  
 و مداخله مستقیم به ابعاد پیچیده تر سیاسی! و فرهنگی تغییر داده!!! و در فتنه و  
 توطئه اخیر خویش علیه قرآن و مسلمین! این بار مقدّس‌ترین ارزش‌های اسلامی  
 یعنی قرآن کریم و شخصیت پیامبرگرامی اسلام! آن را هدف تیرهای دروغ و  
 نیرنگ زهراگین! ارمان آیات شیطانی خویش قرار داده است! و بهانه این جنگ  
 صلیبی! فرهنگی جدید صهیون نیستی خود را دفاع از آزادی قلم! و حقوق بشر  
 نامیده است! که در زیر چتری یهودیت صهیون نیزم!!! آیات شیطانی را انتشار  
 داده است!!! بزرگترین پدیده ای که استعمار انگلستان و آمریکا نهایت بهره را  
 برده است! و در زیر چتر اربابش صهیون نیسم!!! که همه خرابکاری را بر جهان  
 اسلام انجام میدهند!!! که فلسطین اشغالی را بوسیله انگلیس بدولت اسرائیل  
 غاصب مبدل ساخت! و این واقعیت هنوز هم معتبر است! که دولت مردان صهیون  
 نیزم تنها بداشتن اسرائیل با حدود و مرزهای کنونی دل بسته اند!!! رویای  
 رسیدن به اسرائیل بزرگ را در سر می پروراند!!! ((بیکر)) در نشریه دی ولت

وزیر خارجه آمریکا به اسرائیل هشدار داده است! که این اندیشه را از سر بدور کند! (اسحاق شامیر) در پاسخ گفته است! اسرائیل هرگز اجازه نمیدهد! که دیگران نوع رویای اسرائیلی ها را معین کنند ۲۴/۵/۱۹۸۹م تنها مانعی که بر سر گسترش قدرت و نفوذ اسرائیل وجود دارد! بدرستی که قرآن کریم و اسلام!!! مسلمانان صادق و مؤمن هستند!!! همان عاملی که نیروهای نظامی در لبنان شاهد تأثیر آن بودند! و نیز ایستادن و مبارزه کردن! در سرزمینهای اشغالی فلسطین است! که اسرائیل صهیون نیزم فرزندان **فارص و زارح** از چندین سال تاکنون! هر روزه لمس و دریافت میکنند! اسرائیل از دیرباز تاکنون در نظر داشته است! که اسلام را از اعتبار بیندازند! و مسلمانان را از آئین و آرمانی قرآن شان دور بسازد! جنبش های اسلامی! نیروی عظیمی را علیه **فرزندان یهودا و تمار** نژاد پرستی!!! و سیاست غاصبانه دولت یهودیت صهیون نیستی اسرائیل بنمایش گذاردند! ضمناً اگر رویدادی پدیدار شود که بر ضد دین اسلام و قرآن باشد! از نظر مسلمانان رویداد مزبور!!! از صهیون نیزم بین الملل سرچشمه میگیرد!!! **آیات شیطانی سرچشمه گرفته است! چرا که فرزندان فارص و زارح** از پیش با اسلام و قرآن ضدیت داشته و دارد! کتاب آیات شیطانی! از کتابهای اصل و ناب آیات شیطانی که! کتاب مقدس عهد عتیق! و تورات فعلی! میباشد! سرچشمه گرفته است!!! این معانی را باید بدانیم نبرد! تنها علیه دین قرآن و علیه اسلام طرح ریزی نشده است! بلکه تمام جهان مسیحیت را در بر میگیرد!!! که گسترش روز افزون! و بی ارزش ساختن موازین دینی و اخلاقی!!! کفر و شرک! استعمال مواد مخدر! و فساد! و بی بندباری! و ورزش حرفه ای! بپرتکل ۱۳ یهودیت صهیون نیزم طرح ریزی شده است! و غیره... در جهان غرب! پیامدهای تباه کننده جوانان و برای فرد و جامعه! هر مسیحی مؤمن را آزرده خاطر میسازد! و تأسف انگیز است! عده زیادی بخواب غفلت رفته اند! **و مخالفت با صهیون نیزم بین الملل! مخالفت مستقیم با انگلیستان و آمریکا است!!!** زیرا که اسرائیل بدون کمک های مالی و نظامی غرب بویژه آمریکا قادر بحفظ موجودیت ننگین!!! و جنایت خویش نیست! حتی که قطع نامه های سازمان ملل را علیه اسرائیل غاصب! آمریکا و تو (VETO) میکند!!!

نخست وزیر سابق جمهوری اسلامی ایران آقای موسوی! سلمان رشدی را جیره خوار آمریکا و انگلیستان نامیده است! و صهیون نیست هادرمورد قضیه رشدی ملعون!!! نیز دلیل همیشگی خود را چنین مطرح میسازد: وزارت امور دینی و مذهبی اسرائیل!!! از بنگاه انتشارات ((کنز)) در اسرائیل تقاضا کرد! کتاب آیات شیطانی را چاپ منتشر نکند (۱) چرا که این امر سبب تشدید مقاومت!!! و ایستادگی مسلمانان!!! در مناطق اشغالی خواهد شد! که دولت صهیون نیستی اسرائیل را در مشکلاتی غیر قابل تحمل قرار خواهد داد!!!

چند ماه قبل از انتشار کتاب آیات شیطانی!!! جمعی متشکل از چند کارشناس و پیروان ادیان گوناگون!!! بنگاه انتشارات ((وپلینک - پنگوئن)) را از پیامدهای احتمالی ناشی از چاپ و پخش کتاب مورد نظر آگاه ساخته!!! اما ناشر با وجود این هشدار! پیش از چاپ و انتشار حدوداً یک و نیم میلیون مارک بعنوان پیش پرداخت بنویسنده داده بود! که تا آن زمان چنین حق تألیف بهیچ نویسنده ای پرداخت نشده بود (۲) مجله ((اشتران)) نیز مینویسد: رقمی که تاکنون همشکل آن بهیچ نویسنده ای پرداخت نشده است! و پیش پرداختی بینظیر برای اثری سرگرم کننده و جذاب در انگلیستان (۳)

رشدی ملعون برای نوشتن کتاب آیات شیطانی! با توجه بحقوق نویسندگان در انگلیستان! حدود سه میلیون مارک بعنوان حق تألیف دریافت کرده است! که این خود تنها بناشر انگلیسی آن مربوط میشود!!! هنگامیکه داستان بلند وی بزبانهای دیگر ترجمه شد!!! از ناشران دیگر کشورها نیز حق تألیف و امتیاز گرفته است (۴)

نویسنده کتاب آیات شیطانی! پس از انتشار کتاب خود! بزرگترین جایزه نقدی انگلیستان را بمبلغ شصت و پنج هزار مارک از آن خود کرده است (۵)

۱- نشریه دی ولت ۲۷/۲/۱۹۸۹م ۲- مجله اشبیکل شماره ۴ تاریخ ۳/۴/۱۹۸۹م

۳- نشریه دی ولت ۱۸/۲/۱۹۸۹م ۴- مجله اشپیکل شماره ۴۴ سال ۱۹۸۸م

۵- نشریه دی ولت ۱۷/۲/۱۹۸۹م

رسانه های گروهی غرب از نویسنده تقدیر کرده!!! و تازه ترین اثر بی ارزش وی را یک شاهکار ادبی جلوه گرساختند!!! در حالیکه از محتوای کتاب!!! جز تحقیر اسلام و قرآن و مسلمانان هیچ نکته دیگری فهمیده نمیشود! بطور مثال (( مایکل فوت)) رئیس سابق حزب کارگران انگلیستان؛ بمحض انتشار کتاب آیات شیطانی! آن را بعنوان کاری بزرگ و ضدّ دین ارج نهاد!!! کتاب آیات شیطانی حتی نامزد جایزه کتاب نیز شد!!! برنامه (( ژورنال خارجی )) تلویزیون بخش جنوبی آلمان ۱۷/۲/۱۹۸۹ م (( راینهولر نفن مونت )) ناشری که از قبل برای چاپ و انتشار کتاب مذکور بزبان آلمانی در نظر گرفته شده بود!!! و آیات شیطانی را اثر متعلق به ادبیات جهانی توصیف کرده بود!!!

با این مستندات و مدارک ثابت شده که سلمان رشدی ملعون! مزدور یهودیت صهیون نیزم بی فرهنگ و دینی و اخلاقی میباشد! زیرا که هم سرمایه مالی از صهیون نیست بوده است! و هم فرهنگ ضدّ خدایی! و ضدّ دینی! و هم ضدّ اخلاقی از آنها بوده است! و هم طراح کتاب آیات شیطانی! و اهانت! و افتراء و تهمت از فرهنگ غیر اخلاقی! جعلی یهودیت صهیون نیزم بوده است! که رشدی ملعون را به آن فرهنگ ضدّ اخلاقی! و جعلی ضدّ خدای! و ضدّ دین خدای! و ضدّ پیغمبران! و رسولان عظام! راهنمایی کرده اند! آیا مدارک و سند بالاتر از این میشود؟! که آورده ایم؟! و آیا برای اثبات مستندات و مدارک بهتر از این بیاوریم؟! ارمان رشدی ملعون! ضدّ خداوند!!! و ضدّ دین خداوند! و اخلاقی و ضدّ ارزش انسانی را!!! با تاریخ؛ و به اصطلاح کتابهای! وحی آسمانی انبیاء یهودیت صهیون نیزم ضدّ!!! شریعت پیغمبران عظام مانند موسی و غیره و رسانه های گروهی جهانی!!! و نوشته ها و گفته های شخصیت های بزرگ جواب دندان شکن داده باشیم!!! و باز هم قضاوت را بعهدده خوانندگان میگذارم تمام؛ که وجدان و شرف خودشان را قاضی قرار داده حکم در این باره صادر بفرمایند!!!

**و گوستا لوبون فرانسوی میگوید: اگر ما بخواهیم صفات یهود را در چند کلمه خلاصه کنیم! باید بگوئیم: یهود چون انسانهایی هستند! که تازه از جنگل داخل شهر شده اند!!! و همیشه از صفات انسانی بی بهره بودند! و چون پست ترین مردم روی زمین زندگی میکنند! و بنی اسرائیل همیشه مردمی وحشی! سفاک و بی غیرت بوده!!! و حتی در زمانیکه خود آنها بر کشورهای خود حکومت می کردند! باز هم از سفاکی خود دست برنداشته اند!!! بی پروا داخل جنگ شده و**

**چون از پای در آیند!!! بیک مشت خیالات ناانسانی وبی ناموسی وبی غیرتی  
وبی اساس پناه میبرند!!! خلاصه آنکه هیچ فرقی میان یهود و حیوانات یهود  
نمیتوان گذاشت (۱)**

وکاسیوس در کتاب ۷۸ خود در فصل ۳۲ در حوادث سال ۱۱۷ م مینویسد!!! مطابق  
همین تاریخ یهودیان در (cyene) کناره دریای طرابلس غرب برهبری ((اندریا))  
برای کشتن رومیها!!! و یونانی ها خروج کرده و همه را از دم تیغ گذراندند!!!  
سپس خونهایشان را آشامیده و گوشتهایشان را خوردند!!! سرها و استخوان  
ها را هم قطعه!!! قطعه کرده و بسگها دادند!!! و خیلی هارا هم مجبور کردند که  
یکدیگر را چون حیوانات بکشند! که تعداد آن کسانی که در این (کشتارگاه) بقتل  
رسیدند بدویست و بیست هزار (۲۲۰۰۰۰) نفر رسید!!! و همانند این کشتار را  
نیز در (مصر) و (قبرس) برهبری (Artemion) تکرار کردند و در آن دویست و  
چهل هزار را (۲۴۰۰۰۰) بقتل رسانیدند! و در ((سافیل)) واقع در اسپانیا یکصد  
وسی و هشت هزار مسیحی را بیکدی از مقابر! دور از شهر برده و آنها را با گلوله  
مجروح کردند! سپس همه را زنده دفن کردند! بطوریکه دستهای ایشان بروی  
زمین ظاهر بود!!! البته این قساوت قلب برای یهود تازه و کهنه ندارد!!! و حتی  
در جنگ اخیر مسلمان و اسرائیل هنگامیکه آنها بر (بیت المقدس) چیره شدند!!!  
بیکدی از قریه های قریب شهر هجوم بردند! مردم بیگناه!!! از ترس بمسجد پناه  
بردند! ولی مگر یهود مسجد را میفهمید!!! درست چون همه مردم داخل مسجد  
شدند! هوا پیمایها! هلیکوپترها! برفراز مسجد ظاهر گشته!!! دهها تن مواد منفجره  
بمسجد ریخته! و آن را با تمامی پناهندگانش آتش زده اند و خاک خون کشیدند!  
(این خبر در تمامی رادیوها و روزنامه ها و جراید جهان منتشر شده است) این  
**جنایتکاری و خونخواری و خون آشامی را کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب تورات  
فعلی!!! یعنی اصل و اصل؛ و ناب و ناب آیات شیطانی!!! کتاب مقدس عهد عتیق  
و کتاب تورات فعلی به اصطلاح آسمانی! دینی یهودیان صهیون نیزم به ایشان  
چنین دستور میدهد!!! که مطالب زیر نشانگر و شاهد! جنایتکاری خونخوری و  
خون آشامی دستور اصل و ناب!!! کتابهای آیات شیطانی آسمانی دینی صهیون  
نیزم میباشد!!!**

واما توای پسرانسان خداوند یهوه چنین میفرماید: که بهر جنس از مرغان و بهمه حیوانات صحراء بگو: جمع شوید! و بیایید و نزد قربانی من! که آن را برای شما ذبح مینمایم فراهم آید!!! قربانی عظیم بر کوههای اسرائیل!!! تا گوشت بخورید! و خون بنوشید! گوشت جباران را خواهید خورد! و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید! از قوچها و بره ها و بزها و گاوها که همه آنها از پرواریهای باشان میباشند!!! و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم! پیه خواهید خورد تا سیر شوید! و خون خواهید نوشید تا مست شوید!!! و خداوند یهوه میگوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی باب سی و نهم آیات از ۱۷ تا ۲۱)

**ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون باز دارد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب چهل و هشتم آیه ۱)

**نکاتی از مؤلف:** یهودیان صهیون نیزم که خون انسانها را مینوشند! و گوشت انسانها را که میخورند!!! و این دستور خداوند یهوه که خدای ایشان است!!! فرموده میباشد! که بفرمان و امر خداوند خودشان یهوه عمل مینمایند! یعنی به دستورات کتاب دینی خودشان عمل مینمایند! آگاه و هوشار باشید! یهود و کتاب به اصطلاح آسمانی یهودیت این است! بفجایع و کشتاری رحمانه اسرائیلیان را در فلسطین ((دیر یاسین)) که اکنون در داخل اسرائیل قرار دارد انجام داده اند توجه فرمایید!!! مردم این قریه کوچک بی خبر از همه جاماند هر روز سرگرم کار خود بودند!!! که ناگهان روز ۹ آوریل ۱۹۴۸ میلادی در حدود ظهر یهودیان مهاجم! بمردم بی دفاع و بدون اسلحه بدهکده هجوم برده!!! و تمامی ساکن آن را چه مرد وزن و کوچک و بزرگ بصف کرده! سپس همه آنها را برگبار بستند! پس از آن به قطعه! قطعه کردن اجساد پرداختند!!! و آنها را در داخل چاهها یا به اصطلاح ((کابی)) می انداختند! و به این هم قانع نشده!!! و شکم زنان حامله را پاره کرده! نوزادان نارس را از داخل رحم آنها بیرون کشیده میکشند!!! و با انتشار این خبر و قتیکه نماینده صلیب سرخ!!! آقای دکتر لینر Leaner برای بررسی اوضاع عازم دهکده شد! فقط توانست اجساد ۳۲۰ نفر را که بر اثر شدن

((کابی)) هاروی صحراء افتاده بودند بچشم خود ببیند!!! آقای نماینده سازمان  
 ازدیدن اجساد قطعه قطعه شده!!! وبا آن وضع زننده از فرط ناراحتی بیهوش  
 شده بود!!! آیا تصور میکنید که این اولین و آخرین ما جرای دیر یاسین بود؟!  
 متأسفانه چنین نبود!!! زیرا که آنها پس از اتمام کار خود در دیر یاسین بمحل دیگری  
 بنام ((ناصرالدین)) نزدک طبریه! و سپس از آنجا دهکده ((بلدالشیخ)) و ((سکریر))  
 و شهر صیفا! و در آخر بشهر طبریه رفته و همان اعمال ننگین را که در دیر یاسین  
 انجام داده بودند!!! و این عمل را در نقاط دیگری تکرار کردند!!! برای آگاهی  
 بیشتر میتوانید بکتاب ((تذکره عوده)) بقلم ناصرالدین نشاشیبی مراجعه کنید!!!  
 بلی خواننده عزیز! تا این عقیده وجود دارد!!! که ((ما فرزندان خداوند و ملت  
 برگزیده خداوند هستیم! و بقیه بشر حیوانات انسان نما!!!)) ننتها ما مسلمانان  
 و مسیحیان! و بلکه تمامی افراد بشر جهان! و ادیان دیگر هیچ وقت روی خوشی  
 نخواهیم دید!!! این قوم که پیروی اصل! و ناب آیات شیطانی! کتاب مقدس عهد  
 عتیق!!! و کتاب تورات فعلی! هستند!!! باتوجه به این عقیده ای که دارند!!! از  
 اذیت و آزار را بر حیوانات عیب و گناهی نمیدانند!!! پس ما برای آنها مانند!!!  
 حیوانات هستیم!!! که بصورت انسانی خلق شده هستیم! و شکل انسانی داریم  
 و ملک و مالکیت آنها میباشیم!!! و تمامی بشر مخلوق جهان!!! باید تفکر و تدبیر  
 بنمایند!!! که از دست این قوم وحشی! و زنا کار و جنایتکار باید چه بکنیم؟؟؟!!!

**از آداب رسوم یهودیت!!! خون مقدس! و فطیر مقدس! و عید فصح  
 مقدس!!! و اگر تاکنون هم جنایات تجاوزات و بی رحمی های و  
 خون آشامی های زیادی از آنها دیده ایم! که جای تعجب نیست!**

یکی از مراسم یهودیت صهیون نیزم! برگزاری دوجشن مهم در سال است! که  
 سرآمد تمامی جشنهای آنهاست! در این جشنها حتماً باید نانی را که بنام فطیر  
 از خمیر مخصوص ساخته میشود میخورند!!! اجزای دیگر فطیر را بطور قریب  
 بیقین آرد و نمک و آب تشکیل میدهد! ولی چه چیزی است! که به آن فطیر و نان  
 جنبه تقدس و تبرک میبخشد؟! بلی خون است و خون! خونیکه از غیر یهودی! با  
 خمیر فطیر قاتی و ممزوج شده! و قسمت اصلی نان را تشکیل میدهد! مقدار خون  
 باید بقدری باشد! که رنگ آن بسرخی یا قرمزی گراید!!! و سپس آن نان فطیر  
 را با اشتهای کامل و به عنوان تبرک میل میکنند!!!

چرا وبچه علت؟! اغلب اطفال در حدود جشنهای آنان مفقود میشود؟! با شروع جشن های دوگانه آنها در هر سال؟! چه خانواده هایی از غیریهودی؟! به عزای فرزندان گمشده خود می نشینند؟! و خود نمیدانند چه بلایی بر روز فرزندان شان آمده است؟! و حال نظری بتعداد اندکی قربانیان!!! این عیدین مقدس بیفکنیم!!! در سال ۱۸۴۰ میلادی یکی از روزهای چهارشنبه در بسیاری از روزنامه ها و نشریات چاپ و منتشر شد! که کشیش ایتالیائی بنام ((آپ - فرانسوا - انطون توما)) از خانه خود خارج شده! و شب بمنزل نیامده؟! و بعد از جستجوی پلیس کشف شده و معلوم میشود!!! که یهودیان بنام های ((هارون هراری! و اسحق هراری!!! و یوسف هراری! و یوسف لیبوده!!! و خاخام موسی ابوالعافیه!!! و خاخام موسی بخوریودا مسکونی! در خانه داود هراری)) آقای کشیش را سربریده اند!!! و ذبح کرده اند با خورش نان فطیر مقدس درست کردند!!! و در عید فصح در جشن با شادی خوردند!!!

برای اطلاعات بیشتر این قربانی مقدس!!! بکتاب اسرار فاشیسم جدید تألیف مهندس محمد حسن وزیری کرمانی مراجعه فرمایید!!!

و در روز عید فصح یهودیان!!! در شهر والیسون Valiaob از توابع روسیه یک کودک ناپدید میشود! از جستجوی پلیس ثابت میشود!!! که یهودیان کودکی را دزدیده سرش را بداخل تشت بریدند! و ذبح کردند! و با خورش فطیر مقدس درست کردند!!! و در روز عید فصح با شادی خوردند!!! (از کتاب الكنز الموصود - فی قواعدا التمود)

برای اطلاعات بیشتر این کودک قربانی مقدس بکتاب اسرائیل فاشیسم جدید! تألیف مهندس محمد حسن وزیری کرمانی مراجعه فرمایید!!!

در سال ۱۵۴۲ میلادی لوتر آلمانی مصلح شهیر رساله ای منتشر کرده! و اسرا نیلیان را!!! دروغگو: شمرده افسانه ها و حکایت های که در سنگدلی قساوت آن قوم! ویا کشتن! و زهر دادن نفوس! و اطفال مسیحیان در السنه و افواه عوام منتشر بود! و میگفتند: که در روز عید پاک یهودی ها! خون مسیحیان را مینوشند ویا اطباء ایشان مریض های مسیحی را مسموم میسازند باور کرده! در اواسط سخنان خود تکرار کرد!!! (از کتاب تاریخ جامع ادیان تألیف جان ناس - ترجمه علی اصغر حکمت ص ۳۷۷)

در اواسط قرن پانزدهم ((یکی از یهودیان بدین مسیح درآمده بنام هانس فوگل؛ اظهار داشت که اسرائیل بروننا؛ ربی هفتاد و پنج ساله یهودی کودکی مسیحی را از او خریداری کرده و سپس او را کشتند! تاخونش را در یکی از مراسم دینی یهود بکار برد! مردم این اتهام را باور کردند! و کیفر مرگ را برای وی خواستار شدند!!!

مرحوم قزوینی که محققى صاحب نام مؤثق و مقبول است! به این مطلب ننام شایعه میدهد! و نه آن را مردود میداند وی مینویسد ((در حکایت معروف جهود ها که در ایران معروف است! که هر وقت دستشان برسد! طفلی مسلمان محمد نام پیدا میکند! و او را میدزدند و بخانه میبرند! و چندین نفر از یهودیان جمع می شوند! هر کدام در یک دست سیبی قشنگ و در دست دیگر زوبین تیزی گرفته و بطور دایره می نشینند! و آن بچه را در وسط دایره جای میدهند! و یکی از آنها به او میگوید: ((محمد بیا سیب بدو)) یعنی: ای محمدک بیا سیب بدهم! آن بچه بی چاره به عشق سیب بطرف آن میدود! و دست دراز میکند! که سیب را بگیرد! یهودی یک زوبین در بدن او فرو میکند! و بچه فریادش بلند میشود!!! و یهودی دیگر میگوید: ((این آدم بدی است که تو را ضربت زد! محمد بیا سیب بدو)) بچه پیش او میدود! او ضربت دیگری به او میزند! و هکذا... تا کار او را تمام میکند! و اینطور او را زجر کش میکنند!!!

یهود قومی است! که خود را فرزندان و ملت برگزیده خداوند! نژاد برتر میدانند! و بنابراین نتنها تجاوز بجان و مال و ناموس! غیر یهودیان را مباح و حلال می دانند!!! بلکه خود را مالک برحق آنان میشناسند!!! طبیعی است که با چنین اعتقاد سخیف جاهلی! خوردن خون و گوشت غیر یهودی! نتنها غیر ممکن و یا مکروه! و مشمنز کننده نیست! بلکه شادی بخش و قدرت افزا و از ضروریات دین هم هست! و بخصوص که با جشن بزرگ آزادی قوم از بند اسارت! بردگی همراه و قرین باشد!!!

نگارنده این سطور گمان میکند! که خرافه نحوست روز سیزده فروردین ماه! در میان عوام ایرانی! به علت تقارن این روز ۱۳ نیاں عربی! و ایام عید فصح (فطیر خون مقدس) است!!! چه بسا گم شدن مکرر افراد در این ایام بتدریج به صورت این خرافه درآمده است! که روز سیزده نوروز! روز نحس است! و برای پرهیز از رخداد های نا مطلوب باید بدشت و صحراء پناه برد!!!

در سال ۱۱۴۴ میلادی در شهر نارویچ انگلستان! پسر بچه ای بنام ویلیام رامرده یافتند! یهودیها متهم شدند! که پسر را برای مقاصد مذهبی بقتل رسانیده اند! و بهمین علت یهودیها را قتل عام کردند!!!

حبیب لوی تاریخ نگار صهیون نیست ایرانی! هم در این باره مینویسد! در ایران ((در شهر تبریز یهودیان تاجر و ثروتمند زیاد بودند!!! و مسیحیان هم که در این زمان بعناوین مختلف!!! و مخصوصاً به امور تجاری اشتغال داشتند نیز زیاد بودند! یکی از تجار یهودی! فوق العاده ثروتمند! و در کارت تجارت رقیب خطرناکی برای مسیحیان بود!!! دوازده منشی داشت!!! و این شخص بین مسلمانان!!! معروفیت کامل را دارا بود! و مورد محبت و مراجعه آنان واقع گردیده! و برعکس مورد حسادت و نفرت مسیحیان شد! دستة اخیر تصمیم میگیرند! که او را از بین یکی منشیان درجه اول تاجر یهودی! شخص عیسوی موسوم برشارد بود! که او را آلت قرارداد! و یک بچه مسلمانی را ربوده!!! و کشته و آن طفل بیگناه را بوسیله رشاد! در انبار تاجر یهودی مخفی ساختند! جارچی در تمام شهر بجستجوی بچه برآمد! و سه روز رشاد ساکت ماند!!! و روز چهارم نزد حاکم رفت و گفت: که تاجر یهودی این کار را کرده! و اربابش به او سفارش کرده است! که خاموش باشد! حاکم حرف او را باور کرد! و روانه مخفیگاه نعش بچه گردید!!! نتیجه معلوم است! آن بچه از فامیل بزرگی بود! و بلافاصله بدون آنکه حاکم یا علماد رسد تحقیق برآیند! یا بقتل تاجر یهودی قناعت نمایند!!! متوجه محله یهودی هاشد شروع بقتل مردم بیگناه کردند! و تمامی مردم را از دم شمشیرهای خود گذراندند! تلفات یهودیان در تبریز (که حدود سالهای ۱۸۳۰ میلادی بود) ۷۰۰۰ نفر بودند یعنی کلیه جمعیت آن شهر بود!!! (از کتاب خون برای فطیر مقدس نوشته نجیب کیانی

ترجمه عیسی متقی زاده ص از ۹۱ تا ۹۵)

## بچه دزدی یهود در تاریخ تمدن ویل دورانت

در فرانسه لویی چهاردهم جامعه یهودیان مس را در حمایت خود قرار داد!!! هنگامیکه قضات محلی یک تن یهودی را که (۱۶۷۰م) به اتهام کشتن یک کودک؛ در مراسم دینی خود بمرگ محکوم کردند!!! آن پادشاه حکم محکومیت دادگاه را! به عنوان یک جنایت قضایی محکوم کرد! و دستور داد که از آن پس! اتهامات جنایی علیه یهودیان بشورای سلطنتی احاله شوند!!!

کنفراس رأی داد که یهودیان نمیتوانند!!! در انگلستان منزل بگیرند!!! مگر بر ضمانت ضمنی عالیجناب!!! اکثریت مردم با دادن این اجازه ورود مخالفت می کردند! شایع شده بود! و اگر بیهودیان اجازه ورود به انگلستان بدهند! کلیسای جامع سنت پول را بکنیسه مبدل خواهند ساخت! ویلیام پرین! که بیست و هفت سال پیش از آن!!! با انتشار رساله هیستریوماستیکس ضد نمایش های تئاتری غوغائی بپا کرده بود!!! اکنون نیز با انتشار رساله تقاضای درنگ در صدور حکم موافقت با ورود یهودیان کرد!!! و اتهام پیشین را علیه یهودیان مبنی بر اینکه آنان سگه قلب و قاتل کودکان هستند!!! از نو مطرح ساخت (۱۶۵۶م -۱۶۵۵م) تامس کالیر که یک پیرایشگر احساساتی بود! پیرین پاسخ گفت: ولی با اصرار بر اینکه بیهودیان باید همچون بندگان برگزیده خدا احترام گذاشت!!! این دعوی را بی اثر کرده! منشی خودش با نوشتن یک دفاعیه (۱۶۵۶م) از مردم انگلیس تقاضای عدالت خواهی کرد!!! آیا آنها!! این اتهام وحشتناک و وحیرت انگیز را!!! که میگویند: یهودیان عید فصح نان فطیر خود را با خون کودکان مسیحی!!! که فقط به این خاطر میکشند!!! جشن میگیرند واقعاً باور میکنند؟؟؟!!!

در لهستان اتهام اجرای مراسم دینی!!! همراه با قتل مورد تصدیق دولت قرار گرفت! در سال ۱۵۹۸م در شهر لوبلین جسد پسر بچه ای را در باتلاقی! و سه نفر یهودی بزور شکنجه اعتراف کردند که آنها او را کشته اند! آن سه یهودی را بترتیب بدار آویختند!!! غرق کردند و شقه کردند!!! و جسد آن پسر بچه را در یک کلیسای کاتولیک بعنوان یک شی دارای حرمت مذهبی نگاه داشتند! و نوشته های ضد یهودی شدت هرچه تمامتر رواج یافتند!!!

در سال ۱۶۱۸م سباستیان میشینسکی اهل کراکو کتاب! آینه تاج لهستان را انتشار داد! و در آن یهودیان را بقتل کودکان! جادوگری!!! دزدی! کلاهبرداری و خیانت متهم کرده! و از مجلس ملی لهستان تقاضا کرده بود!!! کلیه یهودیان را از لهستان اخراج کنند!!! این رساله چنان احساساتی مردم را برانگیخت! که سیکسیموند ناچار شد آن را توقف کند!!! یک پزشک لهستانی طبیبان یهودی را متهم کرده بود! که کاتولیک هارا تدریجاً مسموم میکنند!!!

در سال ۱۶۶۰م دو ربی را بر مبنای اتهام همیشگی!!! یعنی کشتن انسان برای مراسم دینی! که اکثر پاپها از قبول آن خود داری ورزیده بودند اعدام کردند (۱) در لهستان؛ در سال ۱۷۱۶م یک عبرانی تغییر مذهب داده! بنام (سرافینوویچ) اثری تحت عنوان افشای مراسم یهودیان منتشر کرد! که در آن یهودیان متهم شده بودند! که خون مسیحیان را برای مقاصد گوناگون! جادوگری بکار میبرند از قبیل مالیدن خون بدر منازل مسیحیان! مخلوط کردن آن با نان فطیر!!! که در عید فصیح خورده میشود! و خیس کردن یک پارچه حاوی ورد در خون بمنظور حفظ خانه! یا در آوردن رونق در کسب ۰۰۰ یهودیان از سرافینوویچ خواستند! که اگر راست میگوید: ادعاهای خود را ثابت کند! و یک هیئت از ریبها و اسقفها را گرد آوردند! تا حرفهای او را بشنوند! سرافینوویچ حاضر نشد بلکه کتاب خود را (۱- از کتاب تاریخ تمدن ویل آریل دوران ت؛ جلد ۸؛ ص ۵۴۶ و ۵۴۴ و ۵۴۰ و ۵۳۵)

تجدید چاپ کرد! بکرات یهودیان تهمت زده میشد!!! که اطفال را میکشند تا خون مسیحی بدست آورند! اعتراضات تقریباً همه شهرهای انگلیستان! بیار لمنت میرسیدند!!! اهل منابرواهل میخانه ها در محکوم کردن این عمل دست بهم دادند! بازرگانان شکایت داشتند!!! که رقابت بازرگانی یهودیان غیر قابل تحمل خواهد شد! اسقفهایی که بالایحه رأی موافق داده بودند! در خیابانها مورد توهین قرار میگرفتند! افسانه های قدیمی درباره قتل مسیحیان توسط یهودیان!!! در اجرای مراسم احیاء شدند! صدها جزوه! شعر! تصویر مضحک! و هجویه خصومت آمیز بگردش درآمدند!!! (۱)

در ایتالیا هنگامیکه جسد کودک سه ساله!!! نزدیک خانه یک نفر یهودی!!! در شهر ترانت پیدا شد (۱۴۷۵ م) برناردینو ندا در داد که یهودیان او را کشته اند! اسقف شهر تمام یهودیان را بزدان انداخت! و برخی از آنان زیر شکنجه اقرار کردند!!! که پسربچه را کشته اند! تا خون او را بنیت اجرای مراسم عید فصح بیاشامند! در نتیجه کلیه یهودیان ساکن را بر توده آتش سوزانیدند! جسد (سیمون کوچولو) را حنوط کردند! و بعوان یکی از آثار در شهر گرداندند!!! هزاران مؤمن ساده دل زیارت آن قربانگاه نوین روی آوردند! خبر افواهی شقاوت یهودیان از آلپ گذشت و در آلمان روحیه آنتی سیمیتیسیم را دامن زد!!!

در فرانسه در سال ۱۳۹۵ م یک نفر از یهودیان که تازه بدین مسیح در آمده بود بطرز مرموزی ناپدید شد! یهودیان متهم بکشتن وی شدند! برخی از ایشان در زیر فشار شکنجه اعتراف کردند!!! که یهودی از دین برگشته را نصیحت کرده بودند! که دوباره بدین یهود بازگردد! عقیده عمومی بر ضد یهودیان شعله ور شدند! شال ششم خود را مجبور دید!!! تا فرمان نفی بلد آن قوم سرگشته را بار دیگر صادر کند!!!

۱- از تاریخ تمدن ویل آریل دورانته؛ جلد ده؛ ص ۸۶۰ و ۸۶۳

در لهستان؛ در سال ۱۴۰۷ م کشیشی در کراکوبه جماعت شنوندگان خود خبر داد که یهودیان پسر مسیحی را کشته! وبا دیدگانی کین خواه بخون او خیره شدند!!!  
بهمین اتهام قتل عامی را پیا ساخت!!!

لوتر باتند خوبی دوران پیریش یهودیان را سخت مورد حمله قرار داد!!! گویی هرگز چیزی از آنها فرا نگرفته بود!!! هیچ کسی در مقابل طلب کار خود احساس پهلوانی نمیکند! لوتر در رساله راجع بیهودیان و دروغگوئی‌شان (۱۵۴۲ م) با شلیکی از دلایل! یهودیان را بتوپ میدند! مسیح را بمنزله خدا نپذیرفتند! رنج و سرگردانی متمادی ایشان نتیجه قهر خداوند است! خود را بزور وارد سرزمین مسیحیان کرده اند! ایشان با رباخواری بیشرمانه بنعمت و دولت رسیده اند! کتاب تلمود خدعه و دزدی و کشتن را از کارهای صواب شمرده است! و یهودیان چشمه ها و چاهها را بسم آلوده میساخته! و کودکان مسیحی را میکشته اند! تا خونشان را در مراسم دینی خود مصرف کنند! در مطالعه شرح حال دوره پیری لوتر می بینیم! که باچه شدتی به آلمانی ها نصیحت میکند! که خانه های یهودیان را بسوزانند! کنیسه ها و مدارسشان را ببندند! اموالشان را غصب کنند! مردان و زنانشان را بیبگیری بکشند! و بلاخره عموم یهودیان را مجبور سازند! که یا دین مسیح را بپذیرند! یا زبانشان قطع شود! لوتر در مواعظه ای که کمی پیش از مرگش ایراد نمود!!! اظهار داشت که پزشکان یهودی بعمد بیماران مسیحی را مسموم میکردند!!! (۱)

اینو کنتیوس چهارم در سال ۱۲۴۷ م افسانه را که درباره قتل!!! آیینی اطفال مسیحی بدست یهودیان بر سر زبانها بود انکار کرد!!! برخی از روحانیون و شاه زادگان!!! اشراف و بزرگان... بدروغ طرحهایی خدا ناپسندانه بر ضد یهودیان افکنده اند مغرضانه از آنها بزور سلب مالکیت کرده اند!!! و اموالشان را بخود اختصاص داده اند! آنها بدروغ یهودیان را متهم ساخته اند!!! که در عید فصح قلب پسر بچه ای مقتول را در میان خویش تقسیم میکنند!!!

۱- کتاب تاریخ تمدن ویل و آریل دورانانت؛ جلد ۶؛ ص: ۸۵۲ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۹

در روم مسیحیان در قرن دوازدهم مدعی بودند!!! که یهودیان کودکان مسیحی را میربایند! تا آنها را بحضور یهوه قربانی کنند! یا خون آنها را بعنوان دارو تا در نان فطیر بکار برند! ادعا میشد که یهودیان چاههای آب آشامیدنی مسیحیان را مسموم میکنند!!! و نان مقدس عشاء ربانی مسیحیان را میدزدند!!! و آن را سوراخ میکنند تا خون مسیح را از آن بیرون بکشند!!!

**در سال ۱۲۷۲ م گرگوریوس دهم مجبور شد!!! افسانه کودکان مسیحی را بار دیگر انکار کند! و برای تأکید گفته های خویش مقرر داشته که از آن پس شهادت یک نفر مسیحی را علیه یک نفر یهودی نباید پذیرفته شود!!! مگر آنکه یهودی دیگر آن را تأیید کند!!!**

در سال ۱۲۳۵ م در شهربادن قتلی شخصی بدست نامعلومی اتفاق افتاد! که آن را بیهودیان نسبت دادند! و همین واقعه منجر بقتل عام یهود شد!!!

در سال ۱۲۴۳ م تمامی سکنه یهودی بلیتس واقع در نزدیکی برلین را!!! به اتهام آنکه بعض از آنها کلوچه تبرک عشاء ربانی را آلوده ساخته اند!!! زنده در آتش سوزانیدند!!!

**در سال ۱۲۸۳ م اتهام کودکان مسیحی دوباره در ماینس مطرح شد!!!**

در سال ۱۲۵۵ م شایعه ای بر سر زبان مردم لینکن افتاد مشهور بر اینکه یهودیان پسر هیونام را با حیلۀ محله خود کشانیده!!! شلاق زده!!! و در حضور انبوهی از یهودیان! که در حال وجد بودند مصلوب ساخته! و پیکرش را با زوبین سوراخ سوراخ کرده اند!!!

در سال ۱۱۷۱ م چند تن از یهودیان را به اتهام استفاده از خون مسیحیان ضمن شعایر عید فصح! زنده زنده آتش زدند! پادشاه فرانسه فیلیپ اوکوست!!! ب فکر پیدا کردن پولی حلال! فرمان داد که در تمام قلمروش یهودیان! بجرم زهرا کین ساختن چاههای آب مسیحیان بزدان افکنند!!! (۱)

۱- از کتاب تاریخ تمدن ویل آریل دورانن؛ جلد ۴؛ ص ۴۹۳ تا ۵۰۳

نکاتی از مؤلف: ویل آرل دورانت در تاریخ تمدن می‌خواهند! یهودیان بچه دزد! خون آشام! جنایتکار! نژاد پرست! دروغین! فرزندان یهودا و تماروفارص و زارح زنا زاده و حرام زاده فاسد! شرور! ربا خوار جهانی! ظالم! بی غیرت و بی ناموس! جاهل! مانند حیوانات چهارپایان! ضد خداوند! و ضد دین خداوند! ضد انبیاء! و پیغمبران!!! و رسولان خداوند را!!! از تمامی گناه و جنایتکاری تبرئه نماید! و مظلوم! و انسانهای بیچاره جلوه گر کرده و معرفی بکند!!! (۱) اما چنین افکار دورانت نشدنی و محال است! زیرا که تمامی اهل جهان جنایتکاری! و خون آشامی!!! و خونخوری قدیم!!! و جدید این قوم را میدانند! و می بینند! که هنوز که هنوز است! در جهان!!! و مخصوصاً در فلسطین جنایتکاری!!! و خون آشامی و خونخواری! و اعمال تروریستی خودشان را با تمام بیرحمی! و سفاکی به انجام میرسانند! و قطع نامه های سازمان ملل را نادیده میگیرند! که خونخواری! و جنایتکاریهایشان را ادامه میدهند! و تروریست علنی دولتی جهان میباشند!!! آیا برای چه تمامی ملت مسیحیت؟! و تمامی اهل اسلام؟! و ای تمامی اهل جهان در قرنهای متمادی؟! به این قوم خداناشناس؟! افتراء و تهمت میزنند؟! برای چه؟! آیا تمامی اهل جهان؟! در طی قرنهای دروغگو بودند و هستند؟! تنها دورانت هم کیش ایشان میباشد؟! راست میگوید؟! و بچه دلیل؟! دورانت می‌خواهد خروس را پنهان کند؟! اما از دم خروس بیخبر است؟! این قوم فاسد و مفسد فی الارض تنها قومی هستند!!! پیغمبران! و انبیاء عظام! و رسولان حقیقی!!! خداوند خلاق جهان هستی رحمان و رحیم رب العالمین را! عمداً بقتل رسانیده اند!!! و کشتند!!! و قاتل عیسی مسیح رسول الله!!! ابن مریم مقدس هستند!!! و قاتل پیغمبر اسلام محمد رسول الله هستند!!! و قاتل خلیفه دوم مسلمانان عمر ابن خطاب هستند!!! و قاتل جان اف کندی رئیس جمهوری امریکاهم هستند!!! و غیره و اینها تنها قوم مذهب ساز جهان هستند!!! که در اول اسلام و در حیات علی ابن ابی طالب امیر المؤمنین امام متقیان را الله قرار دادند!!! و مذهب علی الهی را ساختند!!! که هنوز این مذهب ساخت دست یهودیت صهیون نیزم وجود دارد!!! که برای اهل اسلام و قرآن مشکل ساز بودند و هستند!!!

۱- اگر کسی تاریخ تمدن ویل دورانت را خوب و با دقت مطالعه نماید خواهد فهمید که هدف نگارش این کتاب تنها و فقط حمایت و طرفداری مغرضانه!!! از یهودیت صهیون نیزم جنایتکار و خون آشام میباشد؛ که برشته تحریر در آورده است!!!

و این قوم جبار و کذاب پیغمبران و انبیاء عظام و رسولان خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین! افتراء! و تهمت! و کذب! و دروغ! و اوهانت نوشته اند!!! و روا داشته اند!!! که توهین به ابراهیم بُت شکن و قهرمان توحید؛ که با خواهرش ساره ازدواج کرده! و در حالیکه ساره زن ابراهیم بود!!! و با فرعون هم ازدواج کرده است!!! و نوشته اند که لوط پیغمبر خداوند!!! با دخترانش زنا کرده!!! و دو پسر بچه زنا زاده و حرام زاده بدنیا آورده اند!!! و نوشته اند که داود نبی و پیغمبر خداوند! بُت پرست! و زناکار! قاتل عمد مؤمن اوریا! و شهوت پرست بود! و مادر داود! از حرام آبستن شد! پسر داود با زنان پدرش! و با خواهرش زنا کرده! و نوشته اند سلیمان پیغمبر! بُت پرست!!! و عیاش خوشگذران بود!!! و هزار زن داشت!!! و نوشته اند عمرام پدر! موسی و هارون!!! با عمه خود یوکابد ازدواج کرد! که موسی و هارون را بدنیا آورده اند!!! و نوشته اند هارون پیغمبر خداوند بُت ساز و گوساله پرست بود!!! و نوشته اند یعقوب زناکار و گناه کار و عصیانگر بود!!! و پسر یعقوب با مادرش زنا کرده است!!! و اسرائیل پدر و پسر!!! با یک دختر زنا کرده است!!! و پسران یعقوب بخاطریک زنا یک شهر را ویران کرده؛ و آتش زده اند!!! و نوشته اند **یهودا پسر یعقوب با عروس خودش زنا کرده!!!** **دو پسر بچه زنا زاده و حرام زاده بنامهای فارص و زارح را بدنیا آورده است!!!** و نوشته اند! خداوند از پسران و مردان و زنان برای خود زن گرفته است!!! و خداوند بدو خواهر فاحشه مصری عاشق شده است!!! و نوشته اند خداوند خودش هم زائیده! و پسر بچه هایی بدنیا آورده است! و پسران خداوند از دختران انسانها زن گرفته است!!! و اسرائیل از خدا زنا میکند!!! و خداوند مثل گاو وحشی شاخ دارد!!! از این افتراءات و تهمت ها بخداوند خلاق جهان هستی پناه میبرم!!! و بخشش و آمرزش را مسئلت مینمایم! برای اینکه این افتراءات و تهمت های! شیاطین انس را! از کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی! که اصل و ناب آیات شیطانی هستند مینویسم!!! آیا برای چه به این قوم فاسد و مفسد فی الارض و خون آشام و خونخوار و جنایتکار در قرنهای! ابراهیمی نمیگویند؟؟؟!!! و اسحاقی و یعقوبی نمیگویند؟! یوسفی و بنیامینی نمیگویند؟؟؟!!! یهودی میگویند: باید بخاطر این بوده باشد! که این قوم نژاد پرستی را از یهودا! و تمارا! و فارص و زارح ارث برده باشند؟؟؟!!! که یهودا با عروس خود تمار زنا کرده! دو پسر بچه زنا زاده حرام زاده بنامهای فارص و زارح زنا زاده بدنیا آورده اند!!! باید این قوم ضد خداوند!!! و ضد دین خداوند!!! و ضد پیغمبران و انبیاء و رسولان!!! و ضد عالم بشریت و انسانیت!!! از نسل همان دو پسر یهودا و تمار زنا زاده باشند!!!

**که در اصل نژاد این بنی اسرائیل موجود یهودیت صهیون نیزم فرزندان ابله خداوند فراموش کار و جسم و مذکر و مؤنث و شهوتران و هوسباز و همجنس باز!!! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات تحریف شده فعلی میباشد!!!**

مثل اینکه ویل دورانت فسادهای دینی! اخلاقی یهودیت را نمیداند! و نوشتجات فاسد کتابهای اصل و ناب آیات شیطانی! یعنی کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی! و کتاب تلمود را نخوانده و نمیداند؟! که میخواهد بجنایات و فساد و فساد اخلاقی؟! و دینی و خیانت های خونخوری و خون آشامی این قوم لجوج! و تهی مغز! و ضد خداوند! و ضد دین خداوند پرده بکشد؟! آیا مردم جهان مانند او! فهم و شعور و عقل ندارند؟! که پرده پوشی ویل دورانت را بفهمند و ببینند؟! او درک نمایند؟! در جهان امروزی در هر جای جهان! که جنایت! و فساد! و حق کشی! و ظلم! بی عدالتی! و فقر! و بی دینی! و کفر و شرک و گمراهی! و جنگ! و خونریزی! و کشت و کشتار! و ربا خواری! و آدم ربایی! و قاچاق انسانی وجود داشته باشد! دست این قوم ملعون! و شرور در آن دخالت دارد! که از آن جمله سلمان رشدی ملعون مزدور! نوکر! جیره خوار این قوم! **(بزبان عیسی مسیح رسول الله ابن مریم مقدس! یهودیان فرزندان ابلیس هستند!!! انجیل یوحنا آیه ۴۴)** فرزندان شیطان و ابلیس میباشد! زیرا که تنها پیغمبر خداوند خلاق جهان هستی محمد رسول الله!!! از دست چنین شیاطین مگار! سالم و مصون مانده است!!! و کتاب وحی دینی او قرآن کریم! از تحریف و تبدیل از دست شیاطین! انس و جن سالم و مصون مانده است! که کلمه ای از آن کم و اضافه نشده است! برای اینکه خداوند فرستاده قرآن کریم! و وعده داده است! که نمیگذارم تا قیامت از قرآن کریم کلمه و حرفی کم و اضافه بشود!!! یکی از معجزه قرآن کریم این است! یعنی این که هزار و چهار صد سال است! که دشمنان قرآن کریم با تلاش تمام نتوانستند! از آن کلمه ای کم و یا اضافه بکنند! که روز بروز هم پیروزتر! و روشن تر و شفافتر نیز میشود! و با وجود این یهودیت صهیون نیزم! فرزندان فارص و زارح!!! و ابلیس و یهودا و تمار میخواستند! با دست مزدور خودشان سلمان رشدی! محمد رسول الله و قرآن کریم وحی منزل او را! لجن مال کنند!!! اما نمیتوانند! بلکه خداوند قرآن کریم و محمد رسول الله! خودشان را لجن مال و رسوا تر کرده و خواهد کرد!!! و باید بدانند عذاب قیامت خوار کننده! و دردناک و ذلیل کننده تراست!!!

**عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد**

### پرتکل شماره ۴ یهودیت صهیون نیزم

اجتماع در موقعی سعادت مند خواهد بود! که متد ینین ورهبری روحانیت گام بر دارند! ولی هرچه مردم از دین دور شده! و به اصطلاح متمدن تر شوند! بنفع ما خواهد بود! بدنیست! ما باید عقیده (خداپرستی) را از اذهان مردم بیرون کرده! و آنها را بسوی مادیت سوق دهیم! برای آنکه ملت های غیریهودی متوجه سیاست پشت پرده ما نشوند! باید آنها را بکارهای صنعتی و تجارتی سرگرم کنیم تا به (دشمن مشترک) خودپی نبرند! نتیجه این عمل آن است! بوسیله معاملات ربوی پول بخرانه های ما تحویل میگردد!!!

### پروتکل شماره ۳ یهودیت صهیون نیست

(( برای آنکه مردم را مشغول کرده باشیم هر روز مشکلات جدیدی! برای آنها بوجود می آوریم! تا آنها را از مذاکره در مسائل سیاسی بازداریم)) هرروزه صفحه های جرائد و مجلات را از مسابقات فوتبال! بسکتبال! کشتی آزاد و الخ پر خواهیم کرد! و بدین وسیله مغز ملت را منحصر در تفکر در این مسابقات پر میکنیم! شاید هیچ کس نداند که در پشت کلمه (تقدم پیشرفت) چه دروغهای و فریبهای خوابیده است! بطور حتم این کلمه جز در مواردی که پیشرویهای علمی استعمال میشود! هیچگونه معنی مفیدی ندارد!!!

### پرتکل شماره ۴ یهودیت صهیون نیزم

ماعتقاید دینی را ریشه کن خواهیم کرد! در تمام کشورهای بزرگ! مطالب مسموم خود را بوسیله نویسندگان عالیمقام آن کشور تزریق مردم میکنیم!!!

### پرتکل شماره ۷ یهودیت صهیون نیست

(( ما هر چند زمانی برای آنکه از شوکت و عظمت رؤسای غیری یهودی کاسته باشیم! یکی از شخصیت های برجسته کشور را بوسیله ترور فردی!!! بقتل می رسانیم!!! این بود جملاتی چند از (پروتکل) کتابی که دهها نفر بجرم ترجمه آن! یهودیان آنها را ترور کرده اند! و بقتل رسانیده اند! و از زندگانی محروم کردند!!! عجیب اینکه اکثر این مطالب و اوضاع در جهان اسلام و غرب مسیحیت و غیره!!! جامه عمل پوشیده است! و عجیب تر آنکه! دنیا با یک حرکت سریع! و کورکورانه بسوی تحقق بخشیدن تمام نقشه ها!!! هدفهای یهودیت!!! پیش میرود بطوری که احتمال داده میشود که ظلم و تعدی وی بند باری! نگرانی! بدبختی جنگ تجاوزکاری بزودی جهان را نابود کند!!! امید است! نویسندگان

مقتدر جهان! بازوی قدرتمند کوشش خود را بکار انداخته و برای مفتضح کردن این (ماده فساد صهیون نیزم) جدیت بیشتری از خود ابراز دارند!!! چنانچه بر صاحبان مناصب مسیحیت و اسلام لازم است!!! بخاطر نسل جوان و آینده!!! چشمهایشان را بیشتر باز نمایند! تا در این تارهای که یهودیت صهیون نیست در هر گوشه و کناره جهان تنیده اند واقع نشود!!!

**کینه یهودیت صهیون نیزم در کتاب تلمود از غیریهودی**

غیریهودی هر چند صالح و نیکوکار باشد او را باید کشت!! حرام است غیریهودی را نجات بدهید! حتی اگر در چاهی بیافتد!!! باید فوراً سنگی بردر آن گذاشت!!! و اگر یکی از اجانب را بکشیم مثل این است! که در راه خدا؛ قربانی کرده ایم!!! و اگر یک نفر یهود کمی بغیریهودی بکند گناه نابخشودنی مرتکب شده است! و اگر او را در دریا غرق یافتی! نباید نجاتش بدهی! زیرا که آن هفت ملتی که در در زمین (کنعان) بودند! و بنا بود یهود آنها را بقتل برسانند که نابود نشدند!!! و ممکن است شخص غریق یکی از آنها باشد!!!

تا میتواید از غیریهود را بکشید! و چنانچه دستتان بکشتن او رسید و او را نکشتید! مرتکب خلاف شرع شده اید!!!

هلاک کردن مسیحی ثواب بسیار دارد! و اگر کسی دستش بکشتن نمیرسد لااقل سبب هلاکش را فراهم کند!!!

کسانی که مرتدّ شوند!!! اجنبی و اعدایشان لازم است!!! مگر آنکه برای خدعه بدیگران مرتدّ شده باشد!!!

تعذی کردن بناموس غیریهودی مانعی ندارد! زیرا که کفار مثل حیوانات هستند! و حیوانات را زناشویی نیست!!!

یهودی حقّ دارد! زنها را غیرمؤمنه را به غصب برباید! خلاصه زنا و لواط به غیریهودی عقاب و کیفری ندارد!!!

برای یهودی مانعی ندارد تسلیم میول! شهوات خویش شود!!! هرگاه یک نفر یهودی در جلوزن خود با زنی زنا کند!!! زن او حقّ ندارد که مانع او شود و یا آنکه بر علیه او شکایت کند!!!

لواط بازن جایز است! زیرا که زن مانند گوشتی است که آن را از بازار خریداری میکنید! و بهرطوری که بخواهید آن را تناول کنید! بریهود واجب است روزی سه مرتبه مسیحیان را لعن کند! و دعا کنند تا خدا آنها را نابود سازد!! (کلیسا های نصاری خانه گمراهان است! خراب کردن آنها ضروری واجب است!!)

**ما فرزندان و ملت برگزیده خداوندیم! ولذا برای ماحیوانات انسانی خلق کرده است! زیرا که خدا میدانست که ما بدو قسم حیوانات نیاز داریم!!! یکی بیشعور مانند بهایم! و حیوانات غیرناطقه!!! و دیگری حیوانات ناطقه و با شعور مانند مسیحیان و مسلمانان و بودائیان! و غیره... و برای آنکه بتوانیم از همه آنها به اصطلاح سواری بگیریم! ما را در جهان متفرق ساخته است!!!**

**ولهذا ما باید دخترهای زیبای! و خوشگل خود را پیدشاه ها! و وزراء و خلاصه شخصیت های برجسته غیریهود بتزویج در آوریم! تا بوسلیه آنها بر حکومت های جهان تسلط داشته باشیم!!!**

**نکاتی از مؤلف:** نفوذ یهود در سالهای اخیر! آنقدر دامنه دار و توسعه پیدا کرده که بامقدسات نصاری بازی خطرناک کرده! میکند! چنانکه چندی پیش! صدها کشیش! و کاردینال! و پاپ در واتیکان یهود را از خون عیسی مسیح رسول الله تبرئه کردند!!! اینها چه حقی داشتند و دارند!!! که خون پیغمبر و رسول خداوند عیسی مسیح رسول الله را به هدر بدهند!!! و قاتل و قاتلان انبیاء خداوند خلاق هستی! یهود را حلال و تبرئه کنند؟؟!! ولی این تبرئه کفر مخالفت صریح انجیل (مقدس) و صالهای کتاب و دلیل دیگر نصاری!!! و قرآن کریم و اسلام بوده است! این جریان کفر خود بزرگترین سند!!! بر نفوذ عجیب و روز افزون یهود در جهان مسیحیت بوده و هست!!!

### فساد اخلاقی در سرزمین اشغالی اسرائیل

در اسرائیل فساد اخلاقی بحدّ اعلاّی وحشتناک رسیده است!!! بطوری که دیگر برای (نکاح و طلاق) اصلاً مفهومی نمانده است!!! معمولاً دخترها بحدّ بالای زانو! و یا باشورت!!! و با پیراهن رکابی بیرون می آیند!!! و در طرفهای عصر دختران و پسران! در خیابانها! و پارکها! و در کنار دریا!!! و کلّ معابر راه افتاده!!! و

بدون کوچکترین توجهی به عابرین! مشغول معاشقه میشوند! و رادیو اسرائیل به این بی بند باری! و فساد اخلاقی! و هرزگی بسیار افتخار مینماید!!! که خودم از مناشع امیرگوینده رادیوشنیده ام! و در هتل Danhotel همیشه چند دوشیزه یهودی! چشم براه مشتری موجود است! همین قدر کافی است که دست یکی را گرفته و بهر کجا که بخواهد بیرون ببرید!!! روزنامه ((هاعولام)) ضمن تحقیقی نوشته بود! زناد اسرائیل بهیچ وجهی ممنوع نیست! بلکه کاملاً آزاد است!!! و حتی قانون وجود ندارد! و هم نمیتوانند از آن جلوگیری کنند!!! چند قبل یکی از نمایندگان یهودی! لایحه ای مبنی بر منع زنا تقدیم مجلس نمود! ولی کلیسای یهودی با تصویب آن بشدت مبارزه کرد(۱)!!!

۱- از کتاب دنیا بازیچه یهود محمد المهدی الحسینی الشیرازی؛ ترجمه محمد هادی و درسی؛ ص ۱۹۹

## یکی از اولین تولید کنندگان بیماری کشنده بی درمان ایدز یهودیت صهیون نیست است!!!

بیماری سیدا (ایدز) ابتدا در سال ۱۹۸۱م در لوس آنجلس شناخته شد!!! مرکز تحقیقات پزشکی دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس UCLA گزارش داد که در پنج نفر همجنس باز (هموسکسوال) بیماری ((ذات الریه)) مشاهده شده!!! این پنج جوان بطور ناگهانی بخاطر همین میکروبها!!! با مرگ دست و پنجه نرم میکردند!!!

از میان هزاران نفر بیماران اولیه راکه معلوم شده! بیماری ایدز مبتلا شده اند تقریباً میتوان گفت: که غالب آنان را همجنس بازان تشکیل میدادند!!! و بهمین سبب آن را بیماری یا ((طاعون)) همجنس بازی لقب دادند!!!

این بیماری اول بار!!! ژوئن ۱۹۸۱م در شهر لوس آنجلس! و نیویورک در بین مردان همجنس باز! با بیماری پنوموسیتیس کارینی پنومونیا!!! و کاپوسی سار کوما غیر عادی بود! و ما یه تعجب شده بود شناسائی شد!!! بیماری PCP قبلاً محدود بود به افرادی که سیستم ایمنی آنها به علت بالارفتن سن!!! یا بوسلیه داروهای ایمونوساپرسیو تضعیف شده! و کاپوسی سار کوما معمولاً در بین نژاد های مدیترانه ای! یهودی! و آفریقائی مشاهده میشد!!! ۶۰ درصد آن بیماری مربوط به آمریکاست شاید از آمریکا این بیماری به اروپا!!! و استرالیا سرایت کرده باشد!!!

کاپوسی سارکوما: اولین بار در سال ۱۸۷۲م کاپوسی سارکوما!!! توسط در ماتولوژیست مجارستانی توصیف شد که عبارت است!!! از تومری معمولاً رشدی آرام داشته!!! و خوش خیم است!!! و در بین سالخوردگان با نژادهای مدیترانه ای! یایهودی های اروپای شرقی!!! بر روی اندام های تحتانی ظاهر میشود!!! و بعدها انواع خوش خیم! و متهاجم کاپوسی سارکوما در آفریقا شایع شد! و اولین مورد کاپوسی سارکوما در اثر HIV در سال ۱۹۸۱م گزارش گردیده بعد از پنوموسیتیس کارینی KS دومین!!! علامت بالینی شایع ایدز میباشد!!! که در ۳۵ درصد بیماران HIV میشود!!!

یک محقق زیرک و ماهر که در پی آمارگیری!!! بیماریهای مجاری ادرار!!! و آمیزشی برآمده بود! توانست وجود این گونه بیماری های عفونی راحتی در یک پسر ۱۶ ساله بنام ویکتور! رد یابی نماید! حدود ۹۶ درصد نوجوانان مورد سوال! و بازجویی قرار گرفتند!!! از میان این عده ۱۸ نفر بدون تردید مبتلا به سفلیس بودند!!! و بسیار دیگر بسبب مراقبت! و رعایت احتیاطات لازم! و بعضی بخاطر اقدام سریع! در مداوای خود قبل از بروز!!! بی وقفه که ظرف سه ماه به عمل آورده بود! اظهار امید واری کرد!!! که توانسته است به هدف خود! یعنی رد یابی بیماری نائل آید! اما اطمینان بیهوده بود! چون که بر حسب تصادف!!! در ادامه تحقیق خود!!! با ردیگر به همان ((ویکتور)) نوجوان برخورد نمود!!! جالب آنکه؛ خط زنجیری که مأمور مزبور دنبال مینمود!!! و باز به همان نوجوان رسید!!! متوجه شد!!! که طی این مدت با ۵ نفر دیگر آمیزش تازه داشته است!! نویسندگان سرانجام نتیجه میگیرند!!! که انجام این کار و تحقیقات امری بیهوده و بی نتیجه است!!! (۱)

۱- از کتاب ایدز رابطه آن با سفلیس نوشته: پرفسور هاریس ل. کولتر؛ ترجمه دکتر هوشنگ لاهوتی؛ ص ۸ و ۱۴ و ۲۴ و ۳۲ و ۸۱ و ۸۲)

نکاتی از مؤلف: آهای آن کسانی وجوانانیکه! آرزوی دارید!!! به امریکا رفته در آنجا زندگی بی بند باری نماید!!! شمه از عاقبت زندگی! بی بند باری و خوشگذرانی جوانان امریکایی بود که نوشتیم و عرضه شده است!!!

### یهودیان بچه دزد و سارق و بچه فروش

بد نیست که شما خوانندگان گرامی را!!! با یک حقیقت نمونه از اعمال ضد انسانی یهودیت صهیون نیزم آشنا سازیم!!! چندی قبل دولت و ملت امریکا با همه بیپروائی و بیخیالی و بی تفاوتی! با انجام تحقیقاتی پست ترین و ردیالانه ترین اعمال بدترو وحشی ترحیوانی!!! در تجارت جنس لطیف و!!! ایجاد هرزه گرائی را! در مردم باچشمهای خود دیدند و آنقدر بوی گنداین کار بلند شد!!! که بسیاری تجار نامحترم یهودی! از شرم و خجلت اسم و فامیل خود را عوض کردند!!! و بطور موقت بشغل دیگری پرداختند!!! مردم امریکا بیشتر از این جهت!!! ناراحت و متنفر شدند!!! که دیدند طعمه های یهودیان نامحترم بیشتر دختر بچه های ۴ تا ۹ ساله بودند! که آنان را در اختیار مردم خوشگذران قرار داده! و بقیمت گزافی بی ناموسی و قوادی بفروش میرساندند! که ملیت دختر بچه ها مختلف بود!!! ایرانی! عرب! انگلیسی آفریقائی! ژاپنی! آلمانی و غیره بعضی از نشریات امریکا با هزاران بدبختی!!! و سختی و بطور رمزی! بمردم امریکا فهماندند! که چه فجایی صورت میگیرد!!! و با چاپ عکس چند دختر بچه! در حالیکه در زیر تجاوز بی طاقت شده! و جان کوچک خود را از دست داده بودند!!! و پرده از راز اینگونه از جنایات برداشتند! در نتیجه دامنه تحقیقات توسعه یافت!!! و سرانجام یهودیان عاملین فروش این فرشتگان معصوم شناخته شدند!!! اسامی شریفی هم که اکنون روی بعضی از تجار یهودیان است! که همان اسمهای تبدیل شده میباشند!!!

از آنجائی که سینما!!! و تئاتر اثر مستقیم بر روی افراد میگذارد!!! یهودیان سعی دارند بهر طوری که شد! آنها را در اختیار خود گرفته! بدین وسیله دزدی! خیانت! هرزه گرائی را تشویق بکنند! و بمصرف مواد مخدر! و سکسی گرائی! و سایر انحرافات جنسی! را توأم با نشان دادن لذت!!! از مواد مخدر در هنگام معاشقه غیره از طریق نمایشنامه ها! و فیلم های! و یا جشنواره ها! بمردم تزریق بکنند

**(بطوری که در آخرین جشن هنرشیراز هم شاهد!!! و ناظر نمونه کوچکی از شاه کار هنری آنان بودیم!!! سروصدای تمام مردم نجیب شیراز بلند شد) ویا!!! با ساختن و وارد کردن انواع! وسایل موسیقی را بیزارهای کشورها سعی دارند! جوانان را سرگرم ساخته! و بی قید و بند! ولی پایبند به موسیقی بیار آورند!!! و به ایران طبل های خیلی بزرگ را برای سوگواری وارد مینمایند! تا سوگواری را خدشه دار نمایند که کرده اند!!!**

صهیون نیزم اسرائیل پس از اشغال سرزمین فلسطین!!! نقشه و ساختار ۲۰۵ دهکده را بطورکلی تغییر داد که در آن تغییرات!!! متجاوز از ۲۰۰ مسجد را خراب و بیشتر مقابر مسلمانان را نبش کرده! و ضمن آتش زدن اجساد! و استخوانهای آنها سنگهای روی قبور را باقیمت گزاف بیهودیان فروختند! تا بعنوان پیروزی در جنگ با خود داشته باشند!!!

مسجد بزرگ یافا بادست یهودیان خراب شده! و نیز مسجد ((عمقا)) و ((سماویه)) را تبدیل به اصطبل اسب های دولتی!!! و یا مرکز جمع آوری زباله کرده ند! یا بعضی از ساختمان مساجد را تبدیل بساختمان سینما! و بعضی دگر بتأثر تبدیل شده اند! اخیراً زیر مسجد الاقصی را برای بدست آوردن! آثار تاریخی و شاید هم گنج های طلایی! که در زیر آن پنهان است!!! و جهت نزولات وقف شده! حفاری میکنند!!! که بدین وسیله انهدام مسجد حتمی است!!! سران کشورهای عربی هم تمامی به عمل اسرائیل اعتراض کرده اند!!! اما دولت غاصب صهیون نیست گوشش!!! به این حرفها بدکار نیست!!!

و مقابر مسلمان! و اعراب! و مسیحیان را هم هر روز ببهانه خیابان کشی!!! و یا شهرک سازی! و غیره خراب کرده! و استخوانها را از مقبره ها خارج کرده!!! و آتش میزنند! زیرا که گورستان مسلمانان! و اعراب!!! و مسیحیان در دست دولت یهودیت صهیون نیزم است!!! (از کتاب اسرائیل فاشیسم جدید؛ تألیف مهندس محمد حسین وزیزی کرمانی؛ ص ۶۹ و ۷۸ و ۲۹۶)

## کشتاریهود پس از انقلاب روسیه

پس از پیروزی انقلاب روسیه! مطبوعات یهود سروصدای زیادی در دنیا براه انداخته!!! و از رژیم جدید بشدت حمایت کردند!!! و ارکان حکومت کمونیست را استوار!!! و حملات شدیدی نسبت به امپراتوری پیشین آغاز کردند!!! و هزاران داستان از مظالم آن بیان داشتند!!! و مردم هم که دلی پر درد!!! از دوران پیش داشتند!!! نوشته های آنها را تصدیق کردند!!! و از انسانیت و عدالت رژیم جدید آرزوها بدل سپردند! ولی حقایقی تلخی که بر روسیه سایه افکنده بود! با ادعا های جراید یهود اختلافی فاحشی داشت! و روزنامه نگاران یهود بانشر اکاذیب میکوشیدند! که نقشه های عاملان یهودی را پنهان دارند!!! زیرا که آنها قصد شان آزادی و آسایش مردم روسیه نبود!!! بلکه میخواستند از روسها!!! انتقام بگیرند! زمام امور را بدست بگیرند! و طبقه اریستوکرات! و ارباب کلیسا را در هم بکوبند!!! بدین جهت قوانینی سخت تر و گستاخانه تر!!! از قوانین دوران سزار وضع کردند! که از مفهوم عدالت! و انسانیت بطور کامل بدور بود! آنها میخواستند مردم را با تهدید و ارباب بزیرتسلط خود در آورند!!! و مسئله نژاد پرستی را دوباره احیاء کنند!!! و حکومت جهانی خود را در زیر نقاب حکومت کمونیستی بوجود آورند!!! و مردم را به تسلیم در برابر رژیم صهیون نیست جهانی و ادار سازند! و آرزوی بیست قری خود را بر آورند! چنانکه در کنگره ای بال!!! اساس وحدت را ریختند!!! و همه یهودیان را به نهضت صهیون نیستی جهان پیوند دادند! در ماجرای چنین نقشه شوم! صدها هزار نفر از مردم بیگناه پس از اعدام خانواده ای امپراتوری کشته شدند! که بین کشتگان هزاران نفر از کارگران! و پیشه وران! و کشاورزان بیگناه دیده میشدند!!! همان کسانی که از دوران ملکه کاترین بر!!! ضد ظلم و تجاوز مبارزه کرده بودند!!! و اکنون در آغاز انقلاب جز مرگ و شکنجه پاداشی نداشتند!!! حتی رهبانان بینوائی مثل کشیش کابون که نخستین کسی بود!!! که کشتار بیست و پنج هزار نفر را در سال ۱۹۰۵ م اعلام کرد! و کشتار وحشت زای ۲۲ ماه نوامبر پرده برداشت! بجرم چنین کاری بدست یهودیان کشته شد! گروه مبارزین روسی! که در نبرد انقلاب خود قربانیها دادند

و خود را از دوران سیاه پیش خلاص گردد! در این مبارزه که بتحریک یهودیان انجام شد کشته های فراوان دادند! و هیچ صدمه ای بیهودیان نرسید! و از اینجا می فهمیم که یهودیان با تمام نیرو از افراد خود حمایت میکردند! و فقط روسها را بمیدانهای کشتار میفرستادند! و پس از پیروزی انقلاب هم! یهودیان دست از کشتار دشمنان برنداشتند! و هر کس را که مخالف خود تصور میکردند!!! اتهامهای ضد انقلابی به او می چسبانیدند و نابودش میکردند! و هیچ از اعضای مجلس سوسیالیستی هم اعتراض به این همه کشتار نراوا نمیکرد!!! زیرا که همگی تحت نفوذ یهود بودند!!! و یهودیان بدون هیچ پروائی آزادانه به اجرای نقشه های خود میپرداختند! و در این درگیریها از حمایت سرمایه داری غرب! و گروه مخفی فراماسونی برخوردار بودند!!! و تحت آموزش و فرمان شیف ویارانش! بتلاشها خود ادامه میدادند! و این تسلط بی رحمانه سالها بدرازا کشید! و مردم روسیه رنجها و شکنجه های فراوانی را تحمل کردند!!! و زنان روسی که سالها در انتظار رهائی از دستم های خاندان روما نوف بودند!!! تا به امنیت و آزادی برسند! پس از انقلاب هم ناامیدی و ناراحتی فراوانی روبروشدند!!! و حملات و تجاوزات زیادی را! از جانب یهودیان فاسد! و زنا کار بخانه ها و خانواده های خود تحمل میکردند! و باز هم چاره ای جز صبر و انتظار نداشتند! حوادث ناگواری که پس از انقلاب اکتبر روسیه اتفاق می افتاد!!! انگشت تحریک یهود در آنها دیده میشود!!! ولی کس از مردم جرأت مخالفت نداشتند!!! زیرا که سایه سنگین تسلط یهودیان جنایت کار! و وحشی و تروریست را بر خود احساس میکردند! و یهودیان خون آشام و جلاد همه روشهای تهدید!!! و اختناق و خفگان را بکار میبردند!!! (از کتاب نقش یهود در پیدایش کمونیسم؛ تألیف فخرالدین حجازی؛ ص ۴۲ تا ۴۵)

## کشت و کشتاریهود؛ کتاب مقدس عهد عتیق! و کتاب تورات فعلی

در فرمان ششم از کمال مطلوبی سخن می‌رود!!! که دست یافتن به آن دشوار است! در هیچ کتاب دیگری به اسفار عهد قدیم!!! از آن آدمکشی گفتگو می‌شود!!! در همه فصول آن!!! یا از کشتن بحث می‌شود! یا از تولید مثلی که جبران کشته‌ها را میکند! کشمکش دائمی میان اسباط! اختلافات حزبی!!! و عادت انتقام خون گرفتن میراثی! همه از عواملی بود یکنواختی دوره‌های صلح نادر و کوتاه را در هم می‌شکست! انبیای اسرائیل با آنکه در گفته‌های و شعرهای خود! گاوآهن و داس را ستوده‌اند! خود از مبلغان صلح بشمار نمی‌روند!!! **کاهنان اگر به آنچه آنان در خطابه‌های خود از قول یهوه نقل کرده‌اند!!! باور داشته باشیم؟! همان اندازه که به اندرز دادن علاقه مند بودند! جنگ و خون ریزی نیز حریص بودند! از میان نوزده پادشاه اسرائیل هشت نفر آنها کشته شدند!!! عادت بر آن جاری بود! که شهرهایی را که تسخیر می‌کردند!!! و همه مردان آنجا را از دم شمشیر بگذرانند!!! و چنان زمین را تباہ بسازند!!! که جز پس از گذشتن زمان درازی شایسته کشت و زرع نباشد! و در این کار با دیگر مردم زمانهای گذشته شریک بودند! شاید شماره کشتگان! که از گفته‌های ایشان بدست نمی‌آید!!! خالی از مبالغه نباشد!!! چه معقول نیست که بدون داشتن سازو برگ جدید جنگ!!! بنی اسرائیل صد هزار پیاده را در یک روز کشته باشند! بنی اسرائیل چنان معتقد بود ند!!! که فرزندان و ملت برگزیده خدا هستند!!! این خود سبب زیاد شدن غرور و تکبر و نخوتی میباشد!!!** (از کتاب تاریخ تمدن ویل آریل دورانن جلد ۱ ص ۳۸۹)

داود با پسرش آبشالوم جنگ کرده! که آبشالوم در جنگ کشته شده! و در نتیجه جنگ داود با آبشالوم بیست هزار نفر کشته شدند از بین رفتند!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب هجدهم)

و کلام خداوند بر من نازل شده گفت: ای پسرانسان! بضدانبیای اسرائیل که نبوت مینمایند! نبوت نما! و به آنانیکه از افکار خود نبوت میکنند! بگو کلام خداوند را بشنوید! خداوند یهوه چنین میگوید: وای بر انبیاء احمق که تابع روح خویش میباشند و هیچ ندیده‌اند! ای اسرائیل انبیاء توماتند! و باهان در خرابه بوده‌ند!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از حزقیال نبی باب سیزدهم آیات از ۱ تا ۵)

## شورش و قتل و غارت یهودیت صهیون نیزم

عقیبادرسن نود سالگی! هنگامیکه دیگر ناتوان و ارتجاعی شده بود! بازمانند روزگار جوانیش خود را در میان انقلاب یافت! در سالهای ۱۱۵-۱۱۶ م یهودیان کورنه! مصر! قبرس! بین النهرین! بار دیگر بروم شوریدند!!! قتل عام غیر یهودیان بوسیله یهودیان!!! و با لعکس از نو دستور روز شد!!! بروایت دیون در کورنه ۲۲۰۰۰۰ نفر؛ و در قبرس ۲۴۰۰۰۰ نفر کشته شدند!!! این ارقام باور نکردنی است ولی میدانیم! که کورنه پس از این انهدام دیگر هیچ گاه سر بلند نکرد! و چندین قرن پس از این واقعه! هیچ عبری را بقبرس راه داده نشد!!! شورشها سرکوب شدند! ولی بازماندگان یهود!!! امید خود را به آمدن مسیح که هیکل را دوباره برپا کند! و آنان را فاتحانه در اورشلیم مسقر سازند! زنده نگاه داشتند! حماقت رومیان شورش را از نوزنده کرد!!! در سال ۱۳۰ م هادریانوس اعلام داشت! که می خواهد محرابی برای پوپیتردر محل هیکل برپا کند!!! در سال ۱۳۱ م فرمانی صادر کرد!!! و بموجب آن ختنه!!! و تعلیمات عمومی برشالوده شریعت یهود را ممنوع ساخت!!! باز یهودیان تحت رهبری شمعون برکوخبا! که مدعی بود که مسیح است! بوپسین کوشش خود را در تاریخ قدیم برای احیای کشور! و احراز آزادی خویش دست زدند (۱۳۲ میلادی) عقیبا که در تمام عمر مردم را بحفظ صلح موعظه میکرد! با پذیرفتن برکوخبابه عنوان رهاننده موعود! بر انقلاب صحه نهاد! مدت سه سال شورشیان دلیرانه با لژیونها جنگیدند! سر انجام بسبب نداشتن خواربار و آذوقه شکست خوردند! رومیان ۹۸۵ محل رادر فلسطین ویران ساختند! و ۵۸۰۰۰۰ نفر را به هلاکت رسانیدند! میگویند: عده

کسانیکه بر اثر گرسنگی!!! مرض! یا حریق از پا درآمدند! از این هم بیشتر بود! تقریباً سراسر یهود بصورت بیابان درآمد! خود بر کوخبادر هنگام دفاع از بتار از پای درآمد! آن قدر اسیر یهودیان به غلامی فروخته شد!!! که بهای یک غلام تا بهای یک اسب تنزل یافت!!! هزاران نفر برای آنکه اسیر نشوند! در مجرای زیرزمین مخفی شدند!!! اینان بر اثر محاصره رومیان یک یک از گرسنگی می مردند! و کاربدانجا کشید! که زنده هاجسد مرده هارا می خوردند! عقیبا! که حال دیگر نود و پنج سال داشت در زندان نیز تدریس میکرد!!!  
(از کتاب تاریخ تمدن ویل آریل دورانت؛ جلد ۳ ص ۶۴۴)

### موافقت یهودیان درباره توقیف عیسی مسیح رسول الله

عمال دولت کشوری و روحانی!!! رومی و یهود! عیسی را احتمالاً از روزی که رسالت یحیی تعمید دهنده را دنبال گرفته بود! زیر نظر داشتند! اما چون موفق نشده بود طرفداران بسیار فراهم آورد!!! کم کم او را نادیده گرفته بودند!!! ولی استقبال پرشوری که در اورشلیم ظاهر آرهبران یهود را به این گمان انداخت! که مباد این شور و هیجان در جمعیت میهن پرست و احساساتی گرد آمده برای عید فصح کارگرافتاد!!! و آنان را بشورش بی موقع! و بی ثمر علیه دولت روم کشاند! و باعث از میان رفتن هرگونه خودمختاری! و هرگونه آزادی مذهبی در یهود شود! خاخام بزرگ سنهدرین را معتقد ساخت و چنین اظهار نظر کرد!! (به جهت ما مفید است!!! که یک شخص در راه قوم بمیرد!!! و تمامی طایفه هلاک نگردد!!) اکثریت موافقت کرد!!! و شورا دستور توقیف عیسی مسیح رسول الله را صادر کرد! شهود مختلفی علیه عیسی مسیح رسول الله شهادت دادند! و به خصوص تهدید او را در مورد تخریب هیکل خاطر نشان ساختند! و قتی که قیافاز عیسی مسیح رسول الله پرسید! که آیا او (عیسی پسر خدا) است یا نه؟! عیسی پاسخ داد ((عیسی هستم)) صبح سنهدرین تشکیل شده او را کافر شناختند!!!

(که گناه کبیره محسوب میشود) تصمیم گرفتند! اورا نزد پروکوراتور روم! که برای نظارت بر جمعیت!!! عید فصح به اورشلیم آمده بود حاضر کنند!!!

ولی شکاف میان فرهنگ سوفسطانی! و کلبی پروکوراتور رومی!!! و ایدئالیسم گرم؛ و عزیزی پیلطس آن یهودی را آشکار میکنند! در هرپس از اعتراف عیسی مسیح رسول الله! طبق قانون وی محکوم بود!! و پیلطس از روی اکراه حکم مرگ را صادر کرد! چون عدّه گروندگان عیسی مسیح رسول الله بیشتر شد! حواریون با تأنید و تبرک خود!!! هفت خاخام برای اداره امور جماعت منصوب کردند!!! مقامات یهودی تا مدتی کاری بکار این فرقه که کوچک و بی آزار بود نداشتند! ولی وقتی عدّه ((نصرانیان)) در اندک سالی از ۱۲۰ نفر به ۸۰۰۰ نفر رسید!!! و روحانیان بو حشت افتادند!!! پطرس و برخی دیگر را توقیف کردند!!! و سنه‌دین از آنان بازپرسی کرد!!! صدوقیان میخواستند آنان را محکوم به اعدام کنند! ولی یک فریسی بنام گملیل! که احتمالاً استاد پولس بود!!! به آنان توصیه کرد! که حکم را بحالت تعلیق در آورند! بعنوان راه حل میانی! زندانیان را تازیانه زدند و رها کردند!!! اندکی بعد (سال ۳۰ میلادی) به استیفان! یکی از خاخامهای منصوب شده از سوی حواریون! اخطار شد به اتهام ((بیان سخنان کفرآمیز نسبت بموسی و خداوند)) در برابر سنه‌دین حاضر شود!!! و با حدّت از خود دفاع کرد! گفت: ای گردنکشان که بدل و گوش نامختونید!!! شما پیوسته با روح القدس مقاومت میکنید! چنانکه پدران شما همچنین شما! کیست از انبیاء که پدران شما بدو جفان کردند!!! و آنانی را کشتند! که از آمدن آن عادل که شما بالفعل تسلیم کنندگان و قاتلان اوشدید!!! پیش اخبار نمودند!!! شما که بتوسط فرشتگان شریعت را یافته بودید آن را حفظ نکردید! سنه‌دین سخت بر آشفت و اورا از شهر اخراج و سنگسار کردند! یک نفر فریسی جوان بنام سولس (شائول) در این شکنجه شرکت داشت! و بعد هم در اورشلیم ((خانه بخانه گشته مردان و زنان را! برگشته بزندان می افکندند)) گرویدگان یهودی! که دارای نام و فرهنگ

یونانی بودند! واستیفان رهبرشان بود!!! بسامره وانطا کیه گریختند! و در آنجا جماعات مسیحی نیرومندی بوجود آوردند!!! بیشتر حواریون که ظاهراً از این آزار در امان ماندند! زیرا که هنوز شریعت را رعایت میکردند! با مسیحیان یهودی در اورشلیم مانند هنگامیکه پطرس ((بشارت)) را که بشهرهای یهودا برد یعقوب ((عادل)) برادر ((خداوندگار)) رهبر کلیسای کوچک و فقیر شده اورشلیم را گشت! یعقوب شریعت را باکمال حدت رعایت و در ریاضت با اسبانیان میکرد!! گوشت نمی خورد! شراب نمی آشامید! یک لباس بیشتر نداشت!!! و هرگز موی سرو ریشش را نمی تراشید! تحت رهبری او مسیحیان مدت یازده سال آزار ندیدند! در سال ۴۱ یعقوب دیگری! فرزند (زبدی) را سر بریدند!!! پطرس توقیف شده سال ۶۲ یعقوب عادل نیز بقتل رسید!!! چهار سال بعد! یهودیان بر روم شوریدند!!! مسیحیان اورشلیم که بیش از آن (بپایان دنیا) معتقد بودند!!! که در فکر سیاست باشند! شهر را ترک گفتند؛ و در پلا محل زندگی مشرکان!!! و طرفداران روم در ساحل اردن مستقر شدند!!! (از کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت جلد ۳ ص ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۶ و ۶۷۷)

در سال ۳۵۲م؛ یهودیان بر علیه قسطنطین! امپراتور روم! بار دیگر علم شورش برافراشتند و پایمال شدند؛ بقتل رسیدند!!! هزاران تن بردگی افتادند!!! در سال ۳۵۹م؛ وضع یهودیان فلسطین بچنان درجه ای تنزل یافت و ارتباط آنان با دیگر جوامع یهود بحدی دشوار شد!!!

پادشاه یهودا! علیه بختنصر دوم که مؤسس دومین بابل کلدی است شورش کرد! بختنصر شورش را فرونشاند (۵۹۷م) اورشلیم را گرفت!!! و جمعی از یهودیان را به اسارت ببابل فرستاد!!!

دردل یهودی! کنیسه هرگز مقام هیکل را پیدا نکرد!!! امیدی فرار سیدن روزی که بر فراز کوه صهیون! در برابر قدس الاقداس!!! ببیشگاه یهوه قربانی عرضه بدارند! همواره در اندیشه وی شعله میکشند! و او را در معرض ازسوی شیادانی قرار میداد!!! که بارها (ظهور) کرده خود را مسیحای موعود میخواندند!!!

در سال ۷۲۰م؛ سرینی نام از اهالی سوریه خود را منجی موعود خواند!!! و به قصد بیرون آوردن فلسطین از چنگ مسلمانان! جماعتی را گرد آورد و لشگری تریب داد! گروهی از یهودیان بابل و اسپانیایی زمین خود را ترک گفتند: وزیر لئوی وی بحرکت درآمدند!!! در جنگی که روی داد سرینی را به اسارت گرفتند! و خلیفه اموی! یزید دوم اظهار داشت! که وی مرد عیار و دغلی است!!! و او را بقتل رسانید! حدود سی سال بعد از این واقعه! **ابوعیسی بن اسحاق اصفهانی (عوبد یا عبدالله بقیام همانندی دست زد! ده هزار تن یهودی تیغ بکف گرفتند! و در رکابش شجاعانه بمبارزه برخاستند! اما شکست! ابوعیسی در جنگ کشته شد!!! و تمام یهودیان اصفهان بی استثنا بسختی مجازات شدند! هنگامیکه نخستین جنگ صلیبی اروپا برانگیخت! بمحله اقوام یهود این خیال باطل خطور کرد!!! که اگر مسیحیان پیروز شوند فلسطین را دو باره بیهودیان واگذار خواهند کرد!!!** یک سلسله قتل عام ها پی در پی این پندار موهوم را از سر آنها بیرون راند! در سال ۱۱۶۰م؛ **داود الروئی! که خود را مسیحامیخواند! یهودیان اورشلیم را برانگیخت و به آنها وعده داد! که اورشلیم و آزدای را به ایشان بازخواهم گردانید! پدرزنش! از بیم آنکه مبادا چنین شورش یهودیان را بورطه هلاکت کشاند!!! داود را در خواب بهلاکت رسانید! در سال ۱۲۲۵م؛ مسیحای دیگری در صفحات جنوبی عربستان ظهور نمود و مایه برانگیختن احساسات لجام گسیخته قاطبه یهودیان شد! ابن میمون در نوشته مشهورش تحت عنوان (نامه بجنوب) پرده از روی ادعاهای بی اساس آن شیاد برداشت! و بیهودیان عربستان خاطر نشان کرد! که چگونه در گذشته این گونه اقدامان بیپروا باعث قتل و ویرانی شده بود!!! با این همه!!! خود ظهور مسیحارا تکیه گاهی ضروری برای روحیه یهودیان پراکنده دانست!!! و آن را یکی از سیزده اصول مذهبی آیین یهود نمود!!!**

در سال ۱۲۳۹م؛ نیکولادونن!!! از یهودیان فرانسه که بدین مسیح گرویده بود پیش پاپ گرگوریوس نهم شکایت!!! کتاب تلمود حاوی اهانت‌های شرم آوری نسبت بمسیح! و مریم عذراء است!!! و یهودیان را در معامله با مسیحیان بی صداقتی برانگیزد پاره ای از این اتهامات درست بود!!! زیرا که مؤلفان کتاب تلمود برای تنائیم (مدرسان شریعت شفاهی) و امورائیم (شارحان احکام) چنان حرمتی قایل بودند! که در بخش توده پسند گمارا!!! کنایاتی که ربنهای غضبناک گهگاه در ردّ انتقادات مسیحیان آورده بودند!!! بی‌هیچ کم و کاستی ضبط کرده بودند! اما نیکولادونن! که دیگر کاتولیک ترا زپاپ شده بود!!! اتهامات دیگر نیز بر اینها افزود! که پایه و اساسی نداشت!!! یکی اینکه کتاب تلمود فریفتن شخص مسیحی را جایز و کشتن او را شایسته میدانند! حال هر قدر هم آدم خوبی باشد!!!

در سال ۱۲۶۴م؛ یک هیئت کلیسایی تمامی نسخه های کتاب تلمود را در آراگون جمع آوری کرد! عبارات ضدّ مسیحی را از بین برد!!! و نسخه ها بار دیگر به صاحبانش بازپس داد!!! (از کتاب تریخ تمدن ویل دورانن جلد ۴؛ ص ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۹۱ و ۵۱۳ نکاتی از مؤلف: فریفتن و کشتن مسیحی و مسلمان! و بودائی! و غیره.. در کتاب تلمود فعلی موجود می باشد! که نوشته ایم! که ویل دورانن خیانت کرده است! و مغرضانه از یهود طرفداری کرده است!!! زیرا که در کتاب تلمود فعلی! تمامی انسانهای غیری یهودی!!! حیوانات! ناطق برای یهودیان خلق شده است!!! که جان! و مال! ناموس غیر یهودی! ملک! و مال یهود است!!! که در کتاب تلمود فعلی موجود می باشد که همه صفحات و جایش را نوشته ایم!!! که چشم کور و خیانت کار!!! ویل دورانن خیانتکار تاریخ این حکمها!!! و قانون کتاب تلمود (یعنی آیین یهود) را نادیده گرفته است!!! که چرا نادیده گرفته است؟! برای اینکه خودش از یهود! و از همین جنایتکاران! و خون آشامان! و ضدّ خداوند! و ضدّ دین خداوند بوده است! و آمدن مسیحیای یهودیت لابلای نوشتجاتش تلویحاً تأیید مینماید!

بعضی از شاهان کا ستیل! چون آلفونسویازدهم و پذیروال کروئل! آنها یهودیان را تحت حمایت گرفتند! و یهودیان نام آورو هوشمند را در کار حکومت! مناصب عالی دادند!!! آلفونسودون یوسف اثیخایی را وزیر مالیّه خود کرد!!! و یهودی دیگر را بنام سموئیل بن وقار را طبیب مخصوص خویش ساخت! اینها از مقامات خویش سوء استفاده کردند! و بتوطئه علیه شاه و مملکت محکوم شدند!!! و در

زندان جان سپردند! و سمونیل ابوالعفیا نیز بهمین سرنوشت دچار شد! و در زمان در سلطنت پدروی خزانه دار کل مملکت بود! ثروت بیکران اندوخت!!! و بفرمان شاه بقتل رسید!!!

در سال ۱۳۸۸م؛ نامه هایی جعل کردند!!! که در آنها یک پیشوای یهودی اهل قسطنطنیه! برنئیس یهودیان اسپانیا توصیه کرده بود! که از مسیحیان تا آنجا که می توانند بزدید! و مسموم کنید! یک نوکیش را به اتهام آنکه فطیر متبرک در کوله بارش یافته اند بازداشت کردند! او را چندان شکنجه دادند! که اقرارنامه را امضای کرد!!! که در آن ادعا میشد!!! که شش تن نوکیش به همراه شش تن یهودی یک کودک مسیحی را کشته اند! تا قلبش را در یک آیین جادویی!!! که نتیجه اش مرگ تمام مسیحیان و اضمحلال مسیحیت بوده است! بکار بردند!!! اعتراف شکنجه شدگان با یکدیگر منافات داشت!!! و هیچ جا خبر از یک کودک گمشده یافته نشد! با وجود این! چهار یهودی را سوزاندند! و دو نفر از این چهار تن را پس از آن با گاز انبرهای داغ و آتشین تکه پاره کردند به آتش افکندند!!!

**در سال ۱۳۲۱م؛ صد بیست یهودی به اتهام مسموم کردن چاههای آب در نزد یکی شهرشینون زنده طعمه آتش شدند!!!**

در سال ۱۳۳۶م؛ یک نفر خشکه مقدس آلمانی اعلام کرد!!! که از جانب خداوند براو وحی نازل شده است!!! که با کشتن یهودیان انتقام مرگ عیسی مسیح رسول الله را بگیرد! وی ۵۰۰ نفر از دهقانان را که چون نواری از چرم بدور بازویشان میبندند (چرمین بازو) خوانده شدند!!! بدنبال خود انداخته و در آلاس و راینلاند هرچه یهودی بر سر راه خود یافت بقتل رسانید! یک جنون آدمکشی سراسرنواحی باواریا؛ بوهم! مورای! و اتریش را بخون کشید! یهودیان نوکیش برای آنکه بتوانند مسیحیت را بپذیرند! این جملات را مطرود می شمردند!!! و خواستار حذف و الغای کتاب تلمود میشدند! با وجود پیدایش چنین نهضت هایی که یکبار منجر به اعتراض شدید! پفرکورن برضد رویشلین شد! پاپ لئو دهم برای نخستین چاپ کتاب تلمود (و نیز ۱۵۲۰م؛) اقدام مساعده کرد! اما یولیوس سوم بدستگاه تفتیش افکار دستور داد!!! تا هر نسخه از آن را که در ایتالیا بدست

آورند بسوزانند (۱۵۵۳م؛) هجوم بخانه های یهودیان شروع شد!!! و هزاران نسخه کتاب تلمود بدست افتاد! در روم! بولونیا! پادوا! ونیز! و مانتوا! شعله های آتش از کتابهای یهودیان بهوا برخاست! میلان از اطاعت فرمان کتاب سوزی سرباز زد! وهیئتهای از یهودیان دست بدامن پاپ شدند! تا آن فرمان را لغو کند! و او دادن جواب را بمسامحه میگذارند! در حالیکه مجلدات طعمه آتش میشدند! سرانجام پیوس!!! چهارم اجازه داد که کتاب تلمود پس از بازرسی و سانسور چاپ شود! از آن پس یهودیان نشریات خود را از زیر سانسور میگذراندند!!! (از کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت؛ جلد ۶؛ ص ۲۴۴ و ۲۶۵ و ۸۶۳ و ۸۷۵)

## جنگ یهودیان با ایمان و ایجاد ترور!!! وحشت در جهان از کتاب اسرار سازمان مخفی یهودیت صهیون نیزم!!!

از همین نظر لازم است؛ ما باید ایمان بمذهب را ریشه کن نمایم! ما باید مغزهای عیسویان!!! ایمان بمبداء الهی را خارج!!! بجای ارقام محاسبات! و موضوعات مادی را جایگزین سازیم!!! و برای اینکه عیسویان وقت تفکر و تجربه نداشته باشند!!! باید افکار آنها را با صنعت و تجارت پریشان نمود! تا تمام مثل درصد منافع خصوصی خود برآمده! و برای اغراض شخصی مبارزه! توجهی بدشمن مشترک خود نداشته باشند!!! و برای اینکه آزادی کاملاً از بین رفته!!! و کاملاً اجتماع مسیحیان واژگون شود؛ باید صنعت را به اساس سپکولاسیون و سفته بازی قرارداد!!! بقسمتی که هیچ ثروتی که در نتیجه استفاده!!! از زمین عائد میشود! در دسترس صنعتگران قرار نگرفته!!! بلکه در معرض سفته بازی واقع شده!!! و بالاخره بصندوق های ما سرازیر شود! مبارزه های پرحرارتی که تا کنون برای تفوق یکی بردیگری شروع شده در آینده نیز ادامه خواهد داشت! و نیروی اقتصادی که آغاز شده اجتماعات بی نشاط و سرد! و بی روحی ایجاد کرده و خواهد کرد!!! که در نتیجه تنفر فوقالعاده ای نسبت بسیاست!!! ملی و مذهب ابراز خواهند داشت! و تنهاره بر حساب ورقم خواهد بود! یعنی تنها معبود این ملتها خلاء خواهد بود!!! طلائی که به علت قدرت خرید احتیاجات مادی! نسبت به آن ایمان تزلزل ناپذیری خواهند داشت!!! در این وقت است که طبقه

توده مسیحیان! برای مبارزه بر علیه مسیحیان روشنفکر که رقبای ما هستند!!!  
 در زیر لوای فرمان ما جمع میشوند! البته نه بمنظور کسب ثروت!!! و نه بقصد  
 اصلاح اوضاع! بلکه فقط از روی کینه و حسد نسبت!!! بطبقه که تقریباً زندگی  
 راحتی دارند!!! برای همکاری با ما حاضر میشوند!!!

در تمام اروپا! و سایر قاره های عالم ما باید جوش و خروش ایجاد کنیم!!! و در  
 نتیجه تخم نفاق!!! و کینه را بین مردم پراکنده سازیم!!! در هر موقعی که ما به  
 مخالفتی برخورد میکنیم! باید دارای استعدادی باشیم! که بتوانیم جنگ را بین  
 کشورهای همجوار هم باکشور مخالف ماهر عقیده باشد! بتوانیم جنگ عمومی  
 را ایجاد کنیم! مطمئن ترین راه پیشرفت در سیاست این است!!! که در هر کاری  
 سرنگهدار باشیم گفتاریک سیاستمدار نبایستی هیچوقت با عمل او تطبیق کند!!!  
 ما باید با حکومت های مسیحیان مخالفت کنیم!!! افکار عمومی هم بما کمک  
 خواهد کرد! زیرا که مطبوعات افکار عمومی را در اختیار ما گذارده اند! صرف نظر  
 از چند مورد استثنائی مطبوعات! تقریباً در همه جا در اختیار ما است! و بطور خلاصه  
 برای ذکر سیستم مبارزه خودمان با مسیحیان اروپا! در اولین وهله اگر طرف  
 مخالف باکشور باشد! بنیروی ترور متوسل میشویم!!! و اگر همه با ما مخالفت  
 کنند! برضد ما بشورند! باتوپهای امریکائی و انگلیسی جواب خواهیم داد!!! ما  
 حکومت خودمان را با یک عده علمای اقتصادی احاطه میکنیم! و برای همین  
 است!!! که بایستی در حکومت ما بتعلیم علم اقتصاد اهمیت بیشتر داده شود! و  
 بطور خلاصه یک عده بانکدار! و صنعتگر! و سرمایه دار! و مخصوصاً میلیونر  
 در دستگاه ما خواهند بود! مورد استعمار اصل فراماسون برای تغییر تربیت تو  
 ده های ملل مختلف!!! تکیه کلام فراماسون اهمیت ضدیت با یهود!!! حکومت

دیکتاتوری فراماسون ترورکسانیکه در دستگاه فراماسونی خدمت میکنند!!!  
 قوه هوش و قوه کور قلمرو حکومت مسیحیان قدرت و ملت! حکم آزادی خواه!  
 غضب! تعلیم! تربیت! تعبیر قوانین! بادستهای محکم و قوی حکمفرمایی میکنیم  
 چون قدرت را از دست کسانیکه که مطیع ما شده اند بدست آوریم! (نکاتی از  
 مؤلف: از اول استقلال کشور آمریکا تا به امروز ۴۳ رئیس جمهوری انتخاب  
 شده است!!! همه آنها فراماسونری بوده اند!!! که بجلد ۴ این کتاب مراجعه  
 فرمایید) **جاه طلبی های بی مورد و حرص و آز و انتقام بیرحمانه! کینه را منحصر  
 بخود میکنیم! ما هستیم که با ترور همه جا را احاطه میکنیم!!! و افراد زیادی با  
 عقاید مختلف! و روشهای متفاوت در اختیار خود داریم! در دستگاه ما هواخواهان  
 سلطنت!!! عوام فریبان سوسیالیست ها! و در همه فرقه ای وجود دارد! ما تمام  
 مردم را دنبال کار خودشان مشغول ساخته ایم! و هر کس سعی خواهد کرد آخرین  
 آثار قدرت را که در خارج موجود است از بین برده!!! و هر چیزی که خود نمائی  
 کند منهدم سازد! ما طبقه روشنفکر را! از توده ملت میترسانیم!!! و برای مبارزه  
 با اتحاد طبقه روشنفکر قیام میکنیم! بین این دو طبقه ما دیواری بناء کرده ایم  
 و در واقع ترور متقابل ایجاد نموده ایم! ما بنیروی کورتوده ملت تکیه نموده!  
 و این نیرو را بهر جانی که خواهیم منعطف میسازیم! ما نسل جوان مسیحیان  
 را با اصول تربیتی!!! که به اساس فریضیه های غلط استوار نموده ایم فاسد  
 میکنیم! و بدون اینکه در قوانین موجود! ظاهراً تغییرات اساسی بدهیم!!! در آنجا  
 تغییرات ضد و نقیض داده! و نتیجه هائی بمیل خود بدست میآوریم!!! **خواهید  
 گفت: اگر به اعمال و مقاصد ما پی بردند؟! اسلحه بدست گرفته و بر ضد ما قیام  
 خواهند کرد؟! ولی در ممالک غربی تشکیلاتی وحشتناک تریب داده ایم!!! که  
 جسورترین اشخاص در مقابل آن میلرزند!!! و عمال ما با تشکیلات و مدارک  
 خود! از کشور به کشور دیگر! و از پایتختی بپایتخت دیگر منتقل میشوند! و برای  
 اینکه توجه اشخاص پرشور را از مسائل سیاسی منحرف بسازیم!!! مسائل  
 جدیدی را مطرح میکنیم! و اغلب این مسائل از نوع صنعتی خواهند بود! و ترتیبی  
 خواهیم داد که شور و!!! انرژی آنها در این راه مصرف شود!!! در نتیجه توده****

---

ملت بدون اینکه کاملاً مثمر ثمری انجام دهد! فقط بمسائل سیاسی که خود ما در اختیارشان گذارده ایم! توجه خواهند کرد! و در اثر این توجه بسیاری از افراد مسیحی با دولت مسیحی خود مبارزه خواهند نمود!!! به امید اینکه مشاغل جدیدی را اشتغال کند! و برای اینکه افکار آنها متوجه نکات دیگر نشود!!! آنها بتفریح ورزش های گوناگون مشغول خواهیم کرد! و در نتیجه این کارها مردم را از توجه با افکاری! که ماباید با آنها مبارزه کنیم منحرف خواهد کرد! و بعد از چندمین اشخاص سیاست ما را تعقیب نموده!!! و بوسیله آنها در توده های مسیحی رخنه میکنیم! و بمحض اینکه رژیم ما بر سمیت شناخته شد!!! وظیفه آنها خاتمه خواهد یافت!!! (از کتاب اسرار سازمان مخفی یهود؛ ژوزلا میلسن؛ ترجمه؛ رس؛ ص ۵۰ و ۶۷ و ۷۱ و ۷۳ و ۷۵ و ۷۸ و ۱۰۷)

## مقدمه کتاب اسرار سازمان مخفی یهودیت صهیون نیزم

خوانندگان عزیز اصل این کتاب بزبان روسی نوشته شده!!! و بتمام زبانهای زنده دنیا ترجمه شده! و من آن را برای شما از زبان فرانسه به فارسی ترجمه میکنم! تصور میکنم! با خواندن این کتاب بنکات شگفت انگیزی!!! پی خواهید برد و از مطالعه آن پشیمان نخواهید بود! برترجمه فرانسه آن (ژوژ لامبلن) مقدمه مشروحی نوشته!!! برای معرفی کتاب احتیاجی بنوشتن مقدمه دیگر نمیبینم و فقط بترجمه مقدمه فرانسه اکتفا میکنم. مترجم ر- س

نکاتی از مؤلف: شمه نا چیزی از این کتاب را نوشته ام!! که مشت نمونه خروار است! از خوانندگان محترم تقاضا میشود!!! که خود کتاب اسرار سازمان مخفی یهود را بخوانید!!!

**ویهودیان جنایتکار و خون آشام! مسیح حقیقی خداوند خلاق جهان هستی را عیسی مسیح پیغمبر و رسول الله پسر مریم را! بظاهر بصلیب کشیدند! و بقتل رسانیدند! پس از آن دنبال مسیحای دروغین!!! براه افتادند و شورش جهانی کردند! که مردم جهان را قتل عام کنند! اما در طول تاریخ با مسیحای دروغین خودشان شکست خوردند!!! و بهلاکت رسیدند!!! و ضرباتی که میخواستند!!! بمردم جهان بزنند!!! بخودشان برگشت!!! در طول تاریخ خوار! و ذلیل!!! و بی آبرو شده اند!!! زندگی حیوان وار را متحمل!!! و ادامه دادند! که بعد از آن جیره خواران! و نوکران!!! و مزدوران شاهان! و خاتان! و حاکمان جباران!!! و اشراف شده اند!!! و در زیر سایه اربابان!!! بمردم ضعیف مانند کارگران!!! و دهقانان! و کشاورزان! هر ظلم و ستمی که از دستشان برآمد بعمل آوردند!!! و مردم مظلوم را با قدرت اربابانشان! مظلوم تر و بیچاره تر کردند! مردم ضعیف! کار و کاسب! و مخصوصاً کشاورز! و دهقان از دست ایشان جانشان بلب آمده بود!!! وزیرا که ستمگری شاهان!!! و خاتان و حاکمان جباران!!! و اشراف با دست مزدوران یهودیان شان! قد ضعیف را خم!!! و کمرشان را میشکستند!!! و همه ضعیف و دهقانان در انتظار فرصت بودند!!! که ظلم و ستم و استثمار شاهان!!! و یهودیان**

مزدور را بر کف دستشان بگذارند! و بخودشان بازگردانند!!! که در انقلاب اروپا چنین شد! که در تاریخ موجود است! بعد از آنکه سرکوب شدند! یهودیان استثمارگر و ربا خوار و خون آشام و جنایتکار شرق! مظلوم نمائی و گریه وزاری و مکاری کردند! و باز هم نوکر و مزدور آنان شده اند!!! و تضرع وزاری را شروع و مظلوم نمائی!!! مگاران را دوباره به انجام رسانیدند! و قتیکه حال یهودیان صهیون نیزم کمی بهتر شد! و در فلسطین شروع بقتل و غارت و جنایات و فساد کردند!!! که بادیست انگلیس و آمریکای جهان خوار مملکت فلسطین را اشغال نمودند! و مردم مظلوم مسلمان فلسطین را آواره کردند! بارهبری آریل شارون تروریست دولتی و جهانی!!! با مردم مسلمان فلسطین هرچه جنایت و قتل و غارت و فساد کاری از دستشان برمی آمد با تمام بی رحمی به انجام رسانیده اند!!! که مردم جهان امروز شاهد! آن جنایت! و قتل و غارت هستند! میبینند و میدانند!!! و یهودیان صهیون نیزم چنین خیال میکنند! آریل شارون ملعون و تروریست!!! مسیحای ایشان است! که هرچه از دست جنایتکاری شارون ملعون میآید! دست بر خون مردم! و اطفال و زنان مسلمان فلسطین آلوده مینماید! از تاریخ خودشان عبرت نمیگیرد! که جنایت های اجداد خودشان بر خودشان بازگشت شده است! و در جهان آواره و دلیل شده بودند! ای یهودیان صهیونیست جنایتکار و خون آشام و بی دین و بی آبرو بشما هشدار میدهم! که بزودی روزی خواهد آمد که همه مسلمانان کشورهای جهان!!! خون مظلوم هم دینشان فلسطینیان را از شما خون آشام خواهند گرفت!!! و باز هم شما را در جهان آواره و خوار و بی وطن خواهند کرد! انشاالله تعالی! و باید بدانید! که همه مردم جهان از همه جنایتکاری ها و خون آشامی ها و ربا خواری و ظلم و ستم خونخوری شما آگاه هستند!!! و تنقرو نفرت خودشان را چند برابر قبل بشما نشان خواهند داد!!! که هیچکسی در جهان بشما رحم نخواهد کرد! زیرا که شما یهودیان صهیون نیزم ضد خداوند و ضد دین خداوند! و ضد پیغمبران! و رسولان! و قاتل انبیاء عظام جهان هستی و رب العالمین هستید! که در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی!!!

که اصل وناب آیات شیطانی هستند! نشان داده است شما پیروان آن کتابهای آیات شیطانی!!! به هیچکسی مرد وزن! و صغیر و کبیر! و حتی حیوانات هم رحم نکردید!!! و در تاریخ خودتان هم بر کسی رحم نکرده اید!!! که تمامی جنایات و خون آشامی و خونخوری شما بخود شما باز خواهد گشت! زیرا که قرآن کریم وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین؛ بر محمد (ص) فرموده است: که هر کسی در گرو! اعمال خودش میباشد!!! که شما یهودیان صهیون نیزم نیز در گرو اعمال جنایتکاری!!! و خون آشامی! و خونخوری!!! و فساد و بی بند باری خودتان میباشد! که پیغمبر خداوند قرآن کریم و اسلام (محمد) رسول الله فرموده است: رحم کن تا برای تو رحم کنند! ای یهودیان صهیون نیزم ضدّ خداوند! و ضدّ دین خداوند! و ضدّ انبیاء عظام و پیغمبران و رسولان خداوند! شما که در جهان بکسی رحم نکرده اید!!! تا رحم کسی را ببینید!!! که بکلمات این اینجانب!!! اصل وناب کتابهای آیات شیطانی!!! و تاریخ جهان شهادت میدهد و خواهد داد!!! که چنین خواهد شد!!! انشاالله تعالی.

شما یهودیان صهیون نیزم و مزدور شما سلمان رشدی ملعون! بخداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین! و بتامی پیغمبران و رسولان و انبیاء عظام خداوند خلاق جهان هستی! اهانت! و تهمت! و دروغ! و افتراء فراوان را روا داشته!!! و نوشته است! و کتابهای آسمانی پیغمبران و انبیاء عظام خداوند حقیقی را تحریف کرده اید! و انبیاء خداوند ازلی و ابدی را با مکر! حیل! به عمد و حسد به قتل! شهادت رساندید! و شما یکی از مزدوران شما مانند!!! رشدی ملعون زنا زاده هایی! بدنیآ آورده اید! که جانشین! و ارث شما فاسدان بوده باشند! و اهل جهان را مثل خودتان زنا زاده و حرام زاده قلمداد کرده اید! نسبت زنا زادگی و حرام زادگی را داده اید! و در جهان قتل و غارت! کشت و کشتار و تروریستی را!!! از اول تا حال ایجاد کرده!!! و تروریست پروری را رونق فراوان داده اید!!! آیا هیچ تفکر کرده اید؟ که در این جنایات و خون آشامی! و خونخوری؟ بی غیرتی؟ بی ناموسی؟ و بی بند باری چه نصیب شما شده است؟؟؟؟!! جز اینکه لعنت! و خشم خداوند خلاق جهان هستی؟؟!! و مخلوق او را همراه! توشه خودتان و مزدورتان کرده اید؟! و در جهان آخرت عذاب دردناک جهنّم را مالکیت خودتان ساخته اید!؟!

## فصل پا نژدهم

از کتاب تاریخ یهود! مذاهب یهود بار سنگین سه هزاره! که نویسنده این کتاب یهودی و اهل اسرائیل است! که نویسنده بنام اسرائیل شاهاک میباشد.

مترجم دکتر مجید شریف

## مذاهب یهود با سنگین سه هزاره

من در اورشلیم بچشم خود دیدم! که یک یهودی مذهبی افراطی مانع شد!!! که در یک روز سبت از تلفن او استفاده کنند!!! تا آمبولانسی را بیاری یک همسایه غیر یهودی! که در حمله از پا در افتاده بود بخوانند!!! ص ۳۰

برپا شنه این سوال مشخص است!!! که از نظر سیاسی (چرخیده ام) یعنی من در قبال بن گوریون! از ستایش بقاطع ترین مخالفت گذر کرده ام! در ۱۹۵۶م؛ همگی دلایل سیاسی! و نظامی را که رهبر صهیون نیست!!! برای آغاز جنگ سونزارائه مینمود! بیچون وچرا هضم میکردم! اما زمانی فرا رسید! که دیگر از او پیروی ننمودم! یعنی زمانی که او! این آدم بی خدا! و سربلند از بی تفاوتی خویش نسبت به فرامین مذهب یهود!!! در روز سوم کشمکش در برابر کنسیت اعلام کرد! که دلیل را ستین! هدف راستین این است! (سلطنت داود و سلیمان) در مرزهای توراتی آن (از نومستقر گردد) با این سخنان! اعضای کنسیت تقریباً همگی بصورت خودجوش بپا خاستند! و سرود ملی اسرائیل را سردادند! ص ۴۵

## سرزمین آینده یهودیان صهیون نیزم

روایت های چندی از مرزهای توراتی ارض اسرائیل!!! که بنا بر تأویل مقامات خاخامی! طبق حقوق الهی بدولت یهود تعلق دارد!!! رایج هستند! عظیم ترین ارض اسرائیل در درون مرزهایش شامل ممالک زیر است! در جنوب همه سینا و بخشی از مصر سؤفا تا حدود قاهره!!! در خاور همه اردن! یک تکه درشت از عربستان سعودی! کویت! در عراق جنوب غربی فرات!!! در شمال همه سوریه (از جمله لبنان) و!!! یک جزء وسیع از ترکیه (تا دریاچه وان) در باختر! قبرس مسئله مرزهای کتاب مقدس پژوهشها و!!! بخشهای عالمانه فراوانی را بر

انگیخته است که در اسرائیل بصورت اطلس ها!!! مقالات و وسایل مردمی تر تبلیغات ظاهر میشوند!!! همه اینها!!! غالباً بخرج دولت یا بیمن سایر اشکال حمایتی منتشر میگردد!!! ص ۴۶

در پایان دهه ۱۸۳۰م؛ یک (خاخام مقدس) (تزادیک) متعلق بیک قصبه یهودی نشین اوکراین دستورداد! که یک مرتد با پرتاب وی در آب جوشان حمامهای عمومی کشته شود! یهودیانی که در آن دوره این رویداد را گزارش کرده اند! با حیرتی هراسناک اعلام میکنند! که چرب کردن سبیل کارگزاران دیگر اثری نداشت!!! ص ۶۲

مقامات خاخامی اروپا خاوری حکم ممنوعیت!!! هر مطالعه غیر تلمودی را حتی آن راکه از کمترین جنبه قابل تکفیر عاری است صادر نمودند! چه گونه مطالعات زمانی را که باید به مطالعه تلمود! یا پول در آوردن اختصاص دارد میربودند ۰۰۰ و این پول برای تأمین زندگی علمای تلمود ضرورت داشت! در زمانی چنین پر! جزیک حفره باقی نمی ماند!!! حفره ای که حتی پرهیزکارترین یهودی!!! باید جبراً لحظاتی چند در روز را بر سر آن بگذارند چون مطالعات قدسی در این مکانهای نا پاک ممنوع بود!!!

خلاصه کنم دویست سال پیش!!! اکثریت عظیمی از یهودیان!!! در سیاه ترین نادانی بسر میبردند! نه تنها نسبت بوجود آمریکا! بلکه نسبت بتاریخ یهود! و وضعیت دنیای یهودی آن زمان! و از این امر بکمال راضی بودند!!! ص ۶۹  
باید بفوریت دریابیم که تلمود!!! صرف نظر از کینه و نفرتی که نسبت بتمامی بیگانگان!!! بطوری کلی ابراز میدارند! جنبه ای که در فصل ۵ بتفصیل بدان خواهیم پرداخت! دستور العمل ها و احکام بسیار توهین آمیزی!!! بویژه در قبال مسیحیت دارند! مثلاً کتاب تلمود! علاوه بر یک رشته اتهامات جنسی رکیک!!!

علیه عیسی مسیح میگوید: که کیفر او در دوزخ است!!! که درحمّامی از مدفوع جوشان افکنده میشود!!! آیا بدین ترتیب انتظار داشته اند که!!! حسن نیت مسیحیان مؤمن را بخود جلب نمایند؟! و همچنین باید حکمی را ذکر نماییم که بیهودیان فرمان میدهد!!! که هر نسخه از عهد جدید (اناجیل) را که بدست آنان می افتد بسوزانند!!! و در صورت امکان بطور علنی این حکم تاروژگار مالغونشده! اجرا میگردد!!!

روز ۲۳ مارس ۱۹۸۰م؛ صد هانسخه از عهد جدید (اناجیل) علناً و طی مراسم در اورشلیم! و تحت نظارت عالیّه (یاد لعاعیم) سوزانیده شد! این سازمان مذهبی از کمک مالی وزیر مذهب اسرائیل بهره مند میگردد!!! ص ۷۱

### نژادپرستی یهودیان صهیون نیزم

(بخشی از ترکها) (یعنی مغولها) و خانه بدوشان شمال! سیاهان و خانه بدوشان جنوب!!! و کسانیکه در اقلیم های مابقه آنان شباهت دارند! طبیعت آنها شبیه طبیعت حیوانات زبان بسته است!!! و بنظر من! اینان بمرتبّه موجودات انسانی نایل نمیشوند! در میان اشیای موجود! آنها فروتر از انسانند! اما فراتر از میمون! زیرا که در حدّی بالاتر از میمون از چهره و منظر انسان برخوردارند!!! ص ۸۰

هاتانیا (کتاب مقدّس) جنبش هابادی!!! یکی از قویترین شاخه های هایسد یسم (یهودیان) را در نظر بگیریم! بنوشته این کتاب! غیر یهودیان مخلوقات شیطانی هستند!!! که مطلقاً هیچ نیکویی نزد آنان یافت نمیشوند!! تفاوت کیفی میان یهودیان! و غیر یهودیان از مرحله جنینی وجود دارد!!! حتی زندگی غیر یهودی امری (( غیر ضروری)) است! زیرا که دنیا جز بخاطر گل روی یهودیان ساخته نشده است!!! ص ۸۴

مطبوعات اسرائیل بزبان عبری می آیند! مطبوعاتی که در آنها خاخام لوباویچ و سایر سران هاسیدی!!! بی وقفه خشن ترین اعلامیه ها و خونخوارانه ترین تحریکات علیه تمامی اعراب را منتشر میسازند! در این قلمرو! مارتین بوبریک دروغ ساز و بزرگ و یک نمونه مناسب قدرت دروغ بود!!! در آثار متعدد او در بزرگداشت جنبش هاسیدی (از جمله هاباد) هیچ چیزی پیرامون دیدگاه واقعی هاسیدیسم! در قبال غیر یهود یان یافت نخواهد شد!!! جنایت فریبکاری تا بدان حد است! که این مدیحه ها برای نخستین بار در دوره اوج گیری ناسیونالیسم و نیل نازیها ب قدرت انتشار یافته اند! آثار کلاسیک آموزش عبرانی در اسرائیل! و مواضع سران هاسیدی خون آشام را قویاً محکوم کرده اند! خلاصه این که این آثار عامل بسیار مهمی در اوج گیری قوم گرایی اسرائیل و کینه و در تمامی غیر یهودیان بوده اند! در واقع! بسیاری از موجودات انسانی! مغزشان از تبلیغات هاسیدی انباشته بود! از رسیدگی به امور آنان سر باز زدند! رفتار غیر انسانی که بخش سنگینی از مسئولیت آن متوجه فیلسوف مارتین بوبر است!!! ص ۸۶

در واقع در میان آنانی که امروزه ادعای ((ضد استالینسم)) دارند! بسیاری خیلی ساده برای خود بُت دیگر برای پرستش یافته اند! و در مجموع! نژاد پرستی! و تعصب یهودی را با حرارتی باز هم بیشتر! و با سوء نیتی که در گذشته حتی نزد سرسخت ترین! استالینیان یافت نمیشود! مورد حمایت قرار میدهند! با وجود آن که این نحوه حمایت چشم بسته!!! و استالینی از هر تجلی شر! بصر ف این که (یهودی) است! از سال ۱۹۴۵م؛ و از زمان کشف حقیقت قلع و قمع یهودیان اروپائی قویاً گسترش یافته است!!! ص ۹۱

## خدایان عجیب و غریب و معجون یهودیان صهیون نیزم

این ایده را که مذهب یهود یکتا پرست است!!! و همیشه چنین بوده است! همان طور که متخصصان متعدد کتاب مقدس میدانند!!! و همان طور که قرائنی دقیق از عهد عتیق بخوبی نشان میدهد! این عقیده غیرتاریخی کاملاً خطاست!!! در بسیاری و گرنه در بیشتر کتب عهد عتیق! وجود! قدرت!! (خدایان دیگر!!) بروشنی برسمیت شناخته شده! اما یهوه قویترین آنهاست!!! بر قبیانش حسادت بسیار میورزد! و پرستش آنها را بر مردم خود ممنوع میسازد! نفی وجود هر خدای دیگر جز یهوه تنها مدتهای بعد!!! از سوی آخرین پیامبران!!! در کتاب مقدس اعلام میگردد! با این وجود آنچه در اینجا ما را بخود مشغول میسازد!!! آنه یهودیت کتاب مقدس که یهودیت ((کلاسیک)) است! باری! روشن است! که این یهودیت نیز در طول چند صد سال آخر خود!!! در مجموع از یکتاپرستی محض دورگشته است! اگرچه این امر کمتر درک شده است! در باره پیکره دیدگاهی! که در یهودیت تعبّدی امروزی یعنی ادامه مستقیم یهودیت کلاسیک!! عملاً مسلط است! نیز می توان چنین گفت (قبالایا Kabbale) آغاز میگردد! در پایان قرن شانزدهم! این عرفان تقریباً مراکز یهودیت را فتح میکند! بیش از هر چیزی! علیه این عرفان گرای! و نفوذ آنست که هاسکالا (جنبش روشنگری یهود) برآمده! از بحران یهودیت کلاسیک! بناچار درگیر پیکار شد! با این وجود در تعبّد یهودی امروز!! بویژه نزد خاخامها!!! قبلا چیرگی خود را حفظ کرده است! (به عنوان قبالا مطمئناً یک آیین باطنی است که مطالعه آن به علما اختصاص میابد!! در اروپا بویژه پس از میانه قرن هیجدهم تدابیر سخت و شدیدی اتخاذ شدند تا آن را سرّی نگاه دارند! و تحصیلش را ممنوع سازند مگر برای علمایی که آزمایش شده اند و آن هم تحت هدایت دقیق یک استاد! توده های یهودی آموزش نیافته! اروپای خاوری هیچ شناخت واقعی از آیین قبالایی نداشتند! این آیین بشکل خرافات و اعمال جادویی تا درون آنان نفوذ میگردد!!!

مثال جنبش گوش امونیم!!! تا اندازه زیادی از ایده های قبایل الهام گرفته است! نتیجه میشود! که بدون شناخت! و درکی از این ایده ها!!! درک باورهای واقعی یهودیت در پایان دوره کلاسیک آن غیرممکن است! از سوی دیگر! این ایده ها نقش سیاسی مهمی در دوره معاصر بازی میکند! تا آن حدکه جزئی از اصول عقاید صریح سیاستمدان مذهبی متعددی (از جمله بیشتر رهبران گوش امونیم) را تشکیل میدهند و بر تعداد زیادی از رهبران صهیون نیست از همه احزاب از جمله احزاب چپ نفوذ غیرمستقیم دارند!!!

**بنابر قبالات! عالم تحت سیطره یک خدای واحد! که مقهور چند اقنوم الوهی است که تفاوت آنها در خصل؛ و نفوذ ایشان است! تجلیات یک ((علت اول)) نامشخص! و دور دست میباشد! بی آنکه در یک آشفته بازار جزئیات وارد شویم! میتوانیم این دستگاه را بدین گونه خلاصه نماییم!!! از ((علت اول)) نخست یک خدای مذکر موسوم به ((حکمت)) یا ((پدر))! و سپس یک الوهیت مؤنث! یعنی ((معرفت)) یا ((مادر)) زاده شده اند! (یا بزبان الهیاتی نشأت گرفته اند) از آمیزش این دو! الوهیت جوان حاصل میگردند!!! ((پسر)) که اونیز با بسیاری نامهای دیگر از جمله ((وجه صغیر)) یا ((مسعود مقدس)) مشخص میشود!!! و ((دختر)) که ((بانو)) نیز نامیده میشود! (یا ((ماترونیت))! از ماترونای لاتینی)! ((شیخیناه))! ((شهبانو))! قدس علی هذا! این دو خدای جوان نیز باید به نوبه خود با هم جفت شوند! اما از این کار در اثر توطنه های شیطان! که در این دستگاه! یک شخصیت مهم!!! و مستقل است! جلوگیری میگردد! ((علت اول)) به آفرینش جهان اقدام میکند! تا به آنها امکان دهد! که به هم بیامیزند! اما در اثر ((هبوط))! هر دو جدا تر از همیشه از هم دور می افتند! تا آنجا که شیطان موفق میشود! به ((دختر)) الوهی نزدیک گردد! و حتی از او سوء استفاده نماید!!! (در ظاهر یا در واقعیت! عقاید در زمینه متفاوتند)! آنگاه ملت یهود آفریده میشود!!! ناگسستگی ناشی از آدم! و حوا را رفع و رجوع کند! و این امر در یک دم بر کوه سینا پدید می آید! جایی که ((پسر)) الوهی! حلول یافته!!! در پیکر موسی! با الهه شیخیناه جفت میشود! بدبختانه!!!**

پرستش گوساله طلایی! جدایی دیگر را میان الوهیت‌های جوان سبب می‌گردد!  
 اما توبه ملت یهود توافقی را به ارمغان می‌آورد! قبایل‌های! بهمین ترتیب!  
 هر سرفصل از تاریخ توراتی را! به یک وصل! یا فصل میان زوج الوهی! جوان  
 مربوط میکنند! فتح کشور کنعان! و قتل عام ساکنان آن! همچنان که بنای نخستین  
 !!! و دومین (معبد) (هیکل) اموری هستند!!! که بویژه برای پیوند آنان!!!  
 مساعدند! بر عکس! ویرانی (معابد) و تبعید یهودیان! نشانه‌های بیرونی! انتها  
 یک جدایی میان دو الوهیت جوان! بلکه (زناکاری با خدایان بیگانه) توسط آنهاست  
 ! (دختر) تحت امپراتوری شیطان قرار می‌گیرد! و (پسر) که همسر خویش را!  
 و نهاده است! در بستر خود مخلوقات شیطانی گوناگون را می‌پذیرد!!!  
 و وظیفه یهودیان پرهیزگاران است! که بیاری ادعیه! و اعمال مذهبی خویش!  
 یگانگی کامل را! بشکل پیوند جنسی! میان الوهیت مذکر و الوهیت مؤنث از نو  
 برقرار کنند!!! (بسیار در اویش یهودی معاصر عقیده دارند که میتوان با جنگی  
 علیه اعراب! با اخراج فلسطینیان! یا حتی با ایجاد پایگاه‌های یهودی در کرانه  
 باختری با سرعت بیشتری به این هدف رسید! جنبش برای ساختمان (معبد  
 سوم) نیز خود بر چنین ایده‌هایی بنا شده است)!!!  
 بدین ترتیب! پیش از غالب اعمال آیینی! که هر یهودی پارسا باید! چندین بار در  
 روز انجام دهد! قاعده قبایل‌ی زیر را از بر می‌خواند! (باشد که مسعود مقدس! و  
 شیخیناه او را از نوشادمانه! بهم بیامیزند) (در عبری yihnd معنای تحت اللفظی  
 آن (پیوند فاصله دار) است! همان واژه متون قانون بکار میرود (در ارتباط با  
 ازدواج و...) تا روابط جنسی را مشخص نماید) ادعیه صبح نیز بگونه جفت  
 و جور شده اند که این عمل عاشقانه را! حتی اگر شده بصورت لحظه!!! تسهیل  
 نمایند!!! بخش‌های پی در پی دعا! بگونه ای عرفانی! به مراحل این (باز پیوند)  
 مربوط میشوند! در یک لحظه الهه با ندیمه هایش نزدیک می‌گردد!!! در لحظه  
 دیگر! الهه دست در گردن او می‌کند! و سینه هایش را نوازش می‌دهد! و سر انجام  
 چنین برمی آید! که رابطه جنسی برقرار گشته است!!!

ادعیه و اعمال آیینی دیگر! در تفسیر قبلاایی خود! بدین هدف صورت میگیرند! که فرشتگان گوناگون ((الوهیتهای صغیریکه از نوعی خود مختاری برخوردارند)) را فریب دهند! یا شیطان را با خود یار و همراه سازند!!! در برهه ای! از دعای صبح چند آیه را بزبان آرامی تلاوت میکنند! حیله کوچکی که متوجه فرشت گانی است! که دروازه های آسمانی را نگهبانی مینمایند! و قدرت آن را دارند! که ادعیه مردان پارسای را واپس زنند! این فرشتگان در واقع! جز عبری نمی فهمند! بعلاوه اینان که بد جنس نیستند (و در هر حال! کمتر از قبلاایی هاچنین اند) از آیات آرامی مات! و متحیر میگردند! بناگهان! دروازه ها را باز میکنند!!! و بدین ترتیب بتمامی ادعیه! از جمله آنها که بزبان عبری هستند! اجازه عبور میدهند! مثال دیگر پیش و پس از غذا خوردن! هر یهودی پرهیزکار! با آداب! و تشریفاتی دستهای خود را میشویند! و در همان حال وردی خاص را برای تبرک ادامیکند! در یک حالت! او خدارا تکریم مینماید! و پیوند الوهی ((پسر)) و ((دختر)) را تسهیل میکند! در حالت دیگر شیطان را تکریم مینماید! همان که ادعیه! و مناسک یهودی را! بسیار ارج مینهد! تا آن حد که اگر شماری از آنها را به او تقدیم دارند! در اثر آنها!!! دست کم در طی این مدت! فراموش میکند!!! که گرد دختر الوهی بچرخد! بنابراین باور قبلاایی ها! که در واقع! برخی از قربانیانی که در معبد میسوزانند مختص شیطان بودند! بدین ترتیب! هفتاد گاوی! که در طی هفت روز عید خیمه ها! قربانی میشدند! بنظر آنها! بشیطان به عنوان مرشد! تمامی بیگانگان تقدیم میگشتند! تا این که او! کاملاً رام و سرسپرده شود! (۱) قربانی روز هشتم را! که بخدا تقدیم شده است! برهم نزنند!!! میتوان نمونه های دیگری از این نوع را ذکر! در ارتباط با این نظام! و اهمیت آن برای درک درستی از یهودیت کلاسیک! و آثار سیاسی معاصر آن در بطن عملکرد صهیون نیستی!!! ملاحظاتی چندی در کار هستند!!! (از کتاب تاریخ یهود مذهب یهود با رسنکین سه هزاره؛ نویسنده اسرائیل شاهاک؛ مترجم دکتر مجید شریف؛ ص ۹۴ تا ۹۹)

## فریبکاری و پول پرستی خاخامهای یهودیت صهیون نیست

فریبکاری در قبال خداوند! وبا فریبکاری در قبال سایر یهودیان همدوش!!! او هم عنان است! و اساساً بسود طبقه یهودی مسلط!!! این امر که هیچ معافیتی بطور خاص! بخاص! بسود یهودیان فقیر اعلام نشده است! نشان از علتی اساسی دارد! بعنوان مثال! زمانی که یهودیان از گرسنگی میمیرند!!! هرگز خاخامهای آنانکه!!! از زندگی‌شان بر راستی در خطر نبود!!! (و خودشان بندرت با این نوع محدودیتها روبرو بودند) آنها را مجاز نکردند! که حتی یک نوع غذای ممنوع را بخورند در حالیکه غذاهای فاخر!!! اگران قیمت تر هستند!!! بدین ترتیب بدو مین خصلت اساسی معافیت ها می رسم!!! این امر که بسیاری از آنها آشکارا از روحیه سود جوئی الهام گرفته اند! و همین روحیه است که همراه با نفاق! و دورویی!!! بیش از پیش بر یهودیت کلاسیک غلبه کرده است! در اسرائیل!!! که در این فرایند ادامه دارد! افکار عمومی آگاهی مبهمی از این دو جنبه دارند! برغم اینکه آموزش و رسانه ها مغزشان را پر میکنند!!! سلسله مراتب مذهبی (خاخامها و احزاب مذهبی) و در مقیاس و در ارتباط با آن جماعت تعبد گرا بطور کلی! در اسرائیل بیشتر غیر محبوب هستند! اما محبوب! یکی از دلایل آن دقیقاً این است! که بدو رویی! و پول دوستی مشهورند!!! قطعاً عقیده عمومی (که غالباً قربانی تعصبات است) جایگزین یک تحلیل اجتماعی نمیشود! اما در این مورد خاص!!! حقیقت در عمل ما را موظف میسازد!!! که بگوییم: که مخالف مذهبی حاکم میل شدیدی بسفسطه! و فساد دارد!!! و این کاملاً در خط یهودیت تعبدگر است! چون مذهب تنها یکی از وجوه مؤثر! در زندگی اجتماعی بطور کلی است! آثار آن بر توده مؤمنان بسی کمتر!!! خاخامها! و سران احزاب مذهبی است!!!

اگر غالب یهودیان مذهبی اسرائیل! بیچون و چرا! فرد شرافتمندی باشد! این نه برکت نفوذ مذهب آنان و خاخامهای آنان! بلکه برغم این نفوذ است! برعکس چند قلمرو زندگی عموم اسرائیل! که کاملاً تحت سیطره محافل مذهبی هستند! از سطحی از سفسطه گر! پول پرستی! و فساد مشهور برخوردارند! و میزان زیادی از آن (حدّ) که جامعه اسرائیل بطور کلی تحمل میکنند! فرا ترمیرود!!! ص ۱۳۰

### **خاخامهای یهودیان کلاسیک زیر سایه شاهان و اشراف و خانان ظالمان بودند!!!**

جامعه یهودی کلاسیک! بصورت تنگ تنگ! پیدایش شاهان! و یا به اشراف! و خانان برخوردار بودند! از اختیارات پادشاه! و اشراف! و خانان! وابسته بودند! ص ۱۴۱  
خاخامها در پیوند! با یهودیان ثروتمند بودند! مردم خرده پاره! بخاطر منافع خویش! و منافع دولت!!! یعنی منافع تاج و تخت!!! و اشرافیت و خانان مورد ستم قرار میدهند! بتمامی این دلایل! خاخامها! در سراسر دوران (کلاسیک) همچنان که در دوره مدرن! وفادارترین اگر نگوییم! متعصبترین حامیان قدرتها بودند!!! و هر چه یک رژیم مرتجع تر بود!!! در میان آنان همدستان بیشتری مییافت! جامعه یهودیت کلاسیک! با جامعه غیر یهودیت گرداگرد آن! به استثنای شاه! اشراف! بتضاد کامل بود! یاب! به استثنای اشراف! اگر با دولت در یک راستا بودند! ص ۱۴۵  
در انگلیستان!!! یهودیان بعنوان اعضای طبقه حاکم نرماندی فرانسه زبان!!! توسط ویلیام فاتح!!! بماورای مانس آورده شدند! بویژه ما مورگشتند! که به اربابان انگلیسی!!! اعم از معنوی! یا دنیوی! و امهایی اعطاء نمایند!!! و الا این اربابان قادر نبودند! دین خویش را بشاه پرداخت کنند! بهمین گونه در فرانسه یهودیان در طول تشکیل! شاهزاده نشینهای!!! فنودالی مقتدر! در قرون یازدهم

ودوازدهم که قلمروپا دشاهی! از آن جمله بوده پیشرفت کردند و بهترین حامی آنها! در تبار کاپسین ها (سلسله پادشاهی که از ۹۸۷م؛ تا ۱۳۲۸م؛ بر فرانسه فرمان رانده بودند!!! ص ۱۴۷

از قرن یازدهم ببعده!!! در کاستیل!!! مقامات یهودی!!! علیه فرقه مرتد (قاریان) Caraites برشوریدند!!! طوری که اگر اینان توبه نمی کردند!!! بحد مرگ شلاق می خوردند! زنان یهودی! که بصورت متعه با غیر یهودیان میزستند!!! بینی شان بدست خاخمها بریده میشد! اینان چنین توضیح میدادند! که ((این زنان زیبایی خویش را از دست خواهند داد! پس معشوق آنان از آنان بیزار می خواهد جست)) یهودیانی که بخود اجازه میدادند! بیک قاضی خاخمی هجوم ببرند! دستانشان بریده میشد!!! زنا کاران پس از آن که! از محله یهودیان غرق در رسوایی و!!! زیر گبار ضربات عبور میکردند! بزندان افکنده میشدند! بهنگام مشاجرات مذهبی سخنرانی که بر آنان گمان ارتداد میرفت! محکوم بقطع زبان میگشتند! ص ۱۵۵ یهودیان بسیار متعددی!!! البته در سراسر لهستان!!! بویژه در خاوربه مشاغلی گماشته شده بودند! که آنان بفرای دستان و ستمگران مستقیم!!! دهقانان با سارت درآمد بدل میکردند!!! آنان نایب الحکومه (مباشری از سوی ارباب اختیارات کامل قهریه داشت) بودند! همچنین اجاره داران پاره ای از امتیازات فئودالی! از قبیل حق بهره برداری! از آسیاب یا کوره عمومی! تقطیر و نگاهداری میخانه (که این را ایجاد میکرد! که سلاح در دست خانه های دهقانی را در جستجوی دستگاههای تقطیر مخفی بگردند) و نیز گرد آوردن گان!!! تمامی بدهیهای قابل تصور! کوتاه سخن آن که! در لهستان خاوری! در دوره سلطه اربابان (وکلیسای فئودالی که منحصرأ از اشرافیت نشان میگرفت) یهودیان هم!!! استثمارگران بلا واسطه دهقانان و هم! بتقریب! تنها شهرنشینان بودند!!! ص ۱۶۱

قطعاً بزرگترین بخش آنچه اینان! از دهقانان (موژیکها) تلکه میکردند! به این یا آن نحو! بصندوقهای اربابان سرازیر میگشت! یقیناً خود یهودیان نیز تحت ستم! وسلطه قرار میگرفتند! و تاریخ نمونه های متعددی! تأثر آوری از بلایا!!! و تحقیرهای که این نجیب زادگان روستایی بر یهودیان (خود) اعمال میکردند! بیاد سپرده است! اما همان طور که توجه نموده ایم! دهقانان ستمی! باز هم شدید تر را!!! یوغ دوگانه مالکان ارضی و یهودیان تحمل میکردند!!! و میتوان فرض کرد این یهودیان تمام بارسنگین! قوانین مذهبی! مربوط! بیگانگان! غیر یهودیان را بردوش دهقانان تحمل مینمودند! البته جز در دوره خیزش دهقانی! ص ۱۶۲

شرایط وجودی در درون جماعت یهودی مسیری!!! بهمان اندازه واپس گرا نمود! طی دوره ۱۵۰۰م-۱۷۹۵م؛ که یکی از ویرانترین دوره های خرافات در تاریخ یهودیت است! جماعت یهودی لهستانی در این زمینه و در قلمرو تعصب! و تنگ نظری از همه دیگران فرا تر رفت! اختیارات قابل ملاحظه خود مختاری یهود!!! بیش از پیش بخدمت سرکوب!!! هر اندیشه اصیل یا نو آور!!! بخدمت و ترغیب بیشرمانه ترین بهره کشی؛ یهودیان بینوا!!! بدست یهودیان توانگر متحد خاخامها!!! و بخدمت توجیه نقش!!! یهودیان خادم اشرافیت!!! درست بر دهقانان درآمد!!! ص ۱۶۲

من (یعنی اسرائیل شاهاک) برای این امورتاً کید میورزم!!! اموری که بمحض آن که هریک از این انفجارات ضد یهودی! مورد! قرار میگردد! بروشنی پدیدار می گردد! زیرا که امروزه! در کتابهای تاریخی!!! غیر تخصصی منظم نادیده گرفته میشود! استثنای قابل احترام! کتاب هوگ ترور؛ رپر! پیدایش اروپای مسیحی! انتشارات تیمز!!! و هود سن! لندن! ۱۹۶۵م؛ ص ۱۷۳ و ۱۳۴ ترور؛ رپر همچنین یکی از تاریخ دانان نوین بسیار نادری است! که توجه داده است!!! که یهودیان

دیرزمانی!!! حاملان!!! و تاجران اصلی بردگان میان اروپای قرون وسطایی (مسیحی و مشرک) و دنیا مسلمانان بوده اند!!! (همان جا؛ ص ۲ و ۹۳) و ابن میمون! بمنظر تسهیل این امر مذموم! که طرح آن در اینجا مطرح نمیتواند باشد یهودیان را بنام مذهبشان مجاز نمود! که **کودکان غیر یهودیان را برای فروش بر بایند قطعاً فتوای او بر خاک نیفتاد!!! بی هرگونه تردید!!! بازتاب تجربه ای است!!! که در آن دوره نقداً جا افتاده بود!!! ص ۱۶۶**

یهودیان قطعاً با شیطان هم حاضر به اتحاد میباشند!!! و فراموش میکنند که! بنا بر مثل کهنه! برای هم سفر شدن با او باید! بر قاشقی بلند داشت! و برای دوستی شیطان هم! دیده ایم که یهودیان بشیطان هم قربانی کردند!!! ص ۱۷۳

تردیدی نیست که یهودیت کلاسیک بیوقفه پیامبر اسلام را ((مجنون)) (مشوگا)) توصیف میکند! اما این صفت از آنچه امروز ممکن است!!! بنظر آید بسی کمتر توهین آمیز است! در هر حال در مقایسه با عبارات و اصلاحات رکیک که در مورد عیسی مسیح رسول الله!!! استعمال میشود! به اندازه کافی ملایم میباشد!!! (از کتاب تاریخ یهود؛ مذهب یهود؛ با رسنگین سه هزاره نویسنده اسرئیل شاهاک؛ مترجم دکتر مجید شریف، ص ۲۴۳)

**ملعون باد کسی که شمشیر خود را از خون باز دارد!!!** (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی؛ باب چهل و هشتم؛ آیه ۱۱)

**واماتوای پسرانسان خداوندیّهوه چنین میفرماید: که بهرجنس مرغان وبهمه حیوانات صحراء بگوجمع شوید: و بیائید ونزد قربانی من!!! که آن را برای شما ذبح مینمایم فراهم آئید! قربانی عظیمی بر کوهها اسرائیل تا گوشت بخورید! و خون بنوشید! گوشت جباران را خواهید خورد! و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید! از قوچها و بره ها و گاوها و بزها که همه آنها از پرواری های باشان میباشند! و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم! پیه خواهید خورد تا سیر شوید! و خون خواهید نوشید تا مست شوید! و خداوند یهوه میگوید: که بر سفره من از اسبان؛ و سواران! و جباران!!! و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!!** (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبی؛ باب؛ سی و نهم آیات از ۱۷ تا ۲۱)

نکاتی از مؤلف: انفجار نور و پرتو قرآن کریم وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی؛ ربّ العالمین؛ جهان و جهانیان را پرتو افکنی کرده است؛ که مانند آهن ربای و میدان مغناطیسی!!! انسانهای پاک و مطهر و حقیقت جورا بطرف خود جذب میکند؛ و میکشاند؛ و قرآن کریم پرده از روی اصل و ناب کتابهای آیات شیطانی برداشته و رسوا کرده است!!! ثابت کرده که خودش تنها کتاب آسمانی وحی منزل پیغمبران و رسولان و انبیای عظام!!! و خداوند خلاق و حقیقی کلّ جهان و جهانیان میباشد؛ و ثابت کرده است؛ بیش از هزار و چهارصد سال است! که از دست شیاطین جنّ و انس؛ کفار و مشرکین و گمراهان؛ سالم و مصون پابرجا مانده است؛ و کلمه یا حرفی به او اضافه؛ و کم نشده است! روز بروز هم روشنتر و شفافتر آبرومند تر هم میشود؛ تا اینجا خوانندگان محترم باید خودشان فصل و تمیز فرمایند!!! که شیطان کیست؟! و آیات شیطانی کدام کتابها میباشد؟! در این باره ثابت شده که قلم! سلیمان رشدی ملعون گمراه نشده!!! بخطاء نرفته است! زیرا که از خود! ناب و ناب و اصل و اصل و اصل کتابهای!!! آیات شیطانی یعنی! از کتاب مقدّس عهد عتیق! و از کتاب تورات تحریف شده فعلی! که دشمن خداوند و ضدّ دشمن دین خداوند! و دشمن پیغمبران و رسولان انبیاء عظام!!! و دشمن عالم بشریت! و انسانیت میباشد! سرچشمه گرفته است!!!

این کتاب سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود!!! در پنج جلد به این سایت گذاشته شده است!!! جلد اول این کتابها به اتمام رسیده است!!!

تألیف عزیزاله اصغری

هجری شمسی ۱۳۸۲

هجری قمری ۱۴۲۴

میلادی ۲۰۰۳

پایان جلد اول

